

سوکندبه قلم و آنچه می نویسند

جزوه حقوق تجارت ۲

آخرین بروزرسانی جزوه: ۱۴۰۲

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)

حیرت انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

کيه که ندونه درس حقوق تجارت، از مهم ترین دروس در همه آزمون های حقوقی مثل وکالت، قضاوته! با توجه به تدریس چندین ساله ای این درس در دانشگاه های مختلف، تصمیم گرفتیم که برای این درس که داوطلبان برای فراگیری آن دچار مشکل بوده و متأسفانه به منبع جامع و ساده فهم دسترسی نداشته و بعضاً درگیر نشتت منابع می شوند کتاب جزوه طور کاملی رو تهیه کنم که شرح روان و بیانی ساده دارد. سعی بر آن شده که جامعیت در کنار اختصار بنشیند و مطالب به نحوی تدوین شود که نظم منطقی اوون به سردرگمی تبدیل نشه. مطالعه ای این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون های تخصصی حقوقی مانند آزمون های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت، توصیه می شود. ضمناً باید بگم: ده ها جزوه سبک و روان حقوقی که به طور شگفت انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایت www.mollakarimi.ir بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می کنید!

در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست های آزمون های هر سال، به روز می شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان آور است. نگارنده، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادهای و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه های فوق یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند.

به صورت چریکی، کلی حقوق تجارت را آموزش خواهیم داد به گونه ای که به سادگی خوردن یک سوپ مرغ به صورت شیوا و رسا آن را بفهمید. مفاهیم حقوق تجارت اگر بدون مثال های ساده توضیح داده بشه مثل یک قورباغه زشت، تحمل اوون سخت است اما در این نوشته، کاری می کنیم که این قورباغه را ببوسید. ما اوون قدیم که دانشجوی کارشناسی بودیم، استادامون بهمون کتابای دکتر اسکینی رو معرفی می کردند. وقتی کتاب های ایشون رو دستمون می گرفتیم با یک سری اصطلاحات قلمبه سلمبه چقر حقوقی مواجه می شدیم که ازش چیزی نمی فهمیدیم و نهایتاً حوصله مون سر می رفت و زده می شدیم؛ البته باید گفت که مشکل از خودمون بود که اوون اصطلاحات رو در سال های دوره کارشناسی نمی فهمیدیم، چون مفاهیم پایه رو نمی دونستیم و یکی باید اول به زبون داستانی و با مثال های روشن برامون قصه می گفت و بعد، برامون خواندن اصطلاحات ثقیل و دشوار، مثل خوردن هلو می شد! در سال های اخیر که «شبکه های اجتماعی»، ادبیات عامیانه رو ترویج دادن و مخاطب عمده این شبکه ها، دهه هفتادی ها و هشتادی ها هستند، معلم حقوق باید به زبون اینستاگرامی برای اوونها تدریس کنه! اصلاً هنر معلمی یعنی «ساده گویی»؛ خلاصه اینکه، مدنی رو به طور کامل می گم و شما رو معتاد به روش خودم می کنم؛ قول می دم!

تقدیم به تمام کسانی که تا به حال هیچ به آن ها تقدیم نشده است؛ تقدیم به کنامان!

یکی از مباحث حقوق تجارت، حقوق تجارت ۲ که طبق آخرین سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شامل شخصیت حقوقی، شخص حقوقی و تابعیت آن با تأکید بر شرکت‌های تجاری، کلیات حقوق شرکت‌ها (تعریف، مقایسه با شرکت مدنی شرکت‌های سرمایه، شخص و مختلط) و شرکت‌های سهامی عام و خاص، شرکت‌های با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی، شرکت مختلط و شرکت نسبی است

شرکت‌های تجاری

تفاوت شرکت‌های تجاری و مدنی از قرار ذیل است:

۱. شرکت‌های تجاری همیشه به موجب عقد به وجود می‌آیند حال آنکه شرکت‌های مدنی ممکن است به موجب عقد به وجود آیند و یا به طریقی دیگر (مثل وراثت، اختلاط، ...)
۲. نکته: اینکه می‌گوییم شرکت‌های تجاری با عقد یعنی قرارداد به وجود می‌آیند منظور ما آن است که در برخی شرکت‌ها، شرکاء و سهامداران، اساسنامه و یا شرکت‌نامه را امضاء می‌کنند و در شرکت‌های سهامی، سهامداران ورقه خرید سهم را امضا می‌کنند که اصطلاحاً به آن پذیرهنویسی گویند؛ بنابراین امضای اساسنامه یا شرکت‌نامه یا ورقه خرید سهم، همگی دلالت بر عقد بودن شرکت‌های تجاری دارند.
۳. شرکت‌های تجاری عقدی لازم‌اند حال آنکه شرکت‌های مدنی که با عقد به وجود آمده‌اند عقدی جایزند.
۴. شرکت‌های تجاری واجد شخصیت حقوقی هستند حال آنکه شرکت‌های مدنی از وجود شخصیت حقوقی بی‌بهره‌اند.
۵. شرکت‌های تجاری دارای دارایی اختصاصی مخصوص به خود هستند و این دارایی جدای از دارایی شخصی شرکاست در حالی که در شرکت‌های مدنی چون شرکت‌های تجاری واجد شخصیت حقوقی نیستند و دارای دارایی اختصاصی نیز نمی‌باشد.
۶. دارایی مهم‌ترین اثر شخصیت حقوقی است. بعد از اینکه صاحبان آورده، آورده خود را تقدیم شرکت می‌کنند، دارایی مستقل شرکت ایجاد می‌شود با تشکیل و ثبت شرکت دو اتفاق می‌افتد: ۱. آورده تبدیل به دارایی مستقل شرکت می‌شود؛ ۲. صاحبان آورده تبدیل به شرکای شرکت می‌شوند. در نتیجه، برای شریک حق ایجاد می‌شود. این حق در یکسری جاها به واسطه سهام (سهم) است و در یکسری شرکت‌ها به واسطه سهم‌الشرکه ایجاد می‌شود. این حق هم جنبه مالی (سود مستمر، استرداد اصل آورده بعد از انحلال) دارد و هم جنبه غیرمالی (حق رأی، حق اطلاع، حق حضور).
۷. سهم و سهم‌الشرکه هر دو یک حق دینی است که برای شریک به عهده شرکت ایجاد شده است. حال این حق هم جنبه مالی دارد، هم جنبه غیرمالی و از آنجایی که جنبه مالی دارند، قابل تقویم، قابل انتقال، قابل توقیف، قابل اسقاط و قابل توثیق (وثیقه یا رهن) می‌باشند. علی‌رغم اینکه ماده ۷۷۴ ق.م.رهن دین را باطل دانسته است، اما در حقوق تجارت اولاً به موجب ماده ۱۱۴ در سهام وثیقه مدیران و در ثانی به موجب قانون خاص الزام سپردن وثیقه به بانک‌ها مصوب ۱۳۸۰ که وثیقه اوراق بهادار از جمله سهم یا اوراق مشارکت و یا حتی سهم‌الشرکه را پذیرفته است و نهایتاً، به موجب ماده ۱۰ ق.م.توثیق سهام و سهم‌الشرکه نیز پذیرفته شده است.
۸. در اغلب موارد اتخاذ تصمیم در شرکت‌های تجاری به اکثریت آراست حال آنکه در شرکت‌های مدنی در اغلب موارد اتخاذ تصمیم به اتفاق آراء می‌باشد.
۹. در همه موارد شرکت‌های تجاری دارای نام مخصوص به خود هستند حال آنکه در اغلب موارد شرکت‌های مدنی نام مخصوص به خود ندارند. نام شرکت‌ها حداکثر متشکل از سه بخش است. عنوان، نام خاص / اسم خاص و اسم شریک.

عنوان	اسم خاص	اسم شریک
تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی و مختلط سهامی	+	+
سایر شرکت‌ها (سهامی‌ها، تعاونی و با مسئولیت محدود)	+	-
(+) فقط شریک نام‌برده در حکم ضامن است.	+	-
به موجب ماده ۲۲۰ شرکت‌های عملاً موجود که فاقد عنوان می‌باشد در حکم شرکت تضامنی است.	-	-

تست: اگر شرکتی فاقد عنوان باشد:

- × شریک در حکم ضامن است.
- × شرکاء در حکم شرکای تضامنی‌اند.
- × شرکت در حکم شرکت تضامنی است.
- ✓ شرکت و شرکاء در حکم تضامنی هستند.

وقتی شرکت در حکم تضامنی است، حکماً شرکاء نیز ضامن‌اند ولی وقتی شریکی در حکم تضامنی است الزاماً شرکت در حکم تضامنی نیست.

۷. در شرکت‌های تجاری رابطه مالکیت شرکاء با اموال خود به محض تشکیل شرکت قطع می‌گردد زیرا این اموال دیگر متعلق به خود شرکت است؛ به همین دلیل است که در شرکت‌های تجاری، شرکاء نسبت به اموال شرکت، دارای یک حق احتمالی هستند که اصطلاحاً به آن حق دینی می‌گویند؛ اما در شرکت‌های مدنی از آنجا که شرکت، واجد شخصیت حقوقی مستقلی نمی‌باشد، رابطه مالکیت شرکاء با اموال خود قطع نمی‌گردد، اصطلاحاً می‌گویند شرکاء همچنان دارای یک حق عینی نسبت به اموال می‌باشند.
۸. تفاوت دیگر شرکت‌های تجاری و مدنی آن است که در شرکت‌های تجاری، قانونگذار پاره‌ای الزامات را ضروری دانسته است. مثل داشتن اسم مخصوص، ثبت شرکت، وجود هیأت مدیره، ارگان نظارت‌کننده و مواردی از این قبیل درحالی که در شرکت‌های مدنی چنین الزاماتی وجود ندارد.
۹. تفاوت دیگر شرکت‌های تجاری و مدنی آن است که شرکت‌های تجاری همیشه به قصد نفع‌بردن تشکیل می‌شوند یعنی هدف شرکاء از تشکیل شرکت، انتفاع می‌باشد؛ حال آنکه در شرکت‌های مدنی امکان دارد هدف شرکاء از تشکیل شرکت، انتفاع نباشد بلکه به منظورهای دیگری شرکت مدنی را تشکیل دهند.
۱۰. در مورد شرکت‌های تجاری، اقامه دعوی بر علیه خود شرکت است، اما در شرکت‌های مدنی علیه شرکاء اقامه دعوی می‌کنند. نکته: در شرکت‌های تجاری اگر بخواهیم از جانب شرکت اقامه دعوی کنیم، خواهان دعوی، خود شرکت است و اگر بخواهیم بر علیه شرکت اقامه دعوا کنیم باز، خواننده دعوی خود شرکت است، درحالی که در شرکت‌های مدنی خود شرکاء به‌عنوان خواهان و یا خواننده دعوی قرار می‌گیرند.

شرکت‌های موجود در قوانین ایران از قرار ذیل است:

۱. شرکت سهامی خاص
۲. شرکت سهامی عام
۳. شرکت با مسؤولیت محدود
۴. شرکت تضامنی
۵. شرکت نسبی
۶. شرکت مختلط غیر سهامی
۷. شرکت مختلط سهامی
۸. شرکت تعاونی

نکته: در قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴:

۱. شرکت‌های تعاونی متعارف (همان تعاونی‌های تولید و مصرف قانون تجارت است) بند ۸ ماده ۱
 ۲. شرکت‌های تعاونی سهامی عام (در قالب سهامی عام) بند ۹ ماده ۱
 ۳. شرکت‌های تعاونی فراگیر ملی (اختیاری است یعنی می‌تواند در قالب سهامی عام باشد یا تعاونی) بند ۱۰ ماده ۱
- ساختار این دو مورد اخیر، با اولی (شرکت‌های تعاونی متعارف) فرقی نکرده اما هدفشان متفاوت است. هدف این دو مورد (شرکت‌های تعاونی سهامی عام و شرکت‌های تعاونی فراگیر ملی) خصوصی‌سازی و کم‌کردن فاصله دهک‌های پایین است؛ فی‌المثل در شرکت‌های تعاونی فراگیر ملی سه دهک پایین جامعه باید هفتاد درصد اعضا را تشکیل دهند.

پس شرکت‌های تعریف‌شده در قانون تجارت بر هفت قسم است که یکی از آنها شرکت تعاونی تولید و مصرف است که اصطلاحاً شرکت تعاونی متعارف نیز به موجب قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ شناخته می‌شوند. از سویی به موجب قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ ظاهراً دو شرکت تعاونی دیگر تعریف شده است که عبارتند از: شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت تعاونی فراگیر ملی.

در حال حاضر ۹ شرکت تعریف شده است (۷ تا در ماده ۲۰ قانون تجارت + ۳ تا در ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ که دو تا از آنها جدید است و یکی قبلاً تعریف شده بود). دو شرکت جدید تعریف شده صرفاً به لحاظ اهداف با شرکت‌های قانون تجارت متفاوتند و الا ساختار عمومی آنها مشمول قانون تجارت است. به نحوی که تعاونی سهامی عام مشمول مقررات سهامی عام و تعاونی فراگیر ملی به انتخاب شرکاء مشمول ساختار تعاونی و یا سهامی عام می‌تواند تشکیل شود (این موضوع در اساسنامه تعیین می‌شود).

نکته: هرچند که اشخاص در هنگام تشکیل شرکت در انتخاب نوع شرکت آزادند یعنی می‌توانند هر شرکتی را که بخواهند با رعایت الزامات قانونی آن شرکت تشکیل دهند اما استثنائاً برای برخی فعالیت‌ها الزام قانونی وجود دارد که نوع خاصی از شرکت تشکیل شود؛ برای مثال اشخاصی که می‌خواهند شرکت آنها موضوع فعالیتشان بانکداری یا بیمه‌گری باشد الزاماً باید شرکت سهامی عام تشکیل دهند. همچنین اشخاصی که می‌خواهند سهام شرکت آنها در بازار بورس و اوراق بهادار مورد دادوستد قرار گیرد الزاماً باید اقدام به تشکیل شرکت سهامی عام نمایند. همچنین باید توجه داشت اشخاصی که می‌خواهند به کار صرافی اشتغال داشته باشند باید شرکت تضامنی تشکیل دهند.

نکته: اگر چند نفر به عمل تجاری اشتغال داشته باشند اما خود را در قالب یک شرکت تجاری (شرکت‌های هشتگانه) در نیابند، ضمانت اجرا چیست؟ ماده ۲۲۰ ق.ت چنین شرکتی را تضامنی قلمداد نموده است یعنی قانونگذار مقرر داشته هر یک از شرکاء این شرکت در قبال کل بدهی‌های شرکت، مسئولیت تضامنی دارند.

دسته‌بندی کلی شرکت‌ها:

- ۱- شرکت‌های شخص: شرکت‌هایی هستند که عنصر شرکاء در آنها از درجه اول اهمیت برخوردار است. شرکت‌های تضامنی و نسبی از این قبیل اند.
- ۲- شرکت‌های سرمایه‌ای: شرکت‌هایی هستند که عنصر سرمایه در آنها از درجه اول اهمیت برخوردار است. شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت با مسئولیت محدود از این قبیل است. هرچند به لحاظ میزان مسئولیت، شرکت‌های با مسئولیت محدود در دسته شرکت‌های سرمایه‌ای قرار گرفت و یک شرکت سرمایه‌ای به شمار آمد اما از حیث سایر ویژگی‌های شبیه شرکت‌های اشخاص می‌باشد. فی‌المثل حداقل دو شخص برای تشکیل لازم است، نام اشخاص شریک نامیده می‌شود، قرارداد شرکت نامیده می‌شود نه اساسنامه، آورده سهم‌الشرکه نامیده می‌شود و نه سهام، فوت شریک با مسئولیت محدود می‌تواند باعث انحلال باشد، انتقال سرمایه نیازمند رضایت سایر شرکاء است، تشکیل شرکت حداقل سرمایه قانونی نمی‌خواهد. پس غالب ویژگی‌های با مسئولیت محدود شبیه شرکت‌های اشخاص است ولی مسئولیتش شبیه سرمایه‌ای‌ها است.
- ۳- شرکت‌های مختلط: شرکت‌هایی که دارای دو نوع شریک‌اند: برخی از شرکاء، دارای مسئولیت شریک شرکت با مسئولیت محدود و یا دارای مسئولیت سهامدار شرکت سهامی هستند و برخی دیگر دارای مسئولیت شریک شرکت تضامنی می‌باشند. شرکت مختلط سهامی و شرکت مختلط غیر سهامی از این قبیل اند.
- ۴- شرکت‌های تعاونی: شرکت‌هایی هستند که به موجب قانون بخش تعاون اقتصاد ج.ا.ا. مصوب سال ۱۳۷۰ و اصلاحیه سال ۱۳۷۷ که بسیار مهم است و اساسنامه خود تشکیل می‌گردند و در صورت سکوت اینها، مقررات کلی لایحه اصلاح قانون تجارت در آنها اعمال خواهد شد.
- ۵- نکته: در شرکت‌های سرمایه (سهامی‌ها و با.م.م) و تعاونی، نام شرکت باید کاملاً از نام شرکاء یا سهامداران مستقل باشد چون در این شرکت‌ها تکیه بر سرمایه است و نه نام شریک یا سهامدار. نحوه نامگذاری در این شرکت‌ها اینگونه است که باید ابتدا عنوان شرکت مثلاً «شرکت سهامی خاص ...» و بعد یک نام مستقل مثلاً «وکالت‌یار». مثلاً اگر من و شما و دوستمون شرکتی سرمایه‌ای یا تعاونی تشکیل دادیم، اسم شرکت رو نمی‌شه مثلاً «شرکت تعاونی ملاکریمی» بگذاریم. ضمانت اجرای این حرفم اینه: در شرکت‌های سهامی و تعاونی اگر این قاعده اجرا نشد اساساً شرکت قابل ثبت نیست اما در شرکت با.م.م شرکت ثبت می‌شود ولی شرکت با.م.م در برابر اشخاص ثالث، شرکت تضامنی محسوب می‌شود. در شرکت‌های شخص و مختلط نامگذاری به این صورت است: «عنوان شرکت» + «نام تمام یا بعضی از شرکاء». یک نکته بدیهی و یک نکته مهم هم بگم: بدیهی اینکه در شرکت‌های مختلط نام شرکای ضامن بیان می‌شود. نکته مهم اینکه: اگر شریک با.م.م و یا سهامدار (یعنی شریکی که ضامن نبود) ولی نامش در عنوان شرکت اومد آن شریک ضامن محسوب می‌شود.

نکته: شرکت‌های تعاونی را می‌توان در زمره شرکت‌های شخص قلمداد نمود زیرا این شرکت‌ها بین صنوف خاص تشکیل می‌گردند و ورود سایر اشخاص با مشکل مواجه است.

۶- شرکت‌های دولتی: با توجه به ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، شرکت دولتی شرکتی است که بیش از ۵۰٪ سرمایه آن متعلق به دولت می‌باشد. شرکت‌های دولتی مشمول قانون تأسیس و اساسنامه خاص خود می‌باشند و در صورت سکوت اساسنامه و قانون تأسیس مستنداً به ماده ۳۰۰ لایحه اصلاح قانون تجارت، مقررات کلی لایحه اصلاح قانون تجارت در مورد آنها اعمال و اجرا خواهد شد.

تست: کدام یک از شرکت‌های ذیل با مسؤلیت محدود به **آورده** به شمار می‌آید؟

× شرکت با مسؤلیت محدود

× سهامی عام و خاص

× تعاونی

✓ شرکت با مسؤلیت محدود، شرکت سهامی و شرکت تعاونی

تفکیک شرکت‌های تجاری به محدود و نامحدود (سرمایه و اشخاص) صرفاً بعد از انحلال شرکت‌های تجاری و چه بسا بعد از ختم عملیات تصفیه قابل تصور می‌باشد.

تا زمانی که شرکت موجود است، تمام شرکت‌ها شرکت سرمایه‌ای محسوب می‌شود یعنی تا وقتی موجود است نمی‌توان به شرکاء مراجعه کرد حتی تضامنی، حتی نسبی. تا وقتی شرکت موجود است چیزی به نام شرکت اشخاص وجود ندارد. زمان مراجعه به شرکت اشخاص بعد از انحلال است.

نحوه مطالعه قوانین مربوط به درس حقوق تجارت:

مواد ۱ تا ۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ (که در حقوق تجارت ۱ خوانده شد).

مواد ۱ الی ۳۰۰ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ (که مربوط به شرکت‌های سهامی عام و خاص می‌باشد)

مواد ۹۴ الی ۶۰۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱

توجه: مواد ۲۱ الی ۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نسخ شده به جز مواد ۵۱، ۵۷، ۹۳ آن.

ملاک تعیین اقامتگاه اشخاص حقوقی:

سؤال: منظور از مرکز اداره شرکت چیست؟

یعنی مکانی که تصمیمات شرکت در آنجا اتخاذ می‌گردد یعنی محلی که در آنجا مجامع عمومی شرکت و همچنین جلسات هیأت مدیره شرکت تشکیل می‌شود. اگر جلسات مجمع عمومی در یک شهر اما جلسات هیأت مدیره در شهر دیگری تشکیل شود، ملاک ما، جلسات مجمع عمومی خواهد بود زیرا مجمع عمومی، مافوق هیأت مدیره می‌باشد و هیأت مدیره، مجری مصوبات مجمع عمومی می‌باشد.

سؤال: منظور از مرکز عملیات شرکت چیست؟

منظور مکانی است که شرکت، موضوع فعالیت خود را در آنجا انجام می‌دهد؛ برای مثال اگر موضوع فعالیت شرکت، امور بازرگانی باشد، مرکز عملیات جایی است که شرکت معاملات خود را در آنجا انجام می‌دهد. اگر موضوع فعالیت شرکت، تولید دارو باشد مرکز عملیات شرکت شهری است که شرکت در آنجا کارخانه دارد.

نکته: در برخی قوانین مثل قانون آئین دادرسی مدنی و قانون ثبت شرکت‌ها قانونگذار اصطلاح مرکز اصلی شرکت را استعمال نموده است. منظور از مرکز اصلی شرکت، همان مرکز اداره شخص حقوقی می‌باشد.

از آنجا که در خصوص تعیین ملاک اقامتگاه حقوقی ما مواجه با دو نص قانونی هستیم، حقوقدانان نیز در این زمینه اختلاف نظر دارند زیرا از یک طرف «ماده ۵۹۰ ق.ت.» مرکز اداره را ملاک قرار داده است و از طرف دیگر «ماده ۱۰۰۲ ق.مدنی.» مرکز عملیات را ملاک قرار داده است.

۱- برخی از حقوقدانان معتقدند نظر به اینکه در عمل همیشه مرکز عملیات و مرکز اداره بر همدیگر قابلیت انطباق دارند لذا تعارضی بین دو ماده فوق وجود ندارد یعنی این عده می‌گویند هر جا مرکز عملیات است همان جا مرکز اداره هم هست. این نظر قابل پذیرش نیست زیرا می‌دانیم که منظور از مرکز اداره یعنی محلی که جلسات مجمع عمومی و همچنین جلسات هیأت مدیره در آنجا تشکیل می‌گردد، حال آنکه منظور از مرکز عملیات

یعنی محلی که کارخانه شرکت در آنجا واقع است. ما در عمل مشاهده می‌کنیم که بیشتر شرکت‌ها کارخانه‌هایشان در یکی از شهرهای صنعتی است حال آنکه محل تشکیل جلسات مجامع عمومی و هیأت مدیره تهران می‌باشد.

۲- برخی دیگر معتقدند از آنجاکه «ماده ۱۰۰۲ ق.م.» در سال ۱۳۱۳ تصویب گردیده اما «ماده ۵۹۰ ق.ت.» سال ۱۳۱۱ تصویب شده است «ماده ۱۰۰۲ ق.م.» به دلیل مؤخرالتصویب بودن، نسخ «ماده ۵۹۰ ق.ت.» است. این نظر نیز قابل‌پذیرش نیست زیرا می‌دانیم که قانون مدنی، عام است و قانون تجارت، خاص و مطابق مقررات اصولی قانون عام، قابلیت تخصیص قانون خاص را ندارد.

خلاصه کلام: اگر در حقوق تجارت سؤال از اقامتگاه اشخاص حقوقی مطرح گردد ملاک ما ماده ۵۹۰ ق.ت. یعنی مرکز اداره و اگر در حقوق مدنی سؤال مطرح گردد ملاک ما ماده ۱۰۰۲ ق.م. یعنی مرکز عملیات می‌باشد. پس، اقامتگاه اشخاص حقوقی و شرکت‌ها محل اداره شخص حقوقی است یعنی مرکز مهم امور شرکت؛ بنابراین، محل کار و عملیات تولیدی مهم نیست.

سؤال: کدام‌یک از موارد ذیل ملاک تعیین اقامتگاه شرکت‌های تجاری است؟

الف- مرکز عملیات

ب- مرکز امور بازرگانی شرکت

ج- محل وقوع اموال غیرمنقول

د. هیچ‌کدام ✓

ملاک تعیین تابعیت اشخاص حقوقی:

مستند به «ماده ۵۹۱ ق.ت.» اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آنها در آن کشور است؛ بنابراین غیر از عامل اقامتگاه شخص حقوقی، هیچ عامل دیگری نقشی را در تعیین تابعیت اشخاص حقوقی ایفاء نمی‌کند؛ بنابراین اینکه اعضای تشکیل‌دهنده شخص حقوقی تابعیت چه کشوری را دارند تأثیری در تابعیت شخص حقوقی نخواهد داشت. نتیجه: تابعیت شرکت‌های تجاری از نظر قانون تجارت (ماده ۵۹۱ ق.ت.) تابع اقامتگاه آنهاست: شرکت مقیم تهران، تابعیت ایرانی دارد. البته از نظر قانون راجع به ثبت شرکت‌ها (ماده ۱ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰) تابعیت شرکت‌ها تابع محل تشکیل و مرکز اصلی آنهاست که با توجه به مؤخرالتصویب بودن قانون تجارت همان معیار ماده ۵۹۱ صرفاً ملاک است و نه محل تشکیل و نه محل ثبت. جمع‌بندی: تابعیت، تابع اقامتگاه (مرکز اداره شرکت) است.

سؤال: آیا تغییر تابعیت شرکت‌های تجاری امکان‌پذیر است یا خیر؟ در این زمینه ما مواجه با دو نص قانونی هستیم. از یک طرف «ماده ۱۱۰ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱» تغییر تابعیت شرکت با مسؤولیت محدود را به اتفاق آراء تجویز نموده است. از طرف دیگر «ماده ۹۴ ل.ا.ق.ت. مصوب ۱۳۴۷» تغییر تابعیت شرکت‌های سهامی را با هیچ اکثریتی تجویز نموده است. لذا نظر اقوی بر این است: از آنجا که تابعیت، یک امر سیاسی می‌باشد، اعطای تابعیت، سلب تابعیت و تغییر آن نیز در دست دولت است و دولت نیز با وضع قوانین، ملاک اعطاء تابعیت را بیان می‌کند. در کشور ما نیز قانونگذار با وضع ماده ۵۹۱ ق.ت. این ملاک را بیان می‌کند؛ بنابراین افراد تشکیل‌دهنده شرکت، مقامی نیستند که بتوانند به شرکت اعطاء تابعیت نمایند و یا از آن سلب تابعیت کنند. به همین دلیل است که قانونگذار که سال ۱۳۴۷ با علم و آگاهی بیشتری مبادرت به وضع قانون می‌نمود به این نکته مهم توجه نموده و مقرر داشته تغییر تابعیت شرکت سهامی با هیچ اکثریتی امکان‌پذیر نیست. برخی از حقوقدانان در مورد «ماده ۱۱۰ ق.ت.» معتقدند این ماده در حال حاضر قابلیت اعمال ندارد و برخی دیگر معتقدند منظور از این ماده آن است که شرکاء به اتفاق آراء، اقامتگاه شرکت را تغییر دهند و به تبع تغییر اقامتگاه، تابعیت نیز تغییر نماید.

چند سؤال:

۱- تغییر تابعیت شرکت سهامی عام و خاص:

الف- به اتفاق آراء امکان‌پذیر است.

ب- به اکثریت^۳ آراء امکان‌پذیر است.

ج- به اکثریت^۲ آراء امکان‌پذیر است.

د. امکان‌پذیر نیست. ✓

۲- تغییر تابعیت شرکت‌های تجاری:

الف- به اتفاق آراء امکان‌پذیر است.

- ب- به اکثریت^۳ آراء امکان‌پذیر است.
- ج- به اکثریت^۲ آراء امکان‌پذیر است.
- د- امکان‌پذیر نیست. ✓
- ۳- تغییر تابعیت شرکت با مسؤولیت محدود:
- الف- به اتفاق آراء امکان‌پذیر است. ✓
- ب- به اکثریت^۳ آراء امکان‌پذیر است.
- ج- به اکثریت^۲ آراء امکان‌پذیر است.
- د- به اکثریت نصف + یک آراء امکان‌پذیر است.
- ۴- تغییر تابعیت شرکت با مسؤولیت محدود:
- الف- به اتفاق آراء امکان‌پذیر است.
- ب- به اکثریت^۳ آراء امکان‌پذیر است.
- ج- به اکثریت^۲ آراء امکان‌پذیر است.
- د- امکان‌پذیر نیست. ✓
- در تست‌های شماره ۳ و ۴ باید توجه داشت اگر گزینه «به اتفاق آراء» و «امکان‌پذیر نیست» باهم باشد، گزینه «امکان‌پذیر نیست» صحیح است درحالی‌که در تست شماره ۳ گزینه «امکان‌پذیر نیست» وجود ندارد.

سؤال: اگر در اساسنامه شرکت اقامتگاه شرکت شهر الف مشخص شده باشد اما شرکت در عمل اقامتگاه خود را شهر ب قرار بدهد. آیا در صورت حدوث اختلاف، شهر الف باید به‌عنوان اقامتگاه شرکت قلمداد گردد یا شهر ب؟

باید بین دو مورد تمایز قائل شد:

الف) مدعی ثالث باشد؛ یعنی ثالثی اثبات نماید که شرکت از حکم مقرر در اساسنامه تخلف کرده و مرکز اداره خود را در شهر ب قرار داده است، در این صورت ادعای ثالث را می‌پذیرند و شهر ب را به‌عنوان اقامتگاه شرکت قلمداد می‌کنند؛ دلیل آن امر این است که احتمال دارد تشکیل‌دهندگان شرکت در شهر الف اشخاص ذی‌نفوذی باشند و می‌خواستند دعاوی راجع به شرکت در شهر الف مطرح شود تا سوءاستفاده شود لذا برای جلوگیری از چنین سوءاستفاده‌ای شهر ب به‌عنوان اقامتگاه شرکت تلقی می‌شود.

ب) اگر مدعی، خود شرکت یا هیأت مدیره شرکت و یا سهامداران عمده شرکت باشند و ادعا نمایند اقامتگاه شرکت در مکانی غیر از مکان مشخص شده در اساسنامه می‌باشد در این صورت ادعای آنها نباید پذیرفته شود زیرا این امکان وجود دارد که این بار، هدف آنها باز سوءاستفاده دیگری باشد لذا می‌گویند شما نمی‌توانید خود از مقررات شرکت تخلف کنید و از مزایای تخلف نیز بهره‌مند گردید یعنی اقامتگاه شرکت همان شهر الف قلمداد خواهد شد.

نکته مهم: در خصوص تابعیت اشخاص حقوقی مواجه با ۲ نص قانونی هستیم، از یک طرف ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها مقرر داشته هر شرکتی که در ایران تشکیل شود و مرکز اصلی آن در ایران باشد، شرکت ایرانی قلمداد می‌گردد از طرف دیگر ماده ۵۹۱ قانون تجارت مقرر داشته اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاهشان در آن کشور است.

نکته: هر چند تابعیت شرکاء و سهامداران هیچ نقشی در تعیین تابعیت شرکت ایفاء نمی‌کند اما باید توجه داشت اتباع خارجه نمی‌توانند بیش از ۴۹٪ از سهام یا سرمایه شرکت را داشته باشند، یعنی الزاماً باید حداقل ۵۱٪ سهام یا سرمایه شرکت متعلق به اتباع ایرانی باشد.

نحوه تشکیل شرکت‌های تجاری:

۱- نحوه تشکیل شرکت‌های سهامی عام:

ذکر مقدماتی چند در تشکیل این شرکت‌ها لازم است:

مقدمه اول: در تشکیل این شرکت‌ها دو الزام قانونی باید رعایت شود:

الزام اول: اینکه در هنگام تشکیل شرکت، بایستی مقداری از سرمایه شرکت را خود مؤسسين تعهد (تأمین) نمایند که حداقل آن ۲۰٪ کل سرمایه می‌باشد و در باب حداکثر، مرزی تعیین نشده است.

الزام دوم: آن است که بایستی مقداری از سرمایه جهت تأمین به عموم عرضه گردد. عرضه سهام به عموم مختص شرکت سهامی عام است. در هیچ شرکت دیگری عرضه سهام به عموم وجود ندارد. عرضه سهام به عموم از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به عمل می‌آید. عموم متعاقب نشر آگهی، به بانک معرفی شده مراجعه نموده و اقدام به پذیره‌نویسی می‌نمایند. پذیره‌نویسی که توسط عموم به عمل می‌آید عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد زیرا اعمال تجاری در بندهای ده‌گانه ماده ۲ ق.ت احصاء شده‌اند حال آنکه پذیره‌نویسی مشمول هیچ‌کدام از این بندها نمی‌باشد. پذیره‌نویس چنانچه در جلسات مجامع عمومی حاضر نشود بعداً نمی‌تواند به مصوبات ایراد نماید زیرا امضاء ورقه سهم به‌خودی‌خود مستلزم قبول اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی بوده و ایراد پذیره‌نویس مسموع نخواهد بود.

مؤسسين چه کسانی هستند؟ مؤسسين اشخاصی هستند که برای تهیه مقدمات تشکیل شرکت پیش قدم شده‌اند. اصطلاح مؤسسين متفاوت از اصطلاح مجمع عمومی مؤسس است. منظور از مجمع عمومی مؤسس، جلسه‌ای است که از اجتماع مؤسسين و پذیره نویسان تشکیل گردیده و با انجام وظایف خود، تشکیل شرکت را اعلام می‌دارند.

حداقل تعداد مؤسسين در سهامی عام چند نفر است؟ عده‌ای معتقدند حداقل ۵ نفر اما نظر قوی بر این است که کمتر از ۵ نفر نیز ایرادی ندارد یعنی ۲ نفر نیز کفایت می‌کند زیرا ۵ نفر حداقل سهامداران شرکت سهامی است یعنی مجموع مؤسسين و پذیره نویسان.

یک مثال: اگر سرمایه اولیه یک شرکت سهامی عام ۱۰۰'۰۰۰'۰۰۰ تومان باشد و ۵۰٪ سرمایه را مؤسسين تعهد نمایند؛ در این صورت الزاماً باید حداقل ۳۵٪ از ۵۰ میلیون تومان یعنی ۱۷/۵ میلیون تومان را نقداً پرداخت گردد و نسبت به مابقی تعهد به پرداخت به عمل آید.

شرکت سهامی عام در هنگام تشکیل می‌تواند عنوان نماید که مبلغ اسمی همه سهام نقداً پرداخت گردد.

در هنگام تشکیل شرکت سهامی مؤسسين باید حداقل ۲۰٪ از کل سرمایه را خود تعهد (تأمین) نمایند و از این مبلغ ۳۵٪ را الزاماً باید نقداً بپردازند و نسبت به مابقی می‌توانند تعهد به پرداخت بنمایند. موعد پرداخت را اساسنامه تعیین می‌کند، اما این مدت نمی‌تواند بیش از ۵ سال باشد.

الزام دوم: در شرکت سهامی عام مقداری از سرمایه باید جهت تعهد (تأمین) به عموم عرضه گردد.

پرداخت نقدی ۳۵٪ از ۸۰٪ و تعهد به پرداخت ۶۵٪ از ۸۰٪

حداقل مشخص نشده اما حداکثر آن ۸۰٪ کل سرمایه می‌باشد (برعکس مؤسسين) زیرا در مؤسسين حداقل مشخص شده اما حداکثر مشخص نیست.

در شرکت سهامی عام قبل از نشر آگهی جهت پذیره‌نویسی اخذ مجوز از چه مراجعی الزامی می‌باشد؟

از اداره ثبت شرکت‌ها و بازار بورس و اوراق بهادار

اگر برای شرکت سهامی عام مجوزهای خاصی نیز لازم باشد، بایستی قبل از نشر آگهی جهت پذیره‌نویسی، مجوزهای لازم اخذ شده باشد.

سؤال: ماهیت پذیره‌نویسی چیست؟ پذیره‌نویسی توافق دوجانبه یعنی عقد است که نیاز به ایجاب و قبول دارد که این ایجاب و قبول توسط مؤسسين از یک طرف و پذیره نویسان از طرف دیگر تحقق یابد.

سؤال: آیا مؤسسين می‌توانند در آگهی منتشره حداقلی را برای پذیره‌نویسی سهام مشخص نمایند؟

بله می‌شود؛ یعنی می‌توانند شرط نمایند که هیچ پذیره‌نویسی نمی‌تواند کمتر از ۲۰۰ سهم خریداری نماید.

سؤال: اینکه می‌گوییم در هنگام تشکیل شرکت الزاماً باید ۳۵٪ از ۱۰۰٪ سرمایه نقداً پرداخت گردد (مؤسسين به نسبت سهام خود و پذیره نویسان به نسبت سهام خود) این پرداخت به چه نحوی احراز می‌گردد؟

پرداخت بایستی به حساب شرکت در شرف تأسیس نزد بانک بعمل آید و بانک گواهی لازم را به مرجع ثبت شرکت‌ها دال بر پرداخت ۳۵٪ تسلیم نماید.

مقدمه دوم: در هنگام تشکیل شرکت‌های سهامی عام، آورده محتمل است آورده نقد (پول) و یا آورده غیر نقد (غیر پول مثل کالا، ملک، ماشین و...) باشد؛ چنانچه آورده، آورده نقد (پول) باشد الزام قانونی بر آن است که ۳۵٪ آن نقداً پرداخت گردد اما نسبت به مازاد آن می‌تواند تعهد به تأدیه به عمل آید. اینکه مبلغ تأدیه شده در چه زمانی قابل مطالبه است اساسنامه تعیین می‌کند اما در هر حال، این مدت نمی‌توان بیش از پنج سال باشد.

نکته: در پرداخت ۳۵٪ نقدی، هر سهامداری به نسبت سهام خود بایستی آن را پرداخت نماید؛ بنابراین مؤسسين بایستی ۳۵٪ از ۲۰٪ را نقداً بپردازند و سایر پذیرهنویسان نیز چنانچه ۸۰٪ بقیه سرمایه را تأمین کرده‌اند بایستی ۳۵٪ از ۸۰٪ را نقداً پرداخت نمایند. چنانچه آورده، غیر نقد (غیر پول) باشد:

اولاً: در هنگام تشکیل شرکت بایستی همه آورده غیر نقد تسلیم گردد؛ بنابراین در مورد آورده‌های غیر نقد، تعهد به تسلیم وجود ندارد. ثانیاً: جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری برای ارزیابی آورده‌های غیر نقد الزامی است.

سؤال: منظور از آورده غیرنقد چیست؟

آورده غیرنقد، شامل دو مورد است:

۱- اموال مادی (حقوق مادی) یعنی اموالی که قابل لمس هستند مثل ملک، کالا، ماشین، طلا و ...

۲- حقوق مالی غیرمادی یعنی حقوق معنوی مالی، مثل حق اختراع، مثل حق تألیف، مثل حق سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت، مثل حق انتفاع (اگر قابل انتقال باشد)

سؤال: آیا تخصص می‌تواند به‌عنوان آورده غیرنقد یعنی حقوق مالی غیرمادی به شرکت آورده شود؟

در این زمینه اختلاف نظر است، عده‌ای معتقدند تخصص می‌تواند به‌عنوان آورده غیرنقد به شرکت آورده شود، اما نظر قوی بر آن است که از آنجاکه آورده غیرنقد باید تسلیم گردد و همچنین تقویم گردد به نظر می‌رسد تخصص قابل تسلیم نیست، فلذا نمی‌توان آن را به‌عنوان آورده غیرنقد قلمداد نمود.

سؤال: اینکه در شرکت سهامی می‌گوییم در هنگام تشکیل شرکت، آورده غیرنقد باید تسلیم گردد، این تسلیم به چه معناست؟

اگر خود آورده غیرنقد قابلیت تسلیم به بانک را دارد آن را به بانک (بانکی که حساب شرکت در شرف تأسیس نزد آن افتتاح گردید) تسلیم می‌کنیم. مثل موردی که آورده غیرنقد، طلا باشد اما اگر آورده غیرنقد، خود قابل تسلیم به بانک نیست باید اسناد مالکیت آن تسلیم بانک گردد مثل موردی که آورده غیرنقد، ملک باشد.

نکته: قانونگذار در برخی موارد برای جلوگیری از تزییع حقوق سهامداران چنین حکم نموده است که برخی دیگر از سهامداران، حق رأی نداشته باشند. می‌توان مصادیقی از آن را بیان کرد:

۱- در شرکت سهامی عام، آورنده آورده غیرنقد در هنگام تصویب به آورده غیرنقد در جلسه مجمع عمومی مؤسس، حق رأی ندارد.

۲- اگر شرکت بخواهد سهام ممتاز را به برخی از سهامداران تخصیص دهد، سهامدارانی که می‌خواهند این امتیازات را به آنها تخصیص دهند در هنگام اخذ تصمیم، حق رأی نخواهند داشت.

۳- اگر مجمع عمومی بخواهد حق تقدم سهامداران را به نفع برخی از سهامداران سلب نمایند سهامدارانی که سلب حق تقدم به نفع آنهاست در هنگام اخذ رأی، حق رأی نخواهند داشت.

نکته: در شرکت سهامی عام همه سرمایه نمی‌تواند آورده غیر نقد باشد، حتماً باید مقداری از سرمایه، آورده نقد باشد، اما در شرکت سهامی خاص، همه آورده می‌تواند آورده غیرنقد باشد.

مقدمه سوم:

ماده ۲۴: سهم، قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد، ورقه سهم، سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.^۱

^۱ سهم‌الشرکه: علی‌رغم عدم تعریف سهم‌الشرکه، سهم‌الشرکه نیز بخشی از سرمایه شرکت‌ها (غالباً شرکت‌های شخص) می‌باشد که میزان و قدر مشارکت شرکاء را تعیین می‌کند بدون آنکه در قالب ورقه صادر شده باشد. شریک، سهم‌الشرکه‌اش در شرکت‌نامه مشخص است؛ سهامدار، سهامش در اساسنامه مشخص نیست چون ورقه تعهد سهم می‌دهیم. سهم‌الشرکه، قابل انتقال است ولی نیاز به تصویب سایر شرکاء دارد. سهم و سهم‌الشرکه هر دو قابل انتقال اند چون هر دو حق مالی هستند؛ اما انتقال سهم به سادگی میسر است لذا در قالب ورقه صادر می‌شود تا بتوان آن را به راحتی انتقال داد و اصولاً نمی‌توان انتقال آن را منوط به موافقت مدیران یا مجمع نمود مگر شرکت سهامی خاص (مفهوم مخالف ماده ۴۱) اما سهم‌الشرکه در قالب ورقه صادر نمی‌شود چراکه انتقال آن منوط به موافقت سایر شرکاء است. از آنجایی که ورقه سهم‌الشرکه نداریم پس اقسام سهم‌الشرکه نیز بی‌معنی است اما در خصوص سهام به جهت وجود ورقه، با اقسامی چون بی‌نام (ماده ۳۹)، با نام (ماده ۴۰)، ممتاز (ماده ۴۲)، سرمایه‌ای و انتفاعی نیز مواجه خواهیم بود. ورقه سهم یا ورقه سهام با نام یا ورقه سهم بی‌نام یا ورقه سهام ممتاز است.

«تعداد سهم» ضربدر «مبلغ اسمی» می‌شود: «مبلغ اسمی سهم»

$$۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ = ۱۰۰ \times ۱۰۰/۰۰۰$$

مبلغ اسمی: ارزش اسمی هر سهم که در اساسنامه مشخص شده است.

ماده ۲۹: در شرکت‌های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

«مبلغ اسمی سهم» می‌شود: «سرمایه» تقسیم بر «تعداد سهام»

مبلغ واقعی: می‌تواند کمتر از مبلغ اسمی باشد.

«مبلغ واقعی» می‌شود: «ارزش کل دارایی‌های شرکت» تقسیم بر «تعداد سهام»

مبلغ دادوستدی (مطنه بورسی) که ممکن است معادل، کمتر یا بیشتر از مبلغ واقعی باشد.

سؤال: منظور از سهام انتفاعی چیست؟

عده‌ای از حقوقدانان معتقدند شرکت می‌تواند سهام انتفاعی داشته باشد منظور سهامی است که دارنده سهام، سرمایه‌ای به شرکت نیاورده و در هنگام انحلال شرکت نیز از دارایی شرکت چیزی نخواهد برد، اما سایر حقوق دارنده سهم را در طول حیات حقوقی شرکت دارد. مثلاً داشتن تخصص، شهرت، اعتبار، هنر، نفوذ سیاسی و فالوئر که قابل تقویم نیستند و یا قابلیت تقدیم و تسلیم ندارند جزء سرمایه شرکت به شمار نمی‌آیند و صاحبان چنین آورده‌هایی (به عبارت بهتر «چنین مواردی») سهام انتفاعی دریافت می‌کنند. در ازای سهم، سرمایه‌ای به شرکت نمی‌آورند، لذا پس از انحلال شرکت، حق دریافت اصل سرمایه را ندارند.

سؤال: منظور از سهام ممتاز، چه سهامی است؟

سهام ممتاز سهامی هستند که در مقایسه با سایر سهام از پاره‌ای از امتیازات برخوردارند.

مثلاً امتیاز سهام ممتاز ممکن است داشتن رأی بیشتر و یا ممکن است بردن سود بیشتر باشد و امتیازاتی از این قبیل.

نکته: اصل بر آن است که در سهام ممتاز امتیازات به سهم تعلق می‌گیرد نه به دارنده؛ در صورت انتقال سهام ممتاز، امتیازات نیز مورد نقل و انتقال واقع می‌شود.

سؤال: چه مرجع یا مراجعی می‌توانند سهام ممتاز را برای برخی از سهامداران پیش‌بینی نمایند؟

۲- مرجع برای چنین امری صالح‌اند:

۱- مجمع عمومی مؤسس از طریق پیش‌بینی آن در اساسنامه

۲- مجمع عمومی فوق‌العاده

سؤال: چه مرجعی صلاحیت سلب امتیازات سهام ممتاز را دارد؟

مجمع عمومی فوق‌العاده چنین صلاحیتی دارد، اما قبل از تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده بایستی دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام موافق سلب امتیاز باشند. سهام ممتاز بعد از انحلال قابل صدور نیست چون مجمع فوق‌العاده‌ای بعد از انحلال وجود ندارد.

سؤال: منظور از سهام مؤسس چه سهامی است؟

سهامی که به مؤسسين اختصاص داده می‌شود و پاره‌ای امتیازات دارند. امتیازات سهام مؤسس می‌تواند مثل سهام ممتاز باشد اما یک تفاوت بین سهام ممتاز و سهام مؤسس وجود دارد و آن اینکه در سهام مؤسس امتیاز به شخص تعلق می‌گیرد نه به سهم بنابراین با انتقال سهام مؤسس، امتیازات نیز از بین می‌رود مگر اینکه اساسنامه شرکت خلاف آن را مقرر داشته باشد.

تفسیر مواد ۴۲ و ۹۳ لایحه اصلاح قانون تجارت

در تفسیر این ۲ ماده اختلاف نظر است، اما باید گفت ماده ۴۲، راجع به سهام ممتاز بحث می‌کند و ماده ۹۳ راجع به سهام مؤسس بحث می‌نماید. در ماده ۹۳ مشخص نشده منظور از مجمع، چه مجمعی است، اما به نظر می‌رسد چون تغییر در خصوصیت سهام، تغییر در اساسنامه می‌باشد، منظور از مجمع عمومی، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد. در ماده ۴۲ قبل از تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده، موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام در خصوص سلب امتیاز ضروری است درحالی که در ماده ۹۳، دارندگان سهام مؤسس با اکثریت دیگری باید اعلام رضایت نمایند.

سؤال: منظور از سهام جایزه چیست؟

اگر سهام جدید شرکت به مبلغی بیشتر از مبلغ اسمی فروخته شود، شرکت می‌تواند بابت مبلغ مازاد دریافتی از سهامداران جدید به سهامداران سابق سهم بدهد، نام این‌گونه سهام، سهام جایزه می‌باشد.

سؤال: اگر شرکت در مؤعد مقرر در اساسنامه مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه نکند، تکلیف چیست؟

مطابق ماده ۳۳ لایحه اصلاح قانون تجارت هیئت مدیره، باید مجمع عمومی فوق‌العاده را به منظور تقلیل سرمایه دعوت نماید، در غیر این صورت هر ذینفعی می‌تواند برای تقلیل سرمایه ثبت‌شده به دادگاه مراجعه کند.

سؤال: اگر مبلغ تعهد شده سهام مطالبه شود اما برخی از سهامداران از پرداخت آن امتناع ورزند تکلیف چیست؟

مطابق ماده ۳۵ لایحه اصلاح، آن سهام به فروش خواهد رسید و بدهی شرکت با بهره‌های متعلقه از آن برداشت می‌گردد و اگر مازادی باشد به خود سهامدار سابق شرکت پرداخت خواهد شد.

سؤال: شرکت در چه زمانی می‌تواند ورقه سهم صادر نماید؟

وقتی که کل مبلغ اسمی سهم پرداخت شده باشد.

سؤال: شرکت در ظرف چه مدتی مکلف به صدور ورقه سهم است؟

در ظرف یک سال پس از پرداخت کل مبلغ اسمی سهم.

سؤال: اگر مقداری از مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده باشد، شرکت باید چه مدرکی به سهامداران بدهد؟

گواهی موقت سهم (البته استثنائاً در مورد سهام بی‌نام تا وقتی که کل مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده نه امکان صدور ورقه سهم بی‌نام است و نه امکان صدور گواهی موقت سهم بی‌نام بلکه بایستی گواهی موقت سهم بانام صادر شود که نقل و انتقال آن تابع سهام بانام است) نکته: در یک طبقه‌بندی، سهام را به سهام بانام و بی‌نام تقسیم می‌نمایند:

ورقه سهم بانام: ورقه‌ای است که یا واجد نام دارنده آن بر روی ورقه است و یا با عنوان بانام صادر شده که نام دارنده در دفتر سهام شرکت قید شده است. ویژگی مهم سهام بانام، قابلیت شناسایی ساده آن است به نحوی که به موجب ماده ۴۰ لایحه، نقل و انتقال آن باید در دفتر سهام شرکت (که در واقع در خود شرکت است) به ثبت برسد.

ورقه سهم بی‌نام: ورقه‌ای است که فاقد نام یا عنوان بانام بوده و در وجه حامل محسوب می‌شود. سهام بی‌نام هم واجد مزایا هستند هم واجد معایب. مزایا آن است که نقل و انتقال آن اولاً بدون پرداخت مالیات امکان‌پذیر است ثانیاً نقل و انتقال آن با قبض و اقباض است و تابع تشریفات نیست ثالثاً دارنده سهام بی‌نام دارای دارایی پنهان است که کسی از میزان واقعی آن خبر ندارد. عیب عمده سهام بی‌نام آن است که در صورت مفقود شدن و سرقت اثبات مالکیت آن بسیار دشوار است، زیرا اصل بر آن است که متصرف، مالک قلمداد می‌گردد.

شرایط کامل	تشکیل	ثبت	تأدیة سهام	تأدیة سرمایه	دو سال ثبت	دو ترازنامه
ورقه تعهد سهام قبل از تشکیل	-	-	-	-	-	-
ورقه و گواهی بانام	+	+	-	-	-	-
ورقه و گواهی بی‌نام	+	+	+	-	-	-
ورقه تعهد سهام برای افزایش سرمایه	+	+	+	+	-	-
ورقه قرضه یا مشارکت	+	+	+	+	+	+

تست: شرایط صدور ورقه سهم بانام:

✓ تشکیل و ثبت شرکت

× تشکیل و ثبت و تأدیة تمام مبلغ اسمی سهام = ورقه بی‌نام

× تشکیل و ثبت و تأدیة تمام سرمایه = افزایش سرمایه

× تشکیل و ثبت و تأدیة تمام سرمایه و دو سال از ثبت سپری شدن و تصویب دو ترازنامه = قرضه و مشارکت

سؤال: اگر شرکت، بدهکار شود طلبکار شرکت آیا می‌تواند هم سهام شرکت و هم دارایی‌ها یعنی اموال شرکت را توقیف نماید؟

طلبکار شرکت فقط می‌تواند دارایی‌ها یعنی اموال شرکت را توقیف کند نمی‌تواند سهام را توقیف کند زیرا سهام متعلق به سهامداران می‌باشد.

سؤال: آیا طلبکاران شخصی سهامدار می‌توانند هم اموال شرکت و هم سهام آن را توقیف کنند؟

طلبکار شخصی سهامدار فقط می‌تواند سهام را توقیف کند.

سؤال: تکلیف پول‌های واریز شده در حساب شرکت در شرف تأسیس چیست؟ به عبارت دیگر چه کسی می‌تواند پول‌ها و آورده‌های غیر نقد شرکت را استفاده کند؟

باید بین ۲ مورد قائل به تمایز شد؛ مورد اول اینکه شرکت به ثبت برسد، در این صورت مدیران صاحب امضای مجاز شرکت حق برداشت وجوه و اموال مذکور را خواهند داشت زیرا مطابق ماده ۲۲ لایحه اصلاح قانون تجارت تا قبل از ثبت شرکت، استفاده از اموال مذکور امکان‌پذیر نمی‌باشد. مورد دوم مستنداً به ماده ۱۹ لایحه اصلاح قانون تجارت اگر شرکت تا ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۶ به ثبت نرسد، به درخواست هر یک از مؤسسين یا پذیره نویسان، مرجع ثبت شرکت‌ها یک گواهی دال بر عدم ثبت شرکت خطاب به بانک صادر می‌کند تا متعاقب آن مؤسسين و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند.

سؤال: ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات قانونی در تشکیل شرکت چیست؟

مطابق ماده ۲۷۰ لایحه اصلاح ق.ت ضمانت اجراء، بطلان شرکت است، اما در مقابل اشخاص ثالث نمی‌توان به این بطلان استناد نمود، یعنی این بطلان، نسبی است. ضمناً مطابق ماده ۲۷۳ لایحه اصلاح قانون تجارت، مسئولین بطلان برای جبران خسارت، مسئولیت تضامنی دارند. نکته: اگر در جریان دعوا در مرحله بدوی، موجب بطلان مرتفع شود، دادگاه قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد یعنی دیگر با مرتفع شدن موجب بطلان، شرکت باطل نخواهد شد.

مقدمه چهارم: شرکت سهامی عام کی تشکیل می‌شود و چه زمانی واجد شخصیت حقوقی می‌شود؟

نکته: نظر قوی‌تر بر این است که شرکت سهامی عام، هم‌زمان با تشکیل یعنی قبل از ثبت یعنی هم‌زمان با قبول کتبی سمت مدیریت و بازرسی از ناحیه مدیران و بازرسان، واجد شخصیت حقوقی می‌شود.

نکته: حیات مجمع عمومی مؤسس قبل از تشکیل است و با تشکیل از بین می‌رود. لفظ مؤسسين می‌شود سهامداران.

نکته: حیات مجمع عمومی فوق‌العاده از تاریخ تشکیل است تا تاریخ انحلال.

نکته: حیات مجمع عمومی عادی از تاریخ تشکیل است تا تاریخ ختم عملیات تصفیه.

نکته: قبل از تشکیل فقط مجمع مؤسس قابل برگزاری است؛ بعد از انحلال شرکت فقط مجمع عادی قابل برگزاری است. از تاریخ تشکیل تا تاریخ انحلال مجمع عادی و فوق‌العاده قابل برگزاری است.

۲- نحوه تشکیل شرکت سهامی خاص:

مقدمه اول: در شرکت سهامی خاص همه سرمایه را بایستی خود مؤسسين تأمین نمایند. عرضه سهام به عموم در این شرکت وجود ندارد. دوباره تأکید می‌شود: در شرکت سهامی خاص، همه سرمایه را خود مؤسسين تأمین می‌نمایند. در این نوع شرکت عرضه سهام به عموم وجود ندارد. تفسیر ماده ۲۱ لایحه اصلاح ق.ت: قانونگذار در این ماده اشاره به این امر نموده است که اگر شرکت سهامی خاص می‌خواهد سهام خود را در بورس عرضه کند و یا اگر بخواهد اقدام به نشر آگهی برای پذیره‌نویسی نماید باید از مقررات شرکت‌های سهامی عام تبعیت کند منظور قانونگذار از این جمله آن است که شرکت سهامی خاص باید تبدیل به شرکت سهامی عام شود. (شرایط تبدیل سهامی خاص به سهامی عام در ماده ۲۷۸ لایحه اصلاح ق.ت بیان شده است)

سؤال: حداقل تعداد مؤسسين در سهامی خاص چند نفر است؟

از آنجاکه همه سرمایه باید توسط خود مؤسسين تأمین گردد حداقل تعداد مؤسسين همان حداقل تعداد سهامداران این شرکت است که با لحاظ ماده ۳ لایحه اصلاح ق.ت حداقل سه شخص می‌باشد.

ماده ۳ ل.ا.ق.ت: در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

مقدمه دوم: در این شرکت نیز همانند شرکت سهامی عام احتمال است آورده نقد (پول) و یا آورده غیر نقد (غیر پول مثل کالا، ملک و...) باشد. هرگاه آورده، آورده نقد (پول) باشد الزام قانونی بر آن است که ۳۵٪ آن نقداً پرداخت گردد و نسبت به مابقی آن تعهد به پرداخت به عمل آید. اینکه مبلغ تعهد شده در چه زمانی قابل مطالبه است اساسنامه تعیین می‌کند اما این مدت نمی‌تواند بیش از ۵ سال باشد.

نکته: در پرداخت ۳۵٪ نقدی، هر سهامدار به نسبت سهام خود بایستی آن را پرداخت نماید.

چنانچه آورده، آورده غیر نقد مثل کالا و ملک و غیره باشد؛

اولاً: جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری برای ارزیابی الزامی است.

ثانیاً: هنگام تشکیل شرکت همه آورده‌های غیر نقد باید تسلیم گردد؛ بنابراین تعهد به تسلیم وجود ندارد.

ثالثاً: هرچند مطابق ماده ۸۲ ل.ا.ق. تجارت «تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست اما بایستی خود مؤسسين آورده‌های غیر نقد را تصویب نماید» مؤسسين می‌توانند آورده‌های غیر نقد را معادل نظر کارشناس یا کمتر از آن تصویب کنند اما حق تصویب آنها را به بیش از نظر کارشناس ندارند.

سؤال: مؤسسين با چه اکثریتی بایستی آورده‌های غیرنقد را تصویب کنند؟

قانون در این زمینه ساکت است اما با توجه به اینکه در «ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت» مقرر شده: «همه مؤسسين صورت‌جلسه موضوع این ماده را باید امضاء نمایند.» به نظر می‌رسد اتفاق آراء شرط باشد زیرا اگر یکی از مؤسسين، مخالف باشد از امضاء صورت‌جلسه امتناع خواهد ورزید و در این صورت تشکیل شرکت با مشکل مواجه خواهد شد.

توضیح و جمع‌بندی مقدمه دوم در تشکیل شرکت سهامی خاص:

الزام قانونی بر آن است که در هنگام تشکیل سهامی خاص ۳۵٪ سرمایه نقداً پرداخت گردد و اگر آورده غیرنقد است در هنگام تشکیل شرکت، تقویم و تسلیم گردد.

نکته: برعکس شرکت سهامی عام در شرکت سهامی خاص احتمال است ۱۰۰٪ سرمایه شرکت، آورده غیرنقد (غیرپول) باشد.

نکته: در شرکت سهامی خاص نیز ملاک ما برای پرداخت ۳۵٪ نقدی و تقویم و تسلیم آورده غیرنقد، گواهی صادره از بانکی است که حساب شرکت در شرف تأسیس نزد آن افتتاح شده است.

نکته: در شرکت سهامی خاص، تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نمی‌باشد و به جای آن، مؤسسين باید صورت‌جلسه و موضوع ماده ۲۰ لایحه اصلاح ق.ت را همگی امضا نمایند.

مقدمه سوم: حداقل سرمایه در این شرکت مطابق «ماده ۵ ل.ا.ق.ت» یک میلیون ریال است.

نکته: همه مواردی که در خصوص تعریف سهم و مبلغ اسمی و مبلغ دادوستدی و مبلغ واقعی سهم در شرکت سهامی عام گفته شد در اینجا هم وجود دارد به جز اینکه در شرکت سهامی عام مبلغ اسمی سهم نمی‌تواند بیش از مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال باشد اما در شرکت سهامی خاص چنین محدودیتی وجود ندارد یعنی اینکه حتی مبلغ اسمی سهم می‌تواند یک میلیارد ریال یا بیشتر باشد.

مقدمه چهارم: لحظه تشکیل و لحظه ایجاد شخصیت شرکت سهامی خاص چه زمانی است؟ قبل از ثبت یا بعد از ثبت؟ در اینجا هم اختلاف است. برخی معتقدند لحظه تشکیل و لحظه ایجاد شخصیت حقوقی این شرکت قبل از ثبت یعنی هم‌زمان با امضاء صورت‌جلسه موضوع ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت است اما برخی معتقدند لحظه تشکیل و لحظه ایجاد شخصیت حقوقی بعد از ثبت است.

لحظه تشکیل و لحظه ایجاد شخصیت حقوقی: «بعد از ثبت» یا «با امضاء صورت‌جلسه موضوع ماده ۲۰ لایحه اصلاح ق.ت»؟

برعکس شرکت سهامی عام که ماده ۱۷ لایحه اصلاح ق.ت لحظه تشکیل سهامی عام را بیان نموده است در شرکت سهامی خاص هیچ‌گونه نسی نه در خصوص لحظه تشکیل شرکت و نه در خصوص لحظه ایجاد شخصیت حقوقی وجود ندارد به همین دلیل حقوقدانان در اینجا نیز اختلاف نظر دارند اما با وحدت ملاک از مقررات شرکت سهامی عام باید گفت لحظه تشکیل سهامی خاص نیز لحظه‌ای است که صورت‌جلسه موضوع ماده ۲۰ لایحه اصلاح ق.ت امضا می‌شود و مدیران و بازرسان کتباً قبول سمت می‌نمایند و بنا به نظر قوی‌تر باید گفت در همین لحظه شرکت واجد شخصیت حقوقی می‌شود.

تست: زمان تشکیل شرکت‌های سهامی دقیقاً چه زمانی است؟

✓ زمان قبول سمت توسط مدیران و بازرسان

× زمان ثبت شرکت

× زمان ثبت شرکت و انتشار در روزنامه رسمی

× زمان ثبت شرکت و انتشار روزنامه رسمی و انتشار روزنامه کثیرالانتشار

اگر پرسیدند «زمان ایجاد شخصیت حقوقی شرکت‌های سهامی» کی است، گزینه دوم را انتخاب کنید. دقت کنید! شرکت، ثبت نمی‌شود که موجود شود، ثبت می‌شود تا از امتیازات شخص رسمی استفاده کند. پس بقای شرکت (نه وجودش) لازمه‌اش ثبت است و الا در آستانه انحلال قرار می‌گیرد.



نکته: در خصوص تشکیل شرکت‌های سهامی خاص باید گفت از آنجایی که شرکت سهامی خاص یک شرکت سهامی است النهایه با همان قبول کتبی سمت که در ماده ۲۰ لایحه اشاره شده است تشکیل می‌شود ولی از آنجایی که خاص می‌باشد بر خلاف عام که در آن به عموم مراجعه می‌شد، دو وجه متمایز با عام دارد: ۱. تمامی سازو کارهای رجوع به عموم از قبیل طرح اعلامیه پذیرهنویسی، مجوز پذیرهنویسی از بورس، انجام و احراز پذیرهنویسی همگی منتفی است؛ ۲. از آنجایی که به موجب ماده ۲۰ باید تمام تصمیمات به تصویب کلیه سهامداران (خود مؤسسين) برسد نیازی به تشکیل مجمع عمومی مؤسس نیست و به تعبیر ماده ۸۲ در شرکت‌های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست (اختیاری است) و به نوعی وظایف مجمع مؤسس در سهامی خاص وجود دارد منتها توسط خود سهامداران و با امضای کلیه آنها به عمل می‌آید. نکته: نظر به مواد ۱۹ و ۲۳ لایحه اصلاح در شرکت‌های سهامی عام و خاص این مؤسسين هستند که مسؤولیت تضامنی برای تشکیل و ثبت شرکت دارند.

۳- نحوه تشکیل شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسؤولیت محدود:

موارد ذیل لازم به ذکر است:

- ۱- به سرمایه این شرکت‌ها «سهم‌الشرکه» اطلاق می‌گردد برعکس تعاونی و سهامی که به سرمایه «سهم» اطلاق می‌گردد.
- ۲- به اعضای شرکت در این شرکت‌ها «شریک» اطلاق می‌شود برعکس شرکت‌های تعاونی و سهامی که به اعضای شرکت «سهامدار» اطلاق می‌گردد.
- ۳- برخلاف شرکت‌های سهامی عام و خاص که قانونگذار حداقلی را در خصوص سرمایه شرکت بیان نموده در این شرکت‌ها حداقل سرمایه بیان نشده است.
- ۴- چنانچه در هنگام تشکیل این شرکت‌ها سهم‌الشرکه شرکاء نقد باشد الزام قانونی بر آن است که در هنگام تشکیل همه سهم‌الشرکه به‌طور نقد پرداخت گردد؛ بنابراین در مورد سهم‌الشرکه نقدی تعهد به پرداخت وجود ندارد. مستنداً به مواد ۹۶ و ۱۱۸ ق. تجارت شرکاء باید تمام سرمایه نقدی را تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی را تقویم و تسلیم کند. چنانچه سهم‌الشرکه شرکاء غیرنقد باشد، اولاً بایستی در هنگام تشکیل شرکت تسلیم گردد؛ بنابراین تعهد به تسلیم وجود ندارد. ثانیاً بایستی سهم‌الشرکه‌های غیر نقد تقویم گردد. لازم به یادآوری است برعکس شرکت‌های سهامی عام و خاص که جهت ارزیابی آورده‌های غیر نقد، جلب نظر کارشناس الزامی است در این شرکت‌ها (تضامنی، نسبی، با مسؤولیت محدود) تقویم سهم‌الشرکه غیر نقد می‌تواند توسط خود شرکاء هم به عمل آید.
- ۵- مستنداً به مواد ۱۱۸ و ۹۶ ق. تجارت شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسؤولیت محدود زمانی تشکیل می‌گردند که سهم‌الشرکه نقد، تأدیه و سهم‌الشرکه غیر نقد، تقویم و تسلیم شده باشد اما علی‌رغم نص صریح این ماده برخی از حقوقدانان معتقدند شرکت تشکیل شده قلمداد می‌گردد و همچنین زمانی دارای شخصیت حقوقی می‌شود که شرکت‌نامه و خود شرکت به ثبت رسیده باشد (ماده ۱۹۵ ق. تجارت و قانون ثبت شرکت‌ها)

مقدمه اول:

در این سه شرکت بایستی در هنگام تشکیل شرکت همه سرمایه را خود شرکاء تأمین نمایند و نمی‌توان سرمایه را به عموم عرضه کرد.

مقدمه دوم:

در این شرکت‌ها سرمایه ممکن است، سرمایه نقد یعنی پول باشد و یا غیرنقد یعنی غیرپول باشد. دوباره تأکید می‌شود در این سه شرکت در هنگام تشکیل شرکت باید همه سرمایه (۱۰۰٪ سرمایه) نقداً پرداخت گردد و اگر آورده غیرنقد است تقویم و تسلیم گردد یعنی برعکس شرکت‌های سهامی عام و خاص در این سه شرکت در مورد سرمایه، تعهد به پرداخت وجود ندارد یعنی در شرکت‌های سهامی عام و خاص اگر سرمایه اولیه صد میلیارد باشد می‌توان ۳۵ میلیارد آن را نقداً پرداخت نمود اما نسبت به مبلغ ۶۵ میلیارد، تعهد به پرداخت نمود اما در این سه شرکت اگر سرمایه شرکت صد میلیارد باشد در هنگام تشکیل شرکت همه صد میلیارد باید نقداً پرداخت گردد.

نکته مهم: در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود یک خلاء قانونی وجود دارد و آن این است که قانونگذار گواهی بانک را در خصوص سرمایه پرداخت شده شرکاء الزامی ندانسته است یعنی در این سه شرکت، گواهی مدیران در مورد سرمایه پرداخت شده کافی می‌باشد لذا این امر در عمل موجب سوءاستفاده می‌شود مثلاً مدیران شرکت به‌طور واهی گواهی می‌نمایند سرمایه صد میلیاردی شرکت پرداخت گردیده و در اختیار مدیران است البته این اقدام مدیران مطابق ماده ۱۱۵ ق.ت جرم قلمداد گردیده و عنوان مجرمانه آن کلاهبرداری می‌باشد و علاوه بر آن مطابق ماده ۱۰۰ ق.ت در چنین مواقعی شرکت باطل بوده و مسبب بطلان در قبال خسارت ناشی از آن مسئولیت تضامنی دارند.

نکته: برعکس شرکت‌های سهامی عام و خاص که در مورد تقویم و ارزیابی آورده‌های غیرنقد جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری الزامی بود در سه شرکت تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود ارزیابی و تقویم می‌تواند توسط خود شرکاء نیز بعمل آید.

سؤال: ضمانت اجرای عدم رعایت مقررات قانونی در تشکیل شرکت با مسئولیت محدود چیست؟

مطابق ماده ۱۰۰ قانون تجارت شرکت باطل است و مسئولین بطلان (اعم از شرکاء، مؤسسین، مدیران و هیئت نظار) در قبال خسارات ناشی از بطلان مسئولیت تضامنی دارند.

باید توجه داشت منظور از بطلان، بطلان نسبی است نه بطلان مطلق یعنی برای فرار از ایفای تعهد در قبال اشخاص ثالث نمی‌توان به این بطلان استناد نمود.

لحظه تشکیل شرکت و لحظه ایجاد شخصیت حقوقی: در این سه شرکت، قانونگذار در خصوص لحظه تشکیل شرکت برعکس سهامی عام اشاره‌ای به لحظه قبول سمت مدیریت و بازرسی ننموده بلکه در مواد ۱۱۸ و ۹۶ ق.ت مقرر داشته شرکت زمانی تشکیل می‌گردد که سهم‌الشرکه نقد، تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقد، تقویم و تسلیم شده باشد.

نکته: در خصوص لحظه ایجاد شخصیت حقوقی این سه شرکت باید گفت قبل از ثبت، این سه شرکت واجد شخصیت حقوقی می‌شوند (یعنی هم‌زمان با تشکیل)

نکته: شرکت‌های مختلط سهامی، تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی و با مسئولیت محدود بر خلاف شرکت‌های سابق که دارای تشکیلات ساده‌ای برای تشکیل بودند در ق.ت تشریفات خاصی ندارند لذا به صرف رعایت قواعد عمومی و انجام تعهدات مالی به نحو ذیل تشکیل می‌شوند:

مختلط سهامی	تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی	با مسئولیت محدود
تعهد کل سرمایه	تعهد کل سرمایه	تعهد کل سرمایه
+	+	+
تسلیم کل سرمایه	تسلیم کل سرمایه	تسلیم کل سرمایه
=	+	+
تشکیل شرکت	تأدیه کل سرمایه	تأدیه کل سرمایه
	=	+
	تشکیل شرکت	تصريح كل سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی در شرکت‌نامه
		=
		تشکیل شرکت

	تصريح	تأديه	تسليم	تعهد
= مختلط سهامی و تعاونی	-	-	+	+
= تضامنی، نسبی و مختلط غیر سهامی	-	+	+	+
= تشکیل شرکت با مسؤولیت محدود	+	+	+	+
= عدم تشکیل / بطلان شرکت با مسؤولیت محدود	-	+	+	+

نکته: تصریح در همه شرکت‌ها الزامی است (ولی لازمه تشکیل نیست) اما در شرکت با مسؤولیت محدود هم الزامی است و هم لازمه تشکیل (مواد ۹۷ و ۹۸ ق.ت)

۴- نحوه تشکیل شرکت‌های تعاونی:

شرکت‌های تعاونی تشریفات پیچیده‌ای برای تشکیل ندارند بلکه ضمن وجود شرایط عمومی و با چند شرط مذکور در مواد ۵۱ و ۵۲ ق.بخش تعاون که عبارتند از: ۱. تهیه طرح موضوع و تصویب آن؛ ۲. تهیه اساسنامه شرکت؛ ۳. صورت جلسه هیأت مؤسس که در آن اسامی اعضاء، هیأت مدیره و بازرس مشخص شده باشد؛ ۴. درخواست کتبی ثبت؛ ۵. مجوز وزارت تعاون؛ ۶. گواهی پرداخت مبالغ لازم. توجهاً به مواد فوق به نظر می‌رسد از حیث تحلیلی (یعنی مثلاً آزمون ارشد و دکتری) ثبت در کنار مجوز از وزارت تعاون در شرکت‌های تعاونی بر خلاف سایر شرکت‌ها هم شرط الزامی و هم شرط لازمه تشکیل این شرکت‌هاست.

نکته: شرکت‌های سهامی به موجب ماده ۲ لایحه به هر حال، عنوان شرکت سهامی را دارند و به هر حال، تاجر محسوب می‌شوند ولو اینکه عمل تجاری انجام ندهند اما شرکت‌های تعاونی به هر حال، عنوان شرکت تعاونی را دارند اما این بدین معنی نیست که به هر حال تاجر هستند بلکه اگر اعمال تجاری انجام دهند تاجرند و الا غیرتاجرند.

جمع‌بندی بحث تشکیل شرکت‌های تجاری:

نکته: برای تشکیل شرکت‌های سهامی عام لااقل پنج شخص (مؤسس) لازم است؛ این ۵ شخص می‌تواند حقیقی باشد یا حقوقی؛ حقیقیه می‌تواند تاجر باشد یا غیرتاجر؛ حقوقیه می‌تواند تجاری باشد یا غیرتجاری.

نکته: همه شرکت‌ها پیش شرط تشکیل شان تعهد همه سرمایه است. حال چه آن حداقل قانونی که در سهامی‌ها در قانون مشخص شده و چه حداقل سرمایه قراردادی که در شرکت‌ها به موجب اساسنامه یا شرکت‌نامه تعیین می‌شود.

نکته: همه شرکت‌ها همه سرمایه‌شان باید تعهد و تسلیم (غیرنقدی‌ها) بشود تا تشکیل شود. تشکیل شرکت‌های تجاری اصولاً به دو شکل عمده می‌باشد:

۱. شرکت‌هایی که تشکیل شان منوط به تعهد و تسلیم و تأدیه کامل سرمایه است که غالباً شامل شرکت‌های اشخاص می‌باشد: تضامنی، نسبی، مختلط غیرسهامی، با مسؤولیت محدود.

۲. شرکت‌هایی که ضمن تعهد کامل و تسلیم کامل سرمایه صرفاً تأدیه ۳۵ درصد (همان یک سوم عرفی) برای تشکیل شرکت ضروری است بنابراین در شرکت‌های سهامی، تعاونی و مختلط نهادی تحت عنوان پرداخت در آینده داریم که در شرکت‌های دسته اول وجود ندارد. در این شرکت‌ها که سرمایه‌ای هستند مابقی سرمایه نقدی (۶۵ درصد) ظرف مهلتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است که در شرکت سهامی عام نباید بیشتر از پنج سال باشد تأدیه خواهد شد.

پس تشکیل همه شرکت‌ها منوط به تعهد، تسلیم و تأدیه تمام سرمایه است مگر تأدیه نقدی سهامی‌ها، تعاونی‌ها و مختلط سهامی که یک سوم است.

نکته: در تمام شرکت‌ها یک‌بار ثبت می‌رویم ولی در سهامی عام دو بار می‌رویم؛ یک بار برای اخذ مجوز پذیرهنویسی، یک بار برای ثبت شرکت. مرجع ثبتی دو کارکرد در سهامی عام دارد: ۱. اجازه پذیرهنویسی؛ ۲. ثبت شرکت. البته در حال حاضر با توجه به قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ که در آن به تشریح ساختار بورس یعنی شورای عالی بورس که بالاترین رکن بازار اوراق بهادار است و وظیفه‌اش به موجب مواد ۳ و ۴ آن قانون تصویب سیاست‌های کلان است و همین‌طور ساختار سازمان بورس و اوراق بهادار که یک مؤسسه عمومی غیردولتی با شخصیت حقوقی مستقل که وظیفه‌اش ثبت و صدور مجوز برای عرضه اوراق بهادار و همین‌طور عرضه سهام شرکت‌های سهامی جهت پذیرهنویسی است. همین‌طور ساختار بورس که نوعی بازار داد و ستد و یا نوعی سیستم خرید و فروش است که به دو نوع بورس کالا و بورس اوراق بهادار مثل سهام شرکت‌ها، ارز و طلا تقسیم‌بندی می‌شود.

نکته: از سال ۸۴، به موجب ماده ۲۲ قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا: «ناشر [شخص حقوقی است که اوراق بهادار را به نام خود منتشر می‌کند] موظف است **تقاضای ثبت اوراق بهادار** را همراه با بیانیه ثبت و اعلامیه پذیرهنویسی جهت اخذ مجوز عرضه عمومی به سازمان تسلیم نماید» به موجب ماده ۲۵ همین قانون: «از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، برای ثبت شرکت‌های سهامی عام یا افزایش سرمایه آنها، **اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی توسط مرجع ثبت شرکت‌ها**، پس از موافقت سازمان [بورس و اوراق بهادار] صادر می‌شود.» نتیجه اینکه در حال حاضر، عرضه عمومی اوراق بهادار مثل سهام شرکت منوط به ثبت نزد سازمان بورس و اخذ مجوز عرضه عمومی از سازمان بورس است، چنانچه ماده ۲۰ قانون یادشده می‌گه: «عرضه عمومی اوراق بهادار در بازار اولیه منوط به ثبت آن نزد سازمان با رعایت مقررات این قانون می‌باشد و عرضه عمومی اوراق بهادار به هر طریق بدون رعایت مفاد این قانون ممنوع است» پس انتشار اعلامیه پذیرهنویسی توسط مرجع ثبت شرکت‌ها پس از موافقت سازمان بورس صادر می‌شود. سازمان بورس اعلامیه پذیرهنویسی را تأیید کرده و طبق تبصره ۱ ماده ۲۳ که اینگونه اشعار می‌دارد عمل می‌کند: «عرضه عمومی اوراق بهادار باید ظرف مدتی انجام پذیرد که سازمان تعیین می‌کند. مدت مذکور از سی روز تجاوز نخواهد کرد. سازمان می‌تواند مدت پذیرهنویسی را با تقاضای ناشر و احراز ادله موجه حداکثر به مدت سی روز دیگر تمدید کند.» وفق تبصره ۲ ماده ۲۳: «ناشر [سهام] موظف است حداکثر ظرف مدت پانزده روز پس از اتمام مهلت عرضه عمومی، سازمان را از نتایج توزیع و فروش اوراق بهادار از طریق که سازمان معین خواهد نمود، مطلع نماید. نحوه برخورد ناشر در خصوص عدم فروش کامل، در اعلامیه پذیرهنویسی مشخص می‌شود.» پس: ماده ۲۳ قانون اوراق بهادار به نوعی ماده ۱۶ لایحه اصلاح را نسخ کرده است.

شورای عالی بورس و اوراق بهادار

(سیاست‌های کلان)

سازمان بورس و اوراق بهادار

(مجوز پذیرهنویسی به موجب مواد ۲۳ و ۲۵)

بورس اوراق بهادار (شرکت سهامی عام)

بازاری متشکل و خودانتظام است که اوراق بهادار (که شامل کالا و اوراق بهادار است) در آن توسط کارگزاران و یا معامله‌گران، مورد داد و ستد قرار می‌گیرد

نکته: **انجام پذیرهنویسی** مهلت قانونی ندارد؛ اما **احراز پذیرهنویسی**: حداکثر یک ماه.

نکته: اقدامات مجمع مؤسس:

۱. رسیدگی و احراز پذیرهنویسی (استماع اولین گزارش مؤسسين)؛

۲. طرح اساسنامه (اصلاح، تغییر، تصویب)؛

۳. اولین مدیران انتخاب می‌شوند / اولین بازرسان انتخاب می‌شوند؛

۴. اولین روزنامه کثیرالانتشار انتخاب می‌شود؛

۵. اولین سهام مؤسس یا ممتاز تصویب می‌شود؛

نهایتاً با قبول کتبی سِمَت توسط مدیران و بازرسان (ان) شرکت تشکیل می‌شود. بعد تشکیل شرکت، مجمع مؤسس، دود می‌شود و به هوا می‌رود! در سهامی عام، ثبت، شرکت‌ساز نیست؛ چیزی که تشکیل شده را ثبت می‌کنیم.

نکته: حداقل سرمایه قانونی در شرکت **سهامی**: سهامی خاص: ۱ میلیون ریال؛ سهامی عام: ۵ میلیون ریال.

نکته: حداقل سرمایه قانونی در شرکت **تعاونی**: سهامی خاص: ۱۰ میلیون ریال؛ سهامی عام: ۱۰۰ میلیون ریال.

نکته: یه حداقل سرمایه قانونی داریم و یه حداقل سرمایه قراردادی؛ حداقل سرمایه قراردادی در اساسنامه یا شرکت‌نامه می‌آد. در قانون تجارت تنها برای شرکت‌های سهامی و تعاونی حداقل سرمایه قانونی پیش‌بینی شده است اما این امر نافی حداقل سرمایه قراردادی برای شرکت‌ها نیست به نحوی که همه شرکت‌ها حداقل سرمایه قراردادی دارند که به هر میزان می‌تواند باشد البته در شرکت‌های سهامی و تعاونی نباید از حداقل قانونی کمتر باشد.

نکته: ماده ۱۳ لایحه اصلاح از «ورقه تعهد سهم» نام برده که به امضای پذیرهنویسان یا قائم‌مقام قانونی او می‌رسد. ورقه تعهد سهم مال قبل شرکت؛ بعد از تشکیل شرکت می‌شه: «ورقه سهام». ورقه گواهی موقت سهام که مثل گواهی موقت تحصیلی بعد از فراغت از تحصیله با ورقه تعهد سهام متفاوته. ورقه سهام و ورقه گواهی موقت سهام هر دو شرایط یکسان دارند و بعد تشکیل اند. نظر به ماده فوق، در باب شرایط ورقه تعهد سهم که قبل از تشکیل شرکت صادر می‌شود درج شماره ثبت شرکت منتفی است و حال آنکه به موجب مواد ۲۶ و ۲۷ لایحه اصلاح در ورقه سهم یا گواهینامه موقت سهم که پس از تشکیل و ثبت شرکت صادر می‌شود، درج شماره ثبت نیز ضروری است.

نکته: طبق ماده ۱۸ ق.ت ثبت در شرکت‌های **تجاری** الزامی هست ولی لازمه تشکیل نیست.

نکته: طبق مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ ق.ت ثبت در شرکت‌های **غیرتجاری** ثبت هم الزامی است و هم لازمه تشکیل (یعنی تاریخ تولد شرکت‌های غیرتجاری همان تاریخ ثبت است).

نکته: طبق ماده ۵۸۷ ق.ت ثبت در شرکت‌های دولتی الزامی نیست و لازمه تشکیل نیست (به محض ایجاد، شخصیت حقوقی دارند).

آثار تشکیل شرکت‌ها:

پس از شناسایی مفهوم شرکت‌ها و شرایط تشکیل شرکت‌ها، اکنون شرکتی که تشکیل یافته است و ثبت گردیده واجد شخصیت حقوقی رسمی می‌شود که این شخصیت رسمی دارای آثار و ویژگی‌هایی است. از جمله نام، دارایی، اهلیت، اقامت و تابعیت که به موجب مواد ۲۴ تا ۷۱ لایحه اصلاح، بخشی از مواد ۹۴ تا ۲۲۲ ق.ت و مواد ۵۸۳ تا ۵۹۱ به آنها پرداخته است.

نکته: شخصیت حقوقی با ثبت ایجاد می‌شود و با ختم تصفیه هم از بین می‌رود. دقت شود: تاریخ تولد رسمی شرکت، تاریخ ثبت و تاریخ مرگ شرکت، تاریخ ختم عملیات تصفیه است. پس اشتباه نشود تشکیل شرکت برابر با تشکیل شخصیت حقوقی و انحلال شرکت برابر با زوال شخصیت حقوقی نیست.

نکته: شخصیت حقوقی باقی است حتی با انحلال.

نکته: شخصیت حقوقی باقی است حتی با تبدیل شرکت به شرکت دیگر.

نکته: شخصیت حقوقی باقی است مگر با ادغام شرکت.

نکته: شخصیت حقوقی باقی است مگر با تجزیه.

نکته: شخصیت حقوقی باقی است مگر با تصفیه.

نکته: انحلال شرکت‌های تجاری که یا به صورت ارادی و با تصمیم شرکاء و یا به صورت غیر ارادی و به صورت قهری صورت می‌گیرد که شرح آن خواهد آمد سبب زوال شخصیت حقوقی شرکت نمی‌شود؛ یعنی شرکت‌های منحل شخصیت حقوقی دارند تا بتوانند عملیات تصفیه را انجام دهند.

سه بحث تست‌خیز را با هم می‌خوانیم: ۱. تبدیل؛ ۲. ادغام شرکت‌ها و ۳. تجزیه شرکت‌ها.

۱. تبدیل: در تبدیل، شخصیت حقوقی سرچاشه و با تبدیل از بین نمی‌رود. شرکت، قالب جدید گرفته ولی شخصیت حقوقی قبلی را دارد. تبدیل شرکت‌های تجاری، در حقوق ما، در مواردی به نص یعنی مواد ۲۷۸ تا ۲۸۳ لایحه در شرکت‌های سهامی، ۱۳۵ ق.ت در تضامنی، ۱۸۹ ق.ت در نسبی مجاز است و در سایر شرکت‌ها به وحدت ملاک مجاز است. پس اصولاً شخصیت همه شرکت‌های تجاری با رعایت شرایط قانونی قابل تبدیل می‌باشد و به موجب تبدیل، شخصیت حقوقی زایل نمی‌شود و همان حقوق و تکالیف باقی است؛ پس، شخصیت، باقی است حتی با تبدیل.

۲. ادغام شرکت‌ها: در قانون تجارت تصریح نشده است اما به موجب قانون سیاست‌های اصل ۴۴ و دکتین حقوق تجارت ادغام در تمام شرکت‌ها مجاز است آنهم غالباً به اتفاق آراء که به دو شکل عمده می‌باشد: ۱. حالتی که در آن چند شرکت در همدیگر ادغام شده و شرکت جدیدی را با شخصیت جدید ایجاد می‌کنند. اصطلاحاً به این ادغام، ادغام مرکب گفته می‌شود که عبارت است از ترکیب چند شرکت؛ ۲. حالتی که یک شرکت در شرکت دیگر، ادغام می‌شود که به این حالت ادغام ساده گفته می‌شود که بر خلاف ادغام مرکب (شخصیت ادغام‌شونده از بین می‌رود) فقط شخصیت شرکت ادغام‌شونده زایل می‌شود (شخصیت ادغام‌شده از بین نمی‌رود). پس، شخصیت رسمی شرکت باقی است مگر با ادغام مرکب، به هر حال و ادغام ساده برای شرکت ادغام‌شونده.

۳. تجزیه شرکت‌ها: تجزیه برعکس ادغام است که در این صورت یک شرکت با یک شرکت شخصیت حقوقی زایل شده و به چند شرکت با چند شخصیت حقوقی تغییر می‌یابد که باز هم به موجب قانون سیاست‌های اصل ۴۴ و دکتین حقوق تجارت تجزیه نیز در حقوق تجارت پذیرفته شده است و به موجب آن، شخصیت، زایل می‌شود؛ پس شخصیت شرکت باقی است مگر با تجزیه شرکت.

مسئولیت شرکاء و سهامداران در شرکت‌های تجاری:

سؤال: بحث بر سر این است که اگر شخصی از یک شرکتی صد میلیونی طلب داشته باشد چنانچه شرکت منحل گردد و هیچ‌گونه دارایی برای پرداخت بدهی نداشته باشد آیا طلبکار حق مراجعه به اعضای شرکت را دارد یا خیر؟ پاسخ به این سؤال در شرکت‌های مختلف متفاوت است:

۱- شرکت‌های سهامداران در شرکت سهامی عام و خاص:

سؤال: اگر در شرکت سهامی خاص یا عام کل مبلغ اسمی سهم پرداخت‌شده باشد چنانچه این شرکت بدهکار گردد طلبکاران شرکت بابت طلب خود حق مراجعه به چه شخص یا اشخاصی را دارند؟

در چنین شرکتی اولاً طلبکاران حق مراجعه به سهامداران را ندارند زیرا مسئولیت سهامداران محدود به مبلغ اسمی سهام آنها در شرکت بوده و سهامداران در قبال دیون شرکت، مسئولیت شخصی ندارند. ثانیاً اصل بر آن است که مدیران شرکت نیز در قبال دیون شرکت هیچ‌گونه مسئولیت شخصی ندارند زیرا مدیر همانند وکیل است و مسئولیت، متوجه خود اصیل بوده و نماینده یعنی وکیل یا مدیر مسئولیتی در قبال ایفای تعهدات ندارد اما استثنائاً اگر مدیران مرتکب تخلف از مقرراتی شده باشند در این صورت وفق مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاح ق.ت ممکن است برحسب مورد مسئولیت انفرادی یا مشترک و یا مسئولیت انفرادی یا تضامنی داشته باشند بنابراین همچنان که ملاحظه می‌گردد امکان دارد شرکتی بدهکار شود و بدهی بالا آورد اما طلبکاران حق مراجعه به سهامداران و مدیران نداشته باشند و طلب آنها بلا وصول بماند.

جمع‌بندی: در شرکت‌های سهامی عام و خاص مستنداً به «ماده ۱ ل.ا.ق. تجارت» که مقرر داشته مسئولیت صاحبان سهام در این شرکت محدود به مبلغ اسمی سهام آنها در شرکت است. قاعده کلی آن است که سهامداران این شرکت شخصاً هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال بدهی‌های شرکت ندارند اما استثنائاً باید توجه داشت چنانچه در هنگام تشکیل شرکت مقداری از سرمایه تعهد به پرداخت شده باشد و در هنگام انحلال شرکت هنوز آن مبلغ تعهد شده، پرداخت نگردیده است در این صورت طلبکاران شرکت حق مراجعه به سهامداران بابت مبلغ تعهد شده ولی پرداخت‌نشده را دارند.

۲- مسئولیت شرکاء در شرکت با مسئولیت محدود:

مستنداً به «ماده ۹۴ ق.ت. تجارت» که مقرر داشته هر یک از شرکاء این شرکت فقط تامیزان سرمایه خود در شرکت مسئولیت دارد، قاعده کلی آن است که شرکای این شرکت شخصاً مسئولیتی در قبال بدهی‌های شرکت ندارند اما بر این اصل استثنائات ذیل وارد است:

استثنا اول: مستنداً به «ماده ۹۵ ق.ت.» بایستی «با مسؤولیت محدود» در کنار نام شرکت نوشته شود. در غیر این صورت هر یک از شرکای آن در قبال کل بدهی‌های شرکت، مسؤولیت تضامنی دارند.

استثنا دوم: مستنداً به «ماده ۹۵ ق.ت. تجارت» بایستی نام هیچ‌یک از شرکاء در کنار شرکت نوشته شود. در غیر این صورت شریک یا شرکایی که نام شرکت، متضمن نام آنها باشد در قبال کل بدهی‌های شرکت مسؤولیت تضامنی دارند.

سؤال: شرکت با مسؤولیت محدود نام یکی از شرکاء را به عنوان نام خود انتخاب نموده است. برای مثال «شرکت با مسؤولیت محدود الف»، درحالی که «الف» نام یکی از شرکای شرکت است. در این صورت:

الف. آن شریک در مقابل بدهی‌ها مسؤولیت تضامنی دارد. ✓

ب- آن شریک هیچ‌گونه مسؤولیتی در قبال بدهی‌ها ندارد.

ج- آن شریک مسؤولیت مشترک دارد.

د- آن شریک مسؤولیت نسبی دارد.

استثنا سوم: مستنداً به «ماده ۹۸ ق.ت. تجارت» هر یک از شرکای شرکت با مسؤولیت محدود در قبال تقویم آورده‌های غیرنقد مسؤولیت تضامنی دارند. باید توجه داشت مسؤولیت تضامنی شرکاء در این مورد در قبال مبلغ مابه‌التفاوت است. نه مبلغ بدهی شرکت و نه ارزش کل آورده غیر نقد. برای مثال شرکتی ماشینی را به عنوان آورده غیرنقد به ده میلیون تقویم می‌کند. بعداً شرکت صد میلیون بدهکار می‌شود و پس از آن معلوم می‌گردد ارزش واقعی آن ماشین ۳ میلیون بوده است. در این صورت مسؤولیت تضامنی شرکاء در قبال ۷ میلیون می‌باشد.

استثنا چهارم: مستنداً به مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ ق.ت. تجارت چنانچه در هنگام تشکیل با مسؤولیت محدود، سهم‌الشرکه نقد پرداخت نگردد و یا سهم‌الشرکه غیر نقد تقویم و یا تسلیم نگردد، در این صورت شرکت باطل بوده و اشخاصی که بطلان مستند به عمل آنهاست مسؤولیت تضامنی دارند.

نکته پایانی: اگر به دلیل عدم رعایت مواد ۹۶ و ۹۷ ق.ت. به استناد ماده ۱۰۰ ق.ت. شرکت، باطل باشد (یعنی سهم‌الشرکه نقد پرداخت نگردد و یا سهم‌الشرکه غیرنقد، تقویم و تسلیم نشود) شرکت باطل می‌باشد. مطابق ماده ۱۰۱ ق.ت. مسئولین بطلان فقط در قبال خسارت ناشی از بطلان مسؤولیت تضامنی دارند نه در قبال کل بدهی شرکت.

۳- مسؤولیت شرکاء در شرکت نسبی:

مستنداً به «ماده ۱۸۳ ق.ت. تجارت» مسؤولیت هر یک از شرکای این شرکت به نسبت سهم‌الشرکه آنها در شرکت است. هیچ اصطلاحی قابلیت جایگزینی به جای این اصطلاح را ندارد. برای مثال هرگاه یک شرکت نسبی بین «الف و ب و ج» تشکیل گردد و هر یک از آنها به شرح ذیل از ۵ میلیون سرمایه شرکت را تأمین نموده باشند: «الف» ۱ میلیون، «ب» ۲ میلیون «ج» ۲ میلیون. چنانچه بعداً شرکت ۱۰۰ میلیون بدهی به بار آورد «الف» ۲۰ میلیون، «ب» ۴۰ میلیون، «ج» ۴۰ میلیون مسؤولیت پرداخت خواهند داشت.

سؤال: مسؤولیت هر یک از شرکت نسبی:

الف. تا میزان سرمایه آنها در شرکت است.

ب. مسؤولیت تضامنی دارند.

ج. هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارند.

د. هیچ‌کدام. ✓

نکته: در شرکت نسبی می‌گویند شرکاء، شریک ضامن قلمداد می‌گردند به دلیل اینکه شرکاء این شرکت دارای مسؤولیت شخصی در قبال دیون این شرکت می‌باشند اصطلاحاً می‌گویند هر شریکی به نسبت سهم‌الشرکه در قبال دیون مسؤل است.

نکته: در شرکت نسبی، مسؤولیت نسبی و نامحدود است منظور از «نسبی بودن مسؤولیت» یعنی اینکه هر یک از شرکاء به نسبت سهم‌الشرکه در قبال دیون مسؤولیت دارند و منظور از «نامحدود بودن این مسؤولیت» یعنی اینکه سقف آن، نامحدود است یعنی شرکاء شرکت نسبی در هنگام تشکیل شرکت نمی‌دانند که در قبال چه مبلغی مسؤولیت نسبی را می‌پذیرند.

۵- مسؤولیت شرکاء در شرکت تضامنی:

مستنداً به «ماده ۱۱۶ ق.تجارت» هر یک از شرکای این شرکت در قبال کل بدهی‌های شرکت، مسؤلیت تضامنی دارند؛ اما باید توجه داشت طلبکاران زمانی حق مراجعه به شرکاء را دارند که اولاً شرکت ورشکسته یا منحل شده باشد. ثانیاً امر تصفیه شرکت به عمل آمده و دارایی شرکت کافی برای مدیون آن نباشد.

باید توجه داشت اگر مسؤل، واحد باشد مسؤلیت انفرادی حاکم خواهد بود. برای مثال یک بدهی میلیونی وجود دارد و آقای «الف» مسؤل است. در این صورت اصطلاحاً می‌گویند مسؤلیت انفرادی حاکم است اما چنانچه مسؤلین متعدد باشند در این صورت بحث مسؤلیت مشترک و یا تضامنی مطرح می‌گردد. برای مثال اگر یک بدهی یک میلیونی وجود داشته باشد و آقایان «الف و ب» مسؤل این بدهی باشند در این صورت بحث مسؤلیت مشترک یا تضامنی مطرح می‌گردد اگر مسؤلیت مشترک حاکم باشد هر یک از آقایان «الف و ب» در قبال ۵۰۰/۱۰۰۰ تومان مسؤل هستند اما اگر مسؤلیت تضامنی حاکم باشد هر یک از آقایان «الف و ب» در قبال یک میلیون مسؤل خواهند بود.

تعداد شرکا و سهام‌داران در شرکت‌های تجاری:

نکته: حداقلی که در خصوص تعداد شرکاء یا سهام‌داران در شرکت‌های تجاری گفته شده نه تنها باید در هنگام تشکیل شرکت رعایت شود بلکه رعایت آنها در بقاء شرکت نیز الزامی است یعنی هیچ وقت شرکت نباید تعداد اعضایش کمتر از تعداد مقرر در قانون باشد.

نکته: در حقوق ایران شرکت تک شریکی به رسمیت شناخته نشده است اما در برخی کشورها شرکت‌های تک شریکی به رسمیت شناخته شده‌اند یعنی می‌توان با یک شریک اقدام به تشکیل شرکت نمود، علت اینکه وجود شرکت تک شریکی به رسمیت شناخته شده آن است که در برخی مواقع یک شخص می‌خواهد بدون مشارکت دیگران شرکتی تشکیل دهد و می‌خواهد فقط مقداری از دارایی خود را در معرض خطر قرار دهد یعنی اگر اتفاقی بیافتد نه برای کل دارایی شریک بلکه برای سرمایه موجود در شرکت بیافتد.

نکته: سهام‌دار شرکت‌های سهامی عام و خاص محتمل است تبعه ایران باشند یا تبعه خارج باشند البته در مورد اتباع خارجی ممنوعیت مقرر باید رعایت شود یعنی اتباع خارجی نمی‌توانند مالکیت بیش از ۴۹٪ سهام را داشته باشند.

نکته: در شرکت‌های سهامی عام و خاص دولت نیز می‌تواند به عنوان سهام‌دار شرکت باشد.

نکته: در شرکت سهامی عام و خاص همه سهام‌داران نمی‌توانند محجور باشند زیرا در این شرکت‌ها مدیران باید از خود سهام‌داران انتخاب گردند فلذا به تعداد هیئت مدیره باید اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد اهلیت برای تصدی مدیریت وجود داشته باشد.

تعداد شرکاء در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسؤلیت محدود

نکته: در شرکت با مسؤلیت محدود، شریک ممکن است واجد اهلیت کامل باشد یا نباشد یعنی شخص محجور هم می‌تواند شریک این شرکت باشد.

نکته: در شرکت تضامنی و نسبی محل اختلاف است که آیا شخص محجور می‌تواند شریک این دو شرکت باشد یا خیر، عده‌ای معتقدند با توجه به مسؤلیت سنگین شرکاء در این دو شرکت، محجور نمی‌تواند شریک این دو شرکت باشد اما با لحاظ بند و ماده ۱۳۶ و مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ق.ت. چنین استنباط می‌گردد که محجور می‌تواند شریک این دو شرکت باشد زیرا ماده ۱۳۶ ق.ت. که راجع به موارد انحلال شرکت تضامنی و نسبی بیان حکم می‌کند در بند «و» یکی از موارد انحلال این شرکت را حجر شریک می‌داند اما در مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ قانونگذار اجازه داده که اگر سایر شرکاء از یک طرف و سرپرست شریک محجور از طرف دیگر رضایت به بقاء شرکت داشته باشند شرکت منحل نشود و به حیات حقوقی خود ادامه دهد این امر نشان می‌دهد که قانونگذار می‌پذیرد که شخص محجور بتواند به عنوان شریک شرکت تضامنی و نسبی باشد بنابراین باید گفت محجور می‌تواند در دو شرکت تضامنی و نسبی نیز شریک باشد.

نکته: در شرکت‌های تضامنی و نسبی و با مسؤلیت محدود از آنجا که انتخاب مدیر شرکت از خارج مجاز می‌باشد لذا امکان دارد شرکتی تشکیل شود که همه شرکاء آن محجور باشد مثلاً پدری برای دو فرزند صغیر خود شرکتی تشکیل دهد و مدیریت آن را خود برعهده بگیرد.

نکته: دولت می‌تواند با مسؤلیت محدود شریک شود اما در شرکت تضامنی و نسبی دولت نمی‌تواند به عنوان شریک وارد این دو شرکت گردد زیرا در این دو شرکت، شرکاء مسؤلیت شخصی دارند و نمی‌توان خزانه دولت را در خصوص بدهی‌های شرکت به باد فنا داد.

نکته: شرکاء این سه شرکت محتمل است تبعه ایران باشند و یا تبعه خارجه باشند البته ممنوعیت بیش از ۴۹٪ نیز اینجا هم رعایت می‌شود.

نکته: شرکت‌ها به عنوان اشخاص حقوقی دارای همان اهلیت اشخاص حقیقی هستند مگر با دو وجه ممیزه: ۱. در اموری که بالطبع یعنی فی‌الغایه و به طور ذاتی مختص اشخاص حقیقی است مثل ازدواج، طلاق، رابطهٔ ابوت، بنوت، حضانت، قیمومت در شرکت‌ها منتفی است؛ ۲. اهلیت شرکاء محدود به موضوع شرکت‌ها در اساسنامه و مقررات قانونی است (۵۸۸ و ۵۸۸).

۱- تعداد شرکاء و سهامداران در شرکت‌های سهامی:

«ماده ۳ ل.ا.ق.ت.» مقرر داشته: «تعداد شرکاء در شرکت سهام نباید کمتر از سه نفر باشد.» بدون تعیین اینکه آیا منظور سهام عام است یا سهامی خاص، از طرف دیگر «ماده ۱۰۷ ل.ا.ق.ت. تجارت» مقرر داشته:

«شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای اداره می‌گردد». اعضای هیأت مدیره الزاماً باید سهامدار شرکت باشند. حداقل تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت سهامی عام نمی‌تواند کمتر از ۵ نفر باشد. از این ماده چنین استنباط می‌گردد که تعداد سهامداران در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر است. «ماده ۳ ل.ا.ق.ت. تجارت» منصرف به شرکت سهامی خاص خواهد بود یعنی اینکه حداقل تعداد سهامداران در شرکت سهامی خاص ۳ نفر است.

سهامدار شرکت سهامی محتمل است شخص حقوقی باشند و یا شخص حقیقی.

همچنین در مواردی که سهامدار شخص حقیقی است محتمل است سهامداران واجد اهلیت کامل باشد یعنی بالغ و عاقل و رشید باشد و محتمل است فاقد اهلیت کامل باشد یعنی صغیر، مجنون و سفیه باشد که در این صورت سرپرست قانونی انجام وظیفه خواهد کرد.

۲- تعداد شرکاء در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسؤلیت محدود:

مستنداً به مواد ۹۴، ۱۱۶ و ۱۸۳ ق.ت. تجارت حداقل تعداد شرکای این شرکت‌ها دو نفر است. در هیچ‌یک از شرکت‌ها قانونگذار در باب حداکثر مرزی را تعیین نکرده است.

نکته: شرکاء این شرکت‌ها محتمل است شخص حقیقی باشند و یا شخص حقوقی. در مواردی که شریک این شرکت‌ها شخص حقیقی است محتمل است واجد اهلیت باشد و یا محتمل است فاقد اهلیت باشد. در اینکه آیا در شرکت تضامنی و نسبی شخص فاقد اهلیت می‌تواند شریک شرکت باشد یا خیر. اختلاف نظر است. نظر اقوی بر این است که اشکالی ندارد.

موضوع فعالیت شرکت‌های تجاری:

۱- موضوع فعالیت شرکت‌های سهامی عام و خاص:

مستنداً به «ماده ۲ ل.ا.ق.ت. تجارت» موضوع فعالیت این شرکت‌ها محتمل است اعمال تجاری باشد و محتمل است اعمال تجاری نباشد؛ زیرا «ماده ۲ ل.ا.ق.ت. تجارت» شرکت سهامی را شرکت بازرگانی محسوب نموده و حتی اگر موضوع فعالیت آن اعمال تجاری نباشد.

نکته: اگر یک شرکت سهامی موضوع فعالیت خود را اشتغال به معاملات راجع به اموال غیرمنقول قرار دهد در این صورت به صراحت «ماده ۴ ق.ت. تجارت» آن معاملات عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد اما به صراحت «ماده ۲ ل.ا.ق.ت. تجارت» آن شرکت سهامی، تاجر قلمداد می‌گردد.

سؤال: در صورتی که شرکت سهامی موضوع فعالیت خود را اشتغال به معاملات راجع به اموال غیرمنقول قرار دهد:

الف- هم شرکت تاجر است و هم عمل، عمل تجاری قلمداد می‌گردد.

ب- نه شرکت، تاجر است و نه عمل، عمل تجاری قلمداد می‌گردد.

✓ ج- شرکت تاجر است اما عمل، عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد.

د- شرکت تاجر نیست اما عمل، عمل تجاری قلمداد می‌گردد.

۲- موضوع فعالیت شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسؤلیت محدود:

مستنداً به مواد «۹۴، ۱۱۶ و ۱۸۳ ق.ت. تجارت» موضوع فعالیت این شرکت‌ها الزاماً باید اعمال تجاری باشد. موارد احصاء شده در «ماده ۲ ق.ت. تجارت» و ساختوساز به قصد فروش برای شرکت‌های تجاری در ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها عمل تجاری قلمداد شده است.

نکته: چنانچه یک شرکت تضامنی، نسبی و یا با مسؤلیت محدود برای گذران امور روزمره خود غیر از موضوع فعالیت شرکت که تجاری است، اعمال غیرتجاری هم انجام دهد اشکالی ندارد.

نکته: اگر یک شرکت تضامنی، نسبی و یا با مسئولیت محدود، موضوع فعالیت خود را اشتغال به اعمال غیرتجاری قرار دهد هر ذینفعی می‌تواند درخواست بطلان شرکت را بخواهد.

جمع‌بندی: نکته: مطابق ماده ۱ قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل معمولی او اشتغال به عمل تجاری باشد، منظور از عمل تجاری، اعمال تجاری احصاء شده در ده بند ماده ۲ ق.ت است.

با این مقدمه از آنجا که شرکت‌های تجاری، تاجر قلمداد می‌گردند اقتضای امر آن است که شرکت‌های تجاری اشتغال به عمل تجاری داشته باشند یعنی موضوع فعالیت آنها عمل تجاری باشد اما استثنائاً قانونگذار در برخی موارد این اصل را رعایت ننموده است مثل شرکت سهامی عام و خاص، زیرا در این شرکت ماده ۲ لایحه اصلاح ق.ت شرکت سهامی را شرکت بازرگانی قلمداد نموده حتی اگر موضوع فعالیت آن عمل تجاری نباشد.

نکته: هرچند به صراحت ماده ۴ قانون تجارت معاملات راجع به اموال غیرمنقول در هیچ صورتی عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد، اما از آنجاکه ماده ۲ لایحه اصلاح ق.ت شرکت سهامی را شرکت بازرگانی قلمداد نموده حتی اگر موضوع فعالیت آن، عمل تجاری نباشد لذا می‌توان گفت که موضوع فعالیت شرکت سهامی می‌تواند معاملات راجع به اموال غیرمنقول باشد در این صورت عمل، عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد اما شرکت، تاجر قلمداد می‌شود.

نکته: اینکه می‌گوییم موضوع فعالیت شرکت، منظور ما عمده فعالیت است که شرکت به خاطر آن تشکیل می‌گردد.

نکته: در این سه شرکت ۱۱۶، ۱۸۳، ۹۴ تصریح دارد که موضوع فعالیت شرکت باید تجاری باشد.

سؤال: اگر شرکت از موضوع فعالیت خود که در اساسنامه بدان تصریح گردیده عدول نماید ضمانت اجرا چیست؟

ضمانت اجرا بطلان آن عملیات است اما در قبال اشخاص ثالث نمی‌توان به این بطلان استناد نمود.

نکته: موضوع فعالیت شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود نمی‌تواند معاملات راجع به اموال غیرمنقول باشد.

نکته: باید بین دو مورد قائل به تمایز شد:

یکی خود معامله راجع به غیرمنقول است و دیگری تسهیل معاملات اموال غیرمنقول است.

خود معامله راجع به اموال غیرمنقول به صراحت ۴ ماه قانون تجارت عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد اما تسهیل معاملات ملکی به صراحت بند ۳

ماده ۲ ق.ت عمل تجاری قلمداد می‌گردد یعنی دلالتی معاملات (یعنی اقدامات بنگاه‌های املاک)، عمل تجاری قلمداد می‌گردد.

نکته: به صراحت ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها ساخت و ساز به قصد فروش یا اجاره برای شرکت‌های تجاری عمل تجاری قلمداد شده است.

نحوه انتقال (نقل و انتقال) سهام یا سهم‌الشرکه در شرکت‌های تجاری:

۱- نحوه نقل و انتقال سهم‌الشرکه در شرکت تضامنی:

مستنداً به ماده ۱۲۳ ق.ت تجارت برای نقل و انتقال سهم‌الشرکه در این شرکت رضایت تمامی شرکاء شرط است (یعنی اتفاق آراء).

یکی از دلایل مهمی که در بحث نقل و انتقال سهم‌الشرکه از شریکی به شریک دیگر رضایت سایر شرکاء را نیز لازم می‌داند، آن است که در شرکت تضامنی اگر همه طلبکاران از باب مسئولیت تضامنی به یکی از شرکاء مراجعه نموده و کل طلب را از او دریافت نمایند این شریکی که مورد مراجعه قرار گرفته می‌تواند به نسبت سهم‌الشرکه هر یک از شرکاء به آنها مراجعه کند، اگر اجازه دهیم بدون رضایت سایر شرکاء، شریکی بتواند سهم‌الشرکه خود را به شریک دیگر انتقال دهد این احتمال وجود دارد که شریک انتقال دهنده سهم‌الشرکه مال دار بوده اما شریک انتقال گیرنده سهم‌الشرکه، غیرملی باشد در این صورت بدیهی است که این موضوع در ارتباط سایر شرکاء با آن شریک مؤثر خواهد بود یعنی این امکان وجود دارد که شریکی که کل بدهی شرکت را به طلبکاران داده است نتواند از سایر شرکاء به نسبت سهم‌الشرکه آنها مطالبه نماید.

تفسیر ماده ۱۲۵ ق.ت: این ماده در مقام بیان این مطلب است که اگر یکی از شرکاء از بدو امر در شرکت حضور نداشته و در نیمه‌های راه به شرکت داخل شود، این شریک جدیدالورود نه تنها در قبال بدهی‌های بعد از ورود خود مسئولیت تضامنی دارد بلکه در قبال کل بدهی‌های قبل از ورود خود نیز مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

۲- نحوه انتقال سهم‌الشرکه در شرکت نسبی:

مستنداً به مواد ۱۸۵ و ۱۲۳ ق. تجارت برای نقل و انتقال سهم‌الشرکه در این شرکت رضایت تمامی شرکاء شرط است (اتفاق آراء). در واقع نحوه انتقال سهم‌الشرکه در شرکت نسبی مثل شرکت تضامنی می‌باشد.

نکته: در ۲ شرکت تضامنی و نسبی برای نقل و انتقال سهم‌الشرکه قانونگذار هیچ مکانیسم خاصی را پیش‌بینی ننموده است لذا در عمل بیشتر از تأسیس حقوقی تنظیم صورت‌جلسه کاهش سرمایه برای خروج شریک از شرکت و تنظیم صورت‌جلسه افزایش سرمایه برای ورود شریک به شرکت استفاده می‌نمایند.

۳- نحوه نقل و انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسؤلیت محدود:

برای نقل و انتقال سهم‌الشرکه در این شرکت شرایط ذیل باید رعایت شود:

الف- مستنداً به «ماده ۱۰۲ ق. تجارت» سهم‌الشرکه شرکاء در این شرکت نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل نقل و انتقال اعم از بانام یا بی‌نام درآید.

برعکس شرکت‌های سهامی عام و خاص که قانونگذار در ماده ۲۴ لایحه اصلاح قانون تجارت در این شرکت‌ها ورقه سهم را سندی قابل نقل و انتقال توصیف نموده یعنی قابلیت نقل و انتقال جزو ذات این ورقه سهم می‌باشد در ماده ۱۰۲ ق. ت در شرکت با مسؤلیت محدود قانونگذار درست نقطه مقابل آن عمل نموده و بیان نموده سهم‌الشرکه شرکاء نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل نقل و انتقال اعم از بانام و بی‌نام درآید.

ب- مستنداً به «ماده ۱۰۲ ق. ت» برای نقل و انتقال سهم‌الشرکه بایستی دارندگان^۳ سرمایه که دارای اکثریت عددی نیز باشند، موافق باشند.

مثال: الف) ۵٪ ب) ۵٪ ج) ۵٪ د) ۷۵٪ ه) ۱۰٪

اکثریت سرمایه: می‌شود ۷۵٪ / اکثریت عددی: می‌شود ۳ نفر

ج- مستنداً به «ماده ۱۰۳ ق. تجارت» نقل و انتقال سهم‌الشرکه در این شرکت باید با سند رسمی باشد در هیچ شرکت دیگری، نه تضامنی، نه سهامی و نه هیچ شرکت دیگری چنین حکمی وجود ندارد.

نکته: هرچند ماده ۱۰۳ ق. ت برای نقل و انتقال سهم‌الشرکه تنظیم سند رسمی را لازم دانسته است اما در عمل این ماده خیلی مورد استفاده واقع نمی‌شود یعنی به‌جای این ماده از تأسیس حقوقی کاهش سرمایه و افزایش سرمایه استفاده می‌شود.

سؤال: منظور از دو اصطلاح انتقال به غیر و انتقال به دیگری در مواد ۱۰۲ و ۱۲۳ ق. تجارت شامل چه کسانی است؟ آیا فقط شامل اشخاص ثالث است یا اینکه هم شامل اشخاص ثالث است و هم شامل خود شرکاء؟ به عبارت دیگر آیا اگر شریکی در این شرکت‌ها (تضامنی، نسبی و با مسؤلیت محدود) بخواهد سهم‌الشرکه خود را به شریک دیگر انتقال دهد باز بایستی اکثریت مقرر در مواد ۱۰۲ و ۱۲۳ ق. ت رعایت شود؟ بنابه نظر اقوی بلی زیرا می‌گویند محتمل است ورود سایر شرکاء به شرکت شخصیت والای شریکی بوده و که در حال حاضر می‌خواهد سهم‌الشرکه خود را به دیگری انتقال دهد. اگر اجازه دهیم بدون رضایت سایر شرکاء این انتقال به عمل آید در این صورت شرکای مخالف این انتقال متضرر خواهند شد.

۴- نحوه انتقال سهام در شرکت سهامی عام:

مستنداً به ماده ۴۱ ل. ا. ق. تجارت نقل و انتقال سهام در این شرکت آزاد بوده و نمی‌تواند منوط به موافقت مدیران و یا مشروط به اجازه مجامع عمومی باشد.

نکته: سهام شرکت‌های سهامی به سهام بانام و سهام بی‌نام تقسیم می‌گردد.

نکته: مستنداً به ماده ۴۰ ل. ا. ق. تجارت نقل و انتقال سهام بانام بایستی در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت گردد. این دفتر در خود شرکت قرار دارد. این ماده مقرر داشته هر نقل و انتقالی که بدون ثبت در این دفتر بعمل آید هم از نظر اشخاص ثالث و هم از نظر شرکت باطل و کأن لم یکن می‌باشد.

نکته: نقل و انتقال بی‌نام با قبض و اقباض بعمل می‌آید.

سؤال: مزایا و معایب سهام بی‌نام چیست؟ مزایای سهام بی‌نام آن است که:

اولاً: نقل و انتقال آن تابع تشریفات نیست و به سهولت یعنی با قبض و اقباض امکان‌پذیر است.

ثانیاً: دارنده سهام بی‌نام دارای دارایی پنهانی است که کسی از وجود آن مطلع نیست.

عیب سهم بی‌نام آن است که در صورت مفقود شدن و سرقت و یا خیانت در امانت اثبات مالکیت آن بسیار دشوار است زیرا متصرف مالک شناخته می‌شود.

جمع‌بندی و چند نکته و سؤال راجع به نقل و انتقال سهام در شرکت سهامی عام:

نکته: سهام شرکت سهامی عام به سهام بانام و بی‌نام تقسیم می‌گردد. نقل و انتقال سهام بی‌نام با قبض و اقباض است یعنی نه تابع تشریفات است و نه می‌تواند منوط به موافقت مرجع خاصی باشد.

سؤال: آیا نقل و انتقال سهام بانام می‌تواند در شرکت سهامی عام منوط به موافقت مدیران یا اجازه مجمع عمومی شده باشد؟ ماده ۴۱ لایحه اصلاح ق.ت پاسخ منفی به این سؤال داده است یعنی نقل و انتقال سهام آزاد است.

سؤال: آیا در شرکت سهامی برای نقل و انتقال سهام بانام رعایت تشریفات لازم است یا خیر؟ تابع ماده ۴۰ لایحه اصلاح بله یعنی نقل و انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت گردد.

سؤال: ضمانت اجرای عدم ثبت وفق ماده ۴۰ لایحه اصلاح چیست؟ مطابق قسمت آخر ماده ۴۰ لایحه اصلاح هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

بنابراین اگر کسی با یک سند عادی، سهام سهامداری را بخرد به استناد این نوشته نمی‌تواند از شرکت مطالبه سود نماید همچنان که نمی‌تواند در جلسات مجامع عمومی شرکت کند اما می‌تواند به‌عنوان یک دلیل در دادگاه اقامه دعوی نماید و الزام شرکت را به ثبت نام خود در دفتر ثبت سهام بخواهد.

پس با استناد به این سند عادی نمی‌تواند از شرکت مطالبه سود نماید همچنان که نمی‌تواند با استناد به این سند عادی در جلسات مجامع عمومی حاضر گردد اما می‌تواند این سند عادی را به عنوان دلیل خود قرار داده و در دادگاه علیه انتقال دهنده و شرکت دادخواستی مبنی بر الزام به ثبت نام خود در دفتر ثبت سهام شرکت بنماید.

چه کسی باید دفتر ثبت سهام را امضا کند؟ باید بین دو مورد قائل به تمایز شد، مورد اول اینکه، انتقال دهنده سهام، کل مبلغ اسمی سهم را پرداخت نموده است در این صورت امضای انتقال دهنده به تنهایی کفایت می‌کند و نیازی به امضای انتقال گیرنده نمی‌باشد. مورد دوم اینکه در هنگام انتقال سهام، انتقال دهنده هنوز کل مبلغ اسمی سهم را پرداخت ننموده است در این صورت هم باید انتقال دهنده و هم انتقال گیرنده، دفتر سهام را امضا نمایند.

سؤال: اگر در هنگام انتقال سهام در شرکت سهامی هنوز مقداری از مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده، بعد از انتقال سهام، پرداخت باقی مانده مبلغ اسمی سهم بر عهده چه کسی است؟ انتقال گیرنده، به همین دلیل است که اگر کل مبلغ اسمی سهم در هنگام نقل و انتقال پرداخت نشده، انتقال گیرنده باید دفتر سهام را امضاء کند.

سؤال: نقل و انتقال سهام تا چه زمانی امکان پذیر است؟ نقل و انتقال سهام نه تنها تا لحظه انحلال شرکت امکان پذیر است بلکه بعد از انحلال نیز تا خاتمه امر تصفیه شرکت امکان پذیر است زیرا مطابق ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت شخصیت حقوقی شرکت تا لحظه خاتمه امر تصفیه پابرجا می‌باشد.

سؤال: نقل و انتقال سهام شرکت‌های سهامی عامی که در سازمان بورس اوراق بهادار پذیرفته شده‌اند از چه طریقی امکان پذیر است؟ معامله این قبیل سهام فقط از طریق بازار بورس اوراق بهادار امکان پذیر است.

نکته: باید توجه داشت در شرکت‌های سهامی عامی که در بازار بورس اوراق بهادار وارد شده‌اند الزاماً تمام سهام، سهام بانام است و هیچ سهم بی‌نامی در این شرکت‌ها وجود ندارد.

سؤال: آیا شرکت‌های سهامی عامی که در بازار بورس اوراق بهادار داخل شده‌اند، شخص می‌تواند مستقیماً اقدام به خرید و فروش سهام این شرکت‌ها بنماید؟ خیر، الزاماً خرید و فروش سهام این شرکت‌ها باید از طریق کارگزار بورس باشد یعنی هیچ معامله‌ای در بازار بورس اوراق بهادار بدون دخالت کارگزار بورس، قابل انجام نمی‌باشد.

نکته: در شرکت‌هایی که هنوز ورقه سهم صادر نشده است و شرکت برای سهامداران گواهی نامه موقت سهام صادر کرده است، نقل و انتقال سهام با این گواهی موقت سهم امکان پذیر است و همه شرایطی که برای نقل و انتقال سهام گفتیم، تفاوت نخواهد کرد انتقال دهنده، ورقه سهم در اختیار دارد یا گواهی نامه موقت سهام.

نکته: نقل و انتقال سهام ممتازه مثل سهام عادی می‌باشد.

۵- نحوه نقل و انتقال سهام در شرکت سهام خاص:

حقوقدانان از ماده ۴۱ ل.ا.ق.ت مفهوم مخالف گرفته و معتقدند نقل و انتقال سهام در شرکت سهامی خاص می‌تواند منوط به موافقت مدیران و یا مشروط به اجازه مجامع عمومی باشد اما در اینکه آیا مدیران و مجامع عمومی بایستی برای مخالفت خود دلیل قانع‌کننده داشته باشند یا اینکه هر دلیلی می‌تواند ولو اینکه قانع‌کننده نباشد. نظر اقوی این است که مدیران و مجامع عمومی بایستی برای مخالفت خود دلیل قانع‌کننده داشته باشند زیرا قانونگذار در قسمت دوم ماده ۲۴ ل.ا.ق.ت ورقه سهم را ذاتاً سند قابل نقل و انتقال قلمداد نموده است. لذا با دلیل قانع‌کننده نمی‌توان این وصف را از آن سلب نمود.

مثال برای دلیلی قانع‌کننده: سهامداری می‌خواهد سهام خود را در شرکت سهامی خاص به مبلغ ۲۰ میلیون تومان به ثالث انتقال دهد. مدیران یا مجامع عمومی می‌گویند: «سهام را به همان مبلغ، به خود ما انتقال دهید»

مثال برای دلیل غیر قانع‌کننده: سهامدار شرکت سهامی خاص می‌خواهد سهام خود را به مبلغ ۲۰ میلیون به ثالث انتقال دهد. مدیران یا مجمع عمومی اظهار می‌دارند: «سهام را به همان مبلغ به خود سهامداران انتقال دهید اما بابت ثمن، سفته سه ماهه دریافت کنید» و یا اظهار می‌دارند: «سهام را به مبلغ ۱۵ میلیون به سهامداران انتقال دهید.»

نکته: چنانچه دلیل مدیران و یا مجامع عمومی برای نقل و انتقال، دلیلی غیر قانع‌کننده باشد آن انتقال دهنده و یا ثالث انتقال‌گیرنده می‌تواند با مراجعه به دادگاه و اثبات غیر قانع‌کننده بودن دلیل، مالکیت ثالث انتقال‌گیرنده را به اثبات رساند.

نکته: همه مواردی را که در باب تقسیم سهام به سهام بانام و بی‌نام و نحوه نقل و انتقال سهام بانام و بی‌نام در شرکت سهامی عام در بند پیشین گفتیم در اینجا هم قابلیت اعمال دارد.

جمع‌بندی:

در این شرکت نیز سهام به سهام بانام و بی‌نام تقسیم می‌گردد. در سهامی خاص نیز نقل و انتقال سهام بی‌نام با قبض و اقباض است و تابع هیچ تشریفات نیست و نمی‌تواند منوط به اجازه مرجع خاصی باشد.

نکته: در شرکت سهامی خاص نیز همانند سهامی عام، نقل و انتقال سهام بانام، تابع تشریفات است یعنی مطابق ماده ۴۰ لایحه اصلاح ق.ت باید در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت گردد.

سؤال: آیا در شرکت سهامی خاص نیز همانند سهامی عام، نقل و انتقال سهام آزاد است یا خیر؟ یعنی نحوه اعمال ماده ۴۱ لایحه اصلاح قانون تجارت در شرکت سهامی خاص به چه نحو است؟

باید بین دو مورد قائل به تمایز شویم، مورد اول اینکه اساسنامه شرکت ساکت است در این صورت به اصل مراجعه می‌کنیم که اصل با توجه به تعریف ورقه سهم در ماده ۲۴ لایحه اصلاح آزادی نقل و انتقال سهام است و نمی‌تواند منوط به اجازه مدیران و یا مجمع عمومی باشد. مورد دوم اساسنامه شرکت بخواهد نقل و انتقال سهام را منوط به اجازه مدیران و یا اجازه مجمع عمومی بکند. به نظر حقوقدانان با استفاده از مفهوم مخالف ماده ۴۱ لایحه اصلاح ق.ت این امر مجاز است اما علی‌رغم وجود چنین حکمی در اساسنامه، مدیران و مجامع عمومی باید برای مخالفت خود دلیل قانع‌کننده داشته باشند و نمی‌توانند با دلیل غیرقانع‌کننده مانع نقل و انتقال شوند.

نکته: اگر در شرکت سهامی خاص، مدیران یا مجامع عمومی به استناد اساسنامه و مفهوم مخالف ماده ۴۱ ل.ا.ق.ت با دلیل غیرقانع‌کننده مانع نقل و انتقال سهام شوند می‌توان به دادگاه مراجعه نمود و با استناد به اینکه مطابق ماده ۲۴ ل.ا.ق.ت که ورقه سهم را ذاتاً سندی قابل نقل و انتقال دانسته و نمی‌توان با دلیل غیرقانع‌کننده مانع نقل و انتقال سهام شد، الزام شرکت را به اعتبار انتقال سهام خواستار شد.

نحوه اتخاذ تصمیم اعضای شرکت در شرکت‌های تجاری:

اتخاذ تصمیم توسط شرکاء در شرکت‌های تضامنی و نسبی:

در این دو شرکت نص صریحی وجود ندارد که به‌طور کلی اکثریت خاصی را راجع به همه امور شرکت بیان نموده باشد اما در ماده ۱۲۲ ق.ت قانونگذار تقویم سهم‌الشرکه غیرنقدی را با رضایت تمامی شرکاء پیش‌بینی نموده همچنین در ماده ۱۲۳ ق.ت قانونگذار برای نقل و انتقال سهم‌الشرکه، رضایت تمامی شرکا را پیش‌بینی کرده است. در ماده ۱۳۵ ق.ت برای تبدیل شرکت تضامنی به شرکت سهامی، رضایت تمامی شرکاء را

لازم دانسته است و در ماده ۱۳۶ بند ب برای انحلال شرکت، باز رضایت تمامی شرکاء را لازم دانسته است، همچنان که ملاحظه می‌گردد در این ماده، قانونگذار برای اتخاذ تصمیم، اتفاق آراء را لازم دیده است؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که در سایر موارد نیز برای اتخاذ تصمیم در ۲ شرکت تضامنی و نسبی، اتفاق آراء شرط می‌باشد.

نکته: اینکه می‌گوییم برای اتخاذ تصمیم، اتفاق آراء شرط است، یک قاعده آمره نیست و شرکاء می‌توانند در اساسنامه خلاف آن را پیش‌بینی نمایند؛ همچنین هرچند در قانون در این دو شرکت، مجامع عمومی صاحبان سهم‌الشرکه به‌نحوی که در شرکت سهامی مقرر شده در اینجا پیش‌بینی نگردیده اما اساسنامه شرکت می‌تواند این مجامع را نیز پیش‌بینی بنماید.

نحوه اتخاذ تصمیم در شرکت با مسئولیت محدود:

ماده ۱۱۱ ق.ت. راجع به تغییر در اساسنامه، ماده ۱۰۶ ق.ت. راجع به سایر موارد.

نکته: در ماده ۱۱۴ ق.ت. در بند ب برای انحلال این شرکت، تصمیم عده‌ای از شرکاء که سهم‌الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه باشد ضروری است و در ماده ۱۰۲ ق.ت. برای نقل و انتقال سهم‌الشرکه، رضایت دارندگان سه‌چهارم سرمایه که دارای اکثریت عددی نیز باشند، ضروری می‌باشد. سؤال: در شرکت با مسئولیت محدود، تصمیمات با چه اکثریتی اتخاذ خواهند شد؟

مطابق ماده ۱۰۶ ق.ت. با اکثریت حداقل نصف سرمایه در بار اول و با اکثریت عددی در بار دوم (مگر اینکه در سؤال تصریح شود موضوع مورد اتخاذ، راجع به تغییر اساسنامه و یا انحلال و یا نقل و انتقال سهم‌الشرکه می‌باشد.)

نکته مهم: اصل بر آن است که در شرکت با مسئولیت محدود، اکثریت‌ها، قاعده آمره نیستند و قابل تغییرند یعنی هم قابل افزایشند و هم قابل کاهشند.

همچنان که در شرکت‌های سهامی می‌توانیم سهام ممتاز را پیش‌بینی نماییم و امتیاز سهم ممتاز می‌تواند داشتن رأی بیشتر در مقایسه با سایر سهام باشد به همین ترتیب در شرکت با مسئولیت محدود نیز امکان دارد در اساسنامه مقرر شده باشد برخی از شرکاء، آراء بیشتری داشته باشند به این دلیل بوده که ماده ۱۰۷ ق.ت. مقرر داشته شرکاء در شرکت با مسئولیت محدود به نسبت سهم‌الشرکه دارای حق رأی می‌باشند مگر اینکه اساسنامه شرکت خلاف این ترتیب را پیش‌بینی نموده باشد.

جمع‌بندی: در این شرکت برای اتخاذ تصمیم باید بین دو مورد قائل به تمایز شد.

مورد اول: چنانچه اتخاذ تصمیمی راجع به تغییر مواد اساسنامه و یا تغییر در سرمایه شرکت باشد مستنداً به ماده ۱۱۱ ق.ت. تجارت بایستی دارندگان حداقل ۳ سرمایه که دارای اکثریت عددی نیز باشند، موافق باشند. اساسنامه شرکت می‌تواند اکثریتی برخلاف این مقرر دارد.

مورد دوم: چنانچه اتخاذ تصمیم در سایر موارد باشد مستنداً به ماده ۱۰۶ ق.ت. تجارت اتخاذ تصمیم با اکثریت دارندگان حداقل نصف سرمایه به عمل می‌آید. چنانچه در بار اول این اکثریت حاصل نگردد شرکاء برای بار دوم دعوت می‌گردند. در بار دوم تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ خواهد شد. هرچند که دارای اکثریت سرمایه نباشند. اساسنامه شرکت می‌تواند اکثریت‌های دیگری را مقرر دارد.

نکته: مستنداً به ماده ۱۰۷ ق.ت. تجارت در شرکت با مسئولیت محدود هر یک از شرکاء به میزان سهم‌الشرکه خود دارای رأی هستند مگر اینکه اساسنامه خلاف آن مقرر دارد.

نکته: در شرکت با مسئولیت محدود نیز قانونگذار در خصوص نحوه تشکیل و اکثریت لازم برای تشکیل مجامع عمومی بحثی به میان نیاورده اما اساسنامه شرکت می‌تواند هر تصمیمی راجع به این موضوع اتخاذ نماید.

۳- نحوه اتخاذ تصمیم در شرکت‌های سهامی عام و خاص:

اتخاذ تصمیم در این شرکت‌ها از طریق سه مجمع عمومی (مجمع عمومی عادی، مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی فوق‌العاده) به عمل می‌آید که در ذیل به صلاحیت تک تک این مجامع و اکثریت لازم جهت تشکیل و اکثریت لازم جهت اتخاذ تصمیمی اشاره می‌گردد:

صلاحیت مجامع عمومی:

۱- صلاحیت مجمع عمومی مؤسس

صلاحیت این مجمع در ماده ۷۴ ل.ا.ق.ت. در چهار بند بیان شده است:

بند اول: احراز پذیره‌نویسی و تأمین سرمایه شرکت و تصویب اقدامات مؤسسين: اولین اقدام مجمع عمومی مؤسس آن است که بررسی نماید آیا سرمایه مورد نظر مؤسسين تأمین شده است یا خیر؟ همچنین مبلغی که می‌بایست تقدماً تأدیه گردد و مبلغی که می‌بایست نسبت به آن، تعهد به پرداخت به عمل آید آیا صحیحاً صورت پذیرفته است یا خیر.

می‌دانیم که قبل از تشکیل مجمع عمومی مؤسس، مؤسسين اقداماتی را بعمل آورده‌اند. مجمع عمومی مؤسس بایستی اقدامات مؤسسين را تصویب نماید در غیر این صورت همه مؤسسين مستنداً به ماده ۲۳ ل.ا.ق.ت در قبال آن اقدام تصویب‌نشده مسؤولیت تضامنی دارند. برای مثال ممکن است مؤسسين ادعا نمایند هزینه‌هایی را که تا آن لحظه مصرف کرده‌اند صد میلیون می‌باشد اما محتمل است مجمع عمومی مؤسس فقط ۱۰ میلیون آن را تصویب نماید. در این صورت خود مؤسسين در قبال ۹۰ میلیون مازاد مسؤولیت تضامنی دارند.

نکته: مجمع عمومی مؤسس با مؤسسين متفاوت است زیرا مجمع عمومی مؤسس جلسه‌ای است متشکل از پذیره نویسان و مؤسسين ولی مؤسسين کسانی هستند که در ابتدا برای تهیه مقدمات تشکیل شرکت اقدام می‌نمایند.

بند دوم: تصویب اساسنامه و عنداللزوم اصلاح آن:

مجمع عمومی مؤسس حق همه گونه تغییر در اساسنامه را دارد. باید توجه داشت قبل از آنکه مجمع عمومی مؤسس اساسنامه پیشنهادی مؤسسين را تصویب نماید اصطلاحاً به آن طرح اساسنامه می‌گویند اما پس از تصویب مجمع عمومی مؤسس، عنوان طرح از آن برداشته شده و به آن اساسنامه اطلاق می‌گردد.

بند سوم: انتخاب مدیران و بازرسان

بند چهارم: تعیین روزنامه کثیرالانتشار

نکته: در خصوص انتخاب مدیران و بازرسان و تعیین روزنامه کثیرالانتشار هم مجمع عمومی مؤسس و هم مجمع عمومی عادی هر دو صلاحیت دارند اما تفاوت امر در این است که صلاحیت مجمع عمومی مؤسس برای انتخاب اولین مدیران، اولین بازرسان و اولین روزنامه کثیرالانتشار است اما صلاحیت مجمع عمومی عادی برای انتخاب مدیران بعدی، بازرسان بعدی و روزنامه‌های کثیرالانتشار بعدی می‌باشد.

نکته: مستنداً به ماده ۸۲ ل.ا.ق.ت تجارت تشکیل مجمع عمومی مؤسس در شرکت سهامی خاص الزامی نبوده و در صورت عدم تشکیل این مجمع، وظایف را از طریق اعمال ماده ۲۰ ل.ا.ق.ت تجارت انجام می‌دهند.

نکته: همچنان که ملاحظه می‌گردد دست مجمع عمومی مؤسس در اتخاذ تصمیم راجع به همه چیز باز است.

نکته: مجمع عمومی مؤسس در صورت واجد شرایط قانونی بودن فقط برای یک‌بار تشکیل می‌گردد و در آن مجمع، در خصوص تشکیل شرکت اتخاذ تصمیم می‌نماید.

نکته: اگر در موعد مقرر یعنی تا شش ماه مقرر در ماده ۱۹ لایحه اصلاح ق.ت، شرکت سهامی به ثبت نرسد هر یک از مؤسسين در قبال هزینه‌هایی که صرف شده است مسؤولیت تضامنی دارند.

نکته: اگر در جلسه مجمع عمومی مؤسس آورده‌های غیرنقد به تصویب مجمع نرسد و یا مزایایی که مطالبه شده به تصویب مجمع نرسد، تکلیف چیست؟

مطابق ماده ۷۹ لایحه اصلاح در این صورت، جلسه دوم مجمع به فاصله‌ای که از یک ماه تجاوز نکند، تشکیل می‌گردد، در این فاصله اشخاصی که آورده غیرنقد آنها تصویب نشده می‌توانند تعهد غیرنقد خود را تبدیل به تعهد نقد کرده و مبالغ لازم را بپردازند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده می‌توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت بمانند، در غیر این صورت اگر به تصمیم مجمع تسلیم نشوند، تعهد آنان باطل شده و سایر پذیره نویسان می‌توانند سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه نمایند.

ماده ۷۹: هرگاه آورده‌های غیرنقد و مزایایی که مطالبه شده تصویب نگردد، دومین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یک ماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد در صورتی که صاحبان آورده غیرنقد و مطالبه‌کنندگان مزایا به نظر مجمع تسلیم نشوند، تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل و سایر پذیره نویسان می‌توانند سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تأدیه نمایند.

نکته: در تفسیر ماده ۷۴ بند دوم حقوقدانان اختلاف نظر دارند، عده‌ای معتقدند مجمع عمومی مؤسس اول باید در صورت نیاز طرح اساسنامه را اصلاح کند بعد آن را تصویب کند به اعتقاد این عده اگر مجمع عمومی مؤسس، اول اساسنامه را تصویب کرد دیگر بعداً حق اصلاح آن را ندارد زیرا این امر تغییر در اساسنامه است و در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده مطابق ماده ۸۳ ل.ا.ق.ت می‌باشد. نظر قوی‌تر بر آن است که

از آنجا که مجمع عمومی مؤسس دارای اختیارات تام و کامل می‌باشد هیچ تفاوتی نمی‌کند که اول آن را اصلاح کند و بعداً تصویب نماید یا اینکه اول تصویب کند، بعداً اصلاحات لازم را در آن بدهد.

۲- صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده:

در ماده ۸۳ ل.ا.ق. تجارت صلاحیت این مجمع در سه مورد بیان شده است:

الف- تغییر در مواد اساسنامه

ب- تغییر در سرمایه شرکت (کاهش یا افزایش سرمایه)

ج- انحلال قبل از موعد

غیر از موارد فوق، موارد دیگری نیز به طور پراکنده در قانون احصاء شده است:

د- مستنداً به ماده ۵۶ ل.ا.ق. تجارت اعطاء مجوز به هیأت مدیره برای صدور اوراق قرضه

ه- مستنداً به ماده ۴۲ ل.ا.ق. تجارت ترتیب دادن سهام ممتاز. البته باید توجه داشت اساسنامه شرکت در هنگام تصویب از ناحیه مجمع عمومی مؤسس نیز می‌تواند راجع به سهام ممتاز به بیان حکم نماید.

و- تبدیل شرکت سهامی خاص به سهامی عام مستنداً به ماده ۲۷۸ ل.ا.ق. ت

(رقم سهم مشخص میزان سهام شخص است اما اوراق قرضه زمانی چاپ می‌شود که شرکت به پول نیاز دارد پس از اوراق را جهت ارائه به مردم چاپ می‌کند تا به او پول قرض دهند.)

ز- تبدیل سهام بانام به بی‌نام و بی‌نام به بانام

نکته: اینکه ماده ۸۳ ل.ا.ق. ت فقط «انحلال قبل از موعد» را در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده اعلام نموده، دلالت بر این ندارد که این مجمع در خصوص «انحلال بعد از موعد» صالح نیست زیرا از ماده ۲۰۱ لایحه اصلاح ق.ت کاملاً مشهود است که مرجع صالح در خصوص انحلال بعد از موعد باز مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.

نکته: باید توجه داشت اگر در اساسنامه شرکتی مدت فعالیت شرکت ۵ سال قید شده باشد امکان دارد این شرکت چند ماه یا حتی چند سال بعد از انقضای آن پنج سال با تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده اقدام به تمدید حیات حقوقی شرکت بنماید بنابراین در عمل به صرف انقضای مدت نمی‌توان بدون صدور حکم دادگاه و یا بدون تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده، شرکت را منحل شده قلمداد نمود.

نکته: باید توجه داشت مجمع عمومی فوق‌العاده مطابق ماده ۴۲ لایحه اصلاح ق.ت صلاحیت تغییر در خصوصیات سهام ممتاز و یا سلب امتیاز از سهام ممتاز را دارد البته مشروط به اینکه قبلاً دارندگان بیش از نصف این‌گونه سهام قبلاً موافقت خود را با تغییر یا سلب امتیاز اعلام نموده باشند.

نکته: مطابق ماده ۴۳ لایحه اصلاح ق.ت تبدیل سهام بانام به بی‌نام و بی‌نام به بانام نیز در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.

نکته: بنا به نظر قوی‌تر منظور از مجمع عمومی در ماده ۹۳ لایحه اصلاح ق.ت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد زیرا تغییر در خصوصیات سهام منجر به تغییر در اساسنامه می‌گردد.

نکته: باید توجه داشت مجمع عمومی مؤسس در طول حیات حقوقی شرکت، فقط برای یک‌بار تشکیل می‌گردد، این مجمع پس از انجام وظایف قانونی و تشکیل شرکت دیگر مجدداً امکان تشکیل ندارد (البته امکان دارد در بار اول و دوم اکثریت قانونی برای تشکیل این مجمع حاصل نشود و این مجمع در بار سوم تشکیل شود اما هر یک از مجامع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی امکان دارد به دفعات متعدد تشکیل گردد.)

۳- صلاحیت مجمع عمومی عادی:

مستنداً به ماده ۸۶ ل.ا.ق. تجارت، صلاحیت این مجمع عام می‌باشد یعنی اینکه این مجمع صلاحیت اتخاذ تصمیم راجع به همه موارد را دارد به جز اینکه در صلاحیت خاص مجمع عمومی مؤسس و یا مجمع عمومی فوق‌العاده باشد. البته حکم قضیه در باب انتخاب مدیران و بازرسان در فوق توضیح داده شد.

نکته: در قریب به اتفاق مواردی که قانونگذار اصطلاح مجمع عمومی را به کار برده بدون اینکه تصریح به فوق‌العاده یا عادی یا مؤسس بنماید منظور مجمع عمومی عادی می‌باشد.

نکته: مجمع عمومی خود بر دو نوع است:

الف- مجمع عمومی عادی سالانه

ب- مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده

منظور از مجمع عمومی عادی سالانه همان مجمع عمومی عادی است که سالی یک‌بار در موعد مقرر در اساسنامه جهت تصویب ترازنامه و اتخاذ تصمیم راجع به سایر موارد تشکیل می‌گردد.

منظور از مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده همان مجمع عمومی عادی است که در خارج از موعد مقرر در اساسنامه برای اتخاذ تصمیم در خصوص مسائلی که برای شرکت حادث گردیده و در صلاحیت مجمع عمومی عادی است تشکیل می‌شود.

نکته: اکثریت لازم جهت اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی عادی سالانه و مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده یکسان است.

نکته: نباید مجمع عمومی فوق‌العاده را با مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده اشتباه گرفت. این دو کاملاً از هم جا هستند با صلاحیت‌های جداگانه.

نکته: در برخی موارد در روزنامه‌ها کثیرالانتشار می‌خوانیم: «مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده یک شرکت، برای یک روز سهامدارانش را دعوت کرده است». یا می‌خوانیم: «یک شرکت می‌خواهد در یک روز مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی سالانه را تشکیل دهد» در این قبیل موارد هدف آن است که می‌خواهند مسائلی را مطرح نمایند که پاره‌ای از آنها در صلاحیت مجمع عمومی عادی است و پاره‌ای دیگر در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده.

نکته: عملی برای اینکه مرجع ثبت شرکت‌ها در این قبیل موارد ایراد نگیرد دو نکته را باید بخاطر سپرد.

اول اینکه در آگهی منتشره تشکیل دو جلسه جدا از هم تعیین گردد.

دوم اینکه برای هر یک از این دو مجمع، صورتجلسه جداگانه تنظیم گردد.

نکته: اصولاً تصویب ترازنامه در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالانه می‌باشد اما اگر به دلایلی این مجمع به طور سالانه تشکیل نشد، مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده صلاحیت تصویب ترازنامه را خواهد داشت.

نکته: صلاحیت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده همان صلاحیت مجمع عمومی عادی سالانه می‌باشد.

نکته: اکثریت لازم برای تشکیل و اکثریت لازم برای اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مثل مجمع عمومی عادی سالانه می‌باشد.

نکته: می‌توان مجمع عمومی فوق‌العاده را با مجمع عمومی عادی خواه سالانه خواه به طور فوق‌العاده هم‌زمان تشکیل داد.

نکته: از آنجا که صلاحیت دو مجمع عمومی عادی سالانه و به طور فوق‌العاده مثل هم است نمی‌توان این دو مجمع را هم‌زمان تشکیل داد.

اکثریت لازم جهت تشکیل مجمع عمومی و اکثریت لازم جهت اتخاذ تصمیم در مجامع عمومی:

عنوان مجامع	اکثریت لازم جهت تشکیل در بار اول	اکثریت لازم جهت تشکیل در بار دوم	اکثریت لازم جهت اتخاذ تصمیم
مجمع عمومی مؤسس:	حضور دارندگان حداقل نصف سرمایه یعنی حضور پذیرهنویسانی که حداقل نصف سرمایه را تعهد کرده‌اند (م ۷۵ ل.ا.ق.ت)	حضور دارندگان حداقل سرمایه (م ۷۵ ل.ا.ق.ت) (این اکثریت برای بار سوم هم قابل اعمال است)	با اکثریت ۲/۳ آراء حاضر در مجمع عمومی مگر انتخاب مدیران و بازرسان (م ۷۵ ل.ا.ق.ت.تجارت)
مجمع عمومی فوق‌العاده:	حضور بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند (م ۸۴ ل.ا.ق.ت.تجارت)	حضور دارندگان بیش از ۱/۳ سهامی که حق رأی دارند (م ۸۴ ل.ا.ق.ت)	با اکثریت ۲/۳ آراء حاضر در مجمع عمومی (م ۸۵ ل.ا.ق.ت)
مجمع عمومی عادی:	حضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند (م ۸۷ ل.ا.ق.ت.تجارت)	با حضور هر عدم از سهامداران (م ۸۷ ل.ا.ق.ت.تجارت)	با اکثریت نصف + یک آراء حاضر در جلسه رسمی مجمع (اکثریت مطلق) (م ۸۸ ل.ا.ق.ت)

نکته: در مجمع عمومی مؤسس همه سهام، حق رأی دارد و هر سهم یک رأی دارد اما مجمع عمومی مؤسس می‌تواند اتخاذ تصمیم نماید که برخی از سهام بیش از یک رأی داشته باشد. به این قبیل سهام، سهام ممتازه گویند.

سؤال: سهام ممتازه چه سهامی هستند؟ سهام ممتازه سهامی هستند که دارای برخی خصایص بیشتر از سایر سهام می‌باشند. برای مثال خصیصه سهام ممتازه محتمل است داشتن رأی بیشتر باشد. همچنین خصیصه سهام ممتازه محتمل است بردن سود بیشتر باشد و یا هر دو باشد و یا مثلاً پرداخت سود زودتر باشد.

نکته: همچنان که ملاحظه می‌گردد در ماده ۸۴ ل.ا.ق. تجارت در باب مجمع عمومی فوق‌العاده قانونگذار اصطلاح «سهامی که حق رأی دارند» را بیان نموده درحالی که در مجمع عمومی مؤسس چنین اصطلاحی وجود ندارد. دلیل این امر آن است که در مجمع عمومی مؤسس همه سهام، حق رأی دارند حال آنکه در مجمع عمومی فوق‌العاده به دلایلی محتمل است برخی از سهام، حق رأی نداشته باشند:

۱- محتمل است در هنگام تشکیل شرکت، مقداری از سرمایه نقداً پرداخت گردد اما نسبت به قسمتی دیگر تعهد به پرداخت به عمل آید. چنانچه مبلغ تعهدشده بعداً مطالبه شده باشد اما سهامدار از پرداخت آن امتناع ورزد، چنین سهامی حق رأی نخواهد داشت.

۲- محتمل است اساسنامه شرکت مقرر نموده باشد هر ۵۰ سهم یک رأی دارد حال در این مثال چنانچه شخصی ۴۰ سهم داشته باشد حق رأی ندارد. در اینکه آیا اساسنامه شرکت می‌تواند متضمن چنین حکمی باشد یا خیر، صحت این امر از ماده ۱۱۴ ل.ا.ق. تجارت استنباط می‌گردد.

۳- چنانچه شرکت، سهام بی‌نام خود را با نام تبدیل نماید و یا سهام بانام خود را به بی‌نام تبدیل نماید اگر سهامدار برای تبدیل سهام خود مراجعه نماید سهامدار با در دست داشتن سهام سابق حق رأی نخواهد داشت.

نکته: منظور از «اکثریت مطلق» یعنی «اکثریت نصف + یک» و منظور از «اکثریت نسبی» یعنی هر طرفی که رأی بیشتری بیاورد در مجمع عمومی عادی، اصل بر آن است که اتخاذ تصمیم با «اکثریت مطلق آراء» است اما مستنداً به «ماده ۸۸ ل.ا.ق. تجارت» در بحث انتخاب مدیران و بازرسان «اکثریت نسبی» ملاک است.

سؤال: آیا اساسنامه شرکت می‌تواند اکثریت‌های فوق‌الاشعار (در جدول) را تغییر دهد؟ در این زمینه اختلاف نظر است:

۱- برخی با استناد به ماده ۷۲ ل.ا.ق. تجارت معتقدند این اکثریت‌ها قابل تغییر نیست یعنی نه قابل کاهش است و نه قابل افزایش.

۲- برخی با وحدت ملاک از مواد ۱۰۶ و ۱۱۱ ق. تجارت معتقدند این اکثریت‌ها هم قابل کاهش هستند و هم قابل افزایش.

۳- برخی معتقدند با وحدت ملاک از ماده ۱۲۱ ل.ا.ق. ت این اکثریت‌ها در اساسنامه قابل افزایش هستند اما قابل کاهش نیستند. این نظر قوی‌تر است.

نکته: در ماده ۸۴ ل.ا.ق. ت در باب تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده قانون‌گزار اصطلاح «بیش از نصف» را به کار برده است. باید توجه داشت این اصطلاح مساوی ۵۱٪ نیست چون احتمال دارد بین «بیش از نصف» و اصطلاح «۵۱٪» میلیاردها فاصله باشد.

سؤال: آیا اساسنامه شرکت می‌تواند مقرر دارد که برخی از سهام، حق رأی نداشته باشند؟ خیر مگر آنکه مطابق مطالب عنوان شده در فوق اساسنامه مقرر دارد مثلاً ۱۰ سهم دارای یک رأی است.

نحوه انتخاب مدیران و بازرسان در شرکت‌های سهامی:

در باب انتخاب مدیران و بازرسان، قانونگذار یک قاعده‌ای را در ماده ۸۸ ل.ا.ق. تجارت بیان نموده که قاعده‌آمره می‌باشد یعنی اینکه مقرر داشته: «تعداد آراء هر رأی‌دهنده ضرب در تعداد مدیرانی خواهد شد که باید انتخاب گردند.» حاصل ضرب عبارت است از تعداد آراء آن رأی‌دهنده برای انتخاب مدیران. آن رأی‌دهنده می‌تواند کل آراء خود را به یک مدیر دهد و یا بین چند مدیر به هر نسبتی که بخواهد تقسیم نماید. بعداً آراء مکتسبه هر یک از مدیران جمع خواهد شد و به ترتیب آراء مکتسبه، مدیران اصلی و علی‌البدل انتخاب می‌گردند.

مثال: سهامدار، آقای «الف» ۳۰۰۰۰ سهم دارد. در شرایط معمولی ۳۰۰۰۰ رأی دارد. ۱۵ نفر کاندید مدیریت شده‌اند. باید ۵ مدیر اصلی و ۳ مدیر علی‌البدل انتخاب گردد. در این صورت، کل آراء آقای «الف» برای انتخاب مدیران:

$$30000 \times 8 = 240000$$

نکته: حکم مقرر در ماده ۸۸ در باب انتخاب مدیران و بازرسان قاعده‌آمره می‌باشد.

سؤال: نحوه دعوت سهامداران جهت حضور در مجامع عمومی چگونه می‌باشد؟

مستنداً به ماده ۹۷ ل.ا.ق. تجارت سهامداران از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به مجامع عمومی دعوت می‌گردند.

نکته: مطابق تبصره ماده ۹۷ ل.ا.ق. تجارت هرگاه همه سهامداران در جلسه مجمع حاضر باشند نیاز به نشر آگهی نیست.

نکته: اساسنامه شرکت می‌تواند به جای نشر آگهی و یا همراه نشر آگهی، دعوت را به طریق دیگر نیز مقرر دارد مثل ارسال نامه سفارشی دو قبضه.

سؤال: فاصله بین نشر آگهی و تاریخ تشکیل مجمع حداقل و حداکثر چند روز است؟

مطابق ماده ۹۸ ل.ا.ق. تجارت این مدت نباید از ۱۰ روز کمتر و از ۴۰ روز بیشتر باشد. لازم به یادآوری است استثنائاً در ماده ۷۵ ل.ا.ق. تجارت در بار دوم و سوم مجمع عمومی مؤسس قانونگذار مقرر داشته این مدت نباید کمتر از ۲۰ روز باشد.

سؤال: مصوبات مجامع عمومی در چه مواردی معتبرند؟

مصوبات مجامع عمومی در صورت جمع شرایط ذیل معتبرند، در غیر این صورت فاقد اعتبارند:

شرط اول: بایستی اکثریت لازم جهت تشکیل و اکثریت لازم جهت اتخاذ تصمیم جمع باشد.

شرط دوم: بایستی آن مجمعی که تشکیل گردیده مطابق مقررات قانونی صلاحیت اتخاذ راجع به آن موضوع تصویب شده را داشته باشد.

شرط سوم: چنانچه در جلسه مجمع، همه سهامداران حاضر نبودند و مجمع از طریق نشر آگهی دعوت شده باشد بایستی موضوع مطرح شده جزء دستور جلسه باشد و در غیر این صورت فاقد اعتبار است.

سؤال: ارسال کدامیک از صورت‌جلسات مجمع عمومی به مرجع ثبت شرکت الزامی است؟ این موارد در ۴ بند در ماده ۱۰۶ ل.ا.ق.ت بیان شده است.

سؤال: اگر در مجمع عمومی فوق‌العاده در بار دوم اکثریت مقرر در قانون حاصل نشود، تکلیف چیست؟

عده‌ای معتقدند اگر بخواهیم مجمع عمومی فوق‌العاده را مجدداً دعوت کنیم آن مجمع، مجمع عمومی فوق‌العاده برای بار اول خواهد بود و

باید اکثریت لازم برای مجمع عمومی فوق‌العاده برای بار اول را داشته باشد اما نظر قوی بر این است که می‌توان از مجمع عمومی مؤسس

وحدت ملاک گرفت و گفت مجمع عمومی فوق‌العاده نیز برای بار سوم قابل دعوت است و اکثریت آن مثل بار دوم است اما اگر در بار سوم

اکثریت قانونی حاصل نشد و بخواهیم بعداً مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت کنیم، مجمع عمومی فوق‌العاده برای بار اول خواهد بود.

نکته: در مجمع عمومی مؤسس اگر در بار سوم اکثریت قانونی حاصل نشود مؤسسين باید عدم تشکیل شرکت را اعلام دارند (به مرجع ثبت شرکت‌ها)

نکته: اینکه ماده ۸۷ لایحه اصلاح ق.ت برای تشکیل مجمع عمومی عادی در بار دوم مقرر داشته این مجمع با حضور هر عده از سهامداران

تشکیل خواهد شد منظور از هر عده، حداقل شامل چند نفر می‌باشد؟

هرچند که می‌دانیم اصل بر آن است که در شرکت‌های سهامی عدد سهامداران، ملاک تعیین‌کننده نمی‌باشد اما استثنائاً باید توجه داشت از آنجاکه

بایستی صورت‌جلسه مجمع توسط هیئت رئیسه‌ای تنظیم شود که مطابق ماده ۱۰۱ حداقل دارای ۴ عضو بوده که ۳ عضو آن الزاماً سهامدار

شرکت می‌باشند لذا باید گفت منظور از هر عده حداقل ۳ نفر خواهد بود لازم به یادآوری است اگر در اساسنامه شرکت برای اداره جلسه و تنظیم

صورت‌جلسه مجمع طریق دیگری پیش‌بینی شده باشد و مشکل تنظیم صورت‌جلسه وجود نداشته باشد، تشکیل مجمع با کمتر از سه سهامدار

نیز بلااشکال خواهد بود.

نکته: در جلسات مجامع عمومی از آنجاکه تصمیمات همیشه با اکثریت سرمایه شرکت است سهامداران عمده شرکت همیشه تأثیرگذار خواهند

بود اما در جلسات هیئت مدیره تصمیمات با اکثریت مدیران است و سرمایه و آراء متخذة مدیران برای کسب این سمت اثری ندارد یعنی مدیری

که انتخاب شده، با هر اکثریتی که انتخاب شده دارای یک رأی خواهد بود بنابراین سهامداران عمده شرکت نباید فقط به دنبال این باشند که خود

به عنوان مدیر انتخاب شوند بلکه آنها باید به دنبال این باشند که اکثریت هیئت مدیره را به همراه داشته باشند بنابراین سهامدار عمده نباید کل

آراء را به خود بدهد چون در این صورت در جلسات هیئت مدیره در اقلیت خواهد بود و کاری از پیش نخواهد برد.

نکته: اصل بر آن است که دعوت سهامداران برای حضور در جلسه مجمع، مطابق ماده ۹۷ لایحه اصلاح ق.ت فقط در یک روزنامه کثیرالانتشار

به عمل می‌آید این روزنامه کثیرالانتشار منتخب مجمع عمومی عادی سالانه است اما استثنائاً تبصره ماده ۱۱۷ ل.ا.ق.ت مقرر داشته: تا زمان

تشکیل اولین مجمع عمومی عادی سالانه هرگونه دعوت و اطلاعیه برای سهامداران باید در دو روزنامه کثیرالانتشار آگهی گردد که یکی از آنها

را مجمع عمومی مؤسس و دیگری را وزارت ارشاد تعیین می‌کند (در قانون مقرر شده «وزارت اطلاعات و جهانگردی» که این وظیفه هم‌اکنون جز وظایف «وزارت ارشاد» است)

سؤال: اگر در آگهی دعوت سهامداران چند مورد دستور جلسه صریحاً قید شده باشد اما این عبارت نیز در آگهی منتشره وجود داشته باشد «سایر مواردی که در صلاحیت این مجمع باشد» حال سؤال این است که مجمع می‌تواند به استناد چنین قیدی موضوعاتی را که جزو دستور صریح مجمع نبوده اتخاذ تصمیم بنماید؟

در این زمینه اختلاف نظر است، نظر قوی‌تر بر آن است که مجمع حق اتخاذ چنین تصمیماتی را ندارد در غیر این صورت می‌توان از دادگاه بطلان چنین مصوبه‌ای را خواست.

نکته: امکان دارد جلسه مجمع با یک صورت جلسه چندین موضوع را اتخاذ تصمیم نماید، اگر به دلایلی فقط یکی از تصمیمات مجمع غیرقانونی باشد در این صورت می‌توان فقط بطلان آن قسمت از صورت جلسه را از دادگاه درخواست نمود.

نحوه اداره جلسات مجمع عمومی

تفاوت هیئت رئیسه با هیئت مدیره چیست؟

وظیفه هیئت مدیره، اداره شرکت است که در شرکت سهامی مدت مدیریت حداکثر دو سال می‌باشد اما وظیفه هیئت رئیسه اداره جلسه مجمع عمومی می‌باشد که طول این دوره، دو سه ساعت می‌باشد.

هر مجمع برای خودش یک هیئت رئیسه خاص دارد.

سؤال: آیا سهامداران برای حضور در جلسه مجمع باید اقداماتی را انجام دهند؟

بله، مطابق ماده ۹۹ ل.ا.ق.ت سهامداران باید به شرکت مراجعه نموده و ورقه ورود به جلسه را دریافت کنند در غیر این صورت می‌توان مانع ورود آنها به جلسه شد.

سؤال: آیا حضور شخص سهامدار در جلسه مجمع عمومی الزامی است یا خیر؟

خیر، صاحب سهم محتمل است شخصاً در جلسه مجمع حاضر شود و یا اقدام به انتخاب وکیل نماید. (وکیل ممکن است، وکیل دادگستری باشد و یا وکیل دادگستری نباشد. برگه نمایندگی لازم نیست با سند رسمی باشد)

نکته: در مورد اشخاص حقوقی باید نماینده حقیقی که شخص حقوقی معرفی می‌کند در جلسه حاضر شود این نماینده ممکن است از مدیران شرکت باشد یا نباشد.

نکته: یک شخص امکان دارد به نمایندگی از چندین سهامدار در جلسه مجمع حاضر شود، در شرکت سهامی هیچ محدودیتی در این زمینه وجود ندارد.

سؤال: اگر ساعتی که برای مجمع عمومی در نظر گرفته شده تمام شود اما تمامی موضوعات مورد اتخاذ تصمیم واقع نگردد، تکلیف چیست؟ در این صورت مطابق ماده ۱۰۴ ل.ا.ق.ت هیئت رئیسه مجمع با تصویب مجمع اعلام تنفس می‌نماید و تاریخ جلسه بعد را که نباید بیشتر از دو هفته باشد تعیین می‌کند. نکته مهم آن است که دیگر نیازی به نشر آگهی و دعوت سهامداران نمی‌باشد و اکثریت لازم برای تشکیل مجمع همان اکثریت جلسه قبل است. (امکان دارد برخی از سهامداران که در جلسه قبل بوده‌اند در جلسه دوم حاضر نشوند اما به جای آنها سهامدارانی که جلسه اول نبوده‌اند در جلسه دوم حاضر شوند بنابراین حصول اکثریت شرط است اینکه کدام سهامداران حاضر شده‌اند تفاوتی ندارد.)

نکته: اگر در جلسه دوم اکثریت جلسه اول حاصل نشود در این صورت مجمع نمی‌تواند تصمیم بگیرد و برای اتخاذ تصمیم راجع به موضوعات باقی‌مانده باید جلسه دیگری وفق مقررات با نشر آگهی دعوت شود.

نکته: با لحاظ بند ۳ ماده ۱۰۶ ل.ا.ق.ت باید گفت همه مصوبات مجمع عمومی فوق‌العاده که برایش صورت جلسه تنظیم می‌شود ارسال صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده در همه موارد به مرجع ثبت شرکت‌ها الزامی می‌باشد.

سؤال: دعوت سهامداران برای حضور در جلسه مجمع عمومی مؤسس وظیفه کیست؟

مطابق ماده ۱۶ ل.ا.ق.ت این امر وظیفه مؤسسين می‌باشد. یعنی پس از انقضای مدت پذیرهنویسی مؤسسين باید حداکثر ظرف یک ماه اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسس بنمایند.

نحوه اداره جلسات مجامع عمومی:

«ماده ۱۰۱ ل.ا.ق.تجارت» نحوه اداره جلسات مجامع عمومی را بیان نموده است. جلسات مجمع عمومی به وسیله هیأت رئیسه‌ای اداره می‌گردد. هیأت رئیسه مرکب از یک رئیس، دو ناظر و یک منشی می‌باشد. رئیس و ناظران الزاماً باید سهامدار شرکت باشند اما منشی محتمل است سهامدار شرکت باشد و محتمل است سهامدار شرکت نباشد. منشی و ناظران را خود مجمع انتخاب می‌کند اما علی‌الاصول رئیس هیأت مدیره به طور اتوماتیک رئیس هیأت رئیسه خواهد شد اما چنانچه در آن جلسه مجمع، بحث عزل مدیر و یا بحث انتخاب مدیری مطرح باشد در این صورت رئیس هیأت مدیره دیگر نمی‌تواند رئیس هیأت رئیسه باشد و بایستی رئیس هیأت رئیسه را خود مجمع انتخاب نماید.

نکته: صورت جلسات مجمع عمومی را فقط هیأت رئیسه امضاء می‌کند؛ بنابراین نیازی به امضای صورت جلسه مجمع توسط سهامداران نیست اما باید توجه داشت یک لیست حضور و غیابی وجود دارد که سهامداران حاضر در جلسه مجمع عمومی باید آن را امضاء نمایند.

سؤال: چه کسانی وظیفه دعوت سهامداران جهت حضور در جلسات مجامع عمومی را دارند؟

- ۱- در وهله اول، دعوت مجمع عمومی، وظیفه هیأت مدیره می‌باشد که رئیس هیأت مدیره به نیابت از هیأت مدیره این وظیفه را ایفا می‌کنند.
- ۲- چنانچه هیأت مدیره به این وظیفه خود عمل نکند دعوت مجمع عمومی وظیفه بازرس یا بازرسان شرکت است. البته هر سهامداری هم می‌تواند در مواردی که مدیری استعفاء داده و سمت او بالاتصدی مانده برای تشکیل مجمع و انتخاب مدیر به بازرس مراجعه نموده و از او این امر را درخواست نماید.
- ۳- مستنداً به ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.تجارت چنانچه مدت مدیریت مدیران منقضی گردیده و مراجع مکلف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه قانونی خود عمل نکنند هر ذینفعی می‌تواند با مراجعه به مرجع ثبت شرکت‌ها درخواست نماید که مرجع ثبت شرکت‌ها اقدام به دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیران بنماید.
- ۴- مستنداً به ماده ۹۵ ل.ا.ق.تجارت دارندگان^۱ سهام در هر زمانی که صلاح بدانند می‌توانند از هیأت مدیره بخواهند اقدام به دعوت مجمع عمومی بنمایند. هیأت مدیره مکلف است ظرف ۲۰ روز این درخواست را اجابت نماید و در غیر این صورت دارندگان^۱ سهام می‌توانند از بازرسان شرکت بخواهند اقدام به دعوت مجمع عمومی بنمایند. بازرس مکلف است ظرف ۱۰ روز درخواست دارندگان^۱ سهام را اجابت نماید. در غیر این صورت دارندگان^۱ سهام رأساً می‌توانند اقدام به دعوت مجمع عمومی بنمایند. در آگهی دعوت اولاً موضوع جلسه باید قید گردد، ثانیاً بایستی عدم اجابت درخواست دارندگان^۱ سهام از ناحیه هیأت مدیره و بازرسان مورد تصریح قرار گیرد.

مدیریت در شرکت‌های تجاری:

الف- مدیریت در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسؤلیت محدود:

موارد ذیل در این زمینه لازم به ذکر است:

- ۱- در این شرکت‌ها الزاماً باید مدیر وجود داشته باشد اما وجود یک مدیر کافی است. البته اساسنامه می‌توان مقرر دارد که بیش از یک مدیر انتخاب گردد.
- ۲- مدیران این شرکت‌ها، محتمل است خود شریک شرکت باشد و محتمل است شریک شرکت نبوده و از خارج انتخاب گردند.
- ۳- مدیران این شرکت‌ها محتمل است موظف باشند و محتمل است غیرموظف باشند. منظور از مدیر موظف، مدیری است که حقوق ماهانه مستمر دریافت می‌کند و منظور از مدیر غیرموظف، مدیری است که حقوق ماهانه مستمر دریافت نمی‌کند.
- ۴- مدت مدیریت مدیران محتمل است هم محدود و هم نامحدود باشد.
- ۵- مدیران این شرکت‌ها محتمل است در ضمن شرکت‌نامه انتخاب گردند و یا خارج از آن.
- ۶- چنانچه مدیران این شرکت‌ها در خارج از شرکت‌نامه انتخاب گردد همانند وکیلی هستند که در حال قابل عزل می‌باشند اما هرگاه مدیران این شرکت‌ها در ضمن شرکت‌نامه انتخاب شوند بنا به نظر اقوی به طور یک طرفه قابل عزل نیستند زیرا شرکت‌نامه سند عقد این شرکت بوده و می‌دانیم که شرکت تجاری، عقدی لازم است. همچنان که اگر وکالت در ضمن عقد لازم درج گردد به طور یک طرفه قابل برهم زدن نیست. اگر انتخاب مدیر نیز در ضمن شرکت‌نامه باشد به طور یک طرفه قابل برهم زدن نیست.

ب- مدیریت در شرکت‌های سهامی عام و خاص:

مدیریت در شرکت‌های سهامی را در دو قسمت بررسی می‌کنیم:

قسمت اول: هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی.

قسمت دوم: مدیرعامل در شرکت‌های سهامی.

قسمت اول: هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی

موارد ذیل در این زمینه لازم به ذکر است:

- ۱- مرجع صالح برای انتخاب هیأت مدیره مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی می‌باشد مجمع عمومی مؤسس برای انتخاب اولین مدیران و مجمع عمومی برای انتخاب مدیران بعدی صلاحیت دارند.
- ۲- مرجع صالح برای عزل اعضاء هیأت مدیره، مجمع عمومی عادی است.
- ۳- مرجع صالح برای تعیین حق الزحمه اعضاء هیأت مدیره، مجمع عمومی عادی است.
- ۴- اعضاء هیأت مدیره الزاماً باید سهامدار شرکت باشند؛ بنابراین نمی‌توان اعضاء هیأت مدیره را از خارج از شرکت انتخاب نمود.
- ۵- حداقل اعضاء هیأت مدیره در شرکت سهامی عام ۵ نفر می‌باشد اما در خصوص حداقل اعضاء هیأت مدیره در شرکت سهامی خاص اختلاف نظر وجود دارد. برخی حداقل را دو نفر می‌دانند (این نظر قوی‌تر است) و برخی حداقل را سه نفر می‌دانند.
- ۶- مدت مدیریت در شرکت سهامی عام یا خاص حداکثر ۲ سال است اما انتخاب مجدد مدیران برای دوره‌های متوالی بلاشکال است.
- ۷- اعضاء هیئت مدیره محتمل است موظف باشند و محتمل است غیرموظف باشند.
- ۸- حقوق و پاداشی که می‌توان برای هیأت مدیره در نظر گرفت. با لحاظ مواد ۱۳۴ و ۲۴۱ ل.ا.ق.ت می‌باشد. باید توجه داشت پاداشی که می‌توان برای هیأت مدیره در نظر گرفت مطابق «قانون اصلاح ماده (۲۴۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» بدین شرح است:
«ماده واحده- ماده (۲۴۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود:
ماده ۲۴۱- با رعایت شرایط مقرر در ماده (۱۳۴) نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود، به هیچ وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از سه درصد و در شرکت‌های سهامی خاص از شش درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، تجاوز کند. در هر حال این پاداش نمی‌تواند برای هر عضو موظف از معادل یک سال حقوق پایه وی و برای هر عضو غیرموظف از حداقل پاداش اعضاء هیأت مدیره بیشتر باشد. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد، باطل و بلااثر است.
تبصره ۱- شرکت‌های دولتی، مشمول مقررات این ماده در خصوص پاداش هیأت مدیره نیستند و تابع حکم مقرر در ماده (۷۸) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ می‌باشند.
تبصره ۲- هیچ فردی نمی‌تواند اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی همزمان در بیش از یک شرکت که تمام یا بخشی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها یا مؤسسات عمومی غیردولتی است به سمت مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره انتخاب شود. متخلف علاوه بر استرداد وجوه دریافتی به شرکت، به پرداخت جزای نقدی معادل وجوه مذکور محکوم می‌شود».
- ۹- اعضاء هیأت مدیره محتمل است شخص حقیقی باشند و محتمل است شخص حقوقی باشند. در مواردی که عضو هیأت مدیره شخص حقوقی باشد مستنداً به ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت تجارت آن شخص حقوقی بایستی یک نماینده که شخص حقیقی باشد به شرکت معرفی نماید. مسؤولیت کیفری عضو هیأت مدیره متوجه نماینده یعنی شخص حقیقی است اما در خصوص مسؤولیت حقوقی آن شخص حقوقی، عضو هیأت مدیره با نماینده خود مسؤولیت تضامنی دارد.
- ۱۰- اشخاص ممنوع از عضویت در هیأت مدیره در ماده ۱۱۱ ل.ا.ق.ت تجارت احصاء شده‌اند. این ماده ۲ بند دارد:
بند اول: محجورین و ورشکستگان؛ بند دوم: مرتکبین برخی از جرائم در مدت محرومیت از حقوق اجتماعی.
نکته: در شرکت‌های تعاونی (ماده ۳۸)، برای مدیرشدن باید این شرایط را دارا بود: ۱. تابعیت؛ ۲. عدم ورشکستگی به تقصیر؛ ۳. ایمان؛ ۴. اهلیت؛ ۵. عدم عضویت در گروه‌های محارب.

- ۱۱- مستنداً به مواد ۱۱۵ و ۱۱۴ ل.ا.ق. تجارت مدیران باید داری سهام وثیقه باشند. چنانچه مدیری در هنگام انتخاب، دارای تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد در ظرف یک ماه از انتخاب بایستی سهام وثیقه لازم را تأمین و در صندوق شرکت تودیع نماید والا مستعفی محسوب می‌گردد.
- ۱۲- می‌گویند سهام وثیقه مدیران قابل بازداشت نیست. باید توجه داشت منظور از اینکه قابل بازداشت نیست از جهت عملی آن است که قابل بازداشت است اما حق شرکت، مقدم بر بازداشت‌کننده می‌باشد، به عبارت دیگر مازاد بازداشت می‌گردد.
- ۱۳- مستنداً به ماده ۱۳۶ ل.ا.ق.ت چنانچه مدت مدیریت منقضی گردد و مدیران جدید انتخاب نشوند، در این صورت مدیران سابق کماکان مدیر فرض شده و کلیه حقوق و مسؤولیت مدیریت متوجه آنها خواهد شد.
- ۱۴- مستنداً به ماده ۱۱۶ ل.ا.ق.ت تجارت تصویب ترازنامه شرکت به منزله تصفیه حساب شرکت با مدیران برای آن دوره مالی است.
- سؤال: آیا اگر مدیران مرتکب جرمی شده باشند و مجمع عمومی بدون اطلاع از این جرم ترازنامه شرکت را تصویب نماید مدیران بعداً می‌توانند برای رد شکایت به تصویب ترازنامه استناد نمایند؟ خیر زیرا تصویب ترازنامه بدون اطلاع از ارتکاب جرم بوده است.
- ۱۵- یک شخص می‌تواند در عین حال در چندین شرکت عضو هیأت مدیره باشد.
- ۱۶- کارمندان دولت نمی‌توانند مدیر شرکت‌های خصوصی باشند مگر در شرکت‌های تعاونی که برای خود کارمندان تشکیل می‌گردند.
- ۱۷- کارمندان دولت نمی‌توانند در شرکت‌های خصوصی بیش از ۵٪ مالکیت سهام شرکت را داشته باشند و اگر تعداد کارمندان یک شرکت خصوصی زیاد باشد مجموع مالکیت سهام آنها نباید بیش از ۲۰٪ باشد.
- ۱۸- اعضای هیأت مدیره بایستی از بین خود یک رئیس و یک نایب رئیس انتخاب نمایند. اینکه انتخاب رئیس و نایب رئیس با هیأت مدیره است از قوائد آمره است؛ بنابراین اساسنامه شرکت نمی‌تواند شخص خاصی را به عنوان رئیس و یا نایب رئیس تعیین نماید و اگر اساسنامه متضمن چنین حکمی باشد برای هیأت مدیره لازم‌الاتباع نیست یعنی هیأت مدیره می‌تواند از این حکم تخلف نماید.
- ۱۹- وظایف عمده رئیس هیأت مدیره از قرار ذیل است:
- الف- دعوت مجامع عمومی به نیابت از هیأت مدیره.
- ب- ریاست جلسات هیأت مدیره به جز در مواردی که بحث عزل یا نصب مدیر مطرح است.
- ج- دعوت هیأت مدیره برای تشکیل هیأت مدیره
- د- ریاست جلسات هیأت مدیره.
- ۲۰- چنانچه رئیس هیأت مدیره به طور موقت نتواند به وظایف خود در خصوص دعوت مجمع هیأت مدیره اقدام نماید وظایف او را نایب رئیس هیأت مدیره انجام خواهد داد اما چنانچه رئیس هیأت مدیره به طور دائم نتواند وظایف خود را ایفاء نماید، در این صورت بایستی هیأت مدیره، مدیره جدیدی را انتخاب نماید.
- ۲۱- جلسات هیأت مدیره وقتی تشکیل می‌گردند که مطابق ماده ۱۲۱ ل.ا.ق.ت تجارت بیش از نصف اعضاء حاضر باشند اساسنامه شرکت می‌تواند این اکثریت را افزایش دهد.
- ۲۲- اتخاذ تصمیم در جلسات هیأت مدیره با اکثریت آراء حاضرین خواهد بود. اساسنامه شرکت می‌تواند اکثریت بیشتری را مقرر دارد.
- ۲۳- در اینکه آیا اشخاص حقوقی می‌توانند به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره انتخاب شوند بایستی با توجه به ماده ۱۱۹ ل.ا.ق.ت تجارت گفت خیر اما تبصره ۱ این ماده مقرر داشته نماینده‌ای را که شخص حقوقی معرفی کرده می‌تواند این سمت‌ها را داشته باشد.
- ۲۴- مستنداً به ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت تجارت دارندگان سهام می‌توانند به نام شرکت اما به هزینه شخصی خود علیه رئیس، نایب رئیس و اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل متخلف اقامه دعوت نمایند. اگر دعوی به نتیجه برسد هزینه دادرسی به او مسترد خواهد شد. اگر دعوی به نتیجه نرسد هزینه دادرسی از کیسه او رفته است.
- نکته: حکم مقرر در ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت تجارت در مورد دعوی حقوقی است. در مورد شکایت کیفری هر سهامداری با هر نسبت سهام می‌تواند شکایت کیفری مطرح کند.
- ۲۵- نصب قانونی در خصوص الزامی بودن انتخاب مدیر علی‌البدل در شرکت‌های سهامی وجود ندارد.
- مباحثی چند در رابطه با مدیرعامل شرکت‌های سهامی:**
- ۱- شرکت سهامی الزاماً باید دارای مدیرعامل باشد.

- ۲- مدیرعامل الزاماً باید شخص حقیقی باشد.
- ۳- مدیرعامل محتمل است واحد باشد و محتمل است متعدد باشند. چنانچه مدیرعاملان متعدد اصطلاحاً به آنها هیأت عامل اطلاق می‌گردد. در بحث مدیرعاملان متعدد، همانند وکلای متعدد اصل بر اجتماع آنهاست مگر اینکه اساسنامه شرکت حق استقلال آنها را به رسمیت شناخته باشد.
- ۴- مدیرعامل محتمل است سهامدار شرکت باشد یا نباشد.
- ۵- مدیرعامل محتمل است عضو هیأت مدیره شرکت باشد یا نباشد.
- ۶- مدیرعامل شرکت سهامی مستنداً به ماده ۱۲۴ ل.ا.ق. تجارت درعین حال نمی‌تواند رئیس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر اینکه^۳ آراء حاضر در مجتمع عمومی این موضوع را تصویب نماید.
- ۷- مرجع صالح برای انتخاب مدیرعامل، هیأت مدیره می‌باشد.
- ۸- مرجع صالح برای عزل مدیرعامل، هیأت مدیره می‌باشد.
- ۹- مرجع صالح برای تعیین حق الزحمه مدیرعامل، هیأت مدیره می‌باشد.
- ۱۰- مدیرعامل یک شرکت سهامی، درعین حال نمی‌تواند مدیرعامل شرکت دیگر نیز باشد اما باید توجه داشت مدیرعامل یک شرکت سهامی محتمل است درعین حال عضو هیأت مدیره چندین شرکت دیگر باشد.
- ۱۱- مدیرعامل شرکت سهامی، نماینده شرکت محسوب می‌گردد.
- ۱۲- مدیرعامل شرکت در حدود اختیارات تفویض شده از ناحیه هیأت مدیره (نه اساسنامه) نماینده شرکت (نه هیأت مدیره؛ نه سهامداران) محسوب می‌گردد.

سؤال: مدیرعامل شرکت سهامی:

- ✓ الف- نماینده شرکت محسوب می‌گردد.
- ب- نماینده هیأت مدیره محسوب می‌گردد.
- ج- نماینده رئیس هیأت مدیره محسوب می‌گردد.
- د- نماینده سهامداران محسوب می‌گردد.
- سؤال: مدیرعامل شرکت سهامی در حدود چه اختیاراتی نماینده شرکت محسوب می‌گردد؟
- الف- اختیارات تفویض شده در اساسنامه.
- ✓ ب- اختیارات تفویض شده از ناحیه هیأت مدیره.
- ج- اختیارات تفویض شده از ناحیه سهامداران.
- د- اختیارات تفویض شده از ناحیه رئیس هیأت مدیره.

۱۳- اشخاص ممنوع از مدیریت که در ماده ۱۱۱ ل.ا.ق. تجارت بیان شده است، در مورد مدیرعامل نیز قابل اعمال است.

۱۴- مستنداً به ماده ۱۲۸ ل.ا.ق. تجارت مشخصات مدیرعامل و حدود اختیارات ایشان و مدت مدیریت ایشان بایستی در روزنامه رسمی آگهی شود.

جمع بندی:

مدیر عامل	هیئت مدیره	مدیریت در شرکت‌های سهامی عام و خاص
هیئت مدیره	بار اول مجمع عمومی مؤسس بارهای بعد مجمع عمومی عادی	مرجع صالح برای انتخاب
هیئت مدیره	مجمع عمومی عادی	مرجع صالح برای عزل
هیئت مدیره	مجمع عمومی عادی	مرجع صالح برای تعیین حق الزحمه
۲ سال	۲ سال	مدت مدیریت
محتمل است سهامدار باشد یا نباشد	الزاماً باید سهامدار باشند	سهامدار بودن یا نبودن
فقط باید حقیقی باشد	محتمل است حقیقی باشند یا حقوقی	شخص حقیقی یا حقوقی بودن

جمع بندی:

رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره:

از خود هیئت مدیره انتخاب می‌شود (قاعده آمره) و حتماً باید شخص حقیقی باشند؛ نماینده شخص حقوقی می‌تواند رئیس و نایب رئیس شود.
ماده ۱۲۱ ل.ا.ق.ت:

۱. برای تشکیل جلسات هیئت مدیره: حضور بیش از نصف اعضای هیئت مدیره

۲. برای اتخاذ تصمیم: اکثریت آراء حاضرین

این اکثریت قابل افزایش است اما قابل کاهش نیست.

حداقل تعداد اعضای هیئت مدیره:

سهامی عام: نص صریح، ۵ نفر

سهامی خاص: نص صریح نداریم، ۲ نفر

کارمندان دولت نمی‌توانند مدیر شرکت‌های تجاری باشند، استثنائاً: تعاونی مصرف و مسکن
حق الزحمه

۱. مدیر موظف: حقوق ماهانه (+پاداش)

۲. مدیر غیرموظف: بابت ساعات حق حضور (+پاداش)

سؤال: به چه کسی (به کدام مدیر) می‌توان حقوق ماهانه داد و به کدام مدیر می‌توان حق الزحمه بابت ساعات حق حضور داد و به کدام مدیر می‌توان پاداش داد؟

حقوق ماهانه را فقط می‌توان به مدیر (ان) موظف داد، حق الزحمه بابت ساعات حق حضور را می‌توان به مدیر (ان) غیرموظف داد اما پاداش را می‌توان هم به مدیران موظف و هم به مدیران غیرموظف داد.

نکته: نمی‌توان پس از انقضای مدت مدیریت مدیران اقدام به تمدید مدت مدیریت نمود چنین امری محمل قانونی ندارد و فقط می‌توان وفق ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت اقدام به انتخاب هیئت مدیره جدید نمود.

نکته: اگر مدیرعامل شرکت سهامی، عضو هیئت مدیره همان شرکت باشد، مدت مدیریت عاملی نباید بیشتر از مدت عضویت هیئت مدیره باشد. برای مثال امکان دارد شخصی برای دو سال به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب شود، چنانچه این شخص پس از انقضای یک سال از عضویت او در هیئت مدیره به عنوان مدیرعامل انتخاب گردد در این صورت مدت مدیریت مدیرعاملی او نمی‌تواند بیش از یک سال باشد البته می‌توان بعد از انقضای یک سال او را مجدداً به عنوان مدیرعامل شرکت انتخاب نمود.

نکته: در شرکت‌های سهامی عام و خاص، قانونگذار در ماده ۱۲۶ لایحه اصلاح ق.ت مقرر داشته هیچ‌کس نمی‌تواند در عین حال، مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد، در تفسیر این ماده باید گفت اگر یکی از شرکت‌ها، سهامی باشد این ممنوعیت جاری خواهد شد اما اگر شخصی مدیرعامل دو شرکت با مسئولیت محدود باشد یا تضامنی باشد یا نسبی باشد یا مثلاً مدیرعامل شرکت با مسئولیت محدود و تضامنی باشد در این موارد ممنوعیت قانونی وجود ندارد (هرچند که برخی حکم عام ماده ۱۲۶ ل.ا.ق.ت را شامل موارد احصاء شده نیز می‌دانند).

مسئولیت کیفری فقط متوجه شخص حقیقی است، اما در مورد مسئولیت حقوقی، شخص حقوقی عضو هیئت مدیره با نماینده اش مسئولیت تضامنی دارد.

اصل بر آن است که در این زمینه ممنوعیت وجود ندارد که کارمند شرکت بتواند سهامدار یا شریک شرکت باشد اما در این زمینه ممنوعیت وجود دارد که اگر شرکتی بخواهد با دولت معامله کند نباید هیچ کارمند دولتی بیش از ۵٪ سهام این شرکت را داشته باشد و همچنین نباید مجموع سهام یا سهم‌الشرکه کارمندان بیش از ۲۰٪ باشد. در صورت تخلف از این امر موضوع مشمول قانون منع مداخله خواهد شد که مجازات بسیار سنگینی پیش‌بینی نموده است.

ماده ۲۷۶: شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. (دعوی حقوقی، نه کیفری که هرکس می‌تواند شکایت کند)

در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران، تا زمان انتخاب مدیران جدید مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهد بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند، هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

مسئولیت مدیران در شرکت‌های تجاری:

۱- مسئولیت مدیران در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود:

مستنداً به مواد ۱۲۱ و ۵۱ ق.ت.جارت مدیر شرکت در قبال شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در قبال موکل دارد. ایراد وارد بر ماده ۵۱ ق.ت. که ماده ۱۲۱ ق.ت. بدان ارجاع نموده آن است که در ماده ۵۱ قانونگذار مسئولیت مدیر را در قبال شرکاء بررسی نموده است درحالی که می‌دانیم نمایندگی مدیر از شرکاء به مراتب کم‌رنگ‌تر از نمایندگی مدیر از شرکت است، لذا باید گفت مسئولیت مدیر در قبال شرکت همان مسئولیتی است که وکیل در قبال موکل دارد.

نکته: فقط در شرکت سهامی و شرکت تعاونی است که مدیران باید حتماً از داخل اعضاء شرکت انتخاب گردند.

نکته: در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود، تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران با شرکای شرکت است مگر اینکه اساسنامه خلاف آن را پیش‌بینی کرده باشد.

نکته: در سه شرکت تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود وجود شرکت‌نامه برای شرکت الزامی بوده و نکات مهم در آن درج می‌شود

نکته: در شرکت‌های سهامی قانونگذار در مواد ۲۴۳ الی ۲۶۹ لایحه اصلاح ق.ت. که قسمت جزایی می‌باشد راجع به جرائم خاصی تصریح نموده که مدیرعامل و یا هیئت مدیره مرتکب می‌شوند بنابراین اگر در این شرکت‌ها از مدیرعامل و یا هیئت مدیره شاکی باشیم باید عنوان مجرمانه ما منطبق با یکی از مواد قانونی مذکور باشد. مثلاً اگر مدیران ترازنامه غیرواقع تنظیم نموده‌اند موضوع مشمول بند ۲ ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت. است یا اگر هیئت مدیره و مدیرعامل از اموال یا اعتبارات شرکت برای مقاصد شخصی خود استفاده نموده‌اند موضوع مشمول بند ۳ ماده ۲۵۸ ل.ا.ق.ت. است اما اگر در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود بخواهیم در خصوص همین دو موضوع فوق بر علیه مدیران اعلام شکایت نماییم چون قانون تجارت عنوان مجرمانه خاصی را در این زمینه پیش‌بینی نکرده، عنوان شکایت ما خیانت در امانت یعنی جرم موضوع ماده ۶۷۴ ق.م.ا خواهد بود.

نکته: در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود اگر مدیران در حدود اختیارات خود عمل نمایند هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهند داشت اما اگر مدیران از حدود اختیارات تفویضی تخلف نمایند در این صورت همانند وکیلی خواهند بود که در انجام وظایف قانونی تعدی یا تفریط نموده است.

۲- مسئولیت مدیران در شرکت‌های سهامی:

قانونگذار در مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ ل.ا.ق.ت.جارت در باب مسئولیت مدیران، بیان حکم نموده است. در ماده ۱۴۲ مسئولیت انفرادی یا مشترک پیش‌بینی شده است اما در ماده ۱۴۳ مسئولیت انفرادی یا تضامنی مطرح شده است. می‌دانیم که مسئولیت انفرادی در جایی است که مسؤول ما واحد است اما مسئولیت تضامنی و مشترک جایی است که مسؤولین ما متعدد می‌باشند. در هر ماده یعنی هم در ماده ۱۴۲ و هم در ماده ۱۴۳ مدیران، مرتکب تخلف شده‌اند اما در ماده ۱۴۳ تخلف مدیران موجب شده که شرکت یا ورشکسته گردد و یا اینکه دارایی شرکت بعد از انحلال کافی برای دیون آن نباشد درحالی که در ماده ۱۴۲ هر چند مدیران، مرتکب تخلف شده‌اند اما این تخلف مدیران موجب ورشکستگی شرکت نگردیده و همچنین اگر شرکت منحل شده، دارایی شرکت بیش از دیون آن می‌باشد.

معامله مدیران با خود در شرکت‌های سهامی (تفسیر مواد ۱۲۹، ۱۳۰ و ۱۳۱ ل.ا.ق.ت.جارت):

فروض ذیل لازم به است:

منظور ما از معامله مدیر با خود، آن است مثلاً مدیر ماشین خود را به شرکت بفروشد و یا ماشین شرکت را برای خود بخرد:

۱- مدیر با خود معامله می‌کند، هیأت مدیره این معامله را اجازه می‌دهد و مجمع عمومی نیز آن را تصویب می‌کند:

اولاً معامله صحیح بوده و قابل ابطال نمی‌باشد.

- ۲- مدیر با خود معامله می‌کند، هیئت مدیره معامله را اجازه نمی‌دهد اما مجمع عمومی آن را تصویب می‌کند: چون مجمع عمومی، مافوق هیأت مدیره است عدم اجازه هیأت مدیره اثری ندارد یعنی اولاً: معامله صحیح است و قابل ابطال نمی‌باشد. ثانیاً: خسارتی نیز قابل مطالبه نیست.
- ۳- مدیر با خود معامله می‌کند، هیأت مدیره این معامله را اجازه می‌دهد اما مجمع عمومی آن را تصویب نمی‌کند: اولاً: این معامله قابل ابطال نیست چون قانونگذار به اجازه هیأت مدیره ارزش قائل شده است. ثانیاً: خسارت به نحو تضامن از مدیر معامله‌کننده و مدیران اجازه‌دهنده قابل مطالبه می‌باشد.
- ۴- مدیر با خود معامله می‌کند، هیأت مدیره این معامله را اجازه نمی‌دهد و مجمع عمومی نیز آن را تصویب نمی‌کند: در این صورت اولاً: معامله، قابل ابطال است (مطابق ماده ۱۳۱ ل.ا.ق. تجارت مهلت مقرر در این مورد سه سال است). ثانیاً: خسارت به نحو تضامن قابل مطالبه می‌باشد.
- نکته: مواردی که در فوق بدان اشاره شد در بحث معامله با خود بود. در بحث معامله مدیر با ثالث اصل بر صحت معامله می‌باشد اما استثنائاً باید توجه داشت چنانچه معامله مدیر با ثالث مسبوق به تبانی باشد و یا به طور صوری باشد. اولاً معامله قابل ابطال است، ثانیاً: خسارت به نحو تضامن قابل مطالبه می‌باشد.

جمع‌بندی مسئولیت مدیران در شرکت‌های سهامی عام و خاص:

نکته: باید توجه داشت اینکه قانونگذار در ماده ۱۴۳ لایحه اصلاح ق.ت برای مدیران متخلف مسئولیت انفرادی یا تضامنی پیش‌بینی نموده این مسئولیت زمانی حاکم خواهد بود که ورشکستگی یا کافی نبودن دارایی، معلول تخلف مدیر یا مدیران باشد.

نکته: چنانچه مدیر صاحب امضای مجاز شرکت با ثالث معامله نماید در این قبیل موارد نه نیاز به اجازه هیئت مدیره است و نه نیاز به تصویب مجمع عمومی عادی می‌باشد یعنی معامله مدیر یا مدیران صاحب امضای مجاز با ثالث، صحیح و معتبر است استثناء مربوط به موردی است که معامله مدیر با ثالث به طور صوری بوده و یا مبتنی بر تبانی باشد در این ۲ مورد استثنائاً هم معامله باطل است و هم خسارت به نحو تضامن قابل مطالبه می‌باشد.

نکته: در فرضی که مدیر با خود معامله بکند هیئت مدیره آن را اجازه ندهد و مجمع عمومی نیز تصویب نکند، مطابق ماده ۱۳۱ تا سه سال از تاریخ انعقاد قابل اقامه دعوی برای بطلان است و اگر معامله به طور مخفی انجام شده در ظرف سه سال از تاریخ کشف آن.

سؤال: آیا مدیرعامل شرکت و اعضای هیئت مدیره می‌توانند از شرکت وام یا اعتبار تحصیل نمایند یا خیر؟ همچنین آیا شرکت می‌تواند دیون آنها را تضمین یا تعهد کند یا خیر؟

خیر مگر اینکه اعضای هیئت مدیره شخص حقوقی باشد (۱۳۲ ل.ا.ق.ت)

نکته: بانک‌ها و شرکت‌های مالی و اعتباری تحت قیود و شرایط عادی خود می‌توانند این اقدامات را در مورد مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره انجام دهند.

نکته: ممنوعیت مذکور در سؤال مطروحه فوق شامل اشخاصی که نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره در جلسات هیئت مدیره هستند می‌شود بعلاوه این ممنوعیت شامل همسر و پدر و مادر و اجداد، اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور نیز می‌گردد.

سؤال: آیا مدیران و مدیرعامل شرکت می‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت انجام دهند یا خیر؟

مطابق ماده ۱۳۳ ل.ا.ق.ت اگر این معاملات متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد نمی‌توانند.

سؤال: ضمانت اجرای تخلف از سؤال فوق چیست؟

قانونگذار ضمانت اجرای تخلف را جبران خسارت شرکت قرار داده است (یعنی هیچ اشاره‌ای به بطلان عملیات نشده)

نکته بسیار مهم: در شرکت‌های تضامنی و نسبی نیز قانونگذار در ماده ۱۳۴ ق.ت مقرر داشته هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء به حساب شخص خود یا به حساب شخص ثالث، تجارتي از نوع تجارت شرکت نماید و یا به‌عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

حدود اختیارات مدیران در شرکت‌های تجاری:

اصل کلی: اصل کلی آن است که در همه شرکت‌های تجاری مدیران دارای اختیارات کامل برای اداره امور شرکت می‌باشند، اما اصل کلی فوق‌الاشعار با این استثناء مواجه است که امکان دارد اختیارات مدیران محدود شده باشد. می‌دانیم که دو فرض قابل تصور است یک فرض آن است که اختیارات مدیران در اساسنامه محدود شده باشد و فرض دیگر آن است که اختیارات مدیران در خارج از اساسنامه محدود شده باشد.

نکته: اثر محدود شدن اختیار مدیران در دو رابطه قابل بررسی است: اول در رابطه بین ثالث و شرکت؛ دوم در رابطه بین مدیران و شرکت و شرکاء. نکته کلی: محدود کردن اختیارات مدیران در رابطه دوم یعنی در رابطه بین مدیران و شرکت و شرکاء (یا سهامداران) درهرحال معتبر است تفاوت نمی‌کند این محدود کردن اختیار در اساسنامه باشد یا خارج از اساسنامه باشد برای مثال به موجب اساسنامه یا به موجب تصمیم مجمع عمومی عادی مقرر شده مدیران حق صدور سند تعهدآور مازاد بر مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ندارند اگر مدیران شرکت از این حکم تخلف نموده و سند تعهدآور به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ صادر کنند در روابط بین خود شرکت و مدیران و شرکاء یا سهامداران، مدیر تخلف نموده و مسئول جبران خسارات ناشی از این تخلف است، تفاوت نمی‌کند شرکت، سهامی عام و خاص باشد یا با مسئولیت محدود، تضامنی و نسبی باشد.

نکته بسیار مهم: در خصوص اثر محدود کردن اختیارات مدیران در رابطه اول یعنی در رابطه بین شرکت و ثالث قانونگذار در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح ق.ت. راه حلی متفاوت از ماده ۱۰۵ ق.ت. انتخاب نموده است می‌دانیم که ماده ۱۰۵ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ بوده و در مورد شرکت با مسئولیت محدود است اما ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. مصوب ۱۳۴۷ بوده و در مورد شرکت سهامی عام و خاص می‌باشد.

محدود کردن اختیارات مدیران در شرکت سهامی عام و خاص

قانونگذار در این شرکت در ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. مقرر داشته محدود کردن اختیارات مدیران، خواه در اساسنامه و خواه در خارج از اساسنامه در قبال اشخاص ثالث، باطل و کن‌لم‌یکن می‌باشد؛ یعنی اگر در اساسنامه یا به موجب تصمیم مجمع عمومی مقرر شده باشد مدیران، حق صدور سند تعهدآور مازاد بر ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ندارند اگر مدیران از این حکم تخلف نموده و مبادرت به صدور یک سند تعهدآور به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ بنمایند شرکت همچنان در قبال کل ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مسئول است زیرا گفتیم که محدود کردن اختیار مدیر در قبال اشخاص ثالث باطل و کان‌لم‌یکن است، البته این محدود کردن اختیارات مدیر، در بین مدیران، شرکت و سهامداران معتبر بوده و شرکت به دلیل تخلف مدیر حق مراجعه به مدیر را دارد.

نکته: در ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. در شرکت سهامی استثنائاً قانونگذار در یک مورد شرکت را در قبال اقدام مدیران که خارج از موضوع شرکت باشد مسئول قلمداد نموده است.

حدود اختیارات مدیران در شرکت با مسئولیت محدود (در رابطه شرکت و ثالث)

ماده ۱۰۵ ق.ت. در بحث محدود کردن اختیارات مدیران، در رابطه با شرکت و شخص ثالث بین دو مورد قائل به تمایز شده است. مورد اول اینکه محدود کردن اختیار مدیر در اساسنامه باشد یعنی در اساسنامه گفته شده مدیر حق صدور سند تعهدآور مازاد بر مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ندارد اما مدیر از آن تخلف نموده و سند تعهدآور ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ صادر کند در این صورت مطابق ماده ۱۰۵ این محدود کردن اختیار در قبال شخص ثالث نیز معتبر است یعنی شرکت در قبال ثالث فقط نسبت به ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مسئول قلمداد می‌گردد.

مورد دوم محتمل است محدود کردن اختیار در خارج از اساسنامه باشد در این صورت این محدود کردن اختیار در قبال شخص ثالث، باطل و کان‌لم‌یکن است یعنی اگر در خارج از اساسنامه مقرر شده بود که مدیران حق صدور سند تعهدآور مازاد بر ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ندارند اما مدیر سند تعهدآور ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ صادر نموده، ثالث می‌تواند برای کل مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ به شرکت مراجعه کند.

نکته: همچنان که قبلاً گفتیم در شرکت با مسئولیت محدود در رابطه بین مدیر و شرکت و شرکاء همانند شرکت سهامی عام و خاص، محدود کردن اختیارات مدیران، صحیح و معتبر است.

نکته: به نظر می‌رسد در شرکت تضامنی و نسبی به دلیل سکوت قانونگذار، حکم مقرر در ماده ۱۰۵ ق.ت. قابلیت اعمال داشته باشد. (چون مقررات شرکت تضامنی و نسبی هم در سال ۱۳۱۱ تصویب شده است)

جمع بندی:

بحث بر سر این بود که اگر مدیران شرکتی مبادرت به صدور یک سند تعهدآور به مبلغ ۵۰ میلیون بنمایند چنانچه دارنده سند در سررسید طلب، به شرکت مراجعه نموده، اولاً: مواجه با تغییر مدیران سابق شده باشد، ثانیاً: مدیران جدید اظهار نمایند که مطابق مقررات اساسنامه، مدیران شرکت، حق صدور سند تعهدآور مازاد بر مبلغ ۲۰ میلیون نداشته‌اند، حال چون سند تعهدآوری که در دست شماست ۵۰ میلیون می‌باشد شرکت فقط در

قبال ۲۰ میلیون آن مسؤو است و در قبال ۳۰ میلیون مانده شرکت هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد حال سؤال این است که آیا اظهار مدیران صحیح است یا خیر؟

پاسخ به این سؤال بستگی به نوع شرکت دارد که در ذیل اشاره می‌گردد:

۱- محدود کردن حدود اختیارات مدیران در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسؤولیت محدود:

با لحاظ ماده ۱۰۵ ق.ت.مصوب ۱۳۱۱ که در مورد شرکت با مسؤولیت محدود بوده اما با توجه به زمان تصویب آن می‌توان آن را در شرکت تضامنی و نسبی هم قابل‌اعمال دانست. مطابق این ماده محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه هم در قبال مدیران و هم در قبال شرکت شرکاء و هم در قبال اشخاص ثالث قابلیت استناد دارد. با این وصف اگر در سؤال فوق‌الاشعار، شرکت طرف معامله، شرکت تضامنی، نسبی و با مسؤولیت محدود باشد اظهار مدیران صحیح می‌باشد یعنی اینکه شرکت فقط در قبال ۲۰ میلیون مسؤو بوده و در قبال ۳۰ میلیون مازاد شرکت هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد و مسؤولیت فقط متوجه مدیران امضاءکننده خواهد بود.

۲- محدود کردن اختیارات مدیران در شرکت‌های سهامی:

ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.تجارت در مورد شرکت سهامی مقرر داشته: «محدود کردن اختیارات مدیران حتی در اساسنامه فقط در روابط بین خود مدیران و سهامداران، معتبر است. این محدود کردن اختیارات مدیران در قبال اشخاص ثالث باطل است.» بنابراین اگر در مثال فوق شرکت طرف معامله، شرکت سهامی عام یا خاص باشد اظهار مدیران صحیح نبوده و شرکت در قبال کل مبلغ ۵۰ میلیون مسؤو خواهد بود. سؤال: آیا در شرکت‌های سهامی موردی وجود دارد که شرکت در قبال اقدام مدیران مسؤو نباشد؟ بله، مطابق ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.تجارت چنانچه اقدام مدیران، خارج از موضوع شرکت باشد در این صورت شرکت در قبال اقدام مدیران، مسؤو نخواهد بود. برای مثال اگر موضوع شرکتی راه‌سازی باشد اما مدیران شرکت از موضوع شرکت تخلف نموده، اقدام به خرید هزار دستگاه ماشین برای صادرات بنمایند و بابت آن، شرکت، سند تعهدآور صادر نمایند در این صورت باید گفت چون مدیران از موضوع شرکت تخلف نموده‌اند شرکت مسؤو نخواهد بود.

موارد انحلال شرکت‌های تجاری:

الف) موارد انحلال شرکت‌های تضامنی و نسبی:

موارد انحلال این شرکت در ماده ۱۳۶ ق.ت در ۶ بند اما ۸ مورد احصاء شده است. موارد ذیل در خصوص انحلال این شرکت لازم به ذکر است:

- ۱- قانونگذار در بند ۵ این ماده و همچنین در ماده ۱۲۹ ق.تجارت یکی از موارد انحلال شرکت را بدهکاری و یا ورشکستگی شریک شرکت اعلام نموده است. دلیل این امر آن است که به علت محدودیت نقل و انتقال سهم‌الشرکه در ماده ۱۲۳ ق.تجارت طلبکاران شخصی شریک نمی‌توانند درخواست فروش سهم‌الشرکه این شریک بدهکار و یا ورشکسته را مطرح کنند؛ بنابراین تنها راه چاره در این بوده که قانونگذار به طلبکاران شخصی شریک اجازه دهد برای اینکه بتوانند به طلب خود برسند درخواست انحلال شرکت را مطرح نمایند.
- ۲- باید توجه داشت در صورتی که بحث انحلال شرکت به دلیل بدهکاری و یا ورشکستگی شریک مطرح باشد سایر شرکاء می‌توانند با پرداخت سهم‌الشرکه آن شریک و اخراج او از شرکت مانع انحلال شرکت گردند.
- ۳- در شرکت‌های تضامنی و نسبی اصل بر آن است که شرکای شرکت مطابق ماده ۱۳۷ ق.ت حق فسخ شرکت را دارند مگر اینکه این حق در اساسنامه از شرکاء سلب شده باشد. البته بایستی این فسخ به قصد اضرار نباشد والا سایر شرکاء می‌توانند در این صورت مانع انحلال شرکت گردند. شرایط فسخ (ماده ۱۳۷ ق.ت): ۱. عدم سلب حق فسخ (اصلاً لازم نیست چیزی تصریح شود نه وجود حق فسخ و نه حق سلب)؛ ۲. عدم قصد اضرار؛ ۳. شش ماه بین اعلان کتبی فسخ تا اعمال فسخ فاصله باشد.

تست: شرط فسخ شرکت تضامنی این است که:

- × حق فسخ در اساسنامه پیش‌بینی شده و سلب نشده باشد.
- ✓ حق فسخ در اساسنامه بدون آنکه پیش‌بینی شده باشد سلب نشده باشد.
- × وجود حق فسخ و عدم سلب آن در اساسنامه تصریح شده باشد.
- × در اساسنامه تصریح شده باشد که حق فسخ سلب نشده باشد.

مهم‌ترین شرط امکان فسخ شرکت این است که در اساسنامه حق فسخ سلب نشده باشد یعنی اولاً لازم نیست وجود حق فسخ تصریح شود (چون این حق قانوناً وجود دارد)؛ ثانیاً طبق اصل استصحاب این حق باقی است و نیازی نیست که بقای آن تصریح شود یعنی نیازی به تصریح سلب شدن نیست بلکه تنها در اساسنامه نباید این حق تصریح شده باشد.

۴- در بحث فوت و یا محجوریت یکی از شرکاء، دوام شرکت منوط به رضایت سایر شرکاء و وراثت یا سرپرست قانونی برحسب مورد خواهد بود.

ب) موارد انحلال شرکت‌های سهامی:

موارد انحلال این شرکت در ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت ۵ مورد بیان شده است.

- ۱- برعکس شرکت تضامنی، بدهکاری و یا ورشکستگی سهامدار از موارد انحلال این شرکت قلمداد نشده است. دلیل این امر آن است که طلبکاران شخصی سهامدار، می‌توانند اقدام به فروش سهامدار بدهکار و یا ورشکسته بنمایند؛ بنابراین چون از این طریق طلبکاران به طلب خود می‌رسند پس دلیل وجود نداشته که قانونگذار بدهکاری و یا ورشکستگی سهامدار را از موارد انحلال این شرکت قلمداد نماید.
- ۲- منظور قانونگذار از ورشکستگی در بند ۳ این ماده ورشکستگی خود شرکت است نه ورشکستگی سهامداران.
- ۳- در بند ۵ این ماده قانونگذار دست محاکم را تا حدی در صدور حکم انحلال شرکت بازگذاشته است.

نکته: غیر از موارد اصلی انحلال شرکت که در ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت تجارت بدان اشاره شده است قانونگذار در ماده ۲۰۱ ل.ا.ق.ت تجارت موارد دیگری را نیز بیان نموده است که موجب انحلال شرکت خواهد شد. در موارد یادشده در ۲۰۱ هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد (انحلال مستلزم حکم دادگاه است): ۱. عدم اقدام در موضوع شرکت تا یک سال پس از ثبت؛ ۲. عدم فعالیت بیش از یک سال؛ ۳. عدم تشکیل مجمع عمومی عادی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرد برای رسیدگی به حساب‌های هر سال مالی؛ ۴. بالتصدی ماندن سیمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره یا مدیرعامل بیش از شش ماه؛ ۵. عدم تشکیل مجمع فوق العاده و ایفای وظایف پیشگیرانه در انحلال. فی المثل به موجب ماده ۵ لایحه اگر حداقل سرمایه شرکت سهامی از حداقل قانونی کمتر شود و ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه توسط مجمع فوق العاده اقدام نشود و یا به موجب ماده ۱۴۱ لایحه بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه از بین رفته و مجمع فوق العاده بلافاصله نسبت به انحلال یا کاهش سرمایه اقدام ننموده هر ذینفع می‌تواند از دادگاه تقاضای انحلال شرکت را بنماید.

ج) موارد انحلال شرکت با مسئولیت محدود:

موارد انحلال این شرکت در ماده ۱۱۴ ق.ت.ت.ج.ت در چهار بند اما ۶ مورد احصاء شده است.

سؤال: شخصی با مراجعه به ما سؤال می‌کند که از یک شخصی طلبکار است که ایشان شریک شرکت با مسئولیت محدود می‌باشد، عنوان می‌دارد که این بدهکار دارایی برای پرداخت به من ندارد اما اگر من بتوانم به سهم‌الشرکه ایشان در شرکت با مسئولیت محدود دسترسی داشته باشم سهم‌الشرکه ایشان تکافوی طلب مرا می‌کند چه اقدامی می‌توانم بعمل آورم؟

در پاسخ به سؤال این شخص باید گفت: اولاً ایشان نمی‌توانند اقدام به فروش سهم‌الشرکه آن شریک بنمایند زیرا در ماده ۱۰۲ ق.ت.ت.ج.ت.ت. نقل و انتقال سهم‌الشرکه با محدودیت مواجه شده است. ثانیاً موارد انحلال شرکت با مسئولیت محدود در ماده ۱۱۴ ق.ت.ت.ج.ت.ت. بیان شده است اما بدهکاری و یا ورشکستگی شریک از موارد انحلال قلمداد نشده است پس تکلیف طلبکار چیست؟ در این زمینه دو نظر وجود دارد:

نظر اول: عده‌ای معتقدند طلبکار نه می‌تواند سهم‌الشرکه را بفروشد و نه می‌تواند درخواست انحلال شرکت را مطرح نماید. تنها اقدامی که می‌تواند بعمل آورد آن است که سهم‌الشرکه این شریک را توقیف نماید تا چنانچه بنابه علل دیگری، شرکت در آینده منحل گردد، توقیف‌کننده مقدم شناخته شود؛ اما نظر دوم که قوی‌تر است این است، به دو دلیل ذیل طلبکار می‌تواند درخواست انحلال شرکت را مطرح نماید.

دلیل اول: وحدت ملاک از مقررات شرکت‌های تضامنی، یعنی علت اینکه قانونگذار در بند ۵ ماده ۱۳۶ ق.ت.ت.ج.ت.ت. و ماده ۱۲۹ ق.ت.ت.ج.ت.ت. یکی از موارد انحلال شرکت تضامنی را بدهکاری و یا ورشکستگی شریک بیان نموده آن است که مطابق «ماده ۱۲۳ ق.ت.» نقل و انتقال سهم‌الشرکه در این شرکت مواجه با محدودیت بوده و تنها راه رسیدن طلبکاران شخصی شرکاء به طلب خود، انحلال شرکت می‌باشد. با توجه به اینکه در شرکت با مسئولیت محدود نیز در «ماده ۱۰۲ ق.ت.ت.ج.ت.ت.» محدودیت نقل و انتقال سهم‌الشرکه باز وجود دارد همانند شرکت تضامنی، در شرکت با مسئولیت محدود نیز یکی از موارد انحلال این شرکت بایستی بدهکاری و یا ورشکستگی شریک شرکت باشد.

دلیل دوم: اقتضای اصل وحدت دارایی: مطابق این اصل هر بدهکاری با همه دارایی خود در هرکجا که باشد در باره بدهی‌های خود مسؤول است. از آنجاکه مقداری از دارایی شریک بدهکار و یا ورشکسته در شرکت با مسؤولیت محدود قرار داد باید اجازه بدهیم شرکت منحل گردد تا طلبکار به دارایی شخصی شریک دسترس داشته باشد.

نکته: مطابق بند ۴ ماده ۱۱۴ ق.ت.جارت فوت شریک در شرکت با مسؤولیت محدود زمانی از موارد انحلال شرکت است که در اساسنامه چنین موضوعی تصریح شده باشد.

تست: فوت شریک با مسؤولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی:

- × سبب انحلال است حتی بدون تصریح در اساسنامه.
 - ✓ باعث انحلال نیست حتی با تصریح در اساسنامه.
 - × باعث انحلال نیست مگر با تصریح اساسنامه.
 - × باعث انحلال نیست مگر نسبت به یک شریک آن هم با تصریح در اساسنامه.
- اگر سوال در شرکت با مسؤولیت محدود بود طبق ماده ۱۱۴ ق.ت پاسخ گزینه ۳ بود.

جمع‌بندی:

موارد انحلال شرکت تضامنی و نسبی

موارد انحلال این شرکت‌ها در ماده ۱۳۶ ق.ت. احصاء شده است:

الف. فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳ ق.ت. یعنی

۱. شرکت برای هدف خاصی تشکیل گردیده، آن هدف را انجام دهد و یا انجام آن غیرمقدور شود مثلاً شرکتی برای احداث سد تشکیل شود و آن سد را احداث نماید. یا مثلاً شرکتی برای صادرات برنج تشکیل شود اما قانونی وضع گردد و صادرات برنج را ممنوع نماید.
نکته: باید توجه داشت، صرف انجام هدف شرکت و یا صرف غیرمقدور شدن اجرای موضوع شرکت خودبه‌خود موجب انحلال شرکت نمی‌گردد بلکه باید مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تشکیل شود و رأی به انحلال شرکت بدهد در غیر این صورت می‌توان به دادگاه برای صدور حکم انحلال مراجعه نماید.

۲. اگر شرکت برای مدت معینی تشکیل شود و آن مدت منقضی گردد.

نکته: اگر شرکتی برای مدت ۵ سال تشکیل شود و آن ۵ سال منقضی گردد، رویه عملی بر این است که اگر شرکت ماه‌ها یا حتی سال‌ها پس از انقضای مدت، مجمع عمومی فوق‌العاده را تشکیل دهد و مدت شرکت را تمدید نماید، چنین شرکتی معتبر و باقی قلمداد می‌گردد یعنی همچنان به حیات حقوقی خود ادامه خواهد داد.

۳. اگر شرکت ورشکسته گردد. می‌دانیم که مطابق ماده ۴۱۲ ق.ت. ورشکستگی در نتیجه توقف در پرداخت دیون حاصل می‌شود، قانونگذار ورشکستگی را یکی از موارد انحلال، قلمداد نموده است باید توجه داشت بین ورشکستگی شریک و ورشکستگی شرکت تفاوت وجود دارد در همه شرکت‌ها ورشکستگی شرکت موجب انحلال شرکت است اما فقط در برخی شرکت‌ها مثل تضامنی و نسبی، ورشکستگی شریک می‌تواند آن هم تحت شرایطی موجب انحلال شرکت گردد.

نکته: سه مورد فوق که به آن اشاره کردیم در همه شرکت‌های تجاری از موارد انحلال شرکت می‌باشند.

ب. در صورت تراضی تمامی شرکاء (یعنی اتفاق آراء)

در همه شرکت‌های تجاری یکی از موارد انحلال شرکت، تصمیم‌گیری اعضای شرکت (شرکاء یا سهامداران) در خصوص انحلال شرکت است اما این اکثریت بستگی به نوع شرکت دارد.

در شرکت‌های تضامنی و نسبی، قانونگذار اکثریت لازم را برای انحلال، «اتفاق آراء» پیش‌بینی نموده است.

ج. اگر یکی از شرکاء به دلایلی انحلال را از محکمه بخواهد و دادگاه آن دلایل را موجه دیده و حکم به انحلال شرکت دهد.

در همه شرکت‌های تجاری راه برای همه اعضای شرکت باز است تا از دادگاه درخواست صدور حکم انحلال را بخواهند اما نکته مهمی که باید به آن توجه نمود آن است که در سایر شرکت‌ها درخواست انحلال از دادگاه، منوط به تحقق قیود و شروطی است اما استثنائاً در دو شرکت تضامنی و

نسبی به دلیل مسئولیت سنگین شرکاء، قانونگذار انحلال را به سهولت پذیرفته یعنی مقرر داشته هر شریکی با دلیل موجه می‌تواند به دادگاه مراجعه نموده و درخواست انحلال شرکت را بنماید.

د. در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷ ق.ت

می‌دانیم که شرکت تجاری عقدی لازم است اما علی‌رغم این موضوع به دلایل مسئولیت شخصی سنگین شرکاء، قانونگذار اجازه فسخ شرکت را به هر یک از شرکاء تفویض نموده البته اساسنامه شرکت می‌تواند این حق فسخ را از شرکاء سلب نماید، ضمناً باید توجه داشت تقاضای فسخ باید ۶ ماه قبل کتباً به شرکاء اعلام شود و چنانچه به حساب‌های شرکت سال به سال رسیدگی می‌شود، فسخ در زمان ختم محاسبه سالانه امکان‌پذیر است.

تست: در شرکت تضامنی و نسبی، هر یک از شرکاء شرکت:

الف. حق فسخ شرکت را دارند و اساسنامه نمی‌تواند خلاف آن را پیش‌بینی کند.

ب. حق فسخ شرکت را ندارند و اساسنامه نمی‌تواند خلاف آن را پیش‌بینی کند.

ج. حق فسخ شرکت را ندارند مگر اینکه اساسنامه خلاف آن را پیش‌بینی کند.

✓ د. حق فسخ شرکت را دارند مگر اینکه اساسنامه خلاف آن را پیش‌بینی کند.

ه. در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸

نکته: باید توجه داشت نه تنها ورشکستگی شریک می‌تواند موجب انحلال این دو شرکت باشد بلکه بدهکاری شریک نیز ممکن است مطابق ماده ۱۲۹ ق.ت موجب انحلال این دو شرکت باشد.

علت اینکه در این دو شرکت، ورشکستگی شریک و همچنین بدهکاری شریک از موارد انحلال شرکت پیش‌بینی شده آن است که با توجه به محدودیت نقل و انتقال سهم الشرکه در این دو شرکت در ماده ۱۲۳ ق.ت طلبکاران شخصی شرکاء نمی‌توانند مبادرت به توقیف و فروش سهم الشرکه شریک بدهکار بنمایند، لذا تنها راه چاره در این بوده که قانونگذار بدهکاری و یا ورشکستگی شریک را از موارد انحلال این شرکت‌ها قلمداد بنماید.

نکته: لازم به ذکر است اگر وفق ماده ۱۳۱ ق.ت سایر شرکاء حاضر به پرداخت سهم الشرکه آن شریک از شرکت و خروج او از شرکت شوند می‌توانند مانع انحلال شرکت گردند.

و. در صورت فوت یا حجر یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ق.ت

نکته: اگر یکی از شرکای شرکت تضامنی و نسبی فوت نماید و یا محجور شود در این صورت قانونگذار هرچند در ماده ۱۳۶ در بند «و» این را از موارد انحلال شرکت تضامنی و نسبی قلمداد نموده اما در مواد ۱۳۹ و ۱۴۰ ق.ت تکمله‌ای به آن اضافه نموده است یعنی مقرر داشته اگر شریکی فوت نماید یا محجور شود بقای این شرکت منوط به رضایت سایر شرکاء از یک طرف و رضایت وراثت متوفی از طرف دیگر است (در مورد فوت) و همچنین در مورد حجر بقای این شرکت منوط به رضایت سایر شرکاء از یک طرف و رضایت سرپرست قانونی محجور از طرف دیگر است. اگر این دو طرف رضایت به بقای شرکت داشته باشند شرکت به بقای حقوقی خود ادامه خواهد داد والا شرکت منحل خواهد شد.

نکته مهم: در ماده ۱۳۹ ق.ت قانونگذار سکوت در مدت یک ماه را حمل بر رضایت اعلام نموده است (برعکس ۲۴۹ ق.م.)

موارد انحلال شرکت سهامی عام و خاص

موارد انحلال این شرکت در ماده ۱۹۹ ل.ا.ق.ت، ۵ مورد ذکر شده است:

۱ و ۲ و ۳: این سه مورد تکرار ماده ۹۳ ق.ت است که در بند الف ماده ۱۳۶ ق.ت در بحث موارد انحلال شرکت تضامنی و نسبی توضیح داده شد.

نکته: در شرکت سهامی ورشکستگی و بدهکاری سهامدار از موارد انحلال این شرکت نیست زیرا نقل و انتقال سهام در این شرکت آزاد بوده و طلبکاران شخصی سهامدار می‌توانند سهام سهامدار بدهکار و یا ورشکسته را توقیف کنند و بفروشند.

۴. در هر زمان که مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تصمیم به انحلال شرکت بگیرد.

همچنان که قبلاً توضیح دادیم، انحلال شرکت با تصمیم اعضا یک حکم کلی است. اکثریت لازم برای این امر، اکثریت لازم برای تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده در ماده ۸۴ ل.ا.ق.ت و اکثریت لازم برای اتخاذ تصمیم در ماده ۸۵ ل.ا.ق.ت بیان شده است.

۵. در صورت صدور حکم قطعی دادگاه

نکته: بحث است که آیا با هر دلیلی می‌توان از دادگاه صالح، درخواست صدور حکم انحلال شرکت سهامی را درخواست نمود. نظر قوی بر این است که فقط در موارد خاص در قانون می‌توان برای صدور حکم انحلال به دادگاه مراجعه نمود. موارد بارز در مواد ۵، ۱۴۱ و ۲۰۱ احصاء شده‌اند.

موارد انحلال شرکت با مسئولیت محدود

موارد انحلال این‌گونه شرکت‌ها در ماده ۱۱۴ ق.ت احصاء شده است:

الف. فقرات ۱، ۲ و ۳ ماده ۹۳ ق.ت

ب. در صورت عده‌ای از شرکاء که سهم‌الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

این در راستای همان اصلی است که گفتیم در تمام شرکت‌های تجاری اعضای شرکت می‌توانند در خصوص انحلال شرکت اتخاذ تصمیم نمایند

ج. درخواست صدور حکم انحلال از دادگاه توسط یکی از شرکاء

نکته: برای تحقق این بند قانونگذار شروطی را لازم دانسته، اولاً به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین برود، ثانیاً یکی از شرکاء تقاضای انحلال کند و محکمه دلایل او را موجه بداند، ثالثاً سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج نماید، همچنان که ملاحظه می‌گردد در مقایسه با شرکت تضامنی، درخواست انحلال از دادگاه در شرکت با مسئولیت محدود بسیار سخت است.

د. در صورت فوت یکی از شرکاء اگر در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

سؤال: در شرکت با مسئولیت محدود فوت شریک ...

الف. موجب انحلال شرکت است و اساسنامه نمی‌تواند خلاف آن را پیش‌بینی کند.

ب. موجب انحلال شرکت نیست و اساسنامه نمی‌تواند خلاف آن را پیش‌بینی کند.

ج. موجب انحلال شرکت است و اساسنامه می‌تواند خلاف آن را پیش‌بینی کند.

✓ **د.** موجب انحلال شرکت نیست اما اساسنامه می‌تواند خلاف آن را پیش‌بینی کند.

تأثیر ورشکستگی شرکت در شرکاء و شرکاء در شرکت:

یکی از دلایلی که ورشکستگی شرکاء یا سهامداران موجب ورشکستگی شرکت نمی‌شود آن است که شرکت، هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال دیون شرکاء یا سهامداران ندارد و می‌دانیم که ورشکستگی در نتیجه توقف پرداخت دیون حاصل می‌شود لذا در این مورد دینی وجود ندارد که شرکت ورشکست شود لذا در هیچ شرکتی ورشکستگی شریک یا سهامدار موجب ورشکستگی خود شرکت نمی‌گردد. البته در شرکت‌های تضامنی و نسبی و با مسئولیت محدود، ورشکستگی شریک امکان دارد موجب انحلال شرکت شود.

الف) تأثیر ورشکستگی شریک یا سهامدار در ورشکستگی شرکت:

در هیچ شرکتی ورشکستگی شریک یا سهامدار موجب ورشکستگی خود شرکت نمی‌گردد. البته باید توجه داشت با توضیحاتی که قبلاً بدان اشاره شد در شرکت‌های تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود، ورشکستگی شریک محتمل است موجب انحلال شرکت گردد و می‌دانیم که انحلال، غیر از ورشکستگی می‌باشد.

ب) تأثیر ورشکستگی شرکت در ورشکستگی شرکاء یا سهامداران:

۱- تأثیر ورشکستگی شرکت سهامی در ورشکستگی سهامداران آن:

با لحاظ ماده ۱ ل.ا.ق. تجارت چون سهامداران شرکت سهامی مسئولیتی شخصاً در قبال بدهی‌های شرکت ندارند، قاعده کلی آن است که ورشکستگی شرکت موجب ورشکستگی سهامداران نخواهد شد. البته استثنائاً باید توجه داشت اگر مقداری از سرمایه شرکت، تعهد به پرداخت شده باشد و مبلغ تعهدشده پرداخت نگردیده و شرکت ورشکسته گردد در این صورت طلبکاران شرکت حق مراجعه به سهامداران را برای مطالبه

مبلغ تعهدشده ولی پرداخت نشده دارند، چنانچه سهامدار آن مبلغ را نپردازد و سهامدار بالشخصه تاجر باشد در این صورت ورشکستگی شرکت موجب ورشکستگی سهامدار نیز خواهد شد.

ملاک ما برای تاجر بودن سهامدار، آن است که سهامدار در خارج از شرکت اشتغال به اعمال تجاری داشته باشد؛ بنابراین صرف سهامدار بودن، دلیل تاجر بودن نمی‌باشد.

۲- تأثیر ورشکستگی شرکت با مسؤولیت محدود در ورشکستگی شرکای آن:

سؤال: آیا ورشکستگی و یا بدهکاری شریک از موارد انحلال شرکت با مسؤولیت محدود است یا خیر؟ با توجه به اینکه مطابق ماده ۹۴ ق.ت. شرکای این شرکت شخصاً مسؤولیتی در قبال بدهی‌های شرکت ندارند قاعده کلی آن است که ورشکستگی شرکت با مسؤولیت محدود موجب ورشکستگی شرکای آن نخواهد شد اما استثنائاً باید توجه داشت چنانچه یکی از استثنائات بیان شده در بحث مسؤولیت شرکاء در شرکت با مسؤولیت محدود وجود داشته باشد و به این دلیل، شریک، ضامن قلمداد گردد در این صورت بعد از ورشکستگی شرکت، طلبکاران حق مراجعه به شریک ضامن را دارند. اگر شریک ضامن از پرداخت وجه امتناع ورزد و شخصاً نیز تاجر باشد در این صورت ورشکستگی شرکت با مسؤولیت محدود موجب ورشکستگی شریک خواهد شد. ملاک ما برای تاجر قلمداد شدن، آن است که شریک در خارج از شرکت، عمل تجاری انجام دهد. باید توجه داشت صرف شریک بودن، دلیل تاجر بودن نمی‌باشد.

۳- تأثیر ورشکستگی شرکت‌های تضامنی و نسبی در ورشکستگی شرکای آن:

هرچند که مطابق ماده ۱۱۶ ق.ت. تجارت هر یک از شرکای شرکت تضامنی، در قبال کل بدهی‌های شرکت، مسؤولیت تضامنی دارند اما باید توجه داشت ورشکستگی شرکت تضامنی و نسبی خودبه‌خود موجب ورشکستگی شرکای آن نمی‌گردد. ورشکستگی شرکت تضامنی و نسبی زمانی موجب ورشکستگی شرکای آن می‌گردد که شرایط ذیل جمع باشد:

شرط اول: شرکت ورشکسته یا منحل شده باشد.

شرط دوم: تصفیه بعمل آمده و دارایی شرکت برای دیون آن کافی نباشد.

شرط سوم: برای مطالبه طلب به شریک شرکت مراجعه شده اما شریک از پرداخت آن امتناع ورزد.

شرط چهارم: آنکه شریک شخصاً تاجر باشد.

باید توجه داشت صرفاً شریک شرکت تضامنی و یا نسبی بودن، دلیل تاجر بودن نیست. حتی مدیر شرکت نسبی یا تضامنی بودن دلیل تاجر بودن نمی‌باشد. تنها دلیل تاجر بودن اشتغال شریک در خارج از شرکت به یکی از اعمال تجاری احصاء شده در ماده ۲ ق.ت. تجارت می‌باشد.

تفسیر ماده ۱۲۸ قانون تجارت:

این ماده متشکل از دو قسمت است:

قسمت اول: ورشکستگی شرکت تضامنی ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکای آن ندارد. این قسمت از این ماده صحیح است زیرا با توضیحاتی که قبلاً ارائه شده ورشکستگی شرکت تضامنی در برخی مواقع موجب ورشکستگی شریک می‌گردد ولی در برخی مواقع نمی‌گردد. این همان معنی «ملازمه ندارد» می‌باشد یعنی اگر شرایط چهارگانه فوق جمع باشد ورشکستگی شرکت تضامنی موجب ورشکستگی شریک خواهد شد والا خیر. قسمت دوم: قسمت دوم این ماده مقرر می‌دارد: «ورشکستگی برخی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد». اگر گفته شود این ماده دارای مفهوم مخالف است و مفهوم مخالف آن این است که «ورشکستگی همه شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت دارد» این جمله صحیح نیست زیرا قبلاً به این مطلب اشاره شد که ورشکستگی شرکاء در هیچ صورتی موجب ورشکستگی شرکت نمی‌گردد حتی اگر همه شرکاء ورشکسته شوند.

تفسیر ماده ۴۳۹ ق.ت. تجارت:

یک قسمت از این ماده مقرر داشته «حکم ورشکستگی شریک در ضمن حکم ورشکستگی شرکت صادر شده باشد.» این جمله مبتنی بر تسامح است زیرا امکان صدور حکم ورشکستگی شریک و شرکت به طور توأمان امکان‌پذیر نیست؛ زیرا گفتیم که برای صدور حکم ورشکستگی شریک شرکت تضامنی یا نسبی شرایط باید جمع باشد. از جمله اینکه امر تصفیه شرکت بعمل آمده باشد.

نکته: در خصوص ماده ۴۳۹ ق.ت باید توجه داشت، تنها فرضی که می‌توان تصور نمود حکم ورشکستگی شرکت و شریک با یک حکم صادر شود، موردی است که شرکت و شریک ضامن با همدیگر در قبال تعهدی مسئولیت تضامنی دارند و هر دو از ایفای تعهد سرباز زده‌اند در این صورت اگر توقف در پرداخت دیون، هم برای شرکت و هم برای شریک حاصل شده باشد می‌توان درخواست صدور حکم ورشکستگی شرکت و شریک را در ضمن یک حکم مطرح نمود.

	عجز شریک (اعسار یا ورشکستگی شریک)	حجر شریک (جنون - بسفه)	فوت شریک	
سرمایه‌ای	-	-	-	شرکت سهامی عام
	-	-	-	شرکت سهامی خاص
	-	-	-	تعاونی
	-	-	-یا+ (به شرط تصریح در اساسنامه) ۱۱۴ ق.ت	با مسؤلیت محدود
	-	-یا+ (به شرط تصریح در اساسنامه) ۱۸۱ ق.ت	-یا+ (به شرط تصریح در اساسنامه) ۱۸۱ ق.ت	ضامن مختلط سهامی
	-	-	-	سهامدار
	-	-	-	مختلط ب.م.م
اشخاص	+	+	+	غیرسهامی ضامن
	+	+	+	تضامنی
	+	+	+	نسبی

در مورد جدول بالا باید بگم ممکنه وضعیتی چون فوت شریک یا حجر شریک (جنون یا بسفه) و یا عجز شریک (یعنی اعسار یا ورشکستگی شریک) هر کدام در وضعیت شرکت مؤثر واقع شده و سبب انحلال شرکت شود که غالباً در شرکت‌های اشخاص این تأثیر وجود دارد اما در شرکت‌های سرمایه‌ای اصولاً وضعیت شریک تأثیری در شرکت و بقای آن ندارد که تفکیک آن به شرح ذیل است.

اندوخته‌های قانونی و اختیاری:

نکته: قانونگذار در ماده ۲۳۷ ل.ا.ق.ت در تعریف سود خالص مقرر داشته، درآمد حاصل در همان سال منهای:

۱. هزینه‌ها ۲. استهلاکات ۳. ذخیره‌ها

منظور از هزینه‌ها یعنی: تمامی مخارج و هزینه‌هایی که شرکت در آن سال داشته است؛ منظور از استهلاکات یعنی کاهش دارایی شرکت به دلیل استفاده از آن و یا در نتیجه تغییرات فنی برای مثال اگر شرکتی با ۵ میلیارد سرمایه تشکیل و همه سرمایه برای احداث کارخانه‌ای صرف شده باشد اگر شرکت در آن سال ۱ میلیارد سود داشته باشد، شرکت می‌تواند مثلاً ۱۰٪ از مبلغ صرف شده برای احداث کارخانه را به عنوان استهلاک منظور نماید یعنی بگوید با گذشت یک سال ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ از ارزش دستگاه‌ها و کارخانه کسر شده است لذا از سود شرکت باید ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ به عنوان استهلاک منظور گردد.

منظور از ذخیره‌ها، همان اندوخته قانونی و اندوخته اختیاری می‌باشد.

نکته: در تعریف سود قابل تقسیم باید توجه داشت بعضی چیزها از سود خالص کم می‌شود و بعضی چیزها اضافه می‌شود یعنی زیان‌های سال‌های قبل و اندوخته‌ها کم می‌شود اما سودهای قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم شده است، اضافه می‌گردد. نحوه تقسیم سود در مواد ۹۰ و ۲۴۰ ل.ا.ق.ت آمده.

سؤال: چه مرجعی صلاحیت دارد تا تعیین نماید سود قابل تقسیم وجود دارد؟

مجمع عمومی عادی

سؤال: مجمع عمومی عادی در چه زمانی می‌تواند مشخص نماید سود قابل تقسیم وجود دارد؟

پس از تصویب حساب‌های سال مالی یعنی پس از تصویب ترازنامه

سؤال: چه مرجعی می‌تواند تصمیم گیرد اندوخته‌ها بین سهامداران تقسیم گردد؟

مجمع عمومی عادی

سؤال: مجمع عمومی عادی راجع به تقسیم کدام اندوخته بین سهامداران می‌تواند تصمیم گیرد؟

اندوخته اختیاری

سؤال: چرا در ماده ۲۴۰ گفته شده در تصمیم مجمع عمومی باید مشخص شود مبالغ موردنظر از کدام یک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم

گردد؟ به خاطر اینکه امکان دارد شرکت چندین اندوخته اختیاری داشته باشد. برای مثال یک اندوخته اختیاری آن باشد که مجمع عمومی

عادی گفته به عنوان اندوخته اختیاری ذخیره شود و ممکن است اندوخته اختیاری دیگر این باشد که پس از رسیدن اندوخته قانونی به یک‌دهم

سرمایه شرکت، شرکت باز اندوخته قانونی را منظور نماید در این صورت مازاد یک‌دهم سرمایه، اندوخته اختیاری خواهد بود.

سؤال: منظور از منافع موهوم چیست؟ هر سودی که بدون رعایت مقررات قانونی بین سهامداران تقسیم گردد.

سؤال: چه مرجعی باید نحوه پرداخت سود را مشخص کند؟

مجمع عمومی عادی و اگر نکرد هیئت مدیره

سؤال: پرداخت سود به سهامداران باید ظرف چه مدتی صورت گیرد؟

ظرف ۸ ماه پس از تصمیم مجمع عمومی عادی راجع به تقسیم سود.

سؤال: تقسیم چند درصد سود بین سهامداران الزامی است؟ ۱۰٪

سؤال: منظور از اندوخته قانونی یا سرمایه احتیاطی چیست؟ و آیا منظور نمودن آن هم در شرکت سهامی و هم در شرکت با مسئولیت محدود و

شرکت تضامنی و هم در شرکت نسبی الزامیست؟ منظور از اندوخته قانونی و یا سرمایه احتیاطی آن است که همه‌ساله ۱٪ از سود خالص شرکت

بعنوان اندوخته قانونی ذخیره گردد. تا زمانیکه مجموع این اندوخته به ۱۰٪ سرمایه شرکت نرسیده منظور کردن آن الزامی است اما پس از آن اختیاری

خواهد بود مستنداً به مواد ۱۴۰ و ۲۳۸ ل.ا.ق. تجارت منظور نمودن اندوخته قانونی در شرکت سهامی عام و خاص الزامی است. همچنین مستنداً

به مواد ۱۱۳ و ۵۷ ق. تجارت منظور کردن اندوخته قانونی در شرکت با مسئولیت محدود هم الزامی است اما به دلیل فقدان نص قانونی منظور

نمودن اندوخته قانونی در شرکت تضامنی و نسبی الزامی نیست.

سؤال: منظور از اندوخته اختیاری چیست؟ منظور آن است که مجمع عمومی تصمیم بگیرد مقداری از سود شرکت را به عنوان اندوخته اختیاری

ذخیره نماید.

سؤال: آیا مجمع عمومی عادی می‌تواند اتخاذ تصمیم نماید که کل سود شرکت بعنوان اندوخته تجاری ذخیره گردد؟ خیر زیرا مستنداً به ماده ۹۰

ل.ا.ق. تجارت در صورت وجود سود در شرکت تقسیم حداقل ۱۰٪ آن بین سهامداران الزامی است.

تفاوت اندوخته قانونی (سرمایه احتیاطی) و اندوخته اختیاری:

۱- منظور کردن اندوخته قانونی (سرمایه احتیاطی) الزامی است حال آنکه منظور کردن اندوخته اختیاری، اختیاری می‌باشد.

۲- مجمع عمومی می‌تواند تصمیم بگیرد که اندوخته اختیاری بین سهامداران تقسیم گردد. حال آنکه نمی‌توان اندوخته قانونی را بین سهامداران

تقسیم نمود.

۳- در هنگام افزایش سرمایه با توجه به بند ۳ ماده ۱۵۸ ل.ا.ق. تجارت اندوخته اختیاری را می‌توان به سرمایه تبدیل نمود حال آنکه مطابق تبصره

ل.ا.ق. تجارت اندوخته قانونی قابل تبدیل به سرمایه نیست.

منظور از سود خالص چیست؟ ماده ۲۳۷ ل.ا.ق. تجارت

تعریف سود قابل تقسیم چیست؟ ماده ۲۳۹ ل.ا.ق. تجارت

نحوه تقسیم سود چگونه است؟ مواد ۲۴۰ و ۹۰ ل.ا.ق. تجارت

افزایش سرمایه:

طرق افزایش سرمایه:

۱- افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید:

سرمایه اولیه و افزایش یافته ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سرمایه اولیه ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰

تعداد سهام ۶/۰۰۰/۰۰۰ تعداد سهام ۳/۰۰۰/۰۰۰

مبلغ اسمی هر سهم ۱۰۰ مبلغ اسمی هر سهم ۱۰۰

۲- افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی

سرمایه اولیه افزایش یافته ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰

تعداد سهام ۳/۰۰۰/۰۰۰

مبلغ اسمی هر سهم ۲۰۰

مثال: هرگاه سرمایه اولیه شرکتی ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ بود باشد که به ۳/۰۰۰/۰۰۰ سهم و مبلغ ۱۰۰ تومان به عنوان مبلغ اسمی تعیین شده باشد، چنانچه این شرکت بخواهد سرمایه خود را از ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ به ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ افزایش دهد یعنی سرمایه خود را صد در صد افزایش دهد می‌تواند به یکی از دو طریق ذیل عمل نماید:

طریق اول: افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی یعنی اینکه شرکت می‌تواند تعداد سهام را همچنان ۳/۰۰۰/۰۰۰ سهم ثابت نگه دارد اما مبلغ اسمی سهام را از ۱۰۰ تومان به ۲۰۰ تومان افزایش دهد.

سؤال: در افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی چه اکثریتی لازم است؟

باید بین دو مورد تمایز قائل شویم: مورد اول اینکه مستنداً به ماده ۱۵۹ ل.ا.ق.تجارت چنانچه افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی موجب ایجاد تعهد برای سهامداران گردد یعنی اینکه سهامداران بایستی مبلغ افزایش یافته را از جیب خود بپردازند در این صورت اتفاق آراء سهامداران شرط است.

مورد دوم اینکه اگر افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی موجب ایجاد تعهد برای سهامداران نشود یعنی اینکه اندوخته اختیاری و یا سود تقسیم‌نشده در شرکت وجود دارد و مبلغ افزایش یافته از محل آنها برداشت می‌گردد، در این صورت اکثریت لازم همان است که در مواد ۸۴ و ۸۵ ل.ا.ق.ت در باب مجمع عمومی فوق‌العاده گفته شده است.

سؤال: در افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی، مبلغ افزایش یافته چگونه باید تأدیه گردد؟ مطابق ماده ۱۸۸ ل.ا.ق.تجارت باید نقداً پرداخت گردد.

طریق دوم: افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید. یکی دیگر از طرق افزایش سرمایه آن است که مبلغ اسمی سهام شرکت همچنان ۱۰۰ تومان بماند اما شرکت مبادرت به صدور سهام جدید نماید یعنی شرکت ۳/۰۰۰/۰۰۰ سهم جدید صادر کند که تعداد سهام شرکت ۶/۰۰۰/۰۰۰ سهم خواهد شد.

سؤال: اکثریت لازم برای افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید چه اکثریتی است؟ اکثریت همان است که در باب تشکیل و اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی فوق‌العاده در مواد ۸۴ و ۸۵ ل.ا.ق.تجارت گفته شده است.

سؤال: آیا خود شرکت می‌تواند هنگام افزایش سرمایه سهام خود را بخرد؟

خیر، خرید سهام شرکت از ناحیه خود شرکت ممنوع است.

سؤال: افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید چگونه باید تأدیه گردد

نحوه پرداخت در «ماده ۱۵۸ ل.ا.تجارت» در ۴ بند بیان شده است:

بند اول: پرداخت نقدی

بند دوم: تبدیل مطالبات حال شده اشخاص از شرکت به سهام.

بند سوم: خود شامل سه قسمت است: قسمت اول: تبدیل اندوخته اختیاری به سرمایه، قسمت دوم: تبدیل سود تقسیم‌نشده به سرمایه و قسمت سوم: عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه یعنی مابه‌التفاوت مبلغ اسمی و مبلغ واقعی سهم.

نکته: باید توجه داشت از آنجاکه در هنگام افزایش سهم سهامداران سابق شرکت، حق تقدم دارند سهام به مبلغ اسمی فروخته می‌شود. در این صورت هیچ‌کس متضرر نمی‌شود اما چنانچه حق تقدم سهامداران سابق سلب شده باشد، در این صورت سهام به مبلغ واقعی فروخته می‌شود. در مواردی که سهام به مبلغ واقعی فروخته شود مابه‌التفاوت مبلغ اسمی و مبلغ واقعی یا بین سهامداران سابق تقسیم می‌گردد و یا اینکه بابت همان مبلغ به سهامداران سابق شرکت سهم می‌دهند.

بند چهارم: تبدیل اوراق قرضه به سهام.

سؤال: هنگام تشکیل شرکت‌های سهامی عام و خاص متوجه شدیم که آورده محتمل است آورده نقد یعنی پول و یا غیر نقد یعنی غیر پول مثل کالا، ماشین، ... باشد. حال سؤال این است که آیا در هنگام افزایش سرمایه هم به همین منوال است یا خیر / با توجه به منطوق تبصره ۱ ماده ۱۵۸ ل.ا.ق. تجارت در شرکت سهامی خاص در هنگام افزایش سرمایه آورده محتمل است آورده نقد (پول) و یا آورده غیر نقد (مثل ملک) باشد اما با توجه به مفهوم مخالف همین تبصره در هنگام افزایش سرمایه در شرکت سهامی عام، آورده باید آورده نقد (پول) باشد و نمی‌تواند آورده غیر نقد (ملک و ...) باشد.

سؤال: مراجع تجویز افزایش سرمایه چه مرجع یا مراجعی است؟

برعکس صدور اوراق قرضه که مطابق ماده ۵۶ ل.ا.ق. تجارت هم اساسنامه شرکت و هم مجمع عمومی فوق‌العاده می‌توانند به هیأت مدیره اجازه صدور اوراق قرضه را دهند، در باب افزایش سرمایه مستنداً به مواد ۱۶۲ و ۱۶۴ ل.ا.ق. تجارت فقط مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که در مدت معینی که نباید از ۵ سال تجاوز کنه اقدام به افزایش سرمایه کند. با توجه به صراحت ماده ۱۶۴ ل.ا.ق.ت اساسنامه شرکت نمی‌تواند متضمن اختیاری برای هیأت مدیره در باب افزایش سرمایه باشد.

سؤال: برای افزایش سرمایه چه شرایطی لازم است؟ بر عکس صدور اوراق قرضه که قانونگذار برای آن شرایط بیشتری قائل شده، در ماده ۱۶۵ ل.ا.ق.ت برای افزایش سرمایه یک شرط ذکر شده و آن اینکه در هنگام افزایش سرمایه بایستی سرمایه اولیه شرکت تماماً پرداخت شده باشد.

سؤال: منظور از حق تقدم سهامداران در هنگام افزایش سرمایه چیست؟ آیا این حق قابل نقل و انتقال است یا خیر؟ و همچنین حداقل مهلت اعمال این حق چند روز است؟ همچنین آیا حق تقدم از سهامداران قابل سلب است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ از ناحیه چه مرجعی؟ مستنداً به مواد ۱۶۷ و ۱۶۶ ل.ا.ق. تجارت منظور از حق تقدم آن است که سهامداران سابق شرکت در هنگام افزایش سرمایه به نسبت سهامی که مالک‌اند در خرید سهام جدید حق تقدم دارند. این حق قابل نقل و انتقال است. مهلت اعمال این حق نمی‌تواند کمتر از ۶۰ روز باشد و مبدأ آن روزی است که برای پذیره‌نویسی تعیین شده است. این حق تقدم از سهامداران قابل سلب است. مرجع صالح برای این امر همان مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای است که اجازه افزایش سرمایه را می‌دهد.

نکته: چنانچه در مجمع عمومی سلب حق تقدم به نفع سهامداران باشد این سهامداران در هنگام اتخاذ تصمیم راجع به این موضوع حق رأی ندارند.

کاهش سرمایه: کاهش سرمایه بر دو نوع است:

۱- کاهش اجباری سرمایه:

آن است که مطابق ماده ۱۴۱ ل.ا.ق. تجارت به دلیل زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین رفته باشد. در این صورت هیأت مدیره، مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت می‌کند تا در خصوص کاهش اجباری سرمایه یا در خصوص انحلال شرکت اتخاذ تصمیم نماید. در غیر این صورت هر ذینفعی می‌تواند درخواست انحلال شرکت را بخواهد.

سؤال: کاهش اجباری سرمایه به چه طریقی امکان‌پذیر است؟

مستنداً به تبصره ماده ۱۸۹ ل.ا.ق. تجارت یا از طریق کاهش مبلغ اسمی سهم یا از طریق کاهش تعداد سهام امکان‌پذیر است.

۲- کاهش اختیاری سرمایه:

آن است که به درخواست هیأت مدیره، مجمع عمومی فوق‌العاده در خصوص کاهش اختیاری سرمایه اتخاذ تصمیم نماید.

سؤال: آیا اشخاصی هستند که حق اعتراض به کاهش اختیاری سرمایه را داشته باشند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ در چه مرجعی و ظرف چه مهلتی؟

مستنداً به مواد ۱۹۲ و ۱۹۳ ل.ا.ق.تجارت دارندگان اوراق قرضه و طلبکاران شرکت حق اعتراض به کاهش اختیاری سرمایه را دارند. مهلت اعتراض ۲ ماه از تاریخ آخرین نشر آگهی و مرجع صالح برای اعتراض دادگاه است.

سؤال: کاهش اختیاری سرمایه به چه طریقی امکان‌پذیر است؟ مستنداً به تبصره ماده ۱۸۹ ل.ا.ق.تجارت از طریق کاهش مبلغ اسمی سهم و رد مبلغ کاهش یافته به سهامداران امکان‌پذیر است.

نکته: در کاهش سرمایه خواه اختیاری خواه اجباری سرمایه شرکت نباید از حداقل مقرر در ماده ۵ ل.ا.ق.تجارت کمتر شود.

نکته: در افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی در شرکت سهامی عام مبلغ اسمی سهم نمی‌تواند بیشتر از مبلغ مندرج در ماده ۲۹ ل.ا.ق.تجارت باشد.

صدور اوراق قرضه:

موارد ذیل در خصوص اوراق قرضه لازم به ذکر است:

- ۱- فقط شرکت‌های سهامی عام می‌توانند اقدام به صدور اوراق قرضه بنمایند. نه شرکت سهامی خاص و نه هیچ شرکت دیگر اجازه صدور اوراق قرضه را ندارند.
- ۲- صدور اوراق قرضه عمل تجاری قلمداد نمی‌گردد و مشمول ماده ۲ ق.ت.نیست.
- ۳- دارندگان اوراق قرضه طلبکار شرکت قلمداد می‌گردند و حق دخالت در اداره امور شرکت را ندارند.
- ۴- دارندگان اوراق قرضه همانند طلبکاران حق اعتراض به کاهش اختیاری سرمایه را دارند.
- ۵- در ماده ۵۵ ل.ا.ق.ت. برای صدور اوراق قرضه سه شرط بیان شده است:
شرط اول: دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد.
شرط دوم: دو ترازنامه شرکت به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد.
شرط سوم: آنکه سرمایه اولیه شرکت تماماً پرداخت شده باشد.
- ۶- مستنداً به ماده ۵۶ ل.ا.ق.تجارت هم اساسنامه شرکت و هم مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهند که در مدت معینی که نباید از دو سال تجاوز نماید اقدام به صدور اوراق قرضه بنمایند.

بازرسی در شرکت‌های سهامی:

- ۱- شرکت سهامی الزاماً باید دارای بازرس باشد.
- ۲- شرکت سهامی علاوه بر بازرس اصلی بایستی دارای بازرس علی‌البدل نیز باشد (برعکس هیأت مدیره که الزامی در خصوص اعضای علی‌البدل هیأت مدیره وجود ندارد)
- ۳- بازرس اصلی شرکت محتمل است و واحد باشد و محتمل است متعدد باشند. چنانچه بازرسان متعددی باشند باز بایستی گزارش واحدی تنظیم گردد اما موارد اختلاف بازرسان در آن قید خواهد شد.
- ۴- محتمل است بازرس، شخص حقیقی باشد و محتمل است شخص حقوقی باشد.
- ۵- محتمل است بازرس، سهامدار شرکت باشد یا نباشد.
- ۶- اشخاص ممنوع از بازرسی در ماده ۱۴۷ ل.ا.ق.تجارت احصاء شده‌اند. هر کس علی‌رغم علم به این ممنوعیت، سمت بازرسی را عالمماً بپذیرد و بدان عمل کند مطابق ماده ۲۶۶ ل.ا.ق.تجارت قابل تعقیب کیفری است. در شرکت‌های تعاونی و سهامی انتخاب بازرس همانند انتخاب مدیر محدودیت دارد یعنی اولاً همان محدودیت‌های مدیران (حجر، ورشکستگی، محرومیت اجتماعی، مجازات‌های مالی ماده ۱۱۱ لایحه)؛ دوماً مدیران و مدیرعامل و یا خویشاوندان آنها و حقوق‌گیران آنها (بند ۲ تا ۴ م ۱۴۷ لایحه) نیز مشمول محدودیت می‌شوند.
- ۷- مرجع صالح برای انتخاب بازرس، مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی است.

- ۸- مرجع صالح برای عزل بازرس، مجمع عادی می‌باشد.
- ۹- مرجع صالح برای تعیین حق الزحمه بازرس، مجمع عمومی عادی می‌باشد.
- ۱۰- عمده و وظیفه بازرسان عبارت است از:
 - الف- اظهارنظر در خصوص صحت و سقم ترازنامه ارائه شده از طرف هیأت مدیره
 - ب- اظهارنظر در خصوص صحت و سقم اظهاراتی که هیأت مدیره در اختیار مجمع قرار می‌دهد.
 - ج- دعوت مجمع در برخی مواقع ضروری.
 - د- سایر وظایفی که وجود دارد.
- ۱۱- هرگاه بازرسان تخلف را از مدیران مشاهده کنند و اولاً بایستی به اولین مجمع عمومی گزارش دهند. ثانیاً چنانچه تخلف هیأت مدیره جرم باشد به مرجع قضایی اعلام دارند.
- ۱۲- چنانچه بازرسان در انجام وظایف قانونی قصور ورزند اولاً از حیث کیفری قابل تعقیب هستند، ثانیاً: از حیث حقوقی نیز مطابق مقررات، مسؤلیت مدنی دارند.
- ۱۳- ماده ۱۵۶ ل.ا.ق. تجارت مقرر داشته: «بازرس نمی‌تواند در معاملات شرکت ذینفع باشد» قانونگذار ضمانت اجرای تخلف از این ماده را بیان نداشته است. حال آیا ضمانت اجرای تخلف از این ماده بطلان آن معامله است و یا مطالبه خسارت از بازرس می‌باشد؟ به دلیل فقدان نص قانونی در خصوص بطلان معامله به نظر می‌رسد ضمانت اجراء، مطالبه خسارت باشد.
- ۱۴- برعکس هیأت مدیره که قانونگذار در ماده ۱۳۶ ل.ا.ق. تجارت مقرر داشته که «چنانچه مدت مدیریت مدیران منقضی گردد و مدیران جدید انتخاب نشوند، مدیران سابق کماکان مدیر فرض شده و کلیه حقوق و مسؤلیت مدیریت متوجه آنها خواهد بود» در شرکت‌های سهامی در باب بازرسان چنین نصی وجود ندارد.

سؤال: در بحث انحلال، بطلان و ورشکستگی شرکت، امر تصفیه بر عهده چه مقامی است؟

 - ۱- هرگاه مجمع عمومی در خصوص انحلال شرکت اتخاذ تصمیم نماید امر تصفیه بر عهده مدیر تصفیه منتخب مجمع عمومی می‌باشد.
 - ۲- هرگاه دادگاه حکم به انحلال شرکت بدهد امر تصفیه بر عهده مدیر تصفیه منتخب دادگاه است.
 - ۳- هرگاه دادگاه حکم به بطلان شرکت صادر نماید امر تصفیه بر عهده مدیر تصفیه منتخب دادگاه است.

نکته: مستنداً به ماده ۲۷۵ ل.ا.ق.ت چنانچه دادگاه در هنگام انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه تعیین نماید اما مدیر تصفیه منتخب دادگاه حاضر به قبول سمت نباشد در این صورت امر تصفیه به اداره تصفیه واقع در حوزه دادگاه ارجاع خواهد شد (مشروط بر اینکه در آن حوزه اداره تصفیه وجود داشته باشد) لازم به یادآوری است حکم مقرر در این ماده جنبه استثنایی دارد زیرا اداره تصفیه منحصرأ در مورد ورشکستگی مطرح است حال آنکه در اینجا بحث ورشکستگی مطرح نمی‌باشد.

 - ۴- هرگاه دادگاه حکم ورشکستگی شخصی را صادر نماید در این صورت برحسب مورد، امر تصفیه با اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه خواهد بود.

منظور از «برحسب مورد» آن است که اگر در آن شهر اداره تصفیه امور ورشکستگی وجود داشته باشد، دادگاه امر تصفیه را به آن اداره محول می‌کند در غیر این صورت مستنداً به مواد ۴۴۰ و ۴۲۷ ق.تجارت دادگاه برای امر تصفیه مدیر تصفیه و عضو ناظر تعیین خواهد کرد.

نکته: اگر ورشکسته بانک باشد امر تصفیه بر عهده اداره تصفیه امور ورشکستگی با نظارت بانک مرکزی خواهد بود.

سؤال: در چه مواردی بحث نشر آگهی در روزنامه رسمی و رد چه مواردی بحث نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار مطرح می‌باشد؟

 - ۱- دعوت سهامداران جهت حضور در جلسات مجامع عمومی مستنداً به ماده ۹۷ ل.ا.ق.تجارت از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشار بعمل می‌آید.
 - ۲- مستنداً به ماده ۱۲۸ ل.ا.ق.تجارت مشخصات مدیرعامل و حدود اختیارات ایشان و مدت مدیریت ایشان باید در روزنامه رسمی آگهی گردد.
 - ۳- مراتب افزایش سرمایه مستنداً به مواد ۱۶۹ و ۱۷۰ ل.ا.ق.تجارت بایستی در روزنامه کثیرالانتشار آگهی گردد.
 - ۴- مراتب کاهش سرمایه مستنداً به ماده ۱۹۲ ل.ا.ق.تجارت بایستی هم در روزنامه رسمی و هم در روزنامه کثیرالانتشار آگهی گردد.

- ۵- مراتب دعوت سهامداران جهت تبدیل سهام بانام و به بی‌نام و بی‌نام به بانام مستنداً به مواد ۴۷ و ۴۴ ل.ا.ق. تجارت بایستی در روزنامه کثیرالانتشار آگهی گردد.
- ۶- مراتب صدور اوراق قرضه مستنداً به مواد ۵۷ و ۵۹ ل.ا.ق.ت بایستی هم در روزنامه رسمی و هم در روزنامه کثیرالانتشار آگهی گردد.
- ۷- مستنداً به ماده ۲۰۹ ل.ا.ق.ت تصمیم راجع به انحلال شرکت و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه بایستی در روزنامه کثیرالانتشار آگهی گردد.
- ۸- مستنداً به ماده ۲۲۷ ل.ا.ق.ت تجارت مراتب ختم تصفیه بایستی هم در روزنامه رسمی و هم در روزنامه کثیرالانتشار آگهی گردد.
- ۹- جهت تقسیم دارایی بین سهامداران در شرکت سهامی مستنداً به ماده ۲۲۵ ل.ا.ق.ت تجارت مراتب امر بایستی هم در روزنامه رسمی و هم در روزنامه کثیرالانتشار آگهی گردد.

سؤال: شرکت‌های سهامی در چه زمانی شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهند؟

مستنداً به ماده ۲۰۸ ل.ا.ق.ت شرکت‌های تجاری با خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی خود را از دست خواهند داد بنابراین به صرف انحلال و یا ورشکستگی، شخصیت حقوقی شرکت پایان نمی‌پذیرد. به همین دلیل است که شرکت‌های در حال تصفیه می‌توانند مبادرت به انجام بنمایند. نکته: بحث فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در ماده ۲۳۱ ل.ا.ق.ت تجارت بیان شده است.

ترازنامه در شرکت‌های سهامی:

مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ ل.ا.ق.ت در این زمینه بیان حکم نموده است.

شرایط تبدیل شرکت سهامی خاص به سهامی عام، در ماده ۲۷۸ ل.ا.ق.ت تجارت چهار شرط بیان شده است.

سؤال: چنانچه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیمات آن رعایت نشود ضمانت اجراء چیست؟

مستنداً به ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت تجارت هر ذینفعی می‌تواند در این مورد برحسب مورد، بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات را از دادگاه بخواهد اما باید توجه داشت مستنداً به مواد ۱۳۵ و ۲۷۰ ل.ا.ق.ت تجارت مؤسسين، مدیران و بازرسان و صاحبان سهام در قبال اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان را ندارند. ضمناً مستنداً به ماده ۲۷۳ ل.ا.ق.ت اشخاص که بطلان مستند به عمل آنهاست. متضامناً مسؤول خساراتی خواهند بود که به صاحبان سهام و اشخاص ثالث وارد شده است.

نکته: مستنداً به ماده ۱۰۹ ل.ا.ق.ت تجارت چنانچه تعداد شرکای شرکت با مسؤولیت محدود بیش از ۱۲ نفر باشد وجود هیأت نظارت در آن شرکت الزامیست. مطابق ماده ۱۶۵ ق.ت تجارت هیأت نظار مرکب از سه عضو بوده و هر سه باید شریک شرکت باشند.

نکته: ماده ۱۱۵ ق.ت تجارت برخی از مسؤولین و شرکاء را کلاهدار محسوب کرده است.

نکته: مطابق ماده ۱۳۴ ق.ت تجارت در شرکت تضامنی و شرکت نسبی شریک نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکاء به حساب شخصی خود یا به حساب ثالث تجاری از نوع تجارت شرکت نماید و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسؤولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن اجرت دارد داخل شود.

شرکت‌های مختلط: این شرکت‌ها بر دو نوع هستند:

۱- مختلط غیر سهامی ۲- مختلط سهامی

موارد ذیل در خصوص شرکت مختلط غیر سهامی لازم به ذکر است:

۱- این شرکت دارای دو نوع شریک است:

نوع اول: شریک ضامن: شریک ضامن که شبیه شریک ضامن در شرکت تضامنی است و مسئول کلیه بدهی‌های شرکت است و طلبکاران شرکت برای دریافت طلب خود به شرکای ضامن به صورت فردی یا جمعی مراجعه می‌کنند.

نوع دوم: شریک با مسؤولیت محدود: شریک با مسؤولیت محدود که در حدود سرمایه آورده خود به شرکت در مقابل طلبکاران شرکت مسئول است و طلبکاران، در صورت عدم کفایت سرمایه شرکت، حق مراجعه به اموال شخصی این شرکاء را ندارند.

شریکی که دارای مسؤولیت شریک با مسؤولیت محدود است غیر از سرمایه‌ای که در شرکت دارد در خارج از آن هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد اما شریک ضامن در قبال کل بدهی شرکت مسؤول است.

- ۲- شریک ضامن در قبال کل بدهی شرکت مسؤولیت دارد اما باید توجه داشت طلبکاران شرکت زمانی حق مراجعه به شریک ضامن را دارند که شرکت ورشکسته یا منحل شده باشد و دارایی شرکت نیز کافی برای دیون آن نباشد.
- ۳- این شرکت حداقل دارای دو شریک است، یک شریک ضامن و یک شریک با مسؤولیت محدود.
- ۴- مستنداً به ماده ۱۴۴ ق.ت. اداره این شرکت برعهده شریک یا شرکای ضامن است.
موارد ذیل در خصوص شرکت مختلط سهامی قابل ذکر است:
 - ۱- این شرکت دارای دو نوع شریک است:
نوع اول: شرکایی که دارای مسؤولیت سهامدار شرکت سهامی هستند.
 - نوع دوم: شرکایی که دارایی مسؤولیت شریک ضامن در شرکت تضامنی می‌باشند.
- ۲- شریکی که دارای مسؤولیت سهامدار شرکت سهامی می‌باشد به غیر از سرمایه‌ای که رد شرکت گذشته دیگر شخصاً مسؤولیتی در قبال بدهی‌های شرکت ندارد اما شریک ضامن در قبال کل بدهی‌های شرکت مسؤول است.
- ۳- درست که شریک ضامن در قبال کل بدهی‌های شریک مسؤول است اما باید توجه داشت طلبکاران شرکت زمانی حق مراجعه به ورشکسته ضامن را دارند که اولاً شرکت ورشکسته یا منحل شده باشد. ثانیاً امر تصفیه شرکت بعمل آمده و دارایی شرکت کافی برای دیون نباشد.
- ۴- مستنداً به مواد ۱۶۲ و ۱۶۵ ق.ت. تجارت حداقل تعداد شرکای این شرکت ۳ نفر می‌باشد. یک نفر حداقل ضامن و حداقل دو نفر شریک با مسؤولیت شرکت سهامی.
- ۵- مستنداً به ماده ۱۶۵ ق.ت. این شرکت الزاماً باید دارای هیأت نظار باشد هیأت نظار مرکب از سه نفر بوده و هر سه باید شریک شرکت باشند.
- ۶- مستنداً به ماده ۱۶۴ ق.ت. تجارت اداره این شرکت بر عهده شریک یا شرکای ضامن است.
سؤال: در شرکت‌های تضامنی، نسبی، مختلط غیر سهامی در مراجعه به دارایی شریک آیا طلبکاران شرکت مقدم هستند یا طلبکاران شریک؟
طلبکاران شرکت مقدم هستند زیرا شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقلی بوده و تا زمانیکه منحل نشده و دیون آن پرداخت نشده شرکای شرکت و به تبع آن طلبکاران شخصی شرکاء حقی برای اموال شرکت نخواهند داشت.

شرکت تعاونی:

۱. در شرکت تعاونی مانند شرکت سهامی به سرمایه شرکت سهام اطلاق می‌گردد.
۲. در این شرکت باید حداقل ۵۱٪ سرمایه به وسیله اعضای شرکت تأمین گردد.
۳. در شرکت تعاونی دو مجمع وجود دارد:
 - الف- مجمع عمومی عادی
 - ب- مجمع عمومی فوق العاده
۴. مجمع عمومی بالاترین مرجع اتخاذ تصمیم و نظارت در امور شرکت است.
۵. حداقل تعداد اعضای شرکت تعاونی ۷ نفر است.
۶. شرکت تعاونی زمانی تشکیل می‌گردد که^۱ سرمایه نقدی تأدیه و سرمایه غیر نقدی تقویم و تسلیم شده باشد و شرکت نیز به ثبت رسیده باشد.
۷. خروج عضو از شرکت تعاونی اختیاری می‌باشد.
۸. صرف نظر از تشکیل مجمع عمومی اداره شرکت تعاونی بر عهده هیأت مدیره می‌باشد.
۹. حداقل اعضای اصلی هیأت مدیره ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر است تا^۲ اعضای اصلی، اعضای علی‌البدل وجود خواهد داشت.
۱۰. حداکثر مدت مدیریت اعضای هیأت مدیره در شرکت تعاونی ۳ سال است.
۱۱. مدیران شرکت‌های تعاونی از طریق مجمع عمومی انتخاب می‌گردد.
۱۲. وظیفه مجمع عمومی فوق العاده از قرار ذیل است:
 - الف- تغییر در مواد اساسنامه
 - ب- انحلال یا ادغام چند تعاونی

ج- تصمیم‌گیری نسبت به عزل یا قبول استعفای هیأت مدیره

۱۳. مدت بازرسی بازرسان در شرکت تعاونی یک سال است.

۱۴. محتمل است بازرس واحد و یا متعدد باشند.

۱۵. انتخاب مجدد بازرسان برای دوره‌های متوالی بلااشکال است.

۱۶. انتخاب مدیران برای دو دوره متوالی بلااشکال است اما انتخاب مدیران برای بیش از دو دوره متوالی با این محدودیت مواجه است که مدیران باید دوسوم آراء کل اعضای تعاونی را کسب نمایند.

۱۷. انحلال شرکت تعاونی یا با رأی مجمع عمومی فوق‌العاده است و یا با تصمیم وزارت تعاون.

۱۸. در شرکت تعاونی هر سهامداری بدون در نظر گرفتن میزان سرمایه فقط دارای یک رأی است برعکس شرکت‌های سهامی که میزان آراء بستگی به میزان سرمایه دارد.

۱۹. در شرکت‌های تعاونی وزارت تعاون نقش نظارتی دارد و اگر هیأت مدیره به وظیفه خود در خصوص دعوت مجمع عمومی اقدام نکند وزارت تعاون می‌تواند اقدام به دعوت مجمع بنماید.

۲۰. سهم هیچ عضو در شرکت تعاونی نمی‌تواند بیش از $\frac{1}{7}$ سرمایه تعاونی باشد.

با خواندن نکات زیر، مطالب، در ذهن‌تان تثبیت خواهد شد و اصلاً به جور خوبی می‌شینه توی عمق وجودتون تون!

جمع‌بندی شرکت‌های تجاری

نکته ۱: اشخاص حقوقی: وفق ماده‌ی ۵۸۳ ق.ت. کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

نکته ۲: شخص حقوقی، متشکل از اجتماع اشخاص حقوقی است که به منظور فعالیت‌های مختلف تشکیل می‌شوند.

نکته ۳: زمان ایجاد شخصیت حقوقی در شرکت‌های با مسؤولیت محدود، تضامنی، نسبی و مختلط غیرسهامی: شرکت زمانی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه‌ی غیرنقدی تقویم و تسلیم شده باشد.

نکته ۴: در شرکت‌های سهامی عام، پس از قبول کتبی سمت از سوی مدیران و بازرسان در جلسه‌ی مجمع عمومی مؤسس و در شرکت سهامی خاص، از زمان امضاء صورت‌جلسه ماده‌ی ۲۰ ل.ا.ق.ت شرکت، تشکیل شده محسوب می‌شود.

نکته ۵: در شرکت مختلط سهامی شرکت زمانی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه‌ی شرکت تعهد و لااقل یک‌سوم آن پرداخت شده باشد.

نکته ۶: آثار شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری: داشتن اقامتگاه+وجود تابعیت برای شرکت+تفکیک دارایی شرکت از شرکاء+ تفاوت نحوه‌ی اداره‌ی شرکت و تصمیم‌گیری.

نکته ۷: شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارا باشد مانند ابوت.

نکته ۸: اقامتگاه شخص حقوقی، محلی است که اداره‌ی شخص حقوقی در آنجا است.

نکته ۹: اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

نکته ۱۰: به موجب ماده‌ی ۱ قانون ثبت شرکت‌ها هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد؛ شرکت ایرانی محسوب می‌شود.

نکته ۱۱: وفق ماده ۹۴ قانون شرکت‌های سهامی هیچ مجمعی با هیچ اکثریتی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد. در نتیجه حتی اگر کلیه‌ی شرکای شرکتی که در ایران تشکیل شده تبعه‌ی خارجه باشند باز هم شرکت ایرانی محسوب می‌شود و از لحاظ حقوق و تکالیف مانند سایر اشخاص حقوقی ایرانی می‌باشند.

نکته ۱۲: استثنائاً طبق تبصره ۱ ماده ۴ قانون بانکداری، بانک‌هایی که در ایران تأسیس می‌شوند و بیش از چهل درصد سهام آن متعلق به اتباع بیگانه باشد از لحاظ این قانون، بانک خارجی محسوب می‌شود.

نکته ۱۳: هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته‌شده و در اداره‌ی ثبت تهران هم به ثبت رسیده باشد.

نکته ۱۴: شرکت سرمایه: شرکتی است که اعتبار و هویت شرکت به سرمایه ثبت‌شده آن است و مسؤولیت شرکاء و سهامداران در قبال دیون آن به میزان و محدود به آورده آنها است.

نکته ۱۵: این شرکت‌ها عبارت‌اند از سهامی و با مسؤلیت محدود.

نکته ۱۶: **شرکت شخص:** اعتبار و هویت شرکت به شرکای آن است - اعم از تمام یا بعض آنها - مسؤلیت شرکاء در قبال دیون شرکت در این شرکت‌ها نامحدود است و دارایی شخصی شرکاء وثیقه‌ی قروض شرکت است و حتی توافق برخلاف آن در مقابل ثالث فاقد اثر است.

نکته ۱۷: **شرکت‌های مختلط:** شرکت نسبت به بعض شرکاء شخصی و نسبت برخی سرمایه محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر در این شرکت‌ها دو گروه شریک وجود دارد مسؤلیت برخی از شرکا به میزان آورده‌ی آنها و محدود است و مسؤلیت برخی دیگر نامحدود است از این‌رو این شرکت‌ها را مختلط گویند. این شرکت‌های دو نوع‌اند: ۱ - مختلط سهامی؛ ۲ - مختلط غیرسهامی.

نکته ۱۸: قوانین فرعی همچون قانون برنامه‌ی توسعه، اقسام دیگری از شرکت‌ها را نیز در نظر گرفته‌اند من جمله شرکت‌های تعاونی سهامی و شرکت‌های دانش‌بنیان.

نکته ۱۹: **تعاونی سهامی عام:** نوعی شرکت سهامی عام است.

نکته ۲۰: تشکیل بانک فقط در قالب شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت سهامی عام امکان‌پذیر است.

نکته ۲۱: شرکت‌های تعاونی سهامی عام شرکت‌هایی هستند که با اخذ مجوز از وزارت تعاون ایجاد می‌شوند.

نکته ۲۲: **شرکت تعاونی فراگیر ملی:** نوعی تعاونی متعارف یا سهامی عام است که برای فقرزدایی از سه دهک پایین درآمدی تشکیل می‌شود. عضویت سایر افراد در این تعاونی آزاد است ولی در بدو تشکیل حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) اعضای آن باید از سه دهک پایین درآمدی باشند.

نکته ۲۳: هر شرکت سهامی یا تعاونی می‌تواند با اصلاح اساسنامه در چارچوب قوانین و مقررات مربوط و با مجوز وزارت تعاون به شرکت تعاونی سهام عام تبدیل شود.

نکته ۲۴: شرکت سهامی، مطلقاً تجاری محسوب می‌شود ولو آنکه موضوع عملیات آن تجاری نباشد.

نکته ۲۵: تعداد اعضای شرکت در سهامی عام **حداقل ۵ نفر** و در سهامی خاص **حداقل ۳ نفر** است.

نکته ۲۶: مسؤلیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهامشان می‌باشد.

نکته ۲۷: شرکت سهامی عام، شرکتی است که بخشی از سرمایه آن توسط عموم (از طریق پذیره‌نویسی) تأمین می‌شود.

نکته ۲۸: پذیره‌نویسی از طریق عرضه‌ی عمومی سهام ممکن است. ایجاد و انتشار سهام اولیه این نوع شرکت باید نزد **سازمان بورس و اوراق بهادار** به ثبت برسد.

نکته ۲۹: اجازه‌ی انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی توسط مرجع ثبت شرکت‌ها، پس از موافقت سازمان صادر می‌شود.

نکته ۳۰: برای تشکیل این شرکت باید مؤسسين حداقل ۲۰٪ سرمایه شرکت را خود تعهد نموده و حداقل ۳۵٪ مبلغ را در حین تشکیل شرکت به صورت نقدی تأمین نمایند.

نکته ۳۱: آورده‌ی غیر نقدی باید توسط کارشناس رسمی ارزیابی شود و اسناد مالکیت آن در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی آن به ضمیمه‌ی اظهارنامه و ضمائم تسلیم اداره ثبت شرکت‌ها شود.

نکته ۳۲: ماده‌ی ۸ قانون اصلاحی قانون تجارت (قانون شرکت‌های سهامی) به بیان طرح اساسنامه و مواردی که باید در آن ذکر شود پرداخته است.

نکته ۳۳: اساسنامه‌ی شرکت طبق ماده ۸ ل.ا.ق.ت در حکم **قانون اداره شرکت** است و وجود آن در شرکت‌های سهامی الزامی است.

نکته ۳۴: در اساسنامه‌ی شرکت، طبق بند ۵ ماده ۸ تعیین مبلغ سرمایه و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک الزامی است.

نکته ۳۵: در اساسنامه شرکت، طبق بند ۶ ماده ۸ تعیین **تعداد سهام بی‌نام و بانام و مبلغ اسمی آن** و تعیین تعداد و خصوصیات **سهام ممتاز** در صورت وجود الزامی است اما تعیین اقسام دیگر سهام از جمله مؤسس و انتفاعی در اساسنامه قید نمی‌شود.

نکته ۳۶: در خصوص تعیین تعداد سهام اساسنامه نمی‌تواند برخلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. در شرکت سهامی عام حداکثر مبلغ اسمی سهام **۱۰ هزار ریال** می‌باشد. به علاوه مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه، باید متساوی باشد. در شرکت‌های سهامی خاص، مبلغ اسمی سهام حداکثر ندارد.

نکته ۳۷: طبق بند ۷ ماده‌ی ۸ باید **مبلغ پرداخت‌شده** هر سهم و نحوه‌ی مطالبه بقیه‌ی مبلغ اسمی هر سهم در اساسنامه‌ی شرکت، تعیین می‌شود و همچنین **مدتی** که باید ظرف آن مبلغ باقی‌مانده مطالبه شود که این مهلت **نباید بیش از ۵ سال** باشد.

نکته ۳۸: چنانچه مبلغ پرداخت‌نشده ظرف مدت مقرر در اساسنامه پرداخت نشود هیأت مدیره‌ی شرکت مکلف است مجمع عمومی فوق‌العاده را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت‌شده دعوت نماید. در غیر این صورت هر **ذینفعی** حق دارد برای تقلیل سرمایه تا میزان پرداخت‌شده به دادگاه مراجعه کند.

نکته ۳۹: طبق بند ۸ این ماده نحوه انتقال سهام باید در اساسنامه شرکت ذکر شود.

نکته ۴۰: در خصوص نحوه‌ی انتقال سهام اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. ثبت انتقال سهام بانام در دفتر سهام شرکت الزامی است. به علاوه در شرکت سهامی عام، نقل و انتقال سهام نمی‌تواند منوط به موافقت مدیران یا مجمع عمومی باشد.

نکته ۴۱: طبق بند ۹ ماده‌ی ۸ طریقه‌ی تبدیل سهام بانام و بی‌نام و بالعکس در اساسنامه شرکت، تعیین می‌شود.

نکته ۴۲: در خصوص تبدیل سهام رعایت مقررات مواد ۴۳ الی ۴۹ الزامی است و اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. تبدیل سهم بی‌نام به سهم بانام باید در روزنامه‌ی کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌شود در سه نوبت چاپ شود. (بحث تبدیل سهام نباید با ورقه‌ی سهم قابل تبدیل و تعویض خلط نشود.)

به موجب ماده ۴۳ لایحه اصلاح، قانونگذار، تبدیل سهام‌ها را به یکدیگر تجویز کرده است به نحوی که در مواد ۴۴ تا ۴۶ تبدیل سهام بی‌نام و در ماده ۴۷ تبدیل سهام بانام را پیش‌بینی نموده است.

از آنجایی که سهام بی‌نام شناسایی‌اش کار سختی است پس تبدیلیش مستلزم سه بار نشر آگهی و مهلتی که کمتر از ۶ ماه نباشد است اما چون سهام بانام، قابل شناسایی است پس فقط یک بار نشر آگهی و مهلتی که کمتر از دو ماه نباشد است.

نکته ۴۳: فاصله‌ی بین هر نوبت انتشار باید ۵ روز باشد و از تاریخ اولین آگهی باید حداقل ۶ ماه به صاحبان سهام برای مراجعه به شرکت و تبدیل سهام مهلت داده شود.

نکته ۴۴: در تبدیل سهام بی‌نام به بانام در صورتی که صاحب‌سهم بعد از ۱۰ سال مراجعه نکند، سهام او در حکم اموال بلاصاحب است ولی در تبدیل سهام بانام به بی‌نام سهام بانام صادرشده در صندوق شرکت نگهداری می‌شود و هیچگاه در زمره‌ی اموال بلاصاحب نمی‌شود.

نکته ۴۵: طبق بند ۱۰ ماده ۸ امکان صدور اوراق قرضه باید پیش‌بینی شود.

نکته ۴۶: در خصوص مقررات صدور اوراق قرضه در اساسنامه، رعایت مواد ۵۵ الی ۷۱ الزامی است و اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. انتشار اوراق قرضه در صورتی ممکن است که [۱]: کلیه سرمایه‌ی شرکت به ثبت رسیده باشد و [۲]: دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد و [۳]: دو ترازنامه آن نیز به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد و مقررات اساسنامه نمی‌تواند ترتیب دیگری مقرر نماید.

نکته ۴۷: طبق بند ۱۱ ماده‌ی ۸ شرایط و ترتیبات افزایش و کاهش سرمایه شرکت می‌بایست در اساسنامه‌ی شرکت ذکر شود. این ضوابط نمی‌تواند مخالف مواد ۱۵۸ الی ۱۹۸ باشد و اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد.

نکته ۴۸: افزایش سرمایه در صورتی امکان دارد که سرمایه‌ی قبلی شرکت تماماً تأدیه شده باشد.

نکته ۴۹: مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد در مدتی که **پیش از ۵ سال** نباشد سرمایه‌ی شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق قانونی افزایش دهد.

نکته ۵۰: طبق بندهای ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ مواقع و ترتیبات دعوت از مجامع عمومی و اکثریت‌های لازم جهت شرکت در مجامع و اتخاذ تصمیم باید در اساسنامه شرکت قید شود و این اکثریت‌ها قابل کاهش نمی‌باشد و اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. البته افزایش در مواردی قابل‌پذیرش است.

نکته ۵۱: محتمل است اساسنامه شرکت مقدار معینی سهام را برای رأی دادن در نظر گرفته باشد مانند آنکه هر ۵۰ سهم ۱ رأی محسوب شود. در چنین حالتی فردی که ۴۰ سهم دارد حق رأی در مجامع را ندارد.

نکته ۵۲: طبق بند ۱۵ ماده‌ی ۸ ذکر تعداد مدیران در شرکت و طرز انتخاب ایشان و مدت مأموریت آنها و نحوه‌ی تعیین جانشین برای مدیران در اساسنامه شرکت ذکر می‌شود.

نکته ۵۳: در خصوص بند مذکور رعایت مواد ۱۰۷ الی ۱۲۸ قانون الزامی می‌باشد و اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد. مدت مدیریت مدیران در اساسنامه تعیین می‌شود اما این مدت نمی‌تواند بیش از ۲ سال باشد اما تمدید مدت مدیریت ولو کراراً بلامانع است.

نکته ۵۴: طبق بند ۱۶ ماده ۸، وظایف و اختیارات مدیران باید در اساسنامه درج شود.

- نکته ۵۵:** در خصوص تعیین وظایف مدیران در اساسنامه، رعایت مواد ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۴۱ و ۱۶۲ قانون الزامی است و اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد.
- نکته ۵۶:** محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیم مجامع عمومی فقط در روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث **باطل** و کان‌لم‌یکن می‌باشد. این خصوصیت ویژه مدیران شرکت‌های سهامی است.
- نکته ۵۷:** مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نمی‌تواند به هیچ‌وجه حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسؤولیت علیه مدیران شرکت محدود کند و شرط رفع مسؤولیت از مدیران یا تحدید مسؤولیت مدیران نافذ نمی‌باشد.
- نکته ۵۸:** طبق بند ۱۷ ماده ۸، تعداد سهامی که مدیران باید به **عنوان تضمین** در صندوق شرکت بگذارند در اساسنامه مشخص می‌شود. در این خصوص رعایت مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ الزامی است.
- نکته ۵۹:** تعداد این سهام را اساسنامه تعیین می‌کند. این سهام **با نام** است و قابل نقل و انتقال **نمی‌باشد**. البته مالکیت آن همچنان متعلق به مدیر است و سود آن نیز وثیقه نیست و مدیر می‌تواند سود آن را دریافت کند.
- نکته ۶۰:** طبق بند ۱۸ ماده ۸ تعیین تعداد بازرسان و نحوه انتخاب و مدت مأموریت ایشان در اساسنامه ذکر می‌شود. رعایت مواد ۱۴۴ الی ۱۴۷ در این زمینه الزامی است و اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد.
- نکته ۶۱:** طبق بند ۱۹ ماده ۸، آغاز و پایان سال مالی و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان در اساسنامه شرکت باید قید شود.
- نکته ۶۲:** در این خصوص رعایت ماده ۱۳۷ و ۱۳۸ الزامی است و اساسنامه نمی‌تواند بر خلاف این مقررات قانونی، قیدی در نظر گیرد.
- نکته ۶۳:** هیأت مدیره باید بعد از انقضای سال مالی مقرر در اساسنامه، مجمع عمومی عادی را برای تصویب عملیات سال مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید.
- نکته ۶۴:** طبق بند ۲۰ ماده ۸ موارد انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه آن را اساسنامه تعیین می‌نماید.
- نکته ۶۵:** طبق بند ۲۱ ماده ۸ نحوه تغییر اساسنامه باید در اساسنامه شرکت ذکر شود و رعایت ماده ۸۳ در این خصوص الزامی است.
- نکته ۶۶:** تغییرات در اساسنامه یا سرمایه‌ی شرکت یا انحلال پیش از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.
- نکته ۶۷:** **تشکیل شرکت سهامی عام:** جهت تشکیل شرکت سهامی عام؛ اجازه انتشار پذیره‌نویسی با مرجع ثبت شرکت‌ها است که پس از مطالعه اظهارنامه و ضمایم آن و تطبیق آن با قانون اجازه آن را صادر می‌کند.
- نکته ۶۸:** عرضه عمومی اوراق بهادار در بازار اولیه منوط به ثبت آن نزد سازمان با رعایت مقررات قانون بورس می‌باشد و عرضه عمومی اوراق بهادار به هر طریق بدون رعایت مفاد این قانون ممنوع است.
- نکته ۶۹:** سازمان پس از بررسی تقاضای ثبت اوراق بهادار و ضمایم آن و اطمینان از انطباق آنها با مقررات، نسبت به تأیید اعلامیه پذیره‌نویسی اقدام می‌کند.
- نکته ۷۰:** مؤسسين پس از اخذ مجوز انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی، این اعلامیه را باید در جراید منتشر کنند. بنابراین مطابق لایحه قانونی لازم نیست اعلامیه پذیره‌نویسی سهام شرکت در زمان تشکیل آن در روزنامه‌ی کثیرالانتشار آگهی گردد بلکه کافی است که انتشار از طریق یکی از جراید باشد.
- نکته ۷۱:** برای عرضه سهام شرکت پس از تشکیل آن در **مرحله‌ی افزایش سرمایه** از طریق صدور سهام جدید اعلامیه پذیره‌نویسی سهام **باید** در **روزنامه‌ی کثیرالانتشار منتشر** شود که یکی از آن دو حتماً باید روزنامه‌ی کثیرالانتشار شرکت باشد.
- نکته ۷۲:** برای تشکیل این شرکت باید مؤسسين حداقل ۲۰٪ از ۱۰۰٪ سرمایه شرکت را خود تعهد نموده و حداقل ۳۵٪ از ۲۰٪ را در حین تشکیل شرکت، در حساب شرکت در شرف تأسیس بسپارند.
- نکته ۷۳:** **آورده‌ی مؤسسين:** می‌تواند نقدی یا غیر نقدی باشد. آورده‌ی نقد در حساب شرکت در شرف تأسیس سپرده می‌شود و آورده‌ی غیر نقدی توسط کارشناس رسمی ارزیابی می‌شود و اسناد مالکیت آن در همان بانکی که آورده نقدی در آن سپرده شده است، تودیع می‌شود.
- نکته ۷۴:** **آورده‌ی سپرده‌گذاران:** در قانون سابق برای پذیره نویسان دو قسم سهام در نظر گرفته شده بود. سهام نقد و غیر نقد اما در قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت چنین نصی وجود ندارد و پذیره‌نویسی باید نقدی باشد اما لزومی ندارد تمام مبلغ مورد پذیره‌نویسی نقداً تأدیه شود. نحوه پرداخت وفق بند ۱۱ ماده ۹ در طرح اعلامیه پذیره‌نویسی ذکر می‌شود.
- نکته ۷۵:** در اعلامیه پذیره‌نویسی فقط حداقل تعداد سهامی که اشخاص بر اساس پذیره‌نویسی می‌توانند خریداری کنند ذکر می‌شود و قانوناً محدودیتی برای خرید سهام بیشتر وجود ندارد اما در برخی موارد محدودیت‌هایی برای حداکثرهای سهام وجود دارد. به عنوان مثال حداکثر سهم

هر شخص حقیقی، در زمان تأسیس و طول فعالیت شرکت تعاونی سهامی عام، نباید از نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند و اشخاص حقوقی اگر خود شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد سهام را دارند و سایر اشخاص حقوقی یعنی سایر شرکت‌ها و مؤسسات متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد از سهام را دارند. در خصوص شرکت‌های بیمه، هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند بیش از ۲۰ درصد سهام یک

موسسه بیمه ایرانی را دارا باشد. نصاب ۲۰ درصد شامل اقارب نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول صاحب‌سهام نیز خواهد بود.

نکته ۷۶: فرآیند خرید اوراق بهادار از ناشر و یا نماینده‌ی قانونی آن و تعهد پرداخت وجه کامل آن طبق قرارداد که عمل حقوقی است که طی آن شخص تعهد می‌کند با تأمین قسمتی از سرمایه‌ی شرکت در حدود مبلغ آورده در شرکت سهامی عام شریک شود. در نتیجه پذیره‌نویس باید اهلیت داشته باشد و یا از طریق نماینده قانونی وی انجام شده باشد.

نکته ۷۷: کلیه اشخاص اعم از اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی خصوصی یا دولتی می‌توانند در پذیره‌نویسی سهام شرکت سهامی عام مشارکت کنند. اصولاً مؤسسين می‌توانند اشخاص ذی‌حق در مشارکت در پذیره‌نویسی را محدود کنند و شرایط خاصی را برای آنها در اعلامیه پذیره‌نویسی معین نمایند.

نکته ۷۸: پذیره‌نویسی سهام شرکت‌های سهامی عام توسط عموم باید با امضای سندی به نام ورقه‌ی تعهد سهام انجام شود بنابراین عمل پذیره‌نویسی سهام شرکت سهامی عام قراردادی است تشریفاتی زیرا اولاً باید مکتوب باشد ثانیاً در تنظیم متن قرارداد ورقه تعهد سهام مندرجات الزامی مقرر باید به موجب ماده ۱۳ لایحه قانونی در متن سند قید گردد. ورقه تعهد سهام ورقه‌ای است که در زمان پذیره‌نویسی به پذیره‌نویسان تسلیم می‌شود و در دو حالت، پذیره‌نویسی داریم: ۱. پذیره‌نویسی برای تشکیل شرکت که به موجب مواد ۱۳ تا ۱۵ قبل تشکیل شرکت صادر می‌شود؛ ۲. پذیره‌نویسی برای افزایش سرمایه شرکت که به موجب مواد ۱۷۹ تا ۱۸۰ بعد از تشکیل و ثبت و تأدیه تمام سرمایه شرکت صادر می‌شود.

نکته ۷۹: برخلاف اوراق سهام لازم نیست ورقه‌ی تعهد سهام چاپی و دارای نمره ترتیبی باشد.

نکته ۸۰: ورقه‌ی تعهد سهام باید در دو نسخه تنظیم گردد. یک نسخه از آن نزد بانک می‌ماند و نسخه‌ی دیگر با قید رسید وجه و مهر و امضای بانک به پذیره‌نویس تسلیم می‌گردد.

نکته ۸۱: پس از انقضاء مدت پذیره‌نویسی، مؤسسين حداکثر ظرف یک ماه تعهدات پذیره‌نویسان را رسیدگی نموده و پس از احراز تعهد صحیح سرمایه اولیه و پرداخت ۳۵ درصد آن توسط مؤسسين، تعداد سهام تعهدکنندگان را تعیین نموده و مجمع عمومی مؤسس را دعوت می‌نمایند.

نکته ۸۲: مؤسسين باید پس از پایان مهلت پذیره‌نویسی و در صورت تمدید آن پس از پایان مدت تمدیدشده به نتایج پذیره‌نویسی رسیدگی کنند و ظرف یک ماه از تاریخ پایان مهلت پذیره‌نویسی گزارشی در مورد نتایج آن تنظیم نمایند.

نکته ۸۳: پس از تنظیم این گزارش و احراز اینکه تمام سرمایه صحیحاً تعهد شده و اقلأ سی و پنج درصد آن پرداخت شده است، مؤسسين تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان (پذیره‌نویسان) را تعیین می‌کنند و پذیره‌نویسی را تصدیق می‌کنند. تصدیق خلاف واقع جرم می‌باشد.

نکته ۸۴: پس از تصدیق پذیره‌نویسی، مؤسسين اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسسين می‌نمایند و در صورت امتناع مؤسسين، الزام آنها به دعوت و تشکیل مجمع مؤسس امکان‌پذیر نیست. البته چنانچه امتناع آنها از دعوت مجمع و به تبع آن عدم تشکیل شرکت موجب ورود زیان به پذیره‌نویسان شود، متضامناً مسؤول جبران خسارت‌اند.

نکته ۸۵: فاصله‌ی زمانی بین انتشار آگهی دعوت مجمع و تاریخ تشکیل جلسه اصولاً، حداقل ۱۰ و حداکثر ۴۰ روز می‌باشد.

نکته ۸۶: اگر پس از انتشار اولین آگهی دعوت مجمع عمومی مؤسس نصاب قانونی برای رسمیت جلسه‌ی این مجمع حاضر نشود، مؤسسين می‌توانند تا دو مرحله‌ی دیگر مجمع عمومی مؤسس را دعوت کنند. در آگهی‌های مرتبه دوم و سوم تاریخ انتشار آگهی دعوت با تاریخ جلسه‌ی مجمع حداقل ۲۰ روز باید فاصله داشته باشد.

نکته ۸۷: مجمع عمومی مؤسس می‌تواند از تصویب و پذیرش مزایای مورد تقاضای مؤسسين و آورده‌ی غیر نقد آنها امتناع کند.

نکته ۸۸: مؤسس یا مؤسسينی که مزایای مورد مطالبه‌ی آنها رد شده است می‌توانند فقط با صرف نظر کردن از این مزایا در شرکت باقی بمانند. در غیر این صورت تعهد آنها نسبت به سهامی که خریداری نموده‌اند باطل می‌گردد و سایر پذیره‌نویسان می‌توانند سهام آنها را با آورده‌ی نقد خریداری کنند.

نکته ۸۹: چنانچه پس از تشکیل جلسه‌ی دوم مجمع عمومی مؤسس معلوم گردد به جهت باطل شدن تعهد مؤسسين و عدم خریداری سهام آنها از سوی سایر پذیره‌نویسان بخشی از سرمایه‌ی شرکت تأمین نشده باقی مانده است، مؤسسين باید عدم تشکیل شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند.

نکته ۹۰: مجمع عمومی مؤسس پس از تشکیل، طرح اساسنامه را تصویب نموده و اولین مدیران و بازرسان را انتخاب می‌کند و مدیران و بازرسان باید کتباً قبول سمت نمایند. چنانچه قبل از تشکیل شرکت، مؤسسين معامله‌ای انجام داده باشند و شرکت آن را نپذیرد، مؤسسين مسؤول خواهند بود.

نکته ۹۱: **نصاب اعضای مجمع عمومی مؤسس:** حضور دارندگان **حداقل نصف سرمایه** در مرتبه‌ی اول و در مرتبه‌ی دوم حضور **دارندگان حداقل یک سوم سرمایه.**

نکته ۹۲: **نصاب تصمیم‌گیری:** تصمیمات با اکثریت **دوسوم آراء حاضر** در جلسه مجمع، رسمیت خواهد داشت.

نکته ۹۳: در سایر مجامع محتمل است دارندگان برخی از سهام شرکت حق حضور و رأی نداشته باشند اما در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسين و پذیره نویسان حق حضور و رأی دارند و هر سهم یک رأی دارد.

نکته ۹۴: در شرکت‌های تعاونی سهامی عام برگزاری مجمع عمومی مؤسس برای آن دسته از شرکت‌هایی که در زمان تأسیس بیش از پانصد نفر سهامدار داشته باشند نیز با بلوک‌بندی و بر اساس طرح اساسنامه تهیه‌شده از سوی هیأت مؤسس خواهد بود.

نکته ۹۵: با قبول سمت توسط مدیران و بازرسان، شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

نکته ۹۶: تقاضای ثبت شرکت و تسلیم اسناد لازم برای ثبت آن در شرکت‌های سهامی عام، بر عهده‌ی اولین مدیران منتخب مجمع عمومی مؤسس است که کتباً قبول سمت کرده‌اند و از وظایف مؤسسين نمی‌باشد.

نکته ۹۷: ثبت شرکت سهامی عام باید حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ارائه اظهارنامه ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکت‌ها به عمل آید. در غیر این صورت هر یک از مؤسسين و پذیره‌نویسان می‌توانند با مراجعه به مرجع ثبت شرکت‌ها صدور گواهی عدم ثبت شرکت تا آن تاریخ را تقاضا کنند.

نکته ۹۸: مرجع ثبت شرکت باید این گواهی را صادر و به بانکی که وجوه نزد آن تودیع شده است ارسال کند.

نکته ۹۹: پس از آن هر یک از مؤسسين و پذیره‌نویسان می‌توانند با مراجعه به آن بانک مبالغی را که پرداخته‌اند پس بگیرند و بدین ترتیب شرکت تشکیل نمی‌شود.

نکته ۱۰۰: **عدم رعایت ضوابط ثبت شرکت موجب بطلان نسبی** است؛ یعنی شرکت باطل است و قابلیت درخواست بطلان و عملیات وجود دارد.

نکته ۱۰۱: در شرکت سهامی خاص، تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست و صورتجلسه‌ی مندرج در ماده‌ی ۲۰ کفایت می‌کند.

نکته ۱۰۲: اظهارنامه‌ی ثبت شرکت باید توسط **همه مؤسسين** امضا شده باشد.

نکته ۱۰۳: صورتجلسه‌ای حاکی از انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان قانونی شرکت، باید توسط همه مؤسسين امضا شده باشد.

نکته ۱۰۴: در شرکت‌های سهامی خاص برخلاف شرکت‌های سهامی عام، مؤسسين باید همه‌ی سرمایه شرکت را شخصاً تعهد کنند زیرا در این شرکت‌ها پذیره‌نویسی سهام توسط اشخاص غیر از مؤسسين مطرح نیست.

نکته ۱۰۵: در شرکت‌های سهامی خاص، لازم نیست مؤسسين تمام سرمایه‌ی شرکت را در بدو تأسیس آن نقداً تأمین کنند بلکه آنچه الزامی است صرفاً تأمین ۳۵٪ سرمایه‌ی اسمی شرکت با آورده‌ی نقد است. مازاد بر ۳۵٪ سرمایه اسمی شرکت را مؤسسين می‌توانند به صورت **نقد** تعهد کنند که در این صورت باید ظرف پنج سال از تاریخ تشکیل شرکت مبلغ باقی‌مانده را تأدیه نمایند.

نکته ۱۰۶: همچنین مؤسسين می‌توانند مازاد بر ۳۵ درصد مبلغ اسمی سرمایه را با آورده‌ی غیرنقد تأمین کنند که در این صورت تمام آورده‌ی غیرنقد باید در بدو تشکیل شرکت تقویم و تسلیم گردد.

نکته ۱۰۷: در شرکت‌های سهامی خاص مانند سهامی عام، آورده‌ی نقد مؤسسين باید نزد بانک در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس تودیع گردد ولی تودیع آورده‌های غیرنقد نزد بانک الزامی نیست. آورده‌ی غیرنقد در شرکت سهامی خاص باید به اولین مدیران شرکت تسلیم گردد.

نکته ۱۰۸: تقویم آورده‌های غیرنقد در شرکت‌های سهامی خاص مانند سهامی عام باید بر اساس نظر کارشناس رسمی دادگستری باشد. این کارشناس توسط مؤسسين تعیین می‌شود با اتفاق آرا و برای تعیین آن مراجعه به دادگاه الزامی نیست.

نکته ۱۰۹: در شرکت‌های سهامی خاص، برای تصویب اساسنامه موافقت کلیه مؤسسين لازم است ولی در شرکت‌های سهامی عام، تصویب اساسنامه با اکثریت دوسوم آراء حاضر در جلسه‌ی رسمی مجمع عمومی مؤسس به عمل می‌آید ولی تغییر اساسنامه در هر دو شرکت با اکثریت صورت می‌گیرد و منوط است به موافقت اکثریت دوسوم آراء حاضر در جلسه‌ی رسمی مجمع عمومی فوق‌العاده.

نکته ۱۱۰: در شرکت‌های سهامی خاص، انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان قانونی منوط است به موافقت همه‌ی مؤسسين ولی در شرکت‌های سهامی عام، انتخاب آنها با اکثریت دوسوم آراء حاضر در جلسه‌ی مجمع عمومی مؤسس به عمل می‌آید.

نکته ۱۱۱: انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان بعدی شرکت در هر دو شرکت سهامی عام و خاص، توسط مجمع عمومی عادی و با اکثریت نسبی صورت می‌گیرد.

نکته ۱۱۲: مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمالی که برای تأسیس شرکت انجام می‌دهند **مسئولیت تضامنی** دارند.

نکته ۱۱۳: شرکت‌های سهامی عام و خاص تا زمانی که به ثبت نرسیده‌اند از انجام امور ذیل ممنوع‌اند:

۱. برداشت وجوهی که نزد بانک برای تأسیس شرکت تودیع می‌شود منوط است به ثبت شرکت.

۲. شرکت‌ها تا زمانی که به ثبت نرسیده‌اند از صدور اوراق سهام ممنوع‌اند اعم از سهام با نام و یا بی‌نام.

۳. شرکت‌های سهامی عام و خاص قبل از ثبت از صدور گواهینامه‌ی موقت سهم ممنوع‌اند.

۴. شرکت‌های سهامی عام قبل از ثبت از صدور هرگونه ورقه قرضه اعم از اوراق قرضه ساده یا مرکب ممنوع‌اند.

۵. شرکت‌های سهامی عام و خاص قبل از ثبت از صدور هر نوع ورقه مشارکت ممنوع‌اند.

نکته ۱۱۴: **اوراق بهادار در شرکت سهامی**: سهام قسمتی از سرمایه‌ی شرکت است که مشخص‌کننده‌ی میزان **مشارکت و تعهدات و**

منافع صاحب آن است. منظور از مشارکت، حق رأی است که ممکن است در برخی موارد سهامدار از آن منع شود:

۱. مابقی مبلغ تعهدشده را که توسط مدیران مطالبه شده نپرداخته باشد.

۲. در موعد مقرر سهام بی‌نام خود را به بانام و یا بالعکس تبدیل نکرده باشد.

۳. در موعد مقرر گواهینامه‌ی موقت سهام را به ورقه‌ی سهم تبدیل نکرده باشد.

نکته ۱۱۵: ورقه‌ی سهم، **سند قابل معامله‌ای** است که نماینده‌ی تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

نکته ۱۱۶: در شرکت‌های تعاونی سهامی عام، حداکثر سهم هر شخص حقیقی، مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از

نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند.

نکته ۱۱۷: در شرکت‌های تعاونی سهامی عام **اشخاص حقوقی** سهامدار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود شرکت تعاونی **فراگیر ملی**

یا تعاونی سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد سهام را دارند. سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهامداران مستقیم و

غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد از سهام را دارند.

نکته ۱۱۸: سهم یا به صورت بانام است یا بی‌نام.

نکته ۱۱۹: سهام بانام ممکن است با اسم شخص باشد و یا صرفاً ذکر سهام بانام بر روی برگه سهم باشد ولی اگر این چنین باشد نام صاحب‌سهم

در دفتر سهام شرکت ثبت می‌گردد. دفتر سهام شرکت دلیل مالکیت در مورد این نوع سهام است.

نکته ۱۲۰: مزیت سهم بی‌نام در نقل و انتقال سریع آن است و به صرف قبض و اقباض منتقل می‌شود.

نکته ۱۲۱: مزیت سهم بانام در این امر است که در صورت مفقود شدن یا سرقت شدن یا جعل امکان اثبات ادعا آسان است.

نکته ۱۲۲: انتقال سهم بانام باید در دفتر سهام شرکت ثبت شود و الا در مقابل **شرکت و اشخاص ثالث** معتبر نخواهد بود اما بین طرفین

معتبر است.

نکته ۱۲۳: شرکت‌های سهامی که سهامشان بی‌نام است نمی‌توانند در بورس اوراق بهادار وارد شوند و باید سهام خود را به بانام تبدیل نمایند.

نکته ۱۲۴: در شرکت‌های تعاونی سهامی عام کلیه سهام، **بانام** بوده و تملک یا نقل و انتقال آن منوط به ثبت در دفتر سهام شرکت و رعایت

سقف مالکیت سهام مقرر در اساسنامه به تشخیص هیأت مدیره است که نباید از سقف مقرر تجاوز کند. هر توافقی بر خلاف حکم این بند، باطل

و بلااثر خواهد بود.

نکته ۱۲۵: اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیبی بوده و به امضای حداقل دو نفر از صاحبان امضاء شرکت که اساسنامه

تعیین می‌کند برسد.

نکته ۱۲۶: در این موارد صدور سهام بانام الزامی است :

۱. مادامی که تمام مبلغ اسمی هر سهم بی‌نام پرداخت نشده باشد.

۲. سهام وثیقه‌ی مدیران که تا خاتمه‌ی مفاصا حساب دوره تصدی مدیران غیرقابل انتقال می‌باشد.

۳. سهام محجورین و صغار به منظور حمایت از حقوق آنها.

نکته ۱۲۷: **سهام مؤسس:** سهمی است برای مؤسسانی که به دلیل ارائه خدمات انجام داده در زمان تأسیس شرکت، مزایایی از قبیل قسمتی از منافع شرکت یا قسمتی از دارایی اضافه بر سرمایه باقی‌مانده‌ی شرکت در حین تصفیه تخصیص می‌دهد. این سهام در آگهی اعلامیه‌ی پذیره‌نویسی پیش‌بینی می‌شود. تغییر امتیازات این نوع سهام با تصویب مجمع عمومی خاص موضوع ماده ۹۳ قانون تجارت است.

نکته ۱۲۸: **سهام ممتاز:** موضوع ماده‌ی ۴۲ ل.ا.ق.ت که یا در اساسنامه پیش‌بینی می‌شود یا طبق تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌شود و به موجب آن امتیاز یا امتیازاتی خاص به دارنده‌ی آن اعطا می‌شود. این امتیازات می‌تواند درصد معینی از سود یا سود بیشتر یا حق تقدم در طرف معامله شدن یا حق رأی بیشتر باشد. تغییر امتیازات این نوع سهام منوط به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده با موافقت نصف + ۱ دارندگان سهام ممتاز است.

نکته ۱۲۹: **سهام جایزه:** سهمی است که در ازاء اضافه ارزشی که از سهامداران جدید دریافت و به سهامداران سابق شرکت اختصاص داده می‌شود.

نکته ۱۳۰: **سهام وثیقه:** این سهام برای تضمین خسارات احتمالی مدیران می‌باشد. مدیران باید تعداد سهام لازم به موجب اساسنامه را که برای رأی دادن در شرکت مقرر گردیده است دارا باشند. در غیر این صورت باید ظرف یک ماه اقدام به تهیه آن نمایند.

نکته ۱۳۱: در صورت عدم تهیه آن و در صورتی که قهراً سهام انتقال یابد یا در اثر افزایش یافتن تعداد سهام لازم، مدیر اقدام به تهیه و سپردن آن به صندوق شرکت نکند، **مستعفی** محسوب می‌شود.

نکته ۱۳۲: سهام وثیقه با نام است و قابل نقل و انتقال نمی‌باشد و تا پایان مدت مدیریت و ارائه حساب دوره‌ی تصدی و تصویب ترازنامه در صندوق شرکت به عنوان وثیقه می‌ماند و با تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره‌ی مالی تصدی مدیر این سهام خود به خود از قید وثیقه آزاد می‌شود.

نکته ۱۳۳: سود سهام وثیقه، متعلق به مدیران است و جزء وثیقه منظور نمی‌شود.

نکته ۱۳۴: فروش سهام وثیقه برای جبران خسارات مدیران باید از طریق مراجع قضایی انجام شود. اگر شرکت وکالت در فروش داشته باشد می‌تواند اقدام به فروش نماید.

نکته ۱۳۵: **وثیقه‌ی سهام:** چنانچه سهام بی‌نام به رهن گذاشته شود باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد داده شود (ماده ۷۷۲ ق.م) و در مورد رهن سهام بانام مراتب در دفتر سهام شرکت ثبت می‌گردد و الا از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار خواهد بود.

نکته ۱۳۶: **حقوق مالی مربوط به سهام:** حق تقدم در خرید سهام جدید، حق تصرف مالکانه در سهام و حق مالکیت نسبت به اموال شرکت پس از تصفیه.

نکته ۱۳۷: **حقوق غیرمالی سهام:** حق شرکت در مجامع، دعوت و حضور در جلسات و مجامع، حق اطلاع از حساب‌های شرکت و اقامه دعوی.

نکته ۱۳۸: **تکالیف مربوط به صاحب سهام:** پرداخت مبلغ اسمی سهم + قبول اساسنامه و تصمیمات شرکت به مجرد امضاء و خرید ورقه سهم.

نکته ۱۳۹: در برخی موارد صاحبان سهام نمی‌توانند حقوق ناشی از سهام خود را به اجرا گذارند: در صورتی که صاحب‌سهم بقیه بهای تعهد شده سهام را در مهلت مقرر پرداخت ننماید، علاوه بر تعلق خسارت دیرکرد به نرخ رسمی بهره به علاوه چهار درصد در سال، دارندگان سهام مذکور حق حضور و حق رأی در مجامع عمومی را ندارند و تعداد این‌گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد تا در تصمیم‌گیری‌ها منظور نشوند و در صورت پرداخت بدهی خود مجدداً حق حضور و رأی در مجامع عمومی را خواهند یافت.

نکته ۱۴۰: **مبلغ اسمی سهم:** مبلغی که در اساسنامه برای تعیین سهم معین شده است.

نکته ۱۴۱: مبلغ اسمی سهم در شرکت سهامی عام نباید از ۱۰ هزار ریال بیشتر باشد. در سهامی خاص محدودیتی برای حداکثر مبلغ اسمی وجود ندارد.

نکته ۱۴۲: **مبلغ واقعی سهم:** این مبلغ بر اساس میزان فعالیت شرکت و سود و زیان آن و طبق ترازنامه تعیین می‌شود. این ارزش اصولاً با توجه به فعالیت شرکت در حال نوسان است.

نکته ۱۴۳: ارزش بورسی سهم بر اساس ارزش واقعی و برخی موارد دیگر مثل شرایط اقتصادی و تبلیغات تعیین می‌شود.

- نکته ۱۴۴:** تا زمانی که تمام مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است، صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهی‌نامه‌ی موقت بی‌نام ممنوع است و به تعهدکنندگان این‌گونه سهم، گواهی‌نامه‌ی موقت بانام داده می‌شود و نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهم بانام است.
- نکته ۱۴۵:** گواهی‌نامه‌ی سهم بی‌نام در حکم سهم بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهم بی‌نام است و انتقال آن هم مثل سهام بی‌نام است.
- نکته ۱۴۶:** نقل و انتقال سهام در شرکت سهامی عام بر خلاف شرکت سهامی خاص نمی‌تواند منوط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی شرکت باشد.
- نکته ۱۴۷:** در صورتی که قسمتی از مبلغ اسمی سهم با نام پرداخت نشود، منتقل‌اُلیه قائم‌مقام ناقل خواهد بود.
- نکته ۱۴۸:** **اوراق قرضه:** ورقه‌ی قرضه، ورقه‌ی قابل معامله‌ای است که معرف **مبلغی وام** است با بهره‌ی معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد. برای ورقه‌ی قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود. فقط شرکت سهامی عام می‌تواند اوراق قرضه منتشر کند.
- نکته ۱۴۹:** دارندگان اوراق قرضه در اداره‌ی امور شرکت هیچگونه **دخالتی نداشتند** و فقط **بستانکار** شرکت محسوب می‌شوند.
- نکته ۱۵۰:** انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که [۱]: **کلیه سرمایه** ثبت شده شرکت **تأدیه** شده و [۲]: **دو سال** تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و [۳]: **دو ترازنامه** آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.
- نکته ۱۵۱:** اوراق قرضه دو نوع هستند: ۱- اوراق قرضه ساده ۲- اوراق قرضه مرکب (۱- قابل تبدیل به سهام ۲- قابل تعویض با سهام)
- نکته ۱۵۲:** هیأت مدیره می‌تواند پیشنهاد اعطای مجوز صدور اوراق قرضه را به مجمع عمومی دهد و مجمع عمومی در صورت تشکیل با حد نصاب قانونی نسبت به آن تصمیم‌گیری و به هیأت مدیره اجازه صدور اوراق قرضه می‌کند.
- نکته ۱۵۳:** **اوراق مشارکت:** وفق آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه‌ی انتشار اوراق مشارکت، اوراق بهادار بانام یا بی‌نامی است که به موجب قانون یا مجوز بانک مرکزی به قیمت اسمی مشخص **برای مدت معین** و برای تأمین بخشی از منابع مالی مورد نیاز طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولت توسط دولت، شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و ... شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت‌های تعاونی تولید منتشر می‌شود و به سرمایه‌گذارانی که قصد مشارکت در اجرای طرح‌های یادشده را دارند از طریق عرضه عمومی واگذار می‌گردد.
- نکته ۱۵۴:** دارندگان این اوراق به نسبت قیمت اسمی و مدت‌زمان مشارکت، در سود حاصل از اجرای طرح مربوط شریک خواهند بود که ممکن است این سود کمتر یا بیشتر از سود سهام شرکت باشد. خرید و فروش این اوراق مستقیماً و یا از طریق بورس اوراق بهادار مجاز است.
- نکته ۱۵۵:** در اوراق مشارکت، ناشر باید وجوه حاصل از مشارکت را الزاماً در طرح‌های اعلامی به مصرف برساند اما در اوراق قرضه ناشر می‌تواند به صلاحدید خود و در هر زمینه اقتصادی که لازم می‌داند وجوه حاصله را مصرف کند.
- نکته ۱۵۶:** وجوه حاصل از اوراق مشارکت به مالکیت شرکت در نمی‌آید برعکس وجوه حاصل از اوراق قرضه به شرکت ناشر تملیک می‌شود.
- نکته ۱۵۷:** اوراق مشارکت سود مشخص ندارند بلکه بر اساس قیمت اسمی و در نتیجه اجرای طرح و مدت‌زمان مشارکت حاصل می‌شود اما اوراق قرضه در زمان انتشار دارای سود معلوم و مقطوع می‌باشند و به همین دلیل یعنی قطعی بودن سود از طرف شورای نگهبان غیرشرعی و ربوی شناخته شد. در حال حاضر، مواد مربوط به اوراق قرضه (مواد ۵۱ تا ۷۱ لایحه اصلاح) با نظر شورای نگهبان متروک است با این وجود لازم است مطالعه شود چون امکان طرح سؤال از وجود دارد.
- نکته ۱۵۸:** ماده ۵۱ لایحه اصلاح، اوراق قرضه را فقط در سهامی عام مجاز می‌داند ولی ماده ۱ قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت هم در سهامی عام، هم سهامی خاص، تعاونی، شهرداری‌ها، شرکت‌های دولتی را مجاز در صدور اوراق مشارکت می‌داند.
- نکته ۱۵۹:** طبق ماده ۵۲ لایحه اصلاح ورقه قرضه، ورقه قابل معامله‌ای است که معرف مبلغی وام (با بهره معین) است ولی طبق مواد ۲ و ۳ قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، اوراق مشارکت ورقه بانام یا بی‌نامی است که معرف مشارکت (شراکت) آن هم با سود علی‌الحساب می‌باشد. ضمن اینکه بر خلاف اوراق قرضه، اوراق مشارکت حتماً باید نزد بانک، پرداخت اصل و سودش تضمین شود.
- نکته ۱۶۰:** به موجب تبصره ماده ۵۶ لایحه اصلاح هم اوراق قرضه و به موجب ماده ۶ قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت هم اوراق مشارکت در صورتی که به قطعات تنظیم شود باید مساوی باشد.
- نکته ۱۶۱:** به موجب مواد ۶۱ تا ۷۱ لایحه اصلاح در اوراق قرضه و به موجب ماده ۶ قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت در اوراق مشارکت، هم اوراق قرضه و هم اوراق مشارکت می‌توانند قابل تعویض با اوراق سهام یا قابل تبدیل به اوراق سهام باشند.
- تعویض:** ورقه قرضه یا مشارکتی است که هم‌زمان با صدور (مقارن با صدور) افزایش سرمایه نیز تصویب می‌شود یعنی افزایش سرمایه قطعی است، حال صاحب ورقه طبق ماده ۶۴ در صورت تمایل در سررسید می‌تواند اوراق خود را با ورقه سهام تعویض کند.

تبدیل: ورقه قرضه یا مشارکت قابل تبدیل، ورقه‌ای است که شرکت، هم‌زمان با صدور آن اجازه افزایش سرمایه را صادر کند، پس افزایش سرمایه در این حالت بر خلاف تعویض، احتمالی است و نه حتمی.

ورقه قرضه قابل تعویض، بانام بوده و قابل تأمین و توقیف نیست و نسبت به سهام قابل تعویض حق تقدم و حق رجحان منتفی است.

صاحب اوراق قرضه یا مشارکت، حق دخالت در شرکت نداشته (ماده ۵۳) و عملش، عمل تجاری نیست.

نکته ۱۶۲: دارندگان اوراق قرضه، طلبکار شرکت محسوب می‌شوند اما دارندگان اوراق مشارکت همانگونه که از نام آن معلوم است، شریک شرکت می‌باشند (شریک مدنی با مؤسسه ناشر).

نکته ۱۶۳: در اوراق مشارکت، بازپرداخت اصل و سود علی‌الحساب الزاماً تضمین می‌شود ولی در اوراق قرضه، تضمین اصل و سود بستگی به صلاحدید ناشر دارد که می‌تواند تضمین بدهد یا ندهد.

نکته ۱۶۴: انتشار اوراق مشارکت توسط دولت، منوط به **انتفاعی بودن** آن بخش از طرح‌های عمرانی دولتی است که فهرست آنها در طرح‌های عمرانی مربوط به قوانین بودجه سنواتی، با علامت مشخص درج خواهد شد.

نکته ۱۶۵: بر اساس ماده ۳ قانون مزبور انتشار اوراق مشارکت از طرف دولت به میزانی که در قوانین بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی می‌شود مجاز خواهد بود.

نکته ۱۶۶: ارکان اجرایی یا مجامع عمومی شرکت سهامی سه قسم می‌باشند: مؤسس، عادی و فوق‌العاده.

نکته ۱۶۷: اولین رکن، مجمع عمومی مؤسس است که این مجمع از اجتماع مؤسسين و پذیره‌نویسان و قبل از ثبت شرکت تشکیل می‌شود و با تشکیل شرکت این مجمع، موجودیت خود را از دست می‌دهد.

نکته ۱۶۸: وظایف مجمع عمومی مؤسس:

۱. رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن و احراز پذیرهنویسی و تأدیه مبالغ لازم

۲. تصویب طرح اساسنامه و اصلاح آن

۳. انتخاب اولین مدیران و بازرسان و روزنامه کثیرالانتشار شرکت که تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی آگهی‌های شرکت در آن منتشر می‌شود.

نکته ۱۶۹: هرگاه یک یا چند نفر از مؤسسين آورده‌ی **غیرنقد** داشته باشند مؤسسين باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی مؤسس **نظر کتبی** کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد **ارزیابی** آورده‌های غیرنقد **جلب** و آن را **جزء گزارش** اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی مؤسس بگذارند. در صورتی که مؤسسين برای خود **مزایایی** مطالبه کرده باشند باید **توجیه** آن به ضمیمه‌ی گزارش مزبور به مجمع مؤسس تقدیم شود.

نکته ۱۷۰: **دارندگان** آورده‌ی غیر نقد و **کسانی** که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند **در موقعی** که تقویم آورده‌ی غیرنقدی که تعهد کرده‌اند یا مزایای آنها موضوع رأی است **حق رأی ندارند** و آن قسمت از سرمایه‌ی **غیرنقدی** که موضوع مذاکره و رأی است **از حیث حد نصاب جزء سرمایه شرکت منظور نخواهد شد.**

نکته ۱۷۱: در مجمع عمومی مؤسس، کلیه مؤسسين و پذیره‌نویسان حق حضور و رأی دارند و هر سهم یک رأی دارد.

نکته ۱۷۲: در شرکت سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست و صورتجلسه‌ی مندرج در ماده ۲۰ کفایت می‌کند اما در این شرکت نیز جلب نظر کارشناس **رسمی** برای آورده‌های غیر نقد الزامی است.

نکته ۱۷۳: در شرکت‌های سهامی خاص برای تصویب اساسنامه، موافقت کلیه مؤسسين لازم است ولی در شرکت‌های سهامی عام تصویب اساسنامه با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی رسمی مجمع عمومی مؤسس به عمل می‌آید ولی تغییر اساسنامه در هر دو شرکت با اکثریت صورت می‌گیرد و منوط است به موافقت اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی رسمی مجمع عمومی فوق‌العاده.

نکته ۱۷۴: در شرکت‌های سهامی خاص، انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان قانونی منوط است به موافقت همه‌ی مؤسسين ولی در شرکت‌های سهامی عام انتخاب آنها با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه‌ی مجمع عمومی مؤسس به عمل می‌آید. انتخاب مدیران و بازرسان یا بازرسان بعدی شرکت در هر دو شرکت سهامی عام و خاص توسط مجمع عمومی عادی و با اکثریت نسبی صورت می‌گیرد.

نکته ۱۷۵: **مجمع عمومی فوق‌العاده:** برای رسیدگی به اموری تشکیل می‌شود که به صورت فوق‌العاده‌ای برای شرکت حادث شده و نیاز به تصمیم‌گیری و تغییر در اساسنامه یا اصلاح آن در مجمع دارد.

نکته ۱۷۶: وظایف این مجمع عبارت است از:

۱. تغییر مواد اساسنامه و اصلاح اساسنامه
۲. تغییر در سرمایه شرکت از طریق افزایش یا کاهش سرمایه
۳. انحلال قبل از موعد
۴. ترتیب دادن سهام ممتاز
۵. اعطاء مجوز به هیأت مدیره برای صدور اوراق قرضه
۶. تبدیل شرکت سهامی عام به خاص
۷. تصویب تبدیل سهام بانام به بی‌نام و بالعکس

نکته ۱۷۷: این مجمع نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد و یا تغییری در اساسنامه ایجاد کند که باعث افزایش تعهدات سهامداران شود مگر آنکه با تصویب همه‌ی سهامداران شرکت باشد ضمناً تغییر در اساسنامه نمی‌تواند به محروم شدن سهامداران از حقوق شناخته‌شده ایشان منجر شود.

نکته ۱۷۸: **حد نصاب حضور:** در مرتبه‌ی اول حضور دارندگان **بیش از نصف سهامی** که حق رأی دارند و اگر این حد نصاب حاصل نشد، در مرتبه‌ی دوم حضور دارندگان **بیش از یک‌سوم** سهامی که حق رأی دارند برای رسمیت جلسه الزامی است.

نکته ۱۷۹: **حد نصاب تصمیم‌گیری:** تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با **اکثریت دوسوم آراء حاضر** در جلسه رسمیت دارد.

نکته ۱۸۰: **مجمع عمومی عادی:** وظایف این مجمع عام است و نسبت به کلیه امور شرکت حق تصمیم‌گیری دارد مگر اموری که در صلاحیت مجامع عمومی مؤسس و فوق‌العاده شرکت می‌باشد و بر خلاف مجمع عمومی فوق‌العاده که تشکیل آن جز در موارد مقرر شده ضرورتی ندارد، تشکیل مجمع عمومی عادی سالی یک‌بار اجباری است.

نکته ۱۸۱: **وظایف مجمع عمومی عادی:** رسیدگی به حساب سود و زیان و تصویب ترانزنامه، عزل و نصب مدیران، تصویب معاملات موضوع ماده ۱۲۹، تقسیم سود و اندوخته قابل تقسیم و...

نکته ۱۸۲: **حد نصاب حضور:** در مرتبه‌ی اول حضور دارندگان **بیش از نصف سهامی** که حق رأی دارند و در مرتبه‌ی دوم با حضور **هر عده از سهامدارانی** که حق رأی دارند.

نکته ۱۸۳: **حد نصاب تصمیم‌گیری:** تصمیمات با اکثریت **نصف به علاوه‌ی یک** آراء حاضر در جلسه رسمیت دارد مگر در خصوص انتخاب مدیران و بازرسان که **اکثریت نسبی** حاکم است.

نکته ۱۸۴: اولین مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که از قبل از تشکیل اولین مجمع عمومی عادی سالانه تشکیل جلسه می‌دهد باید از طریق نشر آگهی در دو روزنامه‌ی زیر دعوت شود: ۱. روزنامه‌ی کثیرالانتشار تعیین‌شده توسط مجمع عمومی مؤسس ۲. روزنامه‌ی کثیرالانتشار تعیین‌شده توسط وزارت فرهنگ

نکته ۱۸۵: مجامع عمومی که بعد از تشکیل اولین مجمع عمومی عادی سالانه تشکیل جلسه می‌دهند، از طریق نشر آگهی در روزنامه‌ی کثیرالانتشار تعیین‌شده توسط مجمع عمومی عادی تعیین خواهد شد.

نکته ۱۸۶: **تشکیل مجمع عمومی به دعوت صاحبان سهام:** دارندگان حداقل یک‌پنجم سهام شرکت (۲۰٪) می‌توانند از هیأت مدیره، تقاضای تشکیل مجمع عمومی را نمایند.

نکته ۱۸۷: چنانچه هیأت مدیره حداکثر **ظرف ۲۰ روز** مجمع را تشکیل ندهد، درخواست‌کنندگان می‌توانند دعوت مجمع را از بازرس یا بازرسان شرکت تقاضا نمایند.

نکته ۱۸۸: بازرسان مکلفند **ظرف ۱۰ روز** مجمع را تشکیل دهند در غیر این صورت صاحبان سهام می‌توانند مستقیماً و به شرط رعایت کلیه تشریفات دعوت و قید عدم اجابت هیأت مدیره و بازرسان در آگهی، اقدام به تشکیل این مجمع کنند.

نکته ۱۸۹: فاصله‌ی زمانی بین تاریخ انتشار آگهی دعوت مجمع و تاریخ تشکیل جلسه‌ی آن باید حداقل ۱۰ و حداکثر ۴۰ روز باشد مگر در دو حالت:

۱. چنانچه پس از انتشار اولین آگهی دعوت مجمع عمومی مؤسس نصاب قانونی برای رسمیت جلسه‌ی این مجمع حاضر نشود. مؤسسین می‌توانند تا دو مرحله‌ی دیگر مجمع عمومی مؤسس را دعوت کنند. در آگهی‌های مرتبه‌ی دوم و سوم تاریخ انتشار آگهی دعوت با تاریخ جلسه‌ی مجمع حداقل ۲۰ روز باید فاصله داشته باشد.

۲. در صورتی که مجمع عمومی مؤسس، مزایای مطالبه شده از سوی مؤسسین یا آورده‌های غیرنقد آن‌ها را نپذیرد این مجمع برای بار دوم باید تشکیل جلسه دهد. حداکثر فاصله‌ی زمانی برای تشکیل جلسه‌ی دوم مجمع عمومی مؤسس در این مورد یک ماه است.

نکته ۱۹۰: در آگهی دعوت کلیه مجامع عمومی باید این موارد ذکر شود:

۱. تاریخ تشکیل جلسه‌ی مجمع با قید روز و ساعت (زمان تشکیل جلسه‌ی مجمع ممکن است روز غیرکاری و یا تعطیل باشد).

۲. نشانی دقیق محل تشکیل جلسه

۳. دستور جلسه‌ی مجمع

نکته ۱۹۱: کلیه مجامع باید تحت نظر هیأت رئیسه‌ای مرکب از چهار عضو اداره گردد که شامل یک رئیس، یک منشی و دو ناظر است. یعنی برای هر مجمع باید یک هیأت رئیسه تشکیل گردد. هیأت رئیسه مجامع موقتاًند و با پایان یافتن مجمع هیأت رئیسه نیز منحل می‌گردد.

نکته ۱۹۲: اعضای ناظر همیشه در کلیه مجامع باید از بین سهامداران حاضر در مجمع با اکثریت نسبی انتخاب شوند. منشی نیز با اکثریت نسبی انتخاب می‌شود و می‌تواند از بین سهامداران یا غیر از سهامداران باشد. استثنائاً در صورتی که مجمع عمومی در موارد خاص به درخواست و دعوت دارندگان یک‌پنجم سهام شرکت دعوت شده باشد (ماده ۹۶ لایحه) منشی نیز باید از بین صاحبان سهام انتخاب شود.

نکته ۱۹۳: در کلیه مجامع عمومی شرکت‌های سهامی حضور نماینده‌ی صاحب‌سهام به منزله‌ی حضور خود سهامدار است و نماینده از همان حقوقی برخوردار است که خود سهامدار در صورت حضور شخصی از آن برخوردار می‌گردد؛ بنابراین نماینده‌ی سهامدار حاضر در مجمع می‌تواند به عنوان عضو ناظر هیأت رئیسه انتخاب گردد.

نکته ۱۹۴: از مذاکرات و تصمیمات مجمع، صورت‌جلسه تنظیم می‌گردد. صورت‌جلسه‌ی مجمع اصولاً در یک نسخه تنظیم می‌شود و در مرکز شرکت نگهداری می‌گردد مگر در موارد استثنایی که تنظیم صورت‌جلسه در دو نسخه الزامی شده است.

نکته ۱۹۵: صورت‌جلسات مجمع توسط عضو منشی هیأت رئیسه مجمع تنظیم می‌شود و باید به امضاء کلیه اعضای هیأت رئیسه برسد. بنابراین امضاء صورت‌جلسات مجمع توسط سهامداران حاضر در مجمع یا نمایندگان آنها و همچنین اعضای هیأت‌مدیره شرکت لازم نیست.

نکته ۱۹۶: در برخی موارد صورت‌جلسه باید در دو نسخه تنظیم گردد که یک نسخه‌ی آن در مرکز شرکت نگهداری می‌شود و نسخه‌ی دوم جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم می‌گردد.

نکته ۱۹۷: تصمیماتی که باید به مرجع ثبت شرکت‌ها برای ثبت ارسال شود عبارت‌اند از:

۱. انتخاب مدیران و بازرسان

۲. تصویب ترازنامه

۳. کاهش یا افزایش سرمایه و تغییرات در اساسنامه

۴. انحلال شرکت و نحوه‌ی تصفیه آن

نکته ۱۹۸: هیأت مدیره: شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد. عده‌ی اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

نکته ۱۹۹: عده‌ی اعضای هیأت مدیره: در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و در سهامی خاص ۳ نفر است (البته برخی اساتید ۲ نفر را نیز صحیح می‌دانند).

نکته ۲۰۰: اعضای هیأت مدیره باید از سهامداران شرکت باشند. تعیین اعضای هیأت مدیره بر عهده‌ی مجمع عمومی عادی شرکت است و همین مجمع حق عزل آنها را دارد.

نکته ۲۰۱: مدت مدیریت مدیران، حداکثر دو سال است و قابل تمدید است.

نکته ۲۰۲: نماینده‌ی شخص حقوقی که به نمایندگی از شخص حقوقی در هیأت مدیره حضور دارد همان وظایف و اختیارات شخص حقیقی را دارد.

نکته ۲۰۳: این نماینده توسط شخص حقوقی عضو هیأت مدیره قابل عزل است به شرط اینکه جانشینی را کتباً به شرکت معرفی کند. در غیر این صورت غایب محسوب می‌شود.

نکته ۲۰۴: اشخاص ممنوع از مدیریت شرکت: افرادی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده و محجورین + افرادی که به جهت ارتکاب سرقت، خیانت در امانت کلاهبرداری یا جرائم در حکم آن از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند **در مدت** محرومیت از حقوق اجتماعی.

نکته ۲۰۵: همچنین رئیس جمهور و معاونان وی و وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند در شرکت‌های تجاری غیر از تعاونی‌ها سمت مدیرعامل و مدیریت داشته باشند.

نکته ۲۰۶: سردفتران و دفتریاران نیز نمی‌توانند عضویت در هیأت مدیره و مدیریت عامل شرکت‌ها را داشته باشند.

نکته ۲۰۷: اعمال و اقدامات مدیرانی که ممنوع از مدیریت بوده‌اند در مقابل اشخاص ثالث معتبر است ولی به تقاضای هر ذینفع و از طرف دادگاه قابل عزل است.

نکته ۲۰۸: انتخاب عضو علی‌البدل هیأت مدیره، اختیاری است و اعضای علی‌البدل برای موارد اضطراری است و در صورت عزل مدیر، مجمع موظف است ضمن عزل، مدیر دیگری انتخاب کند.

نکته ۲۰۹: محدود کردن اختیارات مدیران به موجب اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط در روابط **مدیران** و **صاحبان سهام** معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن محسوب می‌شود.

نکته ۲۱۰: وظایف و اختیارات هیأت مدیره:

۱. انتخاب رئیس و نایب رئیس هیأت مدیره/ انتخاب مدیرعامل و تعیین حدود اختیارات وی

۲. دعوت مجامع عمومی در مواعد مقرر در مواد ۹۱ و ۱۳۸ و ۱۴۱

۳. تنظیم حساب‌های شرکت و ارائه آن به بازرسان و مجمع عمومی عادی (مواد ۱۳۷ و ۲۳۳ و ۲۴۳)

۴. تهیه گزارش و ارائه به مجمع عمومی (مواد ۶۱ و ۷۱ و ۱۵۶ و ۱۸۹ و تبصره‌ی ماده ۱۶۷)

۵. تجویز معاملات مذکور در ماده ۱۲۹

۶. موضوع نمودن یک‌بیستم از سود خالص شرکت به عنوان اندوخته‌ی قانونی ماده ۱۴۰

۷. تقاضای افزایش سرمایه از مجمع عمومی فوق‌العاده (ماده ۱۶۲)، عملی نمودن افزایش سرمایه و اعلام آن به مرجع ثبت شرکت‌ها (ماده ۱۶۳)، رسیدگی به تعهدات پذیره نویسان (ماده ۱۸۱)

۸. انتشار آگهی مربوط به کاهش سرمایه قبل از اقدام به کاهش اختیاری سرمایه (ماده ۱۹۲)

۹. امر تصفیه شرکت (ماده ۲۰۴)

نکته ۲۱۱: نصاب تشکیل جلسات هیأت مدیره: با حضور بیش از نصف اعضای هیأت مدیره جلسات تشکیل می‌شود.

نکته ۲۱۲: نصاب تصمیم‌گیری: تصمیمات با اکثریت آراء حاضرین اتخاذ می‌شود.

نکته ۲۱۳: در جلسات هیأت مدیره صورت‌جلسات تنظیمی باید به امضاء اکثریت مدیران حاضر برسد.

نکته ۲۱۴: مدیرانی که با تصمیمات اتخاذی در جلسات مخالف باشند نظر مخالفشان در صورت‌جلسه قید می‌شود و مسؤلیت کیفری و مدنی تخلفات هیأت مدیره از مدیر مخالف رفع می‌شود.

نکته ۲۱۵: حق الزحمه اعضای هیأت مدیره: حق حضور توسط مجمع عمومی عادی تعیین می‌شود. حق حضور یا اجرت، متناسب با ساعات حضور اعضا در جلسه‌ی هیأت مدیره تعیین می‌شود و باید مقطوع باشد. چنانچه حق حضور به صورت مقطوع تعیین نشده باشد برای مثال درصدی از سود خالص یا قابل تقسیم شرکت باشد، قابل مطالبه نخواهد بود و در این صورت مدیران مستحق اجرت‌المثل هستند.

نکته ۲۱۶: حقوق و پاداشی که می‌توان برای هیأت مدیره در نظر گرفت، با لحاظ مواد ۱۳۴ و ۲۴۱ ل.ا.ق.ت می‌باشد. باید توجه داشت پاداشی که می‌توان برای هیأت مدیره در نظر گرفت مطابق «قانون اصلاح ماده ۲۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» بدین شرح است:

«با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ [لایحه اصلاح] نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود، به هیچ وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از سه درصد و در شرکت‌های سهامی خاص از شش درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، تجاوز کند. در هر حال این پاداش نمی‌تواند برای هر عضو **موظف** از معادل یک سال حقوق پایه وی و برای هر عضو **غیرموظف** از حداقل پاداش اعضای موظف هیأت مدیره بیشتر باشد. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد، باطل و بلااثر است. تبصره ۱- شرکت‌های دولتی، مشمول مقررات این ماده در خصوص پاداش هیأت مدیره نیستند و تابع حکم مقرر در ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶.۷.۸ می‌باشند...»

نکته ۲۱۷: وفق تبصره ۲ قانون اصلاح ماده ۲۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «... هیچ فردی نمی‌تواند اصالتاً یا به نمایندگی از شخص حقوقی هم‌زمان در بیش از یک شرکت که تمام یا بخشی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها یا مؤسسات عمومی غیردولتی است به سمت مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره انتخاب شود. متخلف علاوه بر استرداد وجوه دریافتی به شرکت، به پرداخت جزای نقدی معادل وجوه مذکور محکوم می‌شود.»

نکته ۲۱۸: **مدیرعامل:** مدیرعامل توسط اعضای هیأت مدیره انتخاب می‌شود و در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به وی تفویض نموده است، **نماینده‌ی شرکت** محسوب می‌شود و از طرف شرکت حق امضا دارد. مدیرعامل می‌تواند غیر سهامدار باشد، می‌تواند بیشتر از یک نفر باشد. نیاز به تودیع سهام وثیقه ندارد و حتماً باید شخص حقیقی باشد.

نکته ۲۱۹: حدود اختیارات مدیرعامل و مدت تصدی وی و حق الزحمه وی، توسط هیأت مدیره تعیین می‌شود.

نکته ۲۲۰: اقدامات و اعمال مدیران در مقابل اشخاص ثالث معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم رعایت تشریفات مربوط به انتخاب آنها، اعمال ایشان را غیر معتبر دانست.

نکته ۲۲۱: **مسئولیت انفرادی یا اشتراکی مدیران:** در صورت تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت (موضوع ماده ۱۴۲) این مسئولیت ایجاد می‌شود و در صورتی ایجاد می‌شود که ارکان سه‌گانه مسئولیت یعنی وجود ضرر و فعل زیان‌بار و وجود رابطه‌ی علیت بین ضرر وارده و فعل زیان‌بار مدیران وجود داشته باشد.

نکته ۲۲۲: **مسئولیت انفرادی یا تضامنی مدیران:** در صورت ورشکستگی شرکت (موضوع ماده ۱۴۳) و در صورتی است که در اثر تخلفات مدیران، شرکت دچار ورشکستگی شود یا دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کافی نباشد.

نکته ۲۲۳: مسئولیت اشتراکی تا زمانی است که شرکت ورشکست نشده یا دارایی آن برای پرداخت قروض کافی باشد. در غیر این صورت مسئولیت تضامنی است.

نکته ۲۲۴: در خصوص طرح دعوی حقوقی علیه مدیران یا مدیرعامل، عده‌ای از سهامداران که حداقل یک‌پنجم (۲۰٪) سهام شرکت را دارا می‌باشند، می‌توانند به نام شرکت یا از طرف شرکت و به هزینه‌ی خود علیه رئیس یا تمام اعضای هیأت مدیره اقامه دعوی نمایند و در صورتی که در دعوی پیروز شوند خواندگان دعوی به جبران خسارت و پرداخت هزینه‌های دادرسی محکوم شده و هزینه‌ی طرح دعوی از مبلغ محکوم‌به، به اقامه‌کنندگان پرداخت می‌شود.

نکته ۲۲۵: در خصوص طرح دعوی کیفری محدودیتی از نظر اقامه‌کنندگان دعوی وجود ندارد.

نکته ۲۲۶: معاملات مدیران با شرکت مشمول کنترل است که به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. معاملاتی که مطلقاً باطل است (موضوع ماده ۱۳۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت).

۲. معاملاتی که قابل ابطال هستند (موضوع مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت).

نکته ۲۲۷: انتخاب اولین بازرسان شرکت با مجمع عمومی مؤسس و در سهامی خاص در صورت عدم تشکیل مجمع فوق، طبق صورت‌جلسه ماده ۲۰ است.

نکته ۲۲۸: انتخاب و عزل بازرسان بعدی با مجمع عمومی عادی خواهد بود، تعیین حق الزحمه‌ی بازرسان با مجمع عمومی عادی می‌باشد.

نکته ۲۲۹: تعداد بازرسان می‌تواند واحد یا متعدد باشد. بازرسان سالانه انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است. انتخاب بازرس علی‌البدل، اجباری است.

نکته ۲۳۰: مرجع عزل بازرسان مجمع عمومی عادی است به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.

نکته ۲۳۱: محجورین و افرادی که به واسطه‌ی جرائم مذکور در ماده ۱۱۱ از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند را نمی‌توان به سمت بازرسی منصوب کرد.

نکته ۲۳۲: مدیران و مدیرعامل شرکت و اقربای سببی و نسبی آنها تا درجه سوم از طبقه‌ی اول و دوم را نیز نمی‌توان به بازرسی منصوب نمود به علاوه اشخاصی که از اشخاص مذکور موظفاً حقوق دریافت می‌نمایند.

نکته ۲۳۳: مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرسی انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرسی یا بازرسان بلامانع است.

نکته ۲۳۴: مجمع عمومی عادی در هر موقع می‌تواند بازرسی یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید.

نکته ۲۳۵: مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرسی علی‌البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفاء یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرسی یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند.

نکته ۲۳۶: وظایف بازرسان:

الف. تشکیل مجمع عمومی به درخواست یک‌پنجم سهامداران در عرض ۱۰ روز

ب. اعلام تخلف مدیران به اولین مجمع عمومی و اعلام جرم به مراجع قضایی

ج. اظهارنظر در خصوص صحت صورت‌داری و صورت‌حساب دوره‌ی عملکرد مدیران و حساب سود و زیان و ترازنامه و اظهارنظر در خصوص صحت اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی قرار می‌دهند.

نکته ۲۳۷: تصویب صورت‌داری و ترازنامه توسط مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرسان یا با دریافت گزارش بازرسانی که ممنوع از بازرسی بوده‌اند، اثر قانونی ندارد و از درجه اعتبار ساقط است.

نکته ۲۳۸: بازرسان در صورت لزوم می‌توانند از نظر کارشناسان استفاده نمایند به شرط آنکه کارشناسان را به شرکت معرفی نموده باشند.

نکته ۲۳۹: بازرسان در صورت تعدد باید گزارش واحدی را به مجمع ارائه دهند اما باید موارد اختلاف‌نظرشان را در آن قید نمایند.

نکته ۲۴۰: بازرسان نمی‌توانند با شرکت یا به حساب شرکت مستقیم یا غیرمستقیم معامله کنند و ضمانت اجرای آن مطالبه‌ی خسارت است.

نکته ۲۴۱: تعیین حق‌الزحمه‌ی بازرسی با مجمع عمومی عادی است.

نکته ۲۴۲: بازرسی نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع شود.

نکته ۲۴۳: مسؤلیت بازرسان در مورد اقدامات خود در برابر شرکت و اشخاص ثالث اشتراکی است.

نکته ۲۴۴: تغییرات در سرمایه شرکت: تغییر در سرمایه به دو صورت است: افزایش سرمایه و یا کاهش سرمایه.

نکته ۲۴۵: در صدور اوراق قرضه هم مجمع عمومی فوق‌العاده و هم اساسنامه می‌تواند صدور اوراق را اجازه دهد ولی در افزایش سرمایه فقط مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند این اجازه را به هیأت مدیره دهد که ظرف مدت معینی که نباید از ۵ سال تجاوز کند سرمایه‌ی شرکت را افزایش دهد. حتی اساسنامه هم نمی‌تواند مجوز افزایش سرمایه را به هیأت مدیره دهد.

نکته ۲۴۶: در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می‌گیرد، کلیه افزایش سرمایه باید نقداً پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می‌شود باید به هنگام پذیره‌نویسی بر حسب مورد کلاً پرداخته یا تهاتر شود. در شرکت‌های سهامی خاص، پرداخت مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد جایز است.

نکته ۲۴۷: در خرید سهام جدید سهامداران شرکت حق تقدم + سهام به مبلغ اسمی به آنها فروخته می‌شود اما اگر حق تقدم سهامداران به موجب تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده سلب شده باشد، سهام به مبلغ واقعی فروخته می‌شود و مابه‌التفاوت مبلغ واقعی و اسمی یا بین سهامداران سابق تقسیم می‌شود و یا بابت همان مبلغ به سهامداران سابق شرکت سهم می‌دهند.

نکته ۲۴۸: در هنگام افزایش سرمایه، خود شرکت نمی‌تواند سهام خود را بخرد.

نکته ۲۴۹: در زمان تشکیل شرکت، تأدیة مبلغ اسمی سهام به صورت غیر نقدی مجاز است به علاوه در افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی خاص، تأدیة مبلغ اسمی سهام جدید می‌تواند به صورت غیر نقد باشد اما در سهامی عام تأدیة مبلغ اسمی سهام جدید در افزایش سرمایه است باید نقدی باشد.

نکته ۲۵۰: در افزایش سرمایه انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.

نکته ۲۵۱: اتخاذ تصمیم و اجازه افزایش سرمایه پس از پیشنهاد هیأت مدیره مبنی بر افزایش سرمایه و پس از قرائت گزارش بازرسان، به عهده‌ی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت می‌باشد.

نکته ۲۵۲: اساسنامه‌ی شرکت نمی‌تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیأت مدیره باشد.

نکته ۲۵۳: افزایش سرمایه زمانی امکان‌پذیر است که کلیه سرمایه شرکت تأدیه شده باشد.

نکته ۲۵۴: افزایش سرمایه از چندین راه امکان‌پذیر است: صدور سهام جدید، انتقال سود تقسیم‌نشده یا اندوخته اختیاری به سرمایه شرکت و تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت.

نکته ۲۵۵: **افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید:** انتشار سهام جدید با پذیره‌نویسی که در این صورت تأدیه‌ی مبلغ اسمی از سوی پذیره‌نویسان فقط به صورت نقدی امکان‌پذیر است اما در شرکت سهامی خاص تأدیه‌ی مبلغ اسمی سهام جدید به صورت غیر نقدی نیز جایز است.

نکته ۲۵۶: پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد فقط در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند امکان‌پذیر نمی‌باشد مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند.

نکته ۲۵۷: صاحبان سهام شرکت در خرید سهام جدید **حق تقدم** دارند، مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند این حق تقدم را سلب نماید. این حق قابل نقل و انتقال است و محدودیت‌هایی دارد.

نکته ۲۵۸: چنانچه نقل و انتقال سهم دارای محدودیت‌هایی باشد مانند آنکه منوط به موافقت مدیران و مجامع عمومی باشد (در شرکت سهامی خاص)، انتقال حق تقدم در خرید سهام جدید نیز منوط به موافقت مدیران است.

نکته ۲۵۹: **افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود:** مبلغ اسمی سهام را می‌توان در سهامی عام حداکثر تا ۱۰ هزار ریال بالا برد. پس اگر در ابتدای تأسیس شرکت مبلغ اسمی سهام هزار تومان باشد افزایش سرمایه از این طریق ممکن نیست اما در سهامی خاص محدودیتی وجود ندارد.

نکته ۲۶۰: تأدیه‌ی مبلغ اسمی جدیدی به یکی از طرق ذیل است و در مواردی که این تأدیه برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند فقط با توافق همه‌ی سهامداران امکان‌پذیر است:

۱. تبدیل مطالبات نقدی حاصل‌شده اشخاص از شرکت به سهام جدید

۲. انتقال سود تقسیم‌نشده یا اندوخته اختیاری به سرمایه شرکت

۳. انتقال عواید حاصل از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت.

نکته ۲۶۱: **افزایش سرمایه از تبدیل اوراق قرضه به سهام شرکت:** در صورت قابل‌تبدیل بودن اوراق قرضه به سهام شرکت مجمع عمومی فوق‌العاده بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان اجازه‌ی انتشار اوراق قرضه را می‌دهد و ضمن تعیین شرایط و مهلتی به هیأت مدیره اجازه می‌دهد تا سرمایه‌ی شرکت را افزایش دهد و هیأت مدیره نیز در پایان مهلت تعیین‌شده معادل مبلغ بازپرداخت‌نشده اوراق قرضه‌ای که برای تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از انجام تشریفات ثبت افزایش مزبور در مرجع ثبت شرکت‌ها، سهام جدید انتشار و به صاحبان اوراق مذکور معادل مبلغ بازپرداخت‌نشده اوراق به شرکت تسلیم نموده‌اند تحویل می‌دهد.

نکته ۲۶۲: **انتقال اندوخته‌ی قانونی** (سرمایه‌ی احتیاطی) به سرمایه ممنوع است.

نکته ۲۶۳: افزایش سرمایه در هر زمان پس از پرداخت کل سرمایه تعهد شده ممکن است ولی انتشار اوراق قرضه باید بعد از گذشت دو سال از ثبت شرکت باشد.

نکته ۲۶۴: **صرف سهام:** اصطلاح «صرف سهام» معرف مبلغی است که اضافه بر ارزش اسمی برای هر سهم در زمان افزایش سرمایه پرداخت می‌شود، چه در مرحله‌ی پذیره‌نویسی اولیه سهام و چه در بازار بورس.

نکته ۲۶۵: صاحبان سهام شرکت در خرید سهام جدید **حق تقدم** دارند. مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند این حق تقدم را سلب نماید.

نکته ۲۶۶: این حق قابل نقل و انتقال است و محدودیت‌هایی دارد. چنانچه نقل و انتقال سهم دارای محدودیت‌هایی باشد مانند آنکه منوط به موافقت مدیران و مجامع عمومی باشد (در شرکت سهامی خاص)، انتقال حق تقدم در خرید سهام جدید نیز منوط به موافقت مدیران است.

نکته ۲۶۷: **کاهش سرمایه،** به دو صورت قابل تحقق است: کاهش اختیاری و کاهش اجباری.

نکته ۲۶۸: **کاهش اجباری موضوع ماده ۱۴۱:** چنانچه بر اثر زیان‌های وارده حداقل نیمی از سرمایه‌ی شرکت از میان برود، هیأت مدیره مکلف است مجمع عمومی فوق‌العاده را دعوت نموده تا در خصوص انحلال یا بقای شرکت تصمیم‌گیری شود.

نکته ۲۶۹: چنانچه تصمیم مجمع مبنی بر انحلال شرکت نباشد باید در همان جلسه با در نظر گرفتن حداقل سرمایه‌ی قانونی برای شرکت سهامی، سرمایه‌ی شرکت را به مبلغ سرمایه‌ی موجود کاهش دهد.

نکته ۲۷۰: کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد سهام و یا از طریق کاهش مبلغ اسمی سهام صورت می‌گیرد.

نکته ۲۷۱: **کاهش اختیاری**: مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به پیشنهاد هیأت مدیره در خصوص کاهش سرمایه‌ی شرکت اتخاذ تصمیم نماید.

نکته ۲۷۲: کاهش سرمایه به صورت اختیاری در صورتی امکان‌پذیر است که به حقوق صاحبان سهام لطمه وارد نکند.

نکته ۲۷۳: کاهش اختیاری سهام فقط از طریق کاهش **بهای اسمی** سهام به نسبت مساوی و **رد مبلغ کاهش یافته** هر سهم به صاحب آن امکان‌پذیر است.

نکته ۲۷۴: برای کاهش اختیاری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در خصوص کاهش سرمایه حداقل یک ماه قبل از اقدام توسط هیأت مدیره در روزنامه‌ی کثیرالانتشار شرکت، آگهی شود.

نکته ۲۷۵: کاهش اختیاری سرمایه‌ی شرکت قابل‌اعتراض از سوی طلبکاران و دارندگان اوراق قرضه شرکت می‌باشد.

نکته ۲۷۶: **اندوخته‌ی قانونی**: هیأت مدیره مکلف است هر سال **یک بیستم** از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید تا زمانی که اندوخته‌ی قانونی به **یک‌دهم** سرمایه شرکت برسد. چنانچه اندوخته‌ی قانونی به یک‌دهم سرمایه شرکت برسد، موضوع نمودن آن اختیاری می‌شود.

نکته ۲۷۷: **اندوخته‌ی اختیاری**: تصمیم مجمع عمومی مبنی بر عدم تقسیم سود قابل‌تقسیم میان سهامداران و اندوخته کردن آن به عنوان اندوخته‌ی اختیاری.

نکته ۲۷۸: **سود خالص**: درآمد هر سال منهای کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و ذخیره‌ها.

نکته ۲۷۹: **سود قابل تقسیم**: سود خالص سال مالی منهای زیان‌های سال‌های مالی قبل و اندوخته‌ی قانونی و سایر اندوخته‌های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سال‌های قبل که تقسیم نشده است.

نکته ۲۸۰: **نحوه‌ی تقسیم سود**: مجمع عمومی پس از تصویب حساب سال مالی و احراز وجود سود قابل تقسیم، مبلغی را که باید به سهامداران تخصیص یابد تعیین می‌کند.

نکته ۲۸۱: نحوه‌ی تقسیم سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود و اگر مجمع عمومی تصمیمی در این خصوص اتخاذ نکند هیأت مدیره نحوه‌ی پرداخت آن را تعیین می‌نماید.

نکته ۲۸۲: پرداخت سود به صاحبان سهام باید نهایت **ظرف ۸ ماه** از تصمیم مجمع عمومی به پرداخت سود، انجام شود.

نکته ۲۸۳: **انحلال شرکت سهامی و تصفیه آن**: موارد انحلال شرکت سهامی در ماده ۱۹۹ در ۵ بند بیان شده است و ورشکستگی یکی از موارد آن می‌باشد.

نکته ۲۸۴: **موارد تقاضای افراد ذینفع از دادگاه برای انحلال شرکت (با اعطای مهلت شش‌ماهه توسط دادگاه برای رفع موجبات انحلال)**:

۱. اگر تا **۱ سال** از زمان به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت موضوع شرکت نشود و مجمع عمومی فوق‌العاده جهت انحلال شرکت تشکیل نشود.

۲. اگر فعالیت‌های شرکت برای مدتی **بیش از ۱ سال** متوقف شده باشد و مجمع عمومی فوق‌العاده جهت انحلال شرکت تشکیل نشود.

۳. گر تا **۱۰ ماه** از تاریخی که اساسنامه مقرر کرده مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب سال مالی قبل تشکیل نشود.

۴. اگر سمت مدیران یا برخی از اعضاء هیأت مدیره برای مدتی **بیش از ۶ ماه** بالاتصدی مانده باشد.

نکته ۲۸۵: امر تصفیه شرکت با رعایت مقررات قانون شرکت‌های سهامی و بر عهده‌ی **مدیران شرکت** است مگر در خصوص ورشکستگی شرکت.

نکته ۲۸۶: اگر دادگاه، شرکت را منحل کند یا شرکت را باطل کند، رأساً مدیر تصفیه را انتخاب می‌کند.

نکته ۲۸۷: تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت، جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی می‌ماند.

نکته ۲۸۸: مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته باشد، مدیران تصفیه باید همه‌ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش‌بینی شده است دعوت کرده و صورت‌داری منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات

خود را به ضمیمه‌ی گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند. طرح دعوا علیه شرکت منحل که تصفیه‌ی آن خاتمه نیافته به طرفیت مدیران تصفیه امکان‌پذیر است.

نکته ۲۸۹: شخصیت حقوقی شرکت با اتمام امر تصفیه، از بین می‌رود.

نکته ۲۹۰: مدیران تصفیه، نماینده‌ی شرکت در حال تصفیه هستند و تا زمانی که امر تصفیه شرکت در جریان است موظف به خاتمه دادن و اجرای تعهدات شرکت و تقسیم دارایی شرکت بوده و چنانچه معاملات جدیدی برای اجرای تعهدات شرکت لازم باشد، اقدام به انجام معاملات می‌کنند.

نکته ۲۹۱: محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه شرکت‌های سهامی باطل و بلااثر است.

نکته ۲۹۲: انتقال دارایی شرکت به مدیران تصفیه و اقارب طبقه‌ی اول و دوم تا درجه‌ی چهار به هر صورت باطل و بلااثر است و جرم محسوب می‌شود.

نکته ۲۹۳: مدت مأموریت مدیران تصفیه دو سال است و اگر مهلت بیشتری لازم باشد مدیران تصفیه باید از مرجعی که آنها را تعیین نموده (حسب مورد مجمع عمومی یا دادگاه) تقاضای تمدید مدت را کنند.

نکته ۲۹۴: مدیران تصفیه توسط مرجعی که آنان را انتخاب نموده است قابل عزل می‌باشند.

نکته ۲۹۵: تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام در صورتی امکان دارد که شروع تصفیه و دعوت بستانکاران حداقل سه بار به فاصله یک ماه در روزنامه‌ی رسمی و کثیرالانتشار منتشر شده و حداقل سه ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

نکته ۲۹۶: دارایی نقدی که در مدت تصفیه مورد احتیاج نباشد، بین صاحبان سهام به نسبت سهامشان تقسیم می‌شود به شرطی که حقوق طلبکاران و دیون مالی مؤجل موضوع شده باشد.

نکته ۲۹۷: پس از ختم تصفیه و تأدیه‌ی کلیه دیون، دارایی شرکت بدو به بازپرداخت مبلغ اسمی سهام تخصیص می‌یابد و مازاد بر آن به ترتیب مقرر در اساسنامه تقسیم می‌شود و اگر در اساسنامه ترتیبی مقرر نشده باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم می‌شود.

نکته ۲۹۸: مدیران تصفیه ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام تا در روزنامه‌ی رسمی و روزنامه‌ی کثیرالانتشار درج و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجاری حذف شود. در ختم تصفیه، مجمع عمومی باید حساب‌های مدیر تصفیه را تصویب کند.

نکته ۲۹۹: پس از اعلام ختم تصفیه، مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانک‌ها نگهداری نموده و صورت طلبکارانی را که طلب خود را دریافت نکرده‌اند به بانک تسلیم کنند. پس از انقضای ۱۰ سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه، مبالغ باقی‌مانده در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه‌ی دولت منتقل می‌شود.

نکته ۳۰۰: مسؤولیت مدیران تصفیه در صورت تخلف از مقررات، در برابر طلبکارانی که به طلب خود نرسیده‌اند اشتراکی یا نسبی است.

نکته ۳۰۱: چنانچه در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیمات اتخاذی توسط هر یک از ارکان شرکت، مقررات قانونی رعایت نشده باشد، بنا به تقاضای هر ذینفعی دادگاه بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور را اعلان می‌نماید اما مؤسسين و مدیران و بازرسان و سهامداران نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند.

نکته ۳۰۲: در صورت صدور حکم بر بطلان موارد مذکور، کسانی که مسؤول این بطلان بوده‌اند در مقابل خسارات وارده مسؤولیت تضامنی دارند.

شرکت با مسؤولیت محدود

نکته ۳۰۳: شرکت با مسؤولیت محدود: از شرکت‌های موضوعاً تجاری است. یعنی موضوع فعالیت آن باید اعمال تجاری ذاتی باشد (ماده ۲). شرکت با مسؤولیت محدود برخلاف شرکت‌های سهامی عام و خاص و تعاونی شکلاً تجاری نیست.

نکته ۳۰۴: این شرکت بین حداقل دو نفر و الزاماً برای امور تجاری تشکیل می‌شود. این شرکت از شرکت‌های سرمایه محسوب می‌شود. البته برخی، آن را شرکت شخص می‌دانند.

نکته ۳۰۵: قانون در خصوص حداقل میزان سرمایه در این شرکت ساکت است اما رویه‌ی عملی در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها حداقل سرمایه را یک میلیون ریال قرار داده است.

نکته ۳۰۶: برای تشکیل شرکت با مسؤولیت محدود پرداخت کلیه آورده‌ی نقدی شرکا و تقویم و تسلیم آورده‌های غیرنقد آن‌ها الزامی است. بنابراین اولاً در شرکت‌های با مسؤولیت محدود تعهد به آورده‌ی نقد توسط شرکاء ممنوع است (یعنی تمام سرمایه نقدی را اول کار باس [باید] بدن!). ثانیاً نظر

به اینکه تسلیم آورده‌های غیرنقد برای تشکیل این شرکت الزامی است اموالی به عنوان آورده غیرنقد قابل ارائه هستند که مادی و قابل تسلیم باشند بنابراین اموالی از قبیل مطالبات و منافع اشخاص (خدمت یا منفعت) و نیز سهم‌الشرکه سایر شرکت‌های تجاری به عنوان آورده‌ی غیرنقد قابل ارائه به شرکت با مسؤولیت محدود نیستند. ثالثاً زمان تشکیل این شرکت پس از تأدیة کلیة سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم سرمایه غیرنقدی است.

نکته ۳۰۷: در شرکت‌های با مسؤولیت محدود قیمت‌گذاری (تقویم) آورده‌ی غیرنقد با توافق همه‌ی شرکاء به عمل می‌آید و منوط به جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری نیست.

نکته ۳۰۸: قیمت آورده‌های غیرنقد در شرکت‌های با مسؤولیت محدود حتماً باید در شرکت‌نامه قید شود. در غیر این صورت شرکت باطل و بلااثر است. در هیچ شرکت تجاری غیر از شرکت با مسؤولیت محدود قید قیمت آورده‌ی غیرنقد در شرکت‌نامه الزامی نیست.

نکته ۳۰۹: چنانچه برای آورده‌ی غیرنقد شرکت با مسؤولیت محدود ارزشی بیش از قیمت واقعی آن تعیین گردد، شرکایی که در این قیمت‌گذاری شرکت کردند به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد.

نکته ۳۱۰: ثبت شرکت با مسؤولیت محدود شرط تشکیل آن نیست. هر چند ثبت این شرکت قانوناً الزامی است و ضمانت اجرای عدم ثبت شرکت با مسؤولیت محدود عبارت است از: اولاً چنانچه شرکت به ثبت نرسیده باشد مدیر یا مدیران شرکت به جزای نقدی مقرر در ماده ۲۰ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها محکوم خواهد شد. ثانیاً دادستان محلی که شرکت باید در آنجا به ثبت برسد می‌تواند صدور حکم انحلال را از دادگاه بخواهد.

نکته ۳۱۱: شرکت با مسؤولیت محدود از صدور هر نوع ورقه‌ی بهادار از قبیل اوراق سهام، اوراق قرضه و اوراق مشارکت ممنوع است. شرکای این شرکت در ازای آورده‌ی خود مالک سهم‌الشرکه می‌شوند نه سهام. برخلاف شرکت‌های سهامی و تعاونی که به شرکای آن سهم تعلق می‌گیرد.

نکته ۳۱۲: مسؤولیت هر شریک تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته است.

نکته ۳۱۳: شرکای شرکت تجاری، تاجر محسوب نمی‌شوند مگر آنکه شغل معمول آنها شخصاً اعمال تجاری مصرح در ماده‌ی ۲ قانون تجارت باشد.

نکته ۳۱۴: شرط وجود حداقل دو شریک هم در زمان تشکیل شرط است و هم لازمه‌ی بقاء و ادامه‌ی شرکت می‌باشد. همه شرکت‌ها حداقل دارند و اصولاً تعداد حداکثر تعداد شرکای شرکت‌های تجاری گفته نشده است مگر شرکت تعاونی که به نسبت موضوع شرکت تعاونی و به موجب نظام‌نامه خاصی حداکثر شرکاء نیز دارند. از نظر قانون تجارت، شرکت‌های تک‌شریکی به رسمیت شناخته نشده و برای تشکیل شرکت حداقل دو شخص با دو اراده (بر خلاف قانون مدنی که ممکن است شراکت به موجب اراده شکل بگیرد و قهری باشد) لازم است. حال آنکه دو شخص می‌توانند هر دو حقیقی باشند یا حقوقی؛ می‌توانند تجاری باشند یا غیرتجاری (دو شخص به هر کیفیت). البته عملاً شرکت‌های دولتی که صد در صد سهام آنها متعلق به دولت است، شرکت تک‌شریک محسوب می‌شوند.

نکته ۳۱۵: استثنائات مسؤولیت شرکا در میزان مسؤولیتشان:

۱. چنانچه عبارت با مسؤولیت محدود در اسم شرکت قید نشود مسؤولیت شرکاء در مقابل بستانکاران تضامنی و نامحدود خواهد بود و شرکت در حکم شرکت تضامنی است ولی از سایر جهات مثل مدیریت، بازرسی، نحوه‌ی تصمیم‌گیری شرکا، تقسیم سود و انحلال و تصفیه تابع مقررات حاکم بر شرکت‌های با مسؤولیت محدود است.

۲. چنانچه نام یکی از شرکاء در اسم شرکت قید شده باشد آن شریک در حکم شریک ضامن بوده و مسؤولیت تضامنی دارد؛ به عبارت دیگر شریکی که نام او در کنار اسم شرکت قید شده در حکم شریک ضامن است. پس چنانچه نام یکی از شرکای شرکت با مسؤولیت محدود در کنار اسم شرکت قید شده باشد این شرکت از حیث مسؤولیت شرکاء در مقابل بستانکاران در حکم شرکت مختلط غیرسهامی است ولی از سایر جهات تابع مقررات حاکم بر شرکت‌های با مسؤولیت محدود است.

۳. زمانی که تمام سرمایه‌ی نقدی شرکت تأدیة نشده باشد شرکت باطل است و شرکاء مسؤولیت تضامنی دارند.

۴. زمانی که سهم‌الشرکه غیرنقدی تقویم و تسلیم نشده باشد شرکت باطل است و شرکاء مسؤولیت تضامنی دارند.

۵. شرکاء نسبت به تقویم برخلاف واقع سهم‌الشرکه و یا قید نکردن صریح میزان تقویم سهم‌الشرکه غیرنقد مسؤولیت تضامنی دارند.

نکته ۳۱۶: مرور زمان دعوی مسؤولیت در این شرکت ۱۰ سال می‌باشد.

نکته ۳۱۷: سرمایه بر دو نوع است: یا نقدی است یا غیرنقدی (اموال مادی مانند ملک یا غیرمادی مانند حق اختراع، حق کسب و پیشه...)

نکته ۳۱۸: برخلاف شرکت سهامی که جلب نظر کارشناس رسمی برای ارزیابی آورده‌ی غیر نقد الزامی است، در شرکت با مسؤولیت محدود تقویم آن با شرکاء می‌باشد.

نکته ۳۱۹: برخلاف شرکت سهامی که آورده‌ی غیرنقد با اسناد مالکیت آن باید نزد بانک تودیع شود در شرکت با مسؤولیت محدود آورده به مدیرعامل شرکت تسلیم می‌شود.

نکته ۳۲۰: سهم‌الشرکه به صورت اوراق تجاری قابل انتقال در نمی‌آید و قابل انتقال نمی‌باشد مگر با رضایت **اکثریت عددی شرکا** که حداقل **سه چهارم سرمایه** متعلق به آنها است که باید به موجب **سند رسمی** باشد. (انتقال سهم‌الشرکه در این شرکت عقدی تشریفاتی محسوب می‌شود).

نکته ۳۲۱: مدیریت در این شرکت از بین اعضا یا خارج از آن و برای مدتی محدود یا نامحدود خواهد بود.

نکته ۳۲۲: در شرکت‌های با مسؤولیت محدود لازم نیست مدیر یا مدیران شرکت شریک شرکت باشند برخلاف شرکت‌های سهامی عام و خاص و تعاونی و مختلط سهامی و غیرسهامی که مدیران آنها حتماً باید شریک شرکت باشند.

نکته ۳۲۳: در سه شرکت تعیین مدیر از بین شرکا الزامی نیست؛ نسبی، مسؤولیت محدود و تضامنی.

نکته ۳۲۴: انتخاب شخصی که حکم ورشکستگی او صادر شده به عنوان مدیر شرکت با مسؤولیت محدود بلامانع است.

نکته ۳۲۵: شرکاء می‌توانند اختیارات مدیران را محدود کنند و برخلاف شرکت‌های سهامی چنانچه این محدودیت در اساسنامه شرکت قید شود در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد است. در غیر این صورت صرفاً در رابطه‌ی بین شرکاء و مدیران معتبر است و نسبت به اشخاص ثالث قابلیت استناد ندارد.

نکته ۳۲۶: اتخاذ تصمیم در شرکت با مسؤولیت محدود: در شرکت‌های با مسؤولیت محدود برای تصمیم‌گیری در امور شرکت توسط شرکاء تشکیل مجمع عمومی الزامی نیست مگر اینکه تعداد شرکای این شرکت بیش از ۱۲ شریک (حداقل ۱۳ شریک) باشد که در این صورت باید در هر سال حداقل یک مرتبه مجمع عمومی تشکیل دهند.

نکته ۳۲۷: تصمیمات امور جاری در شرکت با اکثریت **حداقل نصف سرمایه** اتخاذ می‌شود و در مرتبه‌ی دوم با اکثریت عددی شرکا اتخاذ می‌شود مگر اساسنامه اکثریت بیشتری در نظر گرفته شود؛ به عبارت دیگر در شور دوم تصمیم‌گیری با اکثریت مطلق عددی به عمل می‌آید.

نکته ۳۲۸: این تصمیمات عبارتند از:

۱. انتخاب مدیران

۲. عزل مدیران در صورتی که مدیر در اساسنامه انتخاب نشده باشد.

۳. انتخاب بازرس یا بازرسان

۴. عزل بازرس یا بازرسان در صورتی که در اساسنامه قید نشده باشد.

۵. تعیین اشخاصی غیر از مدیران شرکت به عنوان متصدی یا مدیر تصفیه شرکت

۶. تصمیم‌گیری در خصوص اعطای حق سازش یا ارجاع دعاوی شرکت در حال تصفیه به مدیر یا مدیران تصفیه

نکته ۳۲۹: تصمیمات راجع به تغییرات اساسنامه و انتقال سهم‌الشرکه با اکثریت عددی شرکا که حداقل **سه چهارم سرمایه (سه ربع = ۷۵ درصد)** را دارا باشند اتخاذ می‌شود؛ به عبارت دیگر تصمیم‌گیری در خصوص تغییر اساسنامه شرکت و انتقال سهم‌الشرکه توسط یکی از شرکا به شخص دیگر باید با موافقت دارندگان لااقل **سه چهارم سرمایه** شرکت که از نظر عددی در اکثریت مطلق **(نصف + ۱)** هستند به عمل آید.

نکته ۳۳۰: تصمیم‌گیری در خصوص انحلال شرکت باید با موافقت دارندگان **بیش از نصف سرمایه** شرکت صورت گیرد.

نکته ۳۳۱: هر شریک به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای حق رأی می‌باشد مگر اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

نکته ۳۳۲: اکثریت‌های قانونی قابل افزایش هستند اما قابل کاهش نمی‌باشند.

نکته ۳۳۳: تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت سرمایه است مگر اساسنامه تغییر دیگری در نظر گرفته باشد.

نکته ۳۳۴: هر شرکت با مسؤولیت محدود که تعداد شرکای آن بیش از **۱۲ نفر** باشد باید هیأت نظاری تشکیل دهد. این هیأت باید از بین شرکا انتخاب شود؛ بنابراین در شرکت‌های با مسؤولیت محدودی که تعداد شرکای آن ۱۲ نفر یا کمتر است انتخاب هیأت نظار اختیاری است.

نکته ۳۳۵: تشکیل سرمایه‌ی احتیاطی: در شرکت با مسؤولیت محدود شرکاء باید یک‌بیستم از سود خالص سالیانه را به عنوان اندوخته‌ی قانونی منظور نمایند. تا زمانی که میزان آن به یک‌دهم سرمایه شرکت برسد و اگر سرمایه‌ی شرکت افزایش یابد منظور نمودن اندوخته قانونی تا زمانی که میزان آن به یک‌دهم سرمایه برسد ادامه می‌یابد.

نکته ۳۳۶: در شرکت‌های با مسؤولیت محدود اصولاً انتخاب بازرس الزامی نیست مگر اینکه تعداد شرکا بیش از ۱۲ شریک یا حداقل ۱۳ شریک باشد که در این صورت باید برای شرکت هیأت نظارت تشکیل شود.

نکته ۳۳۷: در مواردی که انتخاب هیأت نظارت الزامی است، تعداد اعضای این هیأت حداقل باید سه عضو باشد و همگی اعضای هیأت باید از بین شرکای شرکت انتخاب شوند.

نکته ۳۳۸: مدیران شرکت‌های با مسؤولیت محدود لازم نیست شریک شرکت باشند ولی بازرسان این شرکت در مواردی که انتخاب بازرسان قانوناً الزامی است باید حتماً شریک باشند.

نکته ۳۳۹: در مواردی که انتخاب بازرسان برای شرکت با مسؤولیت محدود قانوناً الزامی نیست شرایط بازرسان چنانچه انتخاب آن در اساسنامه قید شده باشد به موجب اساسنامه تعیین می‌شود. لذا در اساسنامه می‌توانند شرط کنند که بازرسان از بین شرکاء یا خارج از شرکاء انتخاب شود.

نکته ۳۴۰: موارد انحلال شرکت با مسؤولیت محدود:

۱. اگر موضوعی که شرکت برای آن تشکیل شده است انجام شده یا انجام آن موضوعاً منتفی شود.

۲. در صورتی که مدت شرکت منقضی شده و شرکا آن را تمدید نکرده باشند.

۳. در صورت ورشکستگی شرکت

۴. تصمیم عده‌ای از شرکا که بیش از نصف سرمایه شرکت را داشته باشند.

۵. اگر نیمی از سرمایه شرکت به واسطه‌ی ضررهای وارده از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل وی را موجه دانسته و سایر شرکاء سهمی را که در صورت انحلال به وی تعلق می‌گیرد به وی پرداخت نکرده و او را از شرکت خارج نکرده باشند.

۶. در صورت فوت یکی از شرکا به شرط آنکه در اساسنامه به انحلال شرکت در اثر فوت شرکا تصریح شده باشد.

نکته ۳۴۱: طلبکاران این شرکت و افراد ذینفع برخلاف شرکت‌های سهامی یا شرکت‌های شخصی و شرکت‌های مختلط حق تقاضای انحلال شرکت را ندارند.

نکته ۳۴۲: اگر در اساسنامه از فوت شریک به عنوان یکی از علل انحلال شرکت ذکر نشده باشد با فوت آن شریک، وراثت وی مستقیماً شریک شرکت می‌شوند.

نکته ۳۴۳: ورشکستگی شرکت موجب ورشکستگی شریک نخواهد بود مگر آنکه آن شریک شخصاً تاجر بوده و به حکم قانون در حکم شریک ضامن در شرکت باشد و پس از مراجعه‌ی طلبکاران به وی، از پرداخت دیون عاجز باشد و دادگاه حکم به ورشکستگی وی دهد.

شرکت تضامنی

نکته ۳۴۴: شرکت تضامنی: شرکتی است که بین حداقل دو نفر تشکیل می‌شود و این شرکت از شرکت‌های شخص محسوب می‌شود.

نکته ۳۴۵: در شرکت تضامنی شرکاء حق رقابت با شرکت را (بدون اجازه سایر شرکا) تحت هیچ عنوانی ندارند ولی در سایر شرکت‌های تجاری مانند مسؤولیت محدود، منعی برای رقابت شریک با شرکت وجود ندارد. فقط در شرکت‌های سهامی عام و خاص صرفاً رقابت **اعضای هیأت**

مدیره و مدیرعامل با شرکت ممنوع است و اگر رقابت آنها موجب ورود زیان به شرکت شود باید آن را جبران کنند.

نکته ۳۴۶: مسؤولیت شرکاء در این شرکت تضامنی و نامحدود است زیرا شرکا در هنگام تشکیل شرکت نمی‌دانند ضامن چه میزان بدهی خواهند بود.

نکته ۳۴۷: مسؤولیت هر شریک در مقابل طلبکاران تضامنی است و این امر از قواعد آمره می‌باشد و توافق برخلاف آن بین شرکاء صحیح اما در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن می‌باشد (شرط تحدید مسؤولیت در مقابل اشخاص ثالث کأن لم یکن می‌باشد).

نکته ۳۴۸: شرکت زمانی تشکیل می‌شود که سهم‌الشرکه‌ی نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه‌ی غیرنقدی توسط کلیه‌ی شرکاء تقویم و تسلیم شود. در صورت عدم رعایت این امر شرکت باطل است اما شرکا حق استناد به این بطلان در مقابل اشخاص ثالث را ندارند.

نکته ۳۴۹: روابط شرکاء در این شرکت تابع شرکت‌نامه می‌باشد.

نکته ۳۵۰: تقسیم منافع در این شرکت **به نسبت سهم‌الشرکه** است مگر آنکه **شرکت‌نامه** ترتیب دیگری مقرر نموده باشد.

- نکته ۳۵۱:** انتقال سهم‌الشرکه در شرکت تضامنی که شرکت شخص محسوب می‌شود با رضایت تمامی شرکا صورت می‌گیرد. چنانچه این انتقال قهری باشد (در اثر فوت شریک)، شرکای دیگر در ابقاء یا انحلال شرکت مختارند.
- نکته ۳۵۲:** **مراجعه‌ی طلبکاران شرکت به شرکا:** طلبکاران فقط زمانی می‌توانند به شرکا مراجعه نمایند که اولاً شرکت منحل شده باشد و ثانیاً دارایی شرکت کفاف طلب طلبکاران را نکند.
- نکته ۳۵۳:** **مسئولیت شرکاء و روابط آنها:** مسئولیت شرکاء در مقابل طلبکاران تضامنی و در مقابل سایر شرکاء، نسبی می‌باشد.
- نکته ۳۵۴:** **مسئولیت شرکا در مقابل طلبکاران تضامنی است به این معنا که:** اگر شرکت منحل شود و طلبکار به شریک مراجعه نماید شریک موظف است کلیه طلب طلبکار را پرداخت نماید حتی اگر چندین برابر بیش از سهم وی در شرکت باشد.
- نکته ۳۵۵:** **مسئولیت شرکا در مقابل سایر شرکا نسبی است به این معنا که:** شریکی که طلب طلبکار را پرداخت نموده است می‌تواند به هر یک از شرکا به نسبت سهم او مراجعه نماید.
- نکته ۳۵۶:** تا زمانی که شرکت منحل نشده، طلبکاران شخصی شرکا (طلبکارانی که طلبشان نسبت به شخص تاجر است نه شخص حقوقی شرکت مثل طلب زن بابت مهریه) حقی بر **دارایی شرکت** ندارند (حق توقیف و تأمین و وصول طلب خود از اموال شرکت).
- نکته ۳۵۷:** اگر شرکت منحل شود و طلب آن کافی برای طلب طلبکاران نباشد، طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکا نسبت به **دارایی شریک** حق تقدمی ندارند و هر یک می‌توانند طلب خود را از اموال شریک استیفاء نمایند.
- نکته ۳۵۸:** طلبکار شخصی شریک حقی نسبت به **دارایی شرکت** ندارد اما می‌تواند جهت استیفاءی طلب خود سهم مدیون را از **منافع شرکت** که شریک در آن سهم دارد استیفاء نماید. به این صورت که توقیف منافع سهم‌الشرکه شریک را از دادگاه بخواهد و دایره‌ی اجرای احکام دستوری دال بر توقیف منافع به مدیران شرکت ارسال نموده و از آن تاریخ مدیران نمی‌توانند منافع مذکور را به هیچ عنوانی در اختیار شریک قرار دهند یا در ازای طلب طلبکاران به آنها پرداخت نمایند.
- نکته ۳۵۹:** دارایی شرکت متعلق به شرکت است در نتیجه، طلبکار شخصی شریک حقی نسبت به **دارایی شرکت** ندارد اما منافع شرکت متعلق به شرکاء است و طلبکاران شخصی آنها، می‌توانند حتی قبل از انحلال شرکت، جهت استیفاء طلب خود سهم شریک را از **منافع شرکت** که توقیف نمایند و از دادگاه درخواست توقیف منافع سهم‌الشرکه شریک را بخواهند.
- نکته ۳۶۰:** دایره‌ی اجرای احکام، مستند به حکم محکومیت شریک، دستوری دال بر توقیف منافع به مدیران شرکت ارسال نموده و از آن تاریخ مدیران نمی‌توانند هیچ‌گونه منافع و سودی را به هیچ عنوانی در اختیار شریک قرار دهند یا در ازای طلب طلبکاران به آنها پرداخت نمایند و اگر سود مؤجل باشد باید پس از حال شدن، آن را طبق دستور دادگاه به حساب دادگستری واریز کنند.
- نکته ۳۶۱:** عضویت شرکای شرکت تضامنی و نسبی در شرکت‌های دیگری با موضوع فعالیت مشابه به عنوان شریک ضامن یا با مسئولیت محدود ممنوع است. البته این ممنوعیت مطلق نیست و با موافقت سایر شرکاء به اتفاق آرا برطرف می‌شود.
- نکته ۳۶۲:** در سایر شرکت‌های تجاری، ممنوعیتی برای عضویت شریک در شرکت تجاری دیگر با موضوع فعالیت مشابه وجود ندارد مگر شرکت‌های تعاونی که در آنها یکی از شرایط عضویت این است که شریک (متقاضی عضویت) در شرکت تعاونی دیگری با همان موضوع فعالیت عضو نباشد.
- نکته ۳۶۳:** **موارد انحلال شرکت تضامنی:**
۱. در صورت پایان مدت شرکت
 ۲. در صورت انجام موضوع شرکت یا منتفی شدن موضوعی که شرکت برای آن تشکیل گردیده است.
 ۳. ورشکستگی شرکت
 ۴. تراضی تمامی شرکاء
 ۵. تقاضای یکی از شرکاء از دادگاه و موجه دانستن آن دلایل از طرف دادگاه
 ۶. فسخ یکی از شرکاء در صورتی که به قصد اضرار نباشد و شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکا اعلام نموده باشد (حق فسخ نیز طبق اساسنامه از شرکا سلب نشده باشد).

۷. در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء در صورتی که مدیر تصفیه تقاضای انحلال شرکت را کرده باشد و شرکت مدیر تصفیه را منصرف نکرده باشند.

۸. در صورت فوت یا محجوریت شریک، بقاء شرکت منوط به رضایت شرکاء و قائم‌مقام متوفی است و اگر قائم‌مقام متوفی ظرف یک ماه از تاریخ فوت، رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام نکرده باشد سکوت وی حمل بر رضایت وی می‌شود.

نکته ۳۶۴: برخلاف شرکت‌های با مسؤولیت محدود در این دو شرکت، شرکاء می‌توانند به هر دلیل موجهی انحلال شرکت را از محکمه بخواهند حتی اگر سرمایه شرکت افزایش هم داشته باشد اما در شرکت با مسؤولیت محدود شریک زمانی می‌تواند درخواست انحلال کند که به واسطه‌ی ضررهای وارده بیش از نصف سرمایه‌ی شرکت از بین رفته باشد.

نکته ۳۶۵: ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شریک ندارد مگر آنکه شرکت منحل شود و طلبکار به شریک مراجعه نماید و شریک از پرداخت طلب عاجز باشد و شخصاً نیز تاجر باشد و طلبکار طرح دعوی نماید و دادگاه توقف شریک تاجر را احراز نماید و حکم به ورشکستگی شریک دهد.

نکته ۳۶۶: به ورشکستگی شرکت تضامنی پس از انحلال آن نیز می‌توان حکم داد مشروط بر آنکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد زیرا با تقسیم دارایی شخصیت حقوقی شرکت کاملاً از بین می‌رود.

شرکت نسبی

نکته ۳۶۷: شرکت نسبی: شرکتی است که بین حداقل دو نفر شریک تشکیل می‌شود.

نکته ۳۶۸: در این شرکت مسؤولیت شرکاء در مقابل طلبکاران به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته‌اند.

نکته ۳۶۹: شرکت زمانی تشکیل می‌شود که آورده‌های نقدی شرکاء تأدیه و آورده‌ی غیرنقدی به تراضی شرکاء تقویم و تسلیم شود.

نکته ۳۷۰: انتقال سهم‌الشرکه در این شرکت به تراضی تمام شرکاء می‌باشد.

نکته ۳۷۱: تقسیم منافع در این شرکت به نسبت سرمایه می‌باشد مگر آنکه شرکت‌نامه ترتیب دیگری مقرر نموده باشد.

نکته ۳۷۲: طلبکاران شرکت برای وصول طلب خود باید به شرکت مراجعه نمایند و اگر شرکت منحل شود و دارایی شرکت کافی نباشد می‌توانند به شرکا برای وصول طلب خود مراجعه نمایند.

نکته ۳۷۳: طلبکاران شخصی شریک تا قبل از انحلال شرکت حقی بر دارایی شرکت ندارند.

نکته ۳۷۴: چنانچه شرکت منحل شود برای مراجعه به دارایی شریک، شرکای شخصی و شرکای شرکت تقدیمی بر یکدیگر برای مراجعه به دارایی شرکت ندارند.

نکته ۳۷۵: موارد انحلال شرکت نسبی همان موارد انحلال شرکت تضامنی است.

شرکت مختلط غیرسهامی

نکته ۳۷۶: شرکت مختلط غیرسهامی: دو دسته اشخاص در این شرکت حضور دارند = حداقل یک شریک با مسؤولیت محدود و یک شریک ضامن. پس، حداقل اعضاء در این شرکت دو نفر است: حداقل یک شریک با مسؤولیت محدود و حداقل یک شریک ضامن.

نکته ۳۷۷: مسؤولیت شریک با مسؤولیت محدود فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت آورده است که این اصل دارای استثنائاتی می‌باشد:

۱. اگر نام شریک با مسؤولیت محدود جزء نام شرکت باشد در مقابل طلبکاران در حکم شریک ضامن خواهد بود.

۲. اگر شریک با مسؤولیت محدود معامله‌ای برای شرکت نماید و تصریح نکنند که معامله را در سمت وکالت از طرف شرکت انجام داده است.

نکته ۳۷۸: شرکای با مسؤولیت محدود: اصولاً تأمین سرمایه با شرکای با مسؤولیت محدود است. الزامات و قواعد حاکم بر این شرکاء، تابع مقررات شرکت‌های با مسؤولیت محدود است.

نکته ۳۷۹: مسؤولیت شریک ضامن مسؤولیت تضامنی می‌باشد.

- نکته ۳۸۰:** در این شرکت سرمایه از طرف شرکای با مسؤولیت محدود گذاشته می‌شود و شریک ضامن اصولاً بدون گذاشتن سرمایه وارد شده و با کار و صنعت خود در منافع سهیم می‌شود.
- نکته ۳۸۱:** اداره‌ی شرکت بر عهده‌ی شرکای ضامن است. به علاوه شریک ضامن را زمانی می‌توان برای پرداخت قروض تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.
- نکته ۳۸۲:** در صورت تعدد شرکای ضامن، رابطه‌ی آنها با طلبکاران مسؤولیت تضامنی است و رابطه‌ی آنها با یکدیگر (روابط شرکای ضامن) تابع مسؤولیت نسبی است.
- نکته ۳۸۳:** شریک با مسؤولیت محدود حق نظارت بر امور شرکت را دارد بدون آنکه دخالتی در امر اداره‌ی شرکت داشته باشد.
- نکته ۳۸۴:** شریک با مسؤولیت محدود نمی‌تواند شخص ثالثی را با انتقال تمام یا بخشی از سهم‌الشرکه‌ی خود در شرکت وارد نماید و باید با رضایت سایر شرکاء باشد.
- نکته ۳۸۵:** شریکی که بدون رضایت سایر شرکاء به شرکت وارد شده است حق هیچ‌گونه دخالت و نظارت و تفتیش در امور شرکت را ندارد.
- نکته ۳۸۶:** در صورت ورشکستگی شرکت، طلبکار شریک حقی بر آن ندارد و دارایی شرکت بین طلبکاران شرکت تقسیم می‌شود.
- نکته ۳۸۷:** در تقسیم دارایی شرکت، سهم‌الشرکه‌ی شرکای با مسؤولیت محدود نیز جزو دارایی شرکت محسوب می‌شود.
- نکته ۳۸۸:** در صورت عدم کفایت دارایی شرکت پس از انحلال، طلبکاران شرکت می‌توانند برای استیفای بقیه‌ی طلب خود به دارایی شریک مراجعه کنند و در این حالت تفاوتی بین طلبکاران شریک و طلبکاران شرکت نمی‌باشد.
- نکته ۳۸۹:** موارد انحلال شرکت مختلط غیرسهامی، همان موارد انحلال شرکت تضامنی است. مرگ یا محجوریت شرکای با مسؤولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌باشد.

شرکت مختلط سهامی

- نکته ۳۹۰:** شرکت مختلط سهامی: شرکتی است که حداقل اعضای آن سه نفر است. حداقل دو شریک سهامی + حداقل یک شریک ضامن (برخی نیز حداقل تعداد اعضاء را چهار نفر دانسته و شرکای سهامی را حداقل سه نفر می‌دانند).
- نکته ۳۹۱:** در اسم شرکت باید عبارت شرکت مختلط و اسم یکی از شرکای ضامن قید شود.
- نکته ۳۹۲:** تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا به عمل نمی‌آید و تشکیل شرکت واقع نمی‌شود مگر در جلسه‌ی دیگر مجمع عمومی که برحسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای اینکه در جلسه‌ی دوم تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود باید لااقل پنج روز قبل از انعقاد جلسه گزارشی در این خصوص طبع و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد.
- نکته ۳۹۳:** تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه‌ی مجمع عمومی قانونی نخواهد بود مگر اینکه از نظر تعداد نصف کل شرکایی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده‌اند حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند.
- نکته ۳۹۴:** کسانی که دارای سهم غیرنقدی هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند در موقعی که سهم غیرنقدی یا مزایای آنها موضوع رأی است، حق رأی ندارند. آن قسمت از سرمایه غیرنقدی که موضوع مذاکره و رأی است در جزء سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد.
- نکته ۳۹۵:** پس از تأدیه تمام سرمایه‌ی شرکت، شرکت محقق می‌شود و مدیر شرکت اقرار به وقوع آن را می‌کند و به دایره‌ی ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت ارائه می‌دهد و به همراه سایر مدارک لازم به ثبت می‌رسد و هرگاه سهام یا قطعات آن زائد بر پنجاه ریال نباشد تعهدکنندگان باید تمام وجه را تأدیه نمایند والا باید لااقل ثلث قیمت سهام را نقداً بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته می‌شود نباید کمتر از پنجاه ریال باشد.
- نکته ۳۹۶:** آورده و سرمایه شرکای سهامی به قطعات متساوی‌القیمت سهم در می‌آید و مسؤولیت آنها تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته‌اند.
- نکته ۳۹۷:** سرمایه‌ی شریک ضامن به صورت سهام در نمی‌آید و نسبت به بدهی شرکت، مسؤولیت تضامنی دارد و اگر شرکای ضامن متعدد باشند و روابط بین این شرکاء بر پایه مسؤولیت نسبی است اما در مقابل طلبکاران شرکت مسؤولیت تضامنی خواهند داشت.
- نکته ۳۹۸:** در صورتی که سرمایه شرکت‌های سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زائد بر دویست هزار ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یکصد ریال نخواهد بود. ثانیاً مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام موقت صادر نمی‌شود.
- نکته ۳۹۹:** مدیریت شرکت بر عهده‌ی شرکای ضامن است.

نکته ۴۰۰: وجود هیأت‌نظار در شرکت مختلط سهامی الزامی است. تعداد هیأت‌نظار حداقل سه نفر است و از بین شرکای شرکت انتخاب می‌شوند.

نکته ۴۰۱: **موارد انحلال شرکت مختلط سهامی:**

۱. انقضاء مدت شرکت و عدم تمدید آن

۲. انجام موضوعی که شرکت برای آن تشکیل شده یا منتفی شدن انجام آن

۳. ورشکستگی شرکت

۴. در صورت تصمیم مجمع عمومی در صورتی که اساسنامه این حق را برای مجمع در نظر گرفته باشد (با اکثریت مطلق آراء).

۵. در صورت تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن (با اکثریت مطلق آراء)

۶. فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن در صورتی که انحلال شرکت در این موارد در اساسنامه شرط شده باشد.

شرکت تعاونی

نکته ۴۰۲: **شرکت تعاونی:** ماهیتاً تجاری نیستند چراکه هدف از تشکیل آنها رفع نیازهای مشترک اعضاست نه کسب سود. با این وجود در ماده ۲۰ ق.ت، تجاری شناخته شده‌اند. بنابراین تاجر هستند.

نکته ۴۰۳: حداقل تعداد اعضای شرکت تعاونی هفت نفر است. البته با توجه به آیین‌نامه قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۷۱ این تعداد بر اساس نوع شرکت تعاونی متفاوت است.

نکته ۴۰۴: شرکت‌های تعاونی شرکت‌هایی هستند که **تمام یا حداقل ۵۱ درصد** سرمایه بوسیله‌ی اعضا تأمین شود

نکته ۴۰۵: خروج اعضا از شرکت اختیاری است و فقط اعضای متخصص تعاونی باید شش ماه قبل از استعفاء کتباً موضوع را به شرکت اطلاع دهند.

نکته ۴۰۶: حداقلی برای میزان سرمایه در شرکت تعاونی وجود ندارد.

نکته ۴۰۷: سهم اعضا در تأمین سرمایه شرکت‌های تعاونی **برابر** است مگر مجمع عمومی تصویب نماید که اعضا سهم بیشتری تأدیه نمایند.

نکته ۴۰۸: شرکت تعاونی زمانی تشکیل می‌شود که حداقل **یک سوم** سرمایه‌ی آن تأدیه و آورده‌ی غیرنقدی تقویم و تسلیم شده باشد.

نکته ۴۰۹: پرداخت مبلغ تعهد شده ظرف مهلتی است که اساسنامه شرکت مقرر نموده است.

نکته ۴۱۰: مسؤولیت شرکا در این شرکت اصولاً تا میزان سرمایه متعلق به آنها می‌باشد.

نکته ۴۱۱: در شرکت‌های تعاونی، مسؤولیت شرکاء در قبال دیون شرکت با توجه به نوع طلبکار متفاوت است. اگر بستانکار دولتی باشد یا مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی، مسؤولیت شرکای شرکت تعاونی در قبال دیون شرکت نامحدود است ولی چنانچه بستانکار از بخش خصوصی باشد مسؤولیت شرکاء محدود است به میزان آورده.

نکته ۴۱۲: **ارکان شرکت تعاونی:** مجمع عمومی، هیأت مدیره، بازرس یا بازرسان

نکته ۴۱۳: در مجامع عمومی، هر عضو بدون در نظر گرفتن سرمایه‌اش فقط یک رأی دارد.

نکته ۴۱۴: تصویب اساسنامه‌ی شرکت تعاونی با **حداقل دوسوم اعضای اولین مجمع عمومی عادی** است.

نکته ۴۱۵: اداره‌ی امور تعاونی طبق اساسنامه بر عهده‌ی هیأت مدیره‌ای مرکب از حداقل سه نفر و حداکثر هفت نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضای علی‌البدل می‌باشد.

نکته ۴۱۶: انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل با اکثریت نسبی می‌باشد.

نکته ۴۱۷: بازرسان شرکت می‌توانند واحد یا متعدد باشند و برای یک سال مالی انتخاب شده و انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

نکته ۴۱۸: **هیأت مدیره:** اعضای هیأت مدیره برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

- نکته ۴۱۹: اداره‌ی امور تعاونی طبق اساسنامه بر عهده هیأت مدیره‌ی مرکب از حداقل سه نفر و حداکثر هفت نفر عضو اصلی و تا یک سوم اعضا اصلی علی‌البدل می‌باشند که از بین اعضا برای مدت سه سال و با رأی مخفی انتخاب می‌گردند.
- نکته ۴۲۰: اخذ رأی برای انتخاب اعضای اصلی در یک نوبت به عمل می‌آید. حائزین اکثریت بعد از اعضای اصلی به ترتیب اعضا علی‌البدل شناخته می‌شوند و انتخاب مجدد هر یک از اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره حداکثر برای دو نوبت متوالی بلامانع است.
- نکته ۴۲۱: انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره با اکثریت نسبی مجمع عمومی می‌باشد.
- نکته ۴۲۲: هیأت مدیره در اولین جلسه از میان خود یک نفر را به عنوان رئیس هیأت مدیره، یک نفر را به عنوان نایب رئیس و یک یا دو نفر را به عنوان منشی انتخاب می‌کند.
- نکته ۴۲۳: در صورت استعفاء، فوت، ممنوعیت قانونی و یا غیبت غیرموجه مکرر (به نحوی که در اساسنامه تعیین می‌شود) اعضای هیأت مدیره، یکی از اعضای علی‌البدل به ترتیب آرای بیشتر برای بقیه مدت مقرر به جانشینی وی در جلسات هیأت مدیره شرکت می‌نماید.
- نکته ۴۲۴: اعضای هیأت مدیره می‌توانند با تصویب مجمع عمومی حقوق و مزایا دریافت نمایند.
- نکته ۴۲۵: در صورتی که عضو هیأت مدیره از محل دیگری حقوق می‌گیرد در تعاونی مربوط صرفاً پاداش دریافت خواهد کرد.
- نکته ۴۲۶: موارد انحلال شرکت تعاونی:

۱. تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده.

۲. کاهش تعداد اعضا از حد نصاب در صورتی که ظرف ۳ ماه تعداد اعضا به نصاب مقرر نرسد.

۳. انقضای مدت تعیین‌شده در اساسنامه و عدم تمدید مدت آن

۴. توقف فعالیت بیش از یک سال بدون عذر موجه

۵. عدم رعایت قوانین و مقررات مربوطه پس از سه بار اخطار کتبی

۶. ورشکستگی شرکت

نکته ۴۲۷: **اخراج از عضویت:** در موارد زیر عضو از شرکت تعاونی اخراج می‌شود: تشخیص موارد ذیل بنا به پیشنهاد هریک از مدیران و تصویب مجمع عمومی خواهد بود:

۱. از دست دادن هریک از شرایط عضویت

۲. عدم رعایت مقررات اساسنامه و سایر تعهدات قانونی پس از دو اخطار کتبی توسط هیأت مدیره به فاصله‌ی ۱۵ روز از تاریخ اخطار دوم با تصویب مجمع عمومی عادی

۳. ارتکاب اعمالی که موجب زیان مادی تعاونی شود و وی نتواند ظرف مدت یک سال آن را جبران نماید یا اعمالی که به حیثیت و اعتبار تعاونی لطمه وارد کند یا با تعاونی رقابتی ناسالم به نماید.

در صورت لغو عضویت به سبب فوت، استعفاء، انحلال و اخراج، سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو برابر مقررات اساسنامه و قرارداد منعقد محاسبه و به دیون تعاونی تبدیل می‌شود و پس از کسر بدهی وی به تعاونی به او یا ورثه‌اش حداکثر ظرف مدت سه ماه پرداخت خواهد شد.

نکته ۴۲۸: اگر تعداد ورثه بیش از ظرفیت تعاونی باشد، یک یا چند نفر به تعداد مورد نیاز تعاونی با توافق سایر وراث، عضو تعاونی شناخته می‌شوند.

نکته ۴۲۹: وزارت تعاون می‌تواند در صورت احراز تخلف در اداره‌ی امور شرکت‌ها یا اتحادیه‌های تعاونی مراتب را به دادگاه صالح اعلام و دادگاه موظف است خارج از نوبت در رسیدگی مقدماتی در صورت احراز تخلف حکم تعلیق مدیران شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی یادشده را صادر نماید.

در این صورت وزارت تعاون موظف است به طور موقت افرادی را برای تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیأت مدیره جدید منصوب نماید.

با توجه به نظم ظاهری ماده ۲۰ ق.ت اولاً شرکت‌های نسبی و تعاونی هیچ‌وقت با شرکت دیگری خلط نمی‌شود؛ ثانیاً شرکت‌های تضامنی همیشه پای ثابت شرکت‌های مختلط هستند؛ ثالثاً شرکت‌های سهامی و با مسؤلیت محدود حسب مورد با شرکت تضامنی خلط شده و مختلط سهامی و غیرسهامی را تشکیل می‌دهند.

شرکت‌های دانش‌بنیان

نکته ۴۳۰: شرکت‌های دانش‌بنیان: وفق قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات که با عنوان لایحه‌ی حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، در تاریخ ۸۹/۸/۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نکته ۴۳۱: این شرکت‌ها دارای اوصاف ذیل هستند: شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه‌ی اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه‌ی فناوری‌های برتر و با ارزش‌افزوده فراوان به ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود. شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و نیز شرکت‌ها و مؤسساتی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) از مالکیت آن‌ها متعلق به شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی باشد، مشمول حمایت‌های این قانون نیستند.

نکته ۴۳۲: تصفیه شرکت‌ها: شرکت‌های موجود و دارای شخصیت در دو حالت تصفیه می‌شود:

۱. در حالت ورشکستگی که توسط مدیر تصفیه‌ای که از سوی دادگاه انتخاب می‌شود، تصفیه می‌یابد.
۲. در حالت انحلال که توسط مدیر تصفیه‌ای که مجمع عمومی آن را انتخاب می‌کند و در صورت عدم انتخاب، آخرین مدیر قبل از انحلال می‌باشد، عملیات تصفیه انجام می‌شود.

پس شرکت ورشکسته و شرکت منحل تا ختم عملیات تصفیه دارای شخصیت حقوقی است، یعنی شخصیت باقی است مگر تا ختم عملیات تصفیه.

شرکت‌های منحل و تبدیل‌شده شخصیتشان باقی است بر خلاف شرکت‌های ادغام‌شده و تجزیه‌شده یا تصفیه‌شده که شخصیتشان زایل شده است.

نکته ۴۳۳: تصفیه شرکت بر عهده مدیر یا مدیران شرکت است مگر آنکه انحلال بر اثر ورشکستگی باشد که در این صورت با اداره‌ی تصفیه ورشکسته یا مدیر تصفیه تعیین‌شده توسط دادگاه خواهد بود.

نکته ۴۳۴: شرکت سهامی پس از انحلال و در طول تصفیه شخصیت حقوقی خود را حفظ می‌کند. البته باید توجه داشت که طبق ماده ۲۰۸ لایحه بقای شخصیت حقوقی شرکت در راستای انجام اموری است که برای تصفیه شرکت لازم است.

نکته ۴۳۵: با بقای شخصیت حقوقی شرکت، مستند به مواد ۲۰۶ و ۲۰۳ قانون، اهلیت و نام و نشانی شرکت و دارایی شرکت برای انجام امور تصفیه باقی می‌ماند. البته در کنار نام شرکت باید عبارت «در حال تصفیه» قید شود و حتی امکان صدور حکم ورشکستگی شرکت نیز در حین تصفیه وجود دارد.

نکته ۴۳۶: مدیر تصفیه می‌تواند در راستای اجرای تعهدات باقی‌مانده شرکت هر عمل حقوقی - معامله و... انجام دهد.

نکته ۴۳۷: هرگاه در حین تصفیه معلوم شود که شرکت ورشکسته است، می‌توان حکم ورشکستگی آن را از دادگاه تقاضا کرد (ماده ۲۰۳ لایحه).

نکته ۴۳۸: در شرکت‌های مختلط سهامی و غیر سهامی که دارای شرکای ضامن است انتخاب مدیر تصفیه با شرکای ضامن خواهد بود و در صورت اختلاف دادگاه مدیر تصفیه تعیین می‌کند.

نکته ۴۳۹: در شرکت‌های مختلط سهامی و غیر سهامی شرکای غیرضامن می‌توانند یک یا چند نفر را برای نظارت بر امر تصفیه معین نمایند.

نکته ۴۴۰: مدیر تصفیه اقدامات لازم را جهت تصفیه از قبیل حفظ اموال و پرداخت دیون و انجام معاملات جدید که برای اجرای تعهدات شرکت لازم است را انجام می‌دهد.

نکته ۴۴۱: چنانچه در حین تصفیه متوجه شوند دارایی شرکت کفاف کلیه دیون را نمی‌کند باید از دادگاه تقاضای صدور ورشکستگی نمایند و پس از صدور حکم امر تصفیه با اداره تصفیه یا مدیر تصفیه تعیینی دادگاه خواهد بود.

نکته ۴۴۲: تقسیم دارایی شرکت در حین تصفیه در صورتی امکان دارد که ابتدائاً سه مرتبه در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار آگهی شده و یک سال از تاریخ انتشار آن گذشته باشد.

نکته ۴۴۳: اصولاً تقسیم دارایی پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و پرداخت تمام بدهی‌های شرکت انجام می‌گیرد اما مستند به ماده ۲۲۳ لایحه مدیر تصفیه می‌تواند آن قسمت از دارایی نقدی شرکت را که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین شرکا به نسبت سهام تقسیم می‌کند.

نکته ۴۴۴: وفق قانون مالیات‌های مستقیم، مدیران تصفیه اشخاص حقوقی مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ انحلال اظهارنامه‌ی مالیاتی مربوط به آخرین دوره‌ی عملیات شرکت را بر اساس ماده ۸۵ تنظیم و به دفتر ممیزی مالیاتی مربوط تسلیم و ترتیب پرداخت مالیات متعلق را بدهند.

نکته ۴۴۵: ممیز مالیاتی مکلف است به اظهارنامه‌ی مربوط به آخرین دوره‌ی عملیات اشخاص حقوقی خارج از نوبت رسیدگی نموده و در صورتی که به مندرجات آن اعتراضی داشته باشد منتهی ظرف یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه مالیات متعلق را به موجب برگ تشخیص تعیین و ابلاغ نماید و گرنه مالیات متعلق به اظهارنامه تسلیمی به وسیله‌ی مدیران تصفیه قطعی تعلق می‌گردد.

نکته ۴۴۶: انتقال دارایی شرکت به مدیران تصفیه و اقارب طبقه اول و دوم تا درجه‌ی چهار به هر صورت باطل و بلااثر است.

نکته ۴۴۷: مدیران تصفیه ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کنند تا در روزنامه‌ی رسمی و روزنامه‌ی کثیرالانتشار درج و نام شرکت از دفتر ثبت شرکت‌ها و دفتر ثبت تجارتي حذف شود و تا زمانی که انحلال به ثبت نرسیده است در مقابل اشخاص ثالث بلااثر است.

نکته ۴۴۸: پس از اعلام ختم تصفیه، مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانک‌ها نگهداری نموده و صورت طلبکارانی را که طلب خود را دریافت نکرده‌اند به بانک تسلیم کنند.

نکته ۴۴۹: پس از انقضاء ۱۰ سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه، مبالغ باقی‌مانده در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه‌ی دولت منتقل می‌شود.

نکته ۴۵۰: این اموال و کلیه اموالی که در حکم مال بلاصاحب باشند در اختیار **سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی** قرار می‌گیرد تا در جمع‌آوری و نگهداری و اداره‌ی آن اقدام نماید و فروش این قبیل اموال منوط به حکم قضایی یا قانون است.

نکته ۴۵۱: **ادغام شرکت‌ها:** ادغام اقدامی است که بر اساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند.

نکته ۴۵۲: ادغام یا ترکیب شرکت‌ها از لحاظ مقررات مالیاتی به دو صورت ذیل می‌باشد:

نکته ۴۵۳: الف - انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های یک یا چند شرکت به یک شرکت دیگر که از این پس شرکت موجود نامیده می‌شود، به طوری که شرکت‌های ادغام شونده منحل می‌شوند لکن شرکت موجود نام و هویت خود را حفظ کرده و دارایی و بدهی آن به میزان جمع دارایی و بدهی شرکت‌های ادغام شونده افزایش می‌یابد.

نکته ۴۵۴: ب - انتقال دارایی‌ها و بدهی‌های یک یا چند شرکت به شرکت جدید، به طوری که شرکت‌های ادغام شونده منحل شده و میزان دارایی و بدهی شرکت جدید معادل جمع دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت‌های ادغام شونده خواهد بود.

نکته ۴۵۵: ادغام یا ترکیب شرکت‌ها به یکی از دو طریق فوق مشروط به آن است که مجوز قانونی آن تحصیل شده باشد.

نکته ۴۵۶: اصولاً در مورد ادغام دو شرکت، یکی از شرکت‌ها وضعیت اقتصادی بهتری دارد. در این حالت سهامداران شرکتی که رونق بیشتری دارد اصولاً تقاضای امتیازاتی می‌کنند که این امتیازات اصولاً در قالب سهام ممتاز اعطا می‌شود.

نکته ۴۵۷: **ادغام شرکت‌های بیمه و انتقال عملیات:** وفق ماده‌ی ۵۴ مؤسسات بیمه می‌توانند با موافقت بیمه‌ی مرکزی ایران و تصویب شورای عالی بیمه تمام یا قسمتی از **پورتفوی** خود را با کلیه حقوق و تعهدات ناشی از آن به یک یا چند موسسه بیمه مجاز دیگر واگذار کنند.

نکته ۴۵۸: ادغام شرکت‌های تجاری، مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری **نشود**، به شکل یک‌جانبه (بقاء یکی از شرکت‌ها - شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چندجانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید - شرکت جدید)، در چهارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام، مجاز است. کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود.

نکته ۴۵۹: انحصار عبارت است از وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد یا ورود و خروج بنگاه‌های جدید به بازار با محدودیت مواجه باشد.

نکته ۴۶۰: سرمایه‌ی شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام‌شده در آن، از پرداخت مالیات موضوع ماده (۴۸) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب و اصلاحیه‌های آن معاف است.

یه توصیهٔ مُخلصانه: از بهترین راه‌های دستیابی به اهداف این است که انرژی‌مان را در بخشش به دیگران متمرکز کنیم. اگر می‌خواهیم اعتماد به نفس خودمان بیشتر شود، سعی کنیم اعتماد به نفس اطرافیان‌مان را بالا ببریم. اگر حس امیدواری و مثبت‌اندیشی می‌خواهیم باید در شخص دیگری این‌ها را القا کنیم و اگر **موفقیت را برای خودمان می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم**. این «اثر دیگران» است بر زندگی ما! اثر موجی کمک به دیگران و بخشیدن سخاوتمندانه وقت و انرژی‌مان به آنها این است که خودمان بزرگ‌ترین ذینفع این «نوع دوستی» خواهیم بود. وقتی هم آموختیم یکی از تأثیرگذارترین بخش‌ها بر زندگی هر کس

جزوه حقوق تجارت ۲ دکتر ملاکریمی؛ جهت دریافت جزوات آزمون‌های حقوقی به ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیام بدهید یا درخواست‌تان را از طریق پیام‌رسان‌ها ارسال کنید!

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

اطرافیان‌ش می‌باشد، لذا با بهبود وضع اطرافیان در واقع زندگی خودمان را به سمت خوبی تغییر داده‌ایم. اثر دیگران یعنی اینکه اگر دوستم جزوه حقوق مدنی را خوانده است و از آن متأثر شده، آن را به من هدیه کند، من به دیگری هدیه کنم یا با نوشتن مطلبی درباره این جزوه، دیگران را تشویق به خواندن آن کنم تا هم خودم لذت ببرم، هم جامعه و اطرافیانم هم موجی از لذت و تغییر مثبت را احساس کنند. من متوجه شده‌ام بهترین راه برای به دست آوردن چیزهایی که در زندگی‌ام می‌خواهم این است که انرژی‌ام را روی بخشش به دیگران متمرکز کنم. اگر این جزوه به تو کمک کرده اوون رو برای پنج نفر بفرست؛ چون بدون تو حتی ممکن نبود آن را پیدا کند.

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «مختصر حقوق تجارت دکتر توکلی»، کتاب «حقوق تجارت در نظم تطبیقی دکتر علی فلاح» و کتاب «حقوق تجارت دکتر پاشایی» کمک گرفته‌ایم. به روزرسانی جزوه: ۱۴۰۲ اینستاگرام @omid_mollakarimi



امید ملاکریمی هستیم؛ به حواس پرت متولد دهه ۶۰! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک‌گذاری آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاش‌م را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانس رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که به کار ثابت هم داشتم که ماهانه به حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام به کارمند سطح بالا توو به اداره بشم که نهایتاً به حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به به حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به به حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمايي که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو به محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقاییش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شناسی نداری!» اطمینان نداشتیم که به موفقیت برسیم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله به بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که به ماشین بخری، اول برو به جاسوییچی برای ماشینی که توو روایته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق‌سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤل یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگرهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمت بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتیم در وضعیتی هستیم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیتت همه جا بیپچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی (پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.)

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیام بدین و یا از طریق پیام‌رسان‌ها درخواست بدین تا تمام جزواتی که تضمین‌کننده قبولی شما در آزمون‌های حقوقی است را برایتان ارسال کنم!